



اسلام و مطالعات اجتماعی

سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

۴۸

صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.isca.ac.ir

مدیر مسئول: نجف لک‌زایی

سرمدبیر: حمید یارسانیا

مدیر اجرایی: محسن قنبری‌نیک

۱. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی به استناد مصوبه ۱۳۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۳ حائز رتبه علمی - پژوهشی گردید.

۲. به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوبات شورای عالی حوزه علمیه قم در خصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجب امتیازات قانونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌باشد».

فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)؛ بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)؛ سیویلیکا (Civilica)؛ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir)؛ پایگاه Google Scholar نمایه و در سامانه نشریه: jiss.isca.ac.ir و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) بارگذاری می‌شود. هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست.

نشانی: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/ ۳۶۸۸ * تلفن: ۳۱۱۵۶۹۰۹-۰۲۵ سامانه نشریه: jiss.isca.ac.ir

رایانامه Eslam.motaleat1394@gmail.com

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



www.jiss.isca.ac.ir

اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

نصرالله آقاجانی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

کریم خان محمدی

دانشیار و مدیر گروه آموزشی مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

محمود رجبی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

سیدعباس صالحی

استادیار پژوهشکده اسلام تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسن غفاری فر

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

حسین کچویان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نعمت الله کرم الهی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

شمس الله مریجی

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

داوران این شماره

قاسم ابراهیمی پور، نصراله آقاجانی، سعید امیر کاوه، خلیل امیری زاده،
محمد حسین پوریانی، سیدعباس حسینی، داود رحیمی سجاسی، محمد رفیق،
محسن قنبری نیک و مهدی نصیری.

فراخوان دعوت به همکاری

فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزه مطالعات اجتماعی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی در عرصه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. توسعه تحقیقات در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با رویکرد دینی؛
۲. تبیین مبانی معرفتی و فلسفی علم اجتماعی دینی؛
۳. تدوین و ترویج دانش اجتماعی اندیشمندان مسلمان؛
۴. گسترش و هدایت حوزه‌های دانش نظری و کاربردی در عرصه فرهنگی و اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه هدف، در جهت تکوین علوم انسانی - اسلامی؛
۵. تولید ادبیات بومی - اسلامی در حوزه فرهنگ و اجتماع؛
۶. ایجاد انگیزه و بسترسازی پژوهش در حوزه مطالعات فرهنگی و اسلامی؛
۷. توسعه همکاری و تعامل علمی میان استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه؛
۸. ارتقای سطح علمی استادان و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی؛
۹. زمینه‌سازی نشر دستاوردهای علمی - پژوهشی اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی؛
۱۰. تقویت پژوهش‌های معطوف به مسئله محوری، راهبردی و آینده‌پژوهی؛

اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بازخوانی و نقد نظریات حوزه علوم اجتماعی؛
۲. جریان‌شناسی حوزه مطالعات فرهنگی اجتماعی؛
۳. سیاست‌پژوهی ناظر به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه؛
۴. روش‌شناسی حوزه علوم اجتماعی با تأکید بر نظریات فرهنگی.

رویکردهای اساسی

۱. تمرکز محتوایی بر مباحث فرهنگی و اجتماعی معطوف به حوزه دین با رویکرد تطبیقی، بین‌رشته‌ای؛

۲. رعایت معیارها و ضوابط علمی - پژوهشی به‌ویژه در ابعاد روشی و نظری؛
۳. پژوهش محوری با تأکید بر پژوهش‌های میدانی و پیمایشی؛
۴. مسئله محوری و راهبردی و راهبردی با تأکید بر مطالعات کاربردی.

از کلیه صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران علاقه‌مند دعوت می‌شود تا آثار خود را جهت بررسی و چاپ در فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس jiss.isca.ac.ir ارسال نمایند.

راهنمای تنظیم مقاله

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت یابی می شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.
- شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر: چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله ای که نشریه متوجه عدم اطلاع رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می کند:
- پایان نامه (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
- *** مقاله ارسالی از دانشجویان (ارشد و دکتری) به تنهایی قابل پذیرش نبوده و ذکر نام استاد راهنما الزامی می باشد.
- طرح پژوهشی (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
- ارائه شفاهی در همایش و کنگره (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)
- روند ارسال مقاله به نشریه: نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «ارسال مقاله» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را تنها از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش
- ۱. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته های جدید است را می پذیرد.
- ۲. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.
- فایل هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:
- ✓ فایل اصل مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- ✓ فایل تعهدنامه (با امضای همه نویسندگان)
- ✓ فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و
- ✓ فرم عدم تعارض منافع
- ✓ فایل فرم مشابهت یاب مقاله (انگلیسی)

- تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).
- تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع، توسط نویسنده مسئول الزامی می‌باشد.
 - حجم مقاله: واژگان کل مقاله: بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ کلیدواژه‌ها: ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ چکیده: ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مسئله یا سؤال اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).
 - نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.
 - وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی‌های ذیل درج شود:
 ۱. اعضای هیات علمی: رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
 ۲. دانشجویان: دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
 ۳. افراد و محققان آزاد: مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
 ۴. طلاب: سطح (۴،۳،۲)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه / مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.
 - ساختار مقاله: بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:
 ۱. عنوان؛
 ۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع / مسئله / سؤال / هدف / روش / نتایج)؛
 ۳. مقدمه (شامل تعریف مسئله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)؛
 ۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)؛
 ۵. نتیجه‌گیری (بحث و تحلیل نویسنده)؛
 ۶. بخش تقدیر و تشکر: پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛
 ۷. منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش فهرست منابع، ذیل عنوان References درج شوند).
 - روش استناددهی: APA (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک داللود فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

فهرست مقالات

- مرجعیت اجتماعی روحانیت ۷
غلامعلی فلاح
- جامعه دینی از منظر قرآن کریم با تأکید بر مؤلفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت ۳۴
راضیه کاظمی - علی غضنفری - اسماعیل چراغی کوتیانی
- بررسی تأثیر ذکر در تعالی اخلاق اجتماعی ۶۵
فرح تلاشان - یوسف عمرانی‌نژاد
- نقبی بر فراغت ارزشی علوم اجتماعی در سنت لیبرالیسم (و تأکید بر سنجۀ قرآنی) ۹۲
سید حسین فخر زارع
- مسلمان فرهنگی و نقدی بر مبانی فلسفی آن ۱۲۱
مریم سلطانی کوهانستانی
- مسئله‌شناسی تبلیغ دینی در ایران ۱۵۲
سید محسن میرسندسی
- پیامدهای جنگ شناختی بر دانش‌آموزان و راهبردهای مقابله با آن (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب) ۱۸۵
علیرضا حیدری سده - مهدی عمانی
- نقش مساجد به عنوان فضاهاى عمومى - فرهنگی در ارتقای پایداری اجتماعی شهرهای اسلامی بر
اساس روش تحلیل تم (مطالعه موردی: خرم‌آباد) ۲۱۸
کامران دولتیاریان - محمدحسن یزدانی - عطا غفاری گیلانده - حسین نظم‌فر

The Social Authority of the Clergy¹

Gholam Ali Fallah

Level Four Seminary Student in Philosophy, Islamic Seminary of Qom, Iran
alifallah1181@gmail.com



Abstract

The social authority of the clergy is the issue addressed in this article. The aim of this research is to reassess the status of clerical authority in recent decades. After the introduction and problem statement, the study is divided into four chapters that explore the indicators and challenges of the clergy's social authority, its security implications, and strategies for its preservation. We conclude that with the realization of the Islamic Revolution in Iran and the gradual transition from a traditional state to a post-traditional space, the clergy has experienced a kind of displacement. Consequently, some of its previous roles have lost relevance and have manifested in new forms. As a result, based on the findings of this study, the clergy's social authority has relatively declined in certain traditional contexts—an inevitable consequence of transformations brought by the modern era. One of the strengths of this research is its dual methodology, combining both library research and interviews with experts. The sources used include scientific and specialized books and articles, seminary special issues, and journals. Considering the rapid advancement of science and

1. Fallah, G. (2025). The social authority of the clergy. *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 7-33.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.59254.1760>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2021/01/25 • **Revised:** 2021/02/04 • **Accepted:** 2025/08/02 • **Published online:** 2025/08/07

© **The Authors**



technology and the necessity of knowledge-based research in the global arena, this study is neither the first nor the last on this subject and naturally may have some shortcomings. Thus, we welcome constructive feedback from all scholars and writers.

Keywords

Society, Displacement, Clergy, Authority

مرجعیت اجتماعی روحانیت^۱

غلامعلی فلاح

طلبه سطح چهار، رشته فلسفه، حوزه علمیه قم، ایران.

alifallah1181@gmail.com

چکیده

مرجعیت اجتماعی روحانیت، مسئله‌ای است که ما در این مقاله به بررسی آن می‌پردازیم، هدف از این تحقیق بازشناسی وضعیت مرجعیت روحانیت در دهه‌های اخیر است. در این پژوهش پس از مقدمه و تبیین مسئله، در چهار فصل به شاخص‌ها و چالش‌های مرجعیت اجتماعی روحانیت، پیامدهای امنیتی آن و ارائه راهبردهای صیانتی پرداخته، سپس نتیجه گرفته‌ایم که با تحقق انقلاب اسلامی در ایران و انتقال تدریجی از وضعیت سنتی به فضای فراستی، روحانیت، گرفتار نوعی «از جا کنندگی» شده و به‌ناچار برخی نقش‌های پیشین آن موضوعیت خود را از دست داده و در قالب‌های دیگری تجلی پیدا کرده است. در نتیجه بر اساس یافته‌های این پژوهش، مرجعیت اجتماعی روحانیت در پاره‌ای محیط‌های سنتی کاهش نسبی داشته است؛ و این کاهش نسبی لازمه تحولات عصر مدرنیته است. از امتیازات این تحقیق آن است که؛ در آن، هم از روش کتابخانه‌ای، هم مصاحبه با صاحب‌نظران استفاده شده است. منابعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته عبارت‌اند از: کتب و مقالات علمی و تخصصی، ویژه‌نامه‌ها و مجلات حوزوی. با توجه به شتاب روزافزون علم و فن‌آوری و ضرورت حضور دانش پژوهش محور در عرصه جهانی، این اثر نه نخستین و نه آخرین پژوهش در این زمینه بوده و طبعاً کاستی‌هایی نیز خواهد داشت؛ از این رو نیازمند دیدگاه‌های اصلاحی همه اندیشمندان و صاحبان قلم هستیم.

کلیدواژه‌ها

«اجتماع»، «از جا کنندگی»، «روحانیت» و «مرجعیت».

۱. فلاح، غلامعلی. (۱۴۰۴). مرجعیت اجتماعی روحانیت. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴۸)، صص ۷-۳۳.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.59254.1760>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶ □ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



مقدمه

با تشکیل حکومت اسلامی در ایران و گسترش دامنه فعالیت روحانیت و گذشت بیش از چهل سال از آن و آغاز گام دوم انقلاب، عملکرد روحانیت نیازمند مطالعه و بازخوانی بوده تا ضعف‌ها و قوت‌های آن مورد ارزیابی قرار گیرد. نهاد روحانیت از زوایای گوناگون در خور بحث و بررسی است؛ اما مسئله در اینجا «مرجعیت اجتماعی روحانیت» است.

مسئله‌ی این تحقیق، طبقه ویژه‌ای از نهاد روحانیت همانند مراجع معظم تقلید نیست، یا منظور کارگزاران حکومت، شاغلین در دوائر دولتی یا فی‌المثل مدرسین و مبلغین فقط نیست. بلکه روحانیت به معنای عام کلمه است، همان معنایی که از این کلیدواژه به ذهن عرف متبادری شود. می‌خواهیم بدانیم آیا روحانیت در نظر مردم به میزان دهه‌های پیشین مقبولیت دارد به گونه‌ای که در امور مختلف به آنان اعتماد کرده و مراجعه داشته باشند یا خیر؟ مسئله‌ی ما متشکل از سه سؤال اساسی است؛ نخست اینکه، آیا مرجعیت اجتماعی روحانیت تنزل پیدا کرده است؟ دوم اینکه، پیامدهای امنیتی آن در صورت کاهش نسبی چیست؟ سپس پیشنهادهای راهبردی برای صیانت از آن را ارائه دهیم.

اهمیت «مرجعیت اجتماعی روحانیت» از آن نظر است که هم به دین مربوط است، هم به مردم و هم به حکومت دینی. به دین مربوط است چون روحانیت نماد دین و دینداری است، به مردم مربوط است چون مردم با آنان ارتباط تنگاتنگ دارند و به حکومت دینی مربوط است چون کاستی‌های حکومت دینی به حساب آنان گذاشته می‌شود.

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن روست که: اولاً، پاسخ منطقی به پرسش‌های متقاضیان داده شود، ثانیاً، برآوردی از وضعیت فعلی براساس مستندات به عمل آید، ثالثاً، چالش‌های امنیتی آن نیز برای بهره‌برداری در اختیار متولیان امور روحانیون قرار گیرد. در ضمن، در این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای نیز انجام گرفته، تلاش بر این بوده که به برداشت‌های غلط عامیانه نیز به‌طور ضمنی پاسخ داده شود.

مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که درباره‌ی روحانیت از زوایای گوناگون پژوهش‌هایی صورت گرفته، از جمله مؤسسه فرهنگی مطالعاتی صراط مبین؛ اما تحقیقی که این موضوع را از منظر امنیتی، بررسی کرده باشد مشاهده نگردید. از این رو این مقاله پس از مفاهیم کلی، و عوامل تأثیرگذار بر مرجعیت روحانیت، به چالش امنیتی و پیامدهای آن پرداخته است.

کلیات

الف) مفهوم‌شناسی

۱. **مرجعیت:** این واژه مصدر جعلی از ریشه «ر، ج، ع» به معنای برگشتن و مراجعه کردن است. گروه مرجع گروهی است که فرد خود را با آن یکی می‌داند، اندیشه‌ها و افکارش را از آن می‌گیرد و همواره درستی یا نادرستی اندیشه‌ها و افکارش را با معیارهای آن می‌سنجد. از این رو، گروه مرجع یکی از مفاهیمی است که در کنار سایر مفاهیم برای تبیین منابع تولید نگرش و رفتار و به کارگیری معیارهای خودسنجی و دگرسنجی به کار می‌رود و سازوکارهای رابطه فرد را با گروه‌های اجتماعی مشخص می‌کند.

«از آنجا که گروه مرجع، الگوی درون گروهی اعضاء محسوب می‌شود، می‌تواند انواع کارکردها را داشته باشد، از جمله؛ گسترش همنوایی در جامعه، همانندسازی ارزشی، منبعی برای شکل‌گیری نگرش‌ها، تأمین نیاز به امنیت با ارائه پناهگاه هویتی، تأمین نیازهای اخلاقی، تأمین نیازهای معرفتی و ارائه تشخیص به فرد» (نجفی، ۱۳۹۷، صص ۸۸-۸۹).

۲. **اجتماع:** منظور از اجتماع؛ جامعه و توده‌ی مردم در جامعه و اذهان عمومی است. «اجتماعی» در این پژوهش، در مقابل سیاسی، مذهبی، اقتصادی و امثال آن نیست؛ چون ممکن است این مرجعیت، در همه این ابعاد بوده باشد، بلکه اجتماعی اینجا در مقابل مرجعیت و منزلت ارزشی فردی است؛ زیرا ممکن است کسی ارزش فردی و الایی داشته باشد ولی محبوبیت و مقبولیت اجتماعی نداشته باشد.

۳. **روحانیت:** روحانی در اصطلاح عرف به کسی گفته می‌شود که در یکی از حوزه‌های علمیه تحصیل کرده و به دست یکی از برجستگان حوزه علمیه ملبس به لباس روحانیت شده باشد؛ و در اصطلاح، روحانی به معنای عالم دینی و متخصص در تربیت و رشد و شکوفایی استعدادهای معنوی انسان‌ها و رهبر جامعه به‌سوی کمال و سعادت ابدی است.

ب) کارکردشناسی

در هر جامعه‌ای (کوچک یا بزرگ) تقسیم کار وجود دارد و هر بخشی از کارهای تقسیم‌شده در یکی از سازمان‌های اجتماعی متمرکز شده است. کارکردهایی که از نظر سیستمی با الهام‌گیری از نظام وحی با محوریت پیامبر ﷺ، می‌توان برای روحانیت بازشناسی نمود، عبارت‌اند از:

- پژوهشی/تحقیقی؛ استخراج و استنباط آموزه‌های دینی؛
- رسانشی/تبلیغی؛ صیانت از آموزه‌های اسلامی و پاسخگویی به پرسش‌ها و اندیشه‌های انحرافی؛
- آموزشی/تعلیمی؛ آموزش و گسترش معنویت، اخلاق و فرهنگ اسلامی در جامعه؛
- پرورشی/تربیتی؛ تربیت نیروی انسانی برای رفع نیازهای دینی در بخش‌های مختلف جامعه؛
- مدیریتی/حکومتی؛ پشتیبانی از نظام با تکیه بر نظریه‌پردازی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی؛
- هویتی؛ اهتمام به تحقق تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع)؛ که این کارکرد، برآیند کارکردهای پنج‌گانه پیشین است.

ج) پیشینه‌شناسی

پیشینه‌ی حوزه و روحانیت به سابقه‌ی تکنون اسلام برمی‌گردد، رسول خدا ﷺ با

استقرار در مدینه به تفهیم، تبیین و اجرای قوانین و آموزه‌های وحیانی اقدام نمودند. ولی روحانیت مصطلح با پایان یافتن دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبری، به‌طور رسمی و عملی مصداق یافته و کم‌کم گسترده شده و مرجعیت اجتماعی پیدا کرده است.

روحانیت شیعه در ایران همواره گروه مرجع مردمی تلقی می‌شده و توده‌ها از دیرباز در مسائل دینی، سیاسی، فکری، فرهنگی و اجتماعی به آن‌ها مراجعه می‌کرده‌اند و این در اثر اعتمادی بوده که مردم به این قشر داشته‌اند. اعتماد جزء جدایی‌ناپذیر همه‌ی ابعاد زندگی انسان‌هاست و هرچه اعتماد در جامعه بالاتر باشد مشارکت اجتماعی بالاتر می‌رود.

۱. شاخص‌های مرجعیت اجتماعی روحانیت

لازمه‌ی مرجعیت، نفوذ در دیگران است، «نفوذ» توان تأثیرگذاری خواسته یا ناخواسته است که به دلیل ابتدای کامل بر اقناع و جذب و اتکای بر تبادل ارزش‌های حقیقت شناسانه، نیکویی شناسانه و زیبایی شناسانه عمدتاً در ساحات اجتماعی و فرهنگی موضوعیت می‌یابد. شکل‌گیری نفوذ، مستلزم قصد وارده‌ی پیشینی در صاحب نفوذ نیست و تصور وجود چنین قصدی در او ممکن است حتی به تضعیف آن بیانجامد. همین ویژگی است که سازوکارِ اثرگذاری آن را غیرمستقیم ساخته است. علاوه بر توان اقناع‌کنندگی و جذبه‌ی شخصی صاحب نفوذ، عوامل دیگری چون انتساب و استظهار به ذوات مقدس و داشتن صلاحیت‌های عمومی هوش و اطلاعات و تخصص، در استحکام و تقویت نفوذ مؤثر است» (فراتی، ۱۳۹۴، ص ۳۲).

طبعاً بن‌مایه‌ی اساسی نفوذ، اقناع و جذب است؛ و زمینه‌های شکل‌دهنده‌ی آن را نیز باید در عقاید و ارزش‌های مشترک، ویژگی‌های شخصیتی مثبت، موقعیت نقش‌های مؤثر و عملکرد مبتنی بر مشخصات این سه مورد جستجو نمود. ازاین‌رو، عوامل نفوذ و مرجعیت اجتماعی روحانیت شیعه را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۱. انتساب روحانیت به دین و مقدسات

چون فطرت آدمی به دین به‌ویژه دین اسلام گرایش دارد و از آنجاکه فضای جامعه، فضای دینی است و مردم متدین راه نجات و سعادت خود را در گرو آموزه‌های دینی و وحیانی می‌دانند؛ منتسب بودن «روحانی» به دین می‌تواند تأثیر مستقیم با مرجعیت و نفوذ اجتماعی او داشته باشد. هرچند فضای دینی جامعه خود محصول تلاش‌های علمی - فرهنگی روحانیت است و این رابطه متقابل روحانیت و مردم، خود مقوم تأثیرگذاری است. البته پوشش و لباس ویژه‌ی روحانیت به‌ویژه سیادت نیز برای توده مردم، مزید بر علت است.

۲-۱. اکتساب روحانیت از منبع وحی

مرجعیت و محبوبیت روحانی در این مسیر برخاسته از میزان تمثل او به دین و تبلور آیین در منش و کنش اوست. نفوذ روحانی در این عامل همچنان از اقبال و اشتیاق مردم به دین برمی‌خیزد؛ اما نسبت مورد انتظار در اینجا از سطح و اجمال به عمق و تفصیل میل پیدا می‌کند و محبوبیت و نفوذ شخص روحانی تابعی از میزان تمثل و تشبه او به اسوه و الگوهای معرفی شده در آیین گردیده است.

۳-۱. ویژگی‌های شخصی و فردی

اگر روحانی که با هنرنمایی و ابتکار عمل و مختصات شخصی خود، بتواند داشته‌های خود را به زیبایی در رفتار و گفتار خود تجلی بخشد؛ جذابیت، محبوبیت، منزلت و مرجعیت افزون‌تری خواهد یافت. سلیقه‌های فردی یک روحانی با اوصافی مثل؛ ایمان و تقوی، علم و تخصص، اشتیاق و انگیزه، خلوص و شجاعت، صبر و استقامت، حسن خلق و معاشرت، هوش و ذکاوت، خوش‌بینی، انتقادپذیری، روحیه‌ی مشورت و همکاری، روحیه‌ی عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی، ساده‌زیستی و قناعت و مانند آن تعیین‌کنندگی و تأثیرگذاری مضاعفی پیدا می‌کند.

۴-۱. موقعیت‌مندی و صاحب‌منصبی

موقعیت و نقش‌های مختلفی که یک روحانی با نسبتش به دین پذیرا می‌شود؛

از آن رو که پاسخگوی مراجعات دینی و برآورنده نیازهای خاصی در مردم است؛ فراینده محبوبیت و نفوذ اجتماعی اوست. پر واضح است موقعیت و مسئولیت‌های شغلی روحانیت بر میزان نفوذ او، به سبب کارکردهای متفاوت و حیطه و گستره‌ی هر کدام، مختلف خواهد بود. لذا در سنجش و ارزیابی این عامل، لازم است انواع نقش‌های روحانیت در مناصب اجتماعی، سیاسی و دینی احصاء و میزان نفوذ اجتماعی هر کدام به حسب مقتضیات کارکردی و نوع و میزان روابطش با مردم بررسی شود.

۱-۵. خدمت‌رسانی روحانیت و عقبه تاریخی آن

معلوم است که عملکرد غیر از کارکرد است، عملکرد یک واقعیت عینی محقق است، یعنی آنچه انجام گرفته، لذا وضع عینی و تاریخی آن پدیده بررسی می‌شود. ولی کارکرد (شرح وظیفه یا کار ویژه) اصل مورد انتظاری است که از فلسفه‌ی وجودی روحانیت استنتاج می‌شود و مبنای ارزیابی عملکرد آنان قرار می‌گیرد. «عملکرد یک روحانی به‌طور کلی محصول موقعیت و نقش‌هایی است که به تبع انتسابش به دین به عهده گرفته و صفاتی است که به تبع تمثلش به دین کسب کرده است. ارزیابی مردم از کیفیت عمل روحانیت، عامل تعیین‌کننده‌ای در افزایش یا کاهش نفوذ اجتماعی آنان است، به‌ویژه زمانی که مردم از او انتظار تمثل و شبه حداکثری به مظاهر دینی و مکتبی داشته باشند» (فرازی، ۱۳۹۴، صص ۳۲-۳۸). به همین جهت، عالمان دینی همواره در کنار تبلیغ دین به خدمات عمرانی از قبیل؛ ساختن حمام، آب‌انبار، مدرسه و مسجد همت می‌گماردند.

۲. چالش مرجعیت روحانیت

۲-۱. نکات مقدماتی

۲-۱-۱. قضاوت کردن در مورد اینکه مرجعیت اجتماعی روحانیت در همه ابعاد تنزل داشته باشد، آسان نیست؛ و در پاره‌ای موارد نیز که تنزل مرجعیت یا کاهش منزلت و مرجعیت تلقی می‌شود، کاهش و تنزل نیست، بلکه تغییر است که برخاسته از تحول

جامعه سنتی به جامعه مدرن است. در جامعه مدرن به طور تدریجی تک مرجعی شکسته شده متعدد مراجع پدید آمده است. روشنفکران مذهبی، مداحان، قطب گرایان و غیب گویان، عرفان‌واره‌ها و امثال آن‌ها امروزه می‌توانند به عنوان رقبای روحانیت، آن‌ها را از تک مرجعی خارج نمایند.

اگر روحانیت در گذشته (پیش از انقلاب) فقط در مساجد و حسینیه‌ها و در ایام خاص مثل محرم و رمضان در اجتماع حاضر و انجام وظیفه می‌کرد، امروز با تشکیل نهادهای عقیدتی و فرهنگی رسمی و قانونی، در اغلب ادارات و سازمان‌ها حضور داشته و در طول سال به آنان مراجعه می‌شود. این حضور تخصصی در محیط‌های گوناگون کشور به میزان زیادی از مراجعه مردم به روحانیت در اماکن سنتی را کم نموده است.

۲-۱-۲. روحانی در عرف جامعه ما کسی است که پا جای پای پیغمبر ﷺ گذاشته است، مردم می‌گویند لباس پیغمبر به تن دارد، رسالتش، رسالت پیامبران است. رسالت اصلی رسول خدا ﷺ اسم گذاری کودک، عقد و ازدواج، دفن میت و مانند آن نبوده، بلکه رسالت اصلی آن حضرت هدایت کلی جامعه به سمت سعادت ابدی بوده که در سایه تشکیل حکومت دینی و زمامداری جامعه تحقق می‌یابد. از این رو، کاهش مراجعه به روحانیت در امور نازلی همانند تلقین میت، نشانه تنزل جایگاه روحانی نیست و بر فرض هم چنین تنزلی باشد، جای نگرانی ندارد، ای بسا این به اصطلاح؛ «از جا کنده‌گی» روحانیت نوعی امر مبارک نیز باشد به دلیل آنکه باعث می‌شود روحانیت بهتر به مسئولیت‌های مهم‌تر خود بپردازد.

۳-۱-۲. چه بسا برخی بر اساس مشاهدات شخصی به اهانت‌های موردی به ملبسین در کوی و برزن استناد نموده و بگویند: محبوبیت روحانیت کم شده است، در صورتی که چنین تعرضاتی، از دیرباز وجود داشته است؛ اتفاقاً زمان طاغوت این قبیل تحقیرها و توهین‌ها بیشتر بوده است. آیا بدرفتاری‌های امروز بدتر از به شهادت رساندن بزرگانی چون آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری است که مردم مشاهده کردند و هیچ عکس‌العملی نشان ندادند، یا شنیده‌ایم که علماء را سوار به وسایل نقلیه نمی‌کرده و یا وسط بیابان پیاده می‌کردند.

۴-۱-۲. با همه این فرضیات و حالات، اجمالاً باید بپذیریم که مرجعیت اجتماعی روحانیت در جامعه ما به‌ویژه از منظر علمی با چالش‌هایی مواجه شده و تنزل نسبی مرجعیت نیز داشته است و این ادعا بر اساس پیمایشی است که با نمونه‌ی آماری ۱۵ هزارنفری که از تمام مراکز استان‌های کشور با محوریت میزان رضایت‌مندی از نقش‌های روحانیت در عرصه‌های مختلف صورت گرفته که مقاله آن در فصلنامه تخصصی اسلام و مطالعات اجتماعی درج گردیده است. در این نمونه آماری، در یک فهرست سیزده گانه، روحانیت از منظر اعتماد عمومی، در رتبه پنجم قرار دارد. (فتحی، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

در هر صورت وضعیت جامعه و جهان امروز تفاوت‌های فاحشی با گذشته دارد و طبعاً روحانیت امروز نیز با ادوار گذشته متفاوت شده است و این نگرانی به وجود آمده که مرجعیت روحانیت ممکن است همانند گذشته مورد اتفاق نباشد و یا دچار تغییراتی شده باشد و این تغییرات یا در اثر عوامل درونی همانند ضعف ساختاری حوزه، یا ضعف عملکرد روحانیون در زمینه علمی، مهارتی و معنوی یا در اثر عوامل بیرونی است که شامل؛ تحولات عرصه جهانی (مدرنیته)، پیروزی انقلاب اسلامی و پیامدهای آن، اشتباهات دولت‌ها و دشمنی مخالفین است. بررسی این عوامل با ترتیبی که در ادامه آمده مسیر این پژوهش را هموار می‌سازد.

۲-۲. مؤلفه‌های کاهش نسبی مرجعیت روحانیت

۲-۲-۱. عرفی‌شدن دین، به معنای کاهش اهتمامات دینی مردم:

مفهوم «عرفی‌شدن دین» عبارت است از؛ خصوصی و شخصی‌شدن دین، غیر مشیتی‌شدن دین، ابزارشدن دین، تقدس‌زدایی از دین و غلبه عقلانیت بر وحیانی بودن دین. از مؤلفه‌های شاخص عرفی‌شدن دین نیز می‌توان به مواردی از قبیل؛ حمایت از تمایلات اومانیستی، ترویج درون‌گرایی محض، ترویج فردگرایی افسارگسیخته، تبلیغ آخرت‌گرایی دنیا‌گریز یا دنیاطلبی غافلانه، طبیعت‌گرایی و ماده‌پرستی، احساس بی‌نیازی از هدایت الهی، انکار حقایق مطلق و نفس‌الامری، انکار اصول اخلاقی ثابت

ولایت‌نیر، کاهلی و سبک‌سری در انجام تکالیف، تنازل دین از موقعیت فرا نهادی به یک نهاد هم‌طراز و یا فرعی، بی‌اعتباری تدریجی مرجعیت‌های دینی، کاهش تدریجی ارزش الهی در مشروعیت بخشی و زایل شدن تدریجی مرزبندی‌های دینی در مناسبات و گروه‌بندی‌های اجتماعی اشاره کرد (خسرو پناه، ۱۳۸۸). وقتی چنین تصویری از دین در اذهان عمومی شکل گرفت سر از لابی‌الی‌گری، بی‌تفاوتی و بی‌بندوباری در آورده و منجر به بی‌اعتنایی به دین و عدم مراجعه به کارشناس دین (روحانیت) می‌شود.

۲-۲-۲. تغییر در نوع دینداری

لغویان برای واژه «دین» معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت است از؛ طاعت، جزاء، استیلا، تدبیر و غیره که بالغ بر بیست و پنج معنا می‌شود. «حقیقت دین اعتقاد به آفریده‌ای برای جهان، انسان و دستورات عملی متناسب با این اعتقادات است». (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱). در جوامع سنتی، دین معمولاً نقش اصلی در زندگی اجتماعی ایفا می‌کند. در این جوامع دین امری وحیانی و آسمانی است که برای دریافت آن باید به کارشناس آن مراجعه کرد ولی با توجه به معنای عرفی شدن که در بند شماره یک گذشت وقتی دین امری شخصی، زمینی، غیر مشیتی و ابزاری تلقی شد نوع دینداری نیز تغییر خواهد کرد و نیاز مراجعه به روحانیت کاهش می‌یابد.

۳-۲-۲. نارضایتی از دولت منتسب به روحانیت

ناکامی، ناشی از احساس محرومیت است و به نارضایتی دامن می‌زند و آن، وقتی است که شکاف و فاصله میان امکانات و انتظارات عمیق و ناپیمودنی شمرده شود. در شرایطی که مردم فساد برخی از افراد حکومت، ویژه خواری برخی متصدیان، قانون‌گریزی برخی قانون‌گذاران، رشوه‌خواری برخی قاضیان، تبعیض و بی‌عدالتی برخی مجریان، ریاکاری و تزویر، اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی و حیف و میل بیت‌المال از ناحیه برخی مسئولان را در کنار فقر و تهی‌دستی، بیکاری و اعتیاد، فحشاء و منکرات عده‌ای دیگر ببینند و انتظارات بالای خود را با آن ارزیابی نمایند، در باور عمومی خود

در مورد دولت منتسب به روحانیت تجدید نظر کرده و در نتیجه به روحانیت بدبین خواهند شد ولو اینکه در رأس، روحانی نباشد.

۲-۲-۴. تأثیرپذیری مردم از فضا سازی مخالفان

برپایی حکومت دینی خود مهم ترین دلیل بر دشمنی مخالفان با جمهوری اسلامی ایران است، تقابل در باورهای اعتقادی، عدم تمکین در مقابل قدرت ها، تبدیل شدن به قدرت مستقل در منطقه، انگیزه هایی است که برای فضا سازی های گسترده علیه انقلاب و نظام روحانیت و پذیرش این جنگ روانی از ناحیه ی مردم منجر به کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت می شود.

۲-۲-۵. ظهور گروه های مرجع جدید

در اثر بروز و تقویت گروه های مرجع نوپدید و رقیب، نفوذ اجتماعی بین آنان و روحانیت توزیع گردیده و بالطبع به کاهش مرجعیت روحانیت انجامیده، همانند؛ روشنفکران و دانشگاهیان متخصص و خرده فرهنگ های هیئات مذهبی سستی، جریان نخبگانی حوزوی با رویکرد نقد تاریخی، دین سازی های جایگزین، گفتمان افراطی گری شیعی، گسترش فضای رسانه ای و نقش محوری و رهبری آن در شبهه افکنی، عصر تکثر وعدم تعین در طریقت و نجات بخشی، توسعه مکتب سکولار، و گرایش به جهانی اندیشی. هر کدام از این کلیدواژه ها که برخی تحقق عینی یافته و برخی دیگر ممکن است در آینده اتفاق بیافتد، می تواند برای خود، مرجعیت و جاذبه ایجاد کند.

۲-۲-۶. برآمدن روحانیت بر مسند قدرت سیاسی

حکومت دینی برآمده از انقلاب اسلامی صرف نظر از سهم اشخاص روحانی از مناصب رسمی حکومتی، به هر صورت منتسب به روحانیت است، پیوند با قدرت رسمی و حاکم، فی نفسه محبوبیت زداست. صرف تلقی مردمان سنت گرا از روحانیت مقام

گریز و عقیده بر قداست پرهیز و بی‌اعتنا به مناصب اجتماعی، برای متهم نمودن آنان به دنیاگرایی کافی است که در نظر خود در ارتباط با مرجعیت روحانیت بازنگری نموده و آن را تنزل دهند.

۷-۲-۲. کوتاهی‌های روحانیت در نقش‌آفرینی مناسک اجتماعی و دینی

نفوذ اجتماعی تابعی است از نقش و جایگاهی که یک فرد یا گروه در ساختار اجتماعی اشغال می‌کند و آثاری که از عملکرد خود برای اجتماع باقی می‌گذارد. بدیهی است موقعیت‌ها و مسئولیت‌های رسمی و حکومتی برای روحانی اقتدار به وجود می‌آورد و به تبع آن هم نوعی نفوذ و مرجعیت حاصل می‌شود ولی این نفوذ غیر از آن نفوذی است که در ارتباط گسترده و صمیمی با مردم ایجاد می‌شود. البته شایان ذکر است که جمع کردن بین این نفوذ و آن، کار ساده‌ای نیست و نیاز به عمری سلوک و تهذیب دارد؛ همانند حضرت امام خمینی علیه السلام که بین حکومت‌داری و عرفان جمع کرد. بی‌تردید صاحبان آن گونه نفوذ و مرجعیت در اقلیت‌اند.

۸-۲-۲. کم‌توفیقی در برآوردن انتظارات مردم

رعایت احکام شرعی، بیان صحیح احکام دینی، پایبندی به اخلاق و آداب، به‌روز بودن معلومات دینی و اجتماعی، توان پاسخ‌گویی به پرسش‌های نسل جوان، صداقت در گفتار و عمل، تبلیغ دین بدون چشم‌داشت مادی، تلاش برای حفاظت از بیت‌المال، ساده‌زیستی، بیان حقایق و پرهیز از مصلحت‌سنجی، شجاعت در انتقاد از صاحب‌منصبان، تلاش برای جلب اعتماد مردم نسبت به دین، برخورد مناسب و کریمانه با عموم مردم، برخورد عالمانه و عقلانی با مسائل، حضور مؤثر در مشاغل آموزشی، تلاش برای رفع اختلافات خانوادگی و محلی، ارتباط خوب با جوانان و نوجوانان، و قضاوت عادلانه در منصب قضایی و غیره، از جمله انتظارات توده مردم است. مجموعه‌ی این‌ها مسئولیت روحانیت را دشوار نموده و در پاره‌ای موارد نیز توقعات مردم از آنان برآورده نشده و به‌مرور، نفوذ اجتماعی آن‌ها تحت‌الشعاع قرار گرفته است.

۲-۹. فقدان تجربه لازم در موقعیت‌های سیاسی اجتماعی

روحانیون پیش از انقلاب مسئولیت دولتی نداشتند و سردمدار حکومتی نبودند، با استقرار حکومت دینی برای نخستین بار در ایران، روحانیون از یک سو در قبال حکومت نوپا احساس مسئولیت سنگین می کردند و از سوی دیگر برای نحوه ایفای نقش آنان در حاکمیت، تعریف و تحدید سازمندی صورت نگرفته بود و آن‌ها موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی را تجربه نکرده بودند. بدیهی است سنجه‌ها و قضاوت‌های بدون اغماض و بعضاً مغرض مخالفان، نمی‌توانست قضاوت دلسوزانه‌ای داشته باشد.

۳. ملاحظات امنیتی کاهش نسبی مرجعیت روحانیت

عناصری که ممکن است در پی کاهش مرجعیت روحانیت به وجود آمده و پیامدهای امنیتی را بسترسازی نمایند عبارت‌اند از: بی‌اعتمادی مردم به حکومت دینی و ساختار آن، تضعیف بنیه اعتقادی توده‌های مذهبی، ناکارآمد پنداری اسلام در برآوردن نیازهای مردم، گرایش به عرفان‌های کاذب و معنویت‌های ساختگی، کم‌رنگ شدن مناسک دینی و مذهبی، گرایش به نظام‌های حاکم غیردینی. این ملاحظات و پیامدهای امنیتی آن عبارت‌اند از:

۳-۱. اختلال در نظام حاکم

شکل مطلوب هر جامعه‌ای انطباق نیازهای فرد و جامعه بر همدیگر است؛ به‌طوری که جامعه به مدد نظام ارزشی خود بتواند نیازهای اعضای خود را تأمین کند و از طرف دیگر افراد با پیروی از هنجارها و ارزش‌های جامعه بقاء و تعادل آن را تضمین نمایند. در این موقعیت هر کدام از طرفین ارتباط (جامعه و فرد) از هرگونه نابسامانی مصون خواهند ماند، تحقق چنین هدفی در تمامی جوامع، متکی به انتخاب و به‌کارگیری مؤثر مکانیسم‌های جامعه‌پذیری یا فرهنگ‌پذیری است «گروه مرجع» یکی از این مکانیسم‌های انتقال فرهنگ در کنار برنامه‌های رسمی تربیتی تلقی می‌شود. با برجسته شدن گروه‌های ناهنجار و گسترش شناخت‌های جدید، افراد جامعه با

شناخت‌های ناسازگار و تضاد درونی مواجه می‌شوند، در این صورت، ریسک تغییرات گرایشی تغییر می‌یابد و اطلاعات و معانی موجود در اطراف کنش گر، با توجه‌پذیری مرجعیت‌های خارج از قاعده‌ی رسمی، منطقی و دارای کارکرد می‌شود.

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، هم در تکیون و هم در تداوم با روحانیت گره خورده است، این نظام بدون روحانیت مفهومی نخواهد داشت، اگر مرجعیت خود را از دست داده و کنار زده شود، هویت جمعی مختل شده و شیرازه‌ی نظام از هم گسیخته می‌شود و حفظ امنیت نظام و برقراری نظم در جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و هرگونه ناامنی به دلیل عقل واجب است. همان‌طوری که امام خمینی علیه السلام در مکاسب محرمه می‌فرماید:

«لکن الشان فی ان حفظ النظام واجب والاخلاق به حرام».

۲-۳. تضعیف دینداری مردم

این روحانیت شیعه بوده که در طول تاریخ هم با دشمنان دین مبارزه کرده و هم آن را از تحریفات نگهداری نموده و به توده‌ها کمک کرده تا دین خود را در کوران حوادث حفظ نمایند و در مقابل تهاجمات فکری و فرهنگی استقامت کنند. این به دلیل اعتمادی است که مردم و نخبگان به روحانیت داشته‌اند. با کمرنگ شدن مرجعیت روحانیت، جبهه دفاعی دین تضعیف و در نتیجه خود دین تضعیف می‌شود. البته دسته‌ای از مخالفین روحانیت کسانی هستند که با اصل دین مخالف‌اند که حساب این‌ها از منتقدین به عملکرد روحانیت جداست.

۳-۳. خدشه در گفتمان انقلاب اسلامی

از آنجا که جریان انقلاب اسلامی حدوداً با مرجعیت فقهی شیعه و پشتیبانی حوزه‌های علمیه و روحانیت بوده است و بقائاً نیز در گرو حضور فعال روحانیون در عرصه‌های اجتماعی است. اگر روحانیت به حاشیه رانده شود، ممکن است ظاهر ساختاری انقلاب باقی بماند ولی حقیقت آن قلب شده و آرمان‌ها و شعارهای آن تغییر نماید و شاید

قرن‌ها نتواند قامت راست کند، چنانکه حضرت امام خمینی علیه السلام همواره با بیانات خود، همگان را از چنین خطری بر حذر داشته و می‌گفتند:

«و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد به‌جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیة‌الله یا مطیع امر شما آقایان، تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت، به حکومت می‌رسد و محرومان جهان که به اسلام و حکومت اسلامی روی آورده و دلباخته‌اند مأیوس می‌شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد» (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی: ۵۹).

۳-۴. به خطرافتادن تنوری ولایت فقیه

آنچه از ولایت فقیه مدنظر است؛ اداره جامعه اسلامی، اجرای احکام اسلام و تأمین مصالح مادی و معنوی جامعه اسلامی و حفظ نظام و کشور در برابر دشمنان و حفظ وحدت و تقویت خردمندی، دینداری و کمال یابی است. نظریه مترقی ولایت فقیه که برای نخستین بار در عصر غیبت طراحی شده و نظامی بر اساس آن شکل گرفته، شاید آرزوی تمامی اولیاء‌الله بوده است، اگر مرجعیت اجتماعی روحانیت که سرمایه فرهنگ تشیع است از بین برود و مورد تعرض قرار گیرد، ولایت فقیه نیز که سنگر فرماندهی و مصداق کامل روحانیت محسوب می‌شود مورد حمله قرار می‌گیرد.

۳-۵. از بین رفتن مردم‌سالاری دینی

«مردم» در نظام‌های دموکراسی به معنای عام و در جمهوری اسلامی به‌طور خاص دارای تأثیرگذاری اساسی می‌باشند، به‌طوری‌که در فراندوم اصل حکومت شرکت می‌کنند، به قانون اساسی رأی می‌دهند، اعضای شورای شهر و روستا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان خبرگان رهبری را انتخاب می‌کنند، حتی ولی فقیه منصوب از سوی امام معصوم علیه السلام را (غیرمستقیم) کشف کرده و در مقبولیت او نقش مؤثر دارند. در حکومت مردم‌سالاری دینی هرچند مشروعیت حکومت از سوی خدا،

رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام است، لیکن این مردم اند که به حکومت فعلیت بخشیده و آن را عملیاتی می نمایند. مقوم و پشتوانه‌ی مردمی حکومت دینی، روحانیت است که اگر نادیده انگاشته شود، این نوع از حکومت که بهترین نوع حکومت در دنیا است تهدید می شود.

۳-۶. تغییر شعار استقلال و آزادی مردم

از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی به ملت ایران استقلال و آزادی همه‌جانبه است که مقام معظم رهبری مدظله در تبیین آن چنین می‌فرماید:

«استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنی حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و این هردو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هردو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفضل مسلمان‌ها به حکومت‌ها نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دواند منزلت استقلال و آزادی را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند، ملت ایران با جهاد چهل‌ساله خود از جمله آن‌ها است این ثمره شجره طیبه انقلاب را با تأویل و توجیهات ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه نمی‌توان در خطر قرار داد، همه مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی موظف به حراست از آن با همه وجودند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

۳-۷. تخطئه‌ی مکتب امام خمینی رحمه الله

امام خمینی (رضوان الله علیه)، فیلسوف، عارف و فقیهی احیاگر، عزت بخش، تحول‌آفرین و عقل‌گرا بود، طبعاً مکتب او نیز تداوم مکتب رسول الله، امیرالمؤمنین، سیدالشهداء، امام باقر و امام صادق (صلوات الله علیهم اجمعین) خواهد بود. او که با تکلیف‌محوری متعبدانه خود توانست نهضتی برپا نموده و هم قدرت‌های جهانی را به عالم تشیع متوجه کرده و به ایران اقتدار ببخشد نباید در معرض خطر قرار گیرد.

۳-۸. حاکمیت اندیشه‌ی سکولاریستی در کشور

گرایش سکولاریسم از خطرناک‌ترین گرایش‌ها برای افکار و نظریات دینی است، این بدان سبب است که سکولاریسم بر پایه‌هایی استوار شده که با اسلام سازگاری ندارد، ولی صاحبان این گرایش به این تعارض تصریح نمی‌کنند و اگر به صراحت می‌گفتند که مبانی سکولاریسم با اسلام تعارض دارد، کارها بسیار ساده‌تر و آسان‌تر بود و خطر تا این اندازه شدید نبود زیرا در آن صورت متدینین درمی‌یافتند که در مقابل دشمنان اسلام قرار دارند. از آنجا که مبنای اصلی سکولاریسم محوریت انسان است، براین اساس خدا، وحی، نبوت، دین و هر چیزی که از مظاهر و نشانه‌های دین تلقی شود، به حاشیه رفته و کارایی خود را از دست خواهد داد.

۴. راه کارهای اصلاحی صیانت از مرجعیت روحانیت

ما در این مختصر به چند راهکار راهبردی و اصلاحی اشاره می‌کنیم؛ بخشی از این راهبردها به خود روحانیون که در صحنه‌ی اجتماع و وسط معرکه حضور دارند مربوط می‌شود، پاره‌ای نیز وظایف دستگاه‌های حاکمیتی و متولیان امور روحانیون بوده و قسم سوم مربوط به اقشار مختلف مردم است که در محیط‌های گوناگون با ملبسین به لباس روحانیت مواجه هستند.

۴-۱. وظیفه‌ی خود روحانیت

- ۴-۱-۱) کسب شایستگی‌های اخلاقی لازم؛
- ۴-۱-۲) کسب شایستگی‌های علمی موردنیاز؛
- ۴-۱-۳) کسب شایستگی‌های مهارتی کارآمد؛
- ۴-۱-۴) و آگاهی به زمان.

۴-۲. وظایف دستگاه‌های حاکم

- ۴-۲-۱) حوزه‌های علمیه؛ اولاً؛ اقدام به بازخوانی و بررسی نهاد روحانیت و

فرایند آموزشی و پژوهشی حوزه نموده و کاستی‌ها را شناسایی و برطرف کنند؛ ثانیاً؛ براساس نیازهای جامعه جهت تصدی نقش‌های اجتماعی طلاب را تربیت نمایند، یعنی علاوه بر دروس اصلی با رشته‌ها و گرایش‌های خاصی آنان را برای تصدی آماده نمایند. ثالثاً؛ فرایندی تعریف و ترسیم نمایند که طلاب تربیت‌شده با نظر کارشناسی متصدیان حوزوی در مناصب گمارده شوند تا اینکه افراد غیرمتخصص در امور تخصصی قرار نگیرند.

۴-۲-۲) متصدیان در امور روحانیون شاغل؛ یعنی سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی، اوقاف و امور خیریه، سازمان‌های عقیدتی سیاسی، نهادهای رهبری، امور حج و زیارت، شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه، امور مساجد، دستگاه قضایی، مجلس شورای اسلامی و سایر دستگاه‌های مربوطه چند وظیفه به عهده دارند؛ نخست اینکه، پیش از واگذاری پست در آن مراکز، روحانیون برگزیده را طی دوره آموزشی حرفه‌ای با آن پست سازمانی با سمت و مسائل مربوطه کاملاً آشنا نمایند. دوم اینکه، در طول خدمت به‌طور منظم دانش و اطلاعات آنان را به‌روزرسانی نموده و ضعف پیشین را مرتفع نمایند؛ سوم اینکه، در نشست‌های درون‌گروهی کاستی‌ها و ضعف‌ها و زی طلبگی را به‌طور مداوم به همدیگر تذکر دهند.

۴-۲-۳) ارباب رسانه؛ از قبیل: روزنامه‌ها، مجلات، صداوسیما، و شبکه‌های اجتماعی مجازی با تهیه گزارش‌های منطقی و معقول و بدون ایجاد حساسیت خاص در شرایط مناسب زمانی و مکانی، در مقابل شایعه‌پراکنی ملحدین و معاندین به روشنگری و بیان حقایق پرداخته و اقشار مختلف مردم را از خدمات علماء و روحانیون بی‌ادعا آگاه نمایند.

۴-۳. وظایف اقشار مختلف مردم

۴-۳-۱) انتظارات خود را از روحانیت به‌طور عاقلانه و منطقی مدیریت نمایند؛
۴-۳-۲) بدانند او هم بشری است عادی و معمولی و از او انتظار عصمت نداشته باشند؛

۳-۳-۴) بین طلبه مبتدی و استاد مسلم تفاوت قائل باشند و از او به اندازه تحصیلاتش دانش بخواهند؛

۴-۳-۴) ضعف‌ها و بی‌تجربگی‌های شخصی طلبه‌ای را به حساب فساد و انحراف نگذارند؛

۵-۳-۴) بد اخلاقی‌ها و تخلفات یک فرد را به حساب همه روحانیت نگذارند؛

۶-۳-۴) به شایعات مخالفین در شبکه‌های معاند و اذهان عمومی ترتیب اثر ندهند؛

۷-۳-۴) از او انتظار دفاع از جناح خود را نداشته باشند و از حقایق دینی و اصول کلی دفاع نمایند.

نتیجه‌گیری

۱. هدف از تدوین این مقاله بررسی و ارزیابی مرجعیت اجتماعی روحانیت، چالش‌ها و پیامدهای امنیتی بود، مرور بخش‌های اصلی آن حاکی از انطباق یافته‌ها با اهداف مقاله دارد. هرچند برای یافتن منابع تحقیقی در زمینه پیامدهای امنیتی با محدودیت‌هایی مواجه بودیم، اما بخشی از این کاستی با مصاحبه کارشناسان و تجارب کاری ترمیم پیدا کرد و نتایج مطلوبی حاصل شد.
۲. روحانیت امروز، در عصر مدرنیته است، انتقال تدریجی جامعه سنتی به جامعه مدرن، مناسبات اجتماعی را نیز دچار دگرگونی و تحول می‌کند، آدم‌ها در شرایط مدرن براساس تفاوت‌ها زندگی می‌کنند، پیونددهنده آن‌ها با هم منحصرأ روحانیت نیست، روحانیت یکی از نهادهای متکثر مدنی است، در این شرایط به‌طور طبیعی بسیاری از نقش‌های سنتی روحانیت کم‌رنگ شده یا جای خود را به دیگران داده و یا مردم برای مراجعه به آنان احساس نیاز پیدا نمی‌کنند. دین و روحانیت محترم است ولی اقتضائات عصر جدید را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.
۳. خواه ناخواه در کشور ما انقلابی صورت گرفته و حکومت دینی تشکیل شده و روحانیت بر مسند قدرت نشسته، به‌قول معروف شترسواری دولادولا نمی‌شود، باید بپذیریم که حکومت اسلامی؛ قانون‌گذار، قاضی، مدیر و مجری می‌خواهد،

روحانی امروز نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد، بلکه با تمام وجود باید سینه سپر کرده، از حکومت مردمی و دینی دفاع نموده و با احساس مسئولیت، پاسخگوی ضعف‌ها و کمبودها باشد.

۴. مردم هم امروز نباید از روحانی فقط انتظار مسئولیت‌های سنتی داشته باشند و او را از دخالت در سیاست و حکومت منع نمایند بلکه بدانند؛ هر جا که جامعه نیازمند هدایت کلی به سمت سعادت ابدی باشد روحانی باید آنجا حاضر شود. حال این هدایت عام در قالب کشورداری باشد یا غیر آن. معنای این سخن آن نیست که همه امور کشور دست معممین باشد، خیر، اداره‌ی کشور به تخصص‌های مختلف نیازمند است ولی حرف این است که روحانیت نباید از بار مسئولیت شانه خالی نماید. چون اگر غیرروحانی هم مسئول باشد و بد عمل کند، باز روحانی باید پاسخگو باشد چون حکومت به نام دین است و روحانی نگهبان دین.

۵. با تحقق انقلاب اسلامی در ایران، روحانیت شیعه دچار نوعی «از جا کنده‌گی» شد، این یک واژه‌ی روان‌شناسانه است یعنی روحانیت از اختصاص به حسینیه و مسجد وایم خاص کنده شد و به تعبیری «همه‌زمانی و همه‌مکانی» شد، این پدیده باعث شد روحانیت از پرداختن به مسائل جزئی و کم‌اهمیت متوجه مسئولیت‌های کلان و مهم گردد وایم مسئولیت روحانیت را صدچندان نمود. امروز بر هر روحانی لازم است هم در تحصیل علم و دانش و تهذیب نفس و کسب مهارت نهایت وسع خود را بکار بندد و هم با هوشیاری و آگاهی به زمان، در دفاع از نظام و ان جام وظایف اجتماعی کوشا باشد، نه خود تخلف کند و نه تخلف دیگر مدیران را توجیه نماید. رهبر معظم انقلاب فرمودند بر فضیلت حوزه لازم است قیام کنند و از طهارت تا دیات فقهی برای اداره حکومت تدوین کنند چون آنچه الآن در دست ماست مال زمان حکومت طاغوت است باید فقهی برای اداره‌ی کشور نوشته شود (مقام معظم رهبری، دیدار جمعی، طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸).

۶. روحانیت و حوزه‌های علمیه امروز با دو چالش جدی مواجه است؛ یکی قشر متحجر حوزوی است که اقتضائات عصر را نفهمیده و نمی‌پذیرند و دیگری روحانیون فاضل تربیون دار منحرفی هستند که در حوزه و امور فرهنگی و دینی نفوذ کرده‌اند، و پروژه‌ی دشمن، حمایت همه‌جانبه از این دو قشر متحجر و منحرف است. این از جمله تهدیدات امنیتی است که علمای فاضل و انقلابی و متولیان امر باید آستین بالا بزنند و با هر کدام از این دو قشر، مناسب حال خود، مبارزه نمایند.

۷. حضرت امام خمینی (قدس سره) حفظ نظام را از مهم‌ترین واجبات دینی می‌دانند؛ چون همه‌چیز به حفظ نظام بستگی دارد. اگر جمهوری اسلامی از بین برود، همه‌چیز از بین می‌رود؛ گفتمان انقلاب، تئوری ولایت فقیه، مکتب امام خمینی، شعارها و ارزش‌های انقلابی و مانند آن، همه تباه می‌شود. کدام تهدید امنیتی از این بالاتر؟!

۸. ما فی‌الجمله پذیرفتیم که؛ با تغییرات تدریجی جامعه فراستنی و تحقق انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی در ایران و رشد گروه‌های مرجع رقیب، روحانیت دستخوش پدیده‌ای به نام از جا کن‌دگی شده هرچند عرصه‌های حضور او به شکل تخصصی گسترده‌تر گردیده ولی مرجعیت اجتماعی سنتی آن در اموری از قبیل؛ مسئله شرعی، اسم‌گذاری کودک، عقد ازدواج، دفن میت، روضه‌خوانی و مانند آن، کاهش نسبی یافته است.

۹. اگر هم بپذیریم که این به معنای تنزل منزلت روحانیت است خیلی جای نگرانی نیست، به این دلیل که اولاً؛ منزلت اجتماعی روحانی به‌خودی‌خود مطلوبیت ندارد، زمانی این مرجعیت ارزشمند است که به‌وسیله آن هدایت‌گری و رهبری صورت پذیرفته و آموزه‌های دینی تقویت شود. ثانیاً؛ نگرانی جدی درجایی است که روحانیت در اداره حکومت دینی و حفظ نظام که رسالت اصلی اوست ناکارآمد شناخته شود؛ زیرا حفظ تمام ارزش‌های دینی و عزت مندی اجتماعی مردم متدین در سایه حفظ حکومت دینی قابل تحقق است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- ** نهج البلاغه، صبحی صالح.
- انتظارات از حوزویان در نظرخواهی از حوزویان (مصاحبه با تعدادی از فضایل حوزه).
- (۱۳۷۸). ماهنامه نگاه حوزه (۵۱ و ۵۲).
- برقعی، محمد. (۱۳۸۱). سکولاریسم از نظر تا عمل. تهران: قطره.
- جمالی، مصطفی. (۱۳۹۲). راهی که حوزه باید برود. ماهنامه سوره اندیشه، (۶۸ و ۶۹).
- حسینی بهشتی، سیدمحمد. (۱۳۸۳). ولایت و رهبری روحانیت. تهران: نشر بقیه.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸/۰۲/۱۸). بیانات در جمع طلاب حوزه علمیه.
<https://B2n.ir/tb9646>
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب.
<https://B2n.ir/bx7338>
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۶۰). هویت صنفی روحانی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حوزه. (۱۳۷۴). (۷۲).
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۸). جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم: موسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: وزارت ارشاد.
- دفتر مقام معظم رهبری. (۱۳۷۵). حوزه و روحانیت در آینه رهنمودهای رهبری (ج ۱ و ۲). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۸۱). سازمان آموزشی دینی شیعه، پژوهشی پیمایشی درباره وضعیت حوزه‌های علمیه ایران. فصلنامه شیعه‌شناسی، ۲(۵).
- ربانی، محمدحسن (۱۳۷۸). تحول و نوآوری در کتاب‌های درسی، فصلنامه حوزه (۱۴۶).

- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۳). روشنفکری دینی و چهار معنای سکولاریسم. تهران: روزنامه شرق.
- سیمای حوزه در نگاه رهبر. (۱۳۶۶). فصلنامه حوزه، (۲۱).
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۸). روحانیت و موقعیت جدید. فصلنامه شیعه‌شناسی، (۲۷).
- ضرورت تحول و نواندیشی در حوزه‌های علوم دینی. (۱۳۷۳). فصلنامه حوزه، (۶۴).
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۱). تفسیر المیزان (ج ۶)، قم: انتشارات اسلامی.
- غلامی، تیمور. (۱۳۷۸). بازسازی فرهنگی و انتظار از حوزه. دوماهنامه نگاه حوزه، (۵۱ و ۵۲).
- فتحی، ابراهیم. (۱۳۹۲). انتظارات اقشار مختلف از روحانیون. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱(۲).
- فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۹۴). روحانیت و انقلاب اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). اصول کافی. تهران: انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیه.
- مجله افق حوزه. (۱۳۸۳). ۳(۲۷).
- مدرسی، سید محمدتقی. (۱۳۷۴). حوزه‌های علمیه طرحی نو برپای ارزش‌ها (مترجم: حمیدرضا آژیر). بی‌جا: نشر: بقیع.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). مباحثی درباره حوزه (چاپ چهارم). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه آثار (ج ۵). قم: انتشارات صدرا.
- نجفی، وحید. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت و راهکارهای ارتقاء منزلت اجتماعی روحانیت. قم: مکتب اندیشه.

References

- * The Holy Quran. [In Arabic]
- ** Nahj al-Balagha (S. Saleh, Ed.). [In Arabic]
- Baraghi, M. (2002). *Secularism: From Theory to Practice*. Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Expectations from Seminary Students According to the Views of Seminary Scholars (Interviews with a Number of Seminary Elites)*. (1999). *Negah-e Howzeh Monthly*, (51-52). [In Persian]
- Fathi, E. (2013). *Expectations of Various Social Classes from Clergy*. *Journal of Islam and Social Studies*, 1(2). [In Persian]
- Forati, A. (2015). The clergy and the Islamic Revolution. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Gholami, T. (1999). *Cultural Reconstruction and Expectations from the Seminary*. *Negah-e Howzeh Bimonthly*, (51-52). [In Persian]
- Hakimi, M. R. (1981). *The Clerical Identity*. Qom: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Eslami. [In Persian]
- Hosseini Beheshti, S. M. (2004). *Religious Leadership and Guardianship*. Tehran: Bogh'eh Publications. [In Persian]
- Hosseini Khamenei, S. A. (2001). *The Fundamental Duties of Islamic Seminaries from the Perspective of the Supreme Leader*. Isfahan Seminary. [In Persian]
- Hosseini Khamenei, S. A. (2019). *The Second Step of the Revolution Statement*. [In Persian] <https://B2n.ir/tb9646>
- Hosseini Khamenei, S. A. (2020). *Speech to Seminary Students*. [In Persian] <https://B2n.ir/bx7338>
- Howzeh*, (1995), (72). [In Persian]
- Jamali, M. (2013). *The Path the Seminary Must Take*. *Sureh Andisheh Monthly*, (68-69). [In Persian]
- Khomeini, R. (1982). *Sahifeh-ye Noor*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance. [In Persian]
- Khosropanah, A. (2009). Intellectual movements in contemporary Iran. Qom: Hikmat-e Novin-e Islami Cultural Institute. [In Persian]

- Kulayni, M. (1986). *Usul al-Kafi*. Tehran: Islamiyeh Bookstore Publications. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2009). *Discussions on Seminary* (4th ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Modarresi, S. M. T. (1995). *Seminaries: A New Plan Based on Values* (H. R. Azir, Trans.). Baqi' Publications. [In Persian]
- Motahhari, M. (1999). *Collected Works* (Vol. 5). Qom: Sadra Publications. [In Persian]
- Najafi, V. (2018). An analysis of the status and strategies for enhancing the social standing of the clergy. Qom: Makth Andisheh. [In Persian]
- Office of the Supreme Leader. (1996). *The Seminary and the Clergy in the Mirror of Leadership Guidelines* (Vols. 1 & 2). Tehran: Islamic Propagation Organization. [In Persian]
- Ofogh-e Howzeh Magazine*. (2004). 3 (27). [In Persian]
- Rabbani Khorasgani, A. (2002). *The Shiite Religious Education System: A Survey Research on the State of Iranian Seminaries*. *Shi'a Studies Quarterly*, 2(5). [In Persian]
- Rabbani, M. H. (1999). *Transformation and Innovation in Textbooks*. *Howzeh Quarterly*, (146). [In Persian]
- Rafipour, F. (1997). *Development and Conflict*. Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Shojaei Zand, A. (2009). *The Clergy and Its New Position*. *Shi'a Studies Quarterly*, (27). [In Persian]
- Soroush, A. (2004). *Religious Intellectualism and Four Meanings of Secularism*. Tehran: *Shargh* Newspaper. [In Persian]
- Tabatabaei, M. H. (2012). *Tafsir al-Mizan* (Vol. 6). Qom. [In Arabic]
- The Image of Seminary in the Eyes of the Leader*. (1987). *Howzeh*, (21). [In Persian]
- The Necessity of Transformation and New Thinking in Religious Seminaries*. (1994). *Howzeh*, (64). [In Persian]

The Religious Society from the Perspective of the Holy Quran with Emphasis on the Elements of Rationality, Spirituality, and Justice¹



Razieh Kazemi¹

Ali Ghazanfari²

Esmail Cheraghi Kotiani³ 

1. Graduate of Level Four Comparative exegesis, Kosar Higher Seminary Institute, Tehran (Corresponding Author).
kazemi.myanposhteh@yahoo.com

2. Assistant Professor, Faculty of Quranic Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Tehran, Iran.
ali@qazanfari.net

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
esmaeel.cheraghi@gmail.com

Abstract

Since reason, as “the first creation of God,” is a means and proof for showing the way, and spirituality is the acquisition of a set of knowledge from realities beyond the material world, and justice is the observance of individuals’ rights and granting each person their due — Objective: This paper seeks to examine the role of the elements of rationality, spirituality, and justice in the religious society from the perspective of the Holy Quran. Research Question: From the perspective of the Quran, can the components

-
1. Kazemi, R.; Ghazanfari, A.; Cheraghi Kotiani, E. (2025). The religious society from the perspective of the Holy Quran with an emphasis on the components of rationality, spirituality, and justice. *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 34-64 .
<https://doi.org/10.22081/jiss.2024.67576.20>
-

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2023/10/16 • **Revised:** 2025/04/15 • **Accepted:** 2025/05/15 • **Published online:** 2025/08/07

© The Authors



of rationality, spirituality, and justice — through their interactive and influential relationship — provide the foundation for the flourishing of their outcomes toward the realization of a religious society characterized by *ḥayāt ṭayyibah* (good and pure life)?

Method: The data collection method is library-based, and the research method is descriptive-analytical.

Findings: This study, based on Islamic intellectual foundations, distinguishes between true rationality and mere instrumental rationality and materialism, true spirituality and false or pseudo-spiritualities, and divine justice versus contractual and utilitarian justice in the context of a religious society.

Conclusion: It can be concluded that the depiction of a dynamic religious society from the viewpoint of the Holy Quran — with the presence of the three components of rationality, spirituality, and justice derived from the teachings of Islam — addresses a pressing human need today. The expansion of these elements in society creates a pathway for overcoming crises, which necessitates a return to the method of the Holy Quran.

Keywords

Religious society, Holy Quran, Rationality, Spirituality, Justice

جامعه دینی از منظر قرآن کریم با تأکید بر مؤلفه‌های

عقلانیت، معنویت و عدالت^۱

راضیه کاظمی^۱ علی غضنفری^۲ اسماعیل چراغی کوتیانی^۳

۱. دانش‌آموخته سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی کوثر، تهران (نویسنده مسئول).

kazemi.myanposhteh@yahoo.com

۲. استادیار، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

ali@qazanfari.net

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

esmaeel.cheraghi@gmail.com



چکیده

از آنجا که عقل به عنوان «اول ما خلق الله» دلیل و حجت برای نشان دادن راه و معنویت حصول مجموعه‌ای از معارفی که از حقایق ماورای عالم مادی و عدالت رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به هر ذی‌حق است. **هدف:** این نوشته در جست‌وجوی نقش مؤلفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت در جامعه دینی از منظر قرآن کریم است. **سؤال:** آیا از منظر قرآن کریم با مؤلفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت و با رابطه تعاملی و تأثیرگذار این عناصر باهم، می‌توان زمینه برای شکوفایی دستاوردهای آن در مسیر تحقق جامعه دینی با حیات طیبه گام برداشت؟ **روش:** روش جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و روش تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی بوده است. **یافته‌ها:** در این پژوهش به کمک مبانی فکری دینی و تفکیک عقلانیت واقعی از عقلانیت محض ابزاری و مادی‌گرایی و معنویت حقیقی با معنویت‌های کاذب و شبه معنویت‌ها و عدالت

۱. کاظمی، راضیه؛ غضنفری، علی؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۴۰۴). جامعه دینی از منظر قرآن کریم با تأکید بر مؤلفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴۸)، صص ۳۴-۶۴.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2024.67576.20>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ ■ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



الهی با عدالت قراردادی و منفعت‌گرا در جامعه دینی بررسی می‌شود. **نتیجه‌گیری:** می‌توان به این نتیجه رسید که ترسیم جامعه دینی پویا از منظر قرآن کریم با حضور مؤلفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت با هم حاصل از آموزه‌های دین مبین اسلام نیاز امروز بشر است و گسترش این مؤلفه‌ها در جامعه، زمینه برون‌رفت از بحران‌ها، مستلزم بازگشت به روش قرآن کریم است.

کلیدواژه‌ها

جامعه دینی، قرآن کریم، عقلانیت، معنویت، عدالت.

۱. مقدمه

قرآن کریم برای جامعه دینی چشم‌اندازی ترسیم می‌کند که عناصر بنیادین این جامعه را می‌توان در مؤلفه‌های عقلانیت، معنویت و عدالت جست‌وجو کرد. عقلانیت عنصری است که راهبر معنویت و عدالت به‌سوی هدف به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کار به‌شمار می‌آید. معنویت که با بینش و آگاهی، سلامتی و رشد روحی- روانی انسان را به دنبال دارد و نبود یا کمبود آن، باعث انواع بیماری‌های روحی- روانی و اخلاقی از قبیل افسردگی و اضطراب می‌شود و عدالتی که اغلب به معنای اعطای حقوق به صاحبان آن تعریف شده است که لازمه تحقق عدالت به معنای حقیقی آن، دارا بودن یک نظام عقلانی راسخ و کامل است.

با بررسی‌های انجام‌شده، با توجه به اینکه در قرون اخیر به دنبال تغییر و تحولات اجتماعی، هر کیش و آئینی با سبک‌ها و الگوهای موردنظر خودش و با تغییر در روش‌های دستیابی به جامعه مطلوب، ارائه طریق می‌کند. پژوهش حاضر موضوعی تازه به‌شمار می‌رود و محقق در بررسی‌ها به این نتیجه رسیده است که علی‌رغم، پژوهش‌هایی در حوزه جامعه دینی و رویکردهای مختلف انجام گرفته، مانند کتاب جایگاه عقلانیت در اسلام از استاد مکارم شیرازی (۱۳۹۱)، به بررسی جایگاه علم، دانش و مسائل عقلی و نکوهش بی‌خردی در فرهنگ و آموزه‌های دین اسلام پرداخته است؛ کتاب عقلانیت و معنویت در بوته نقد از سیدمحمد اکبریان، محمدباقر انصاری و وحید حامد (۱۳۹۹)، به نظریه معنویت و عقلانیت با خوانش جدیدی از معنویت و با ادعای پیوند آن با عقلانیت پرداخته؛ مقاله ظرفیت‌های معنویت‌گرایی علوی در تحقق عدالت اجتماعی از احمد واعظی (۱۳۹۷)، به منظومه معنویت‌گرایی علوی که تسهیل‌گر عدالت‌خواهی، عدالت‌پذیری و تحقق عدالت اجتماعی و ... شده می‌پردازد. همه آن‌ها در جای خود درخور تأمل و بهره‌برداری است؛ اما کافی نیست. به نظر می‌رسد، پژوهش علمی و نظام‌مند تحت این عنوان انجام نشده است و می‌طلبد که از منظر دیگر و با رویکردهای کامل‌تری تحقیق جامعی انجام شود.

در این تحقیق ما برآنیم تا با واکاوی در بین معارف عظیم قرآنی و نکات بسیار زیاد و ارزنده آن، مبحث خود را در پاسخ به چگونگی بسط و گسترش نظری و عملی عقلانیت، معنویت و عدالت قوی و کارآمد در سایه وحی و چالش‌های پیش روی آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

۲. مفاهیم کلیدی

۲-۱. جامعه دینی: واژه «جامعه» از نظر لغوی، «الْجَامِع» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده است (ابن منظور، ۱۴۰۸) در اصطلاح، سنت‌ها، عبادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه برشمرده‌اند (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۸۷) یا عبارت از مجموعه انسان‌هایی دانست که در جبر یک سری نیازها و زیر نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۳۳۳) و دین مجموعه‌ای از هدایت‌های عملی و علمی است که از طریق وحی و سنت برای فلاح و رستگاری آدمی در دنیا و آخرت آمده است (جعفری، ۱۳۷۵، ص ۲۸). می‌توان جامعه دینی را جامعه‌ای دانست که دین در تنظیم و ساماندهی جامعه در دو حوزه ارزش‌گذاری و قانون‌گذاری از مرجعیت برخوردار باشد؛ یعنی، جامعه‌ای که «دین‌باور»، «دین‌مدار»، «دین‌دور» و «مطلوب دین» (میرمدرسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹). به عبارت دیگر، جامعه دینی، جامعه‌ای است که در آن داوری با دین باشد و افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۸۸) یعنی قوام شبکه روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن، بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. به گونه‌ای که اگر دین از این جامعه و نظام‌های آن حذف شود، دچار فروپاشی گردد.

بنابر آنچه بیان گردید، جامعه دینی، جامعه‌ای است که افراد جامعه به دین‌باور داشته و عملکرد رفتاری نظام‌های حقوقی و ساختارهای سیاسی بر اساس تعالیم و حیانی بنیان شده باشد.

۲-۲. عقلانیت: واژه عربی «عقل» از عَقَلَ که به معنای «خرد»، «دانش» و عقل در

لغت، نقیض جهل (العقل: نقیض الجهل) و نیز به معنای بازدار، انزجار، نهی، خودداری و حبس در خصوص پاره‌ای از سخن‌ها و افعال آمده است (الحجْرُ و النّهی و رجلٌ عاقِلٌ و عَقُولٌ و قد عَقَلَ یَعْقِلُ عَقْلاً و مَعْقُولاً ایضاً) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۶۹؛ فراهیدی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۹؛ جوهری، ۱۴۱۸، ج ۱). مشتقات «عقل» صرفاً به صورت فعلی و آن هم فقط به شکل ثلاثی مجرد در بسیاری از آیات قرآن کریم به کار رفته است. واژه «عقلانیت» در لغت به معنای «منسوب به عقل بودن» و یا «عقلانی بودن» است. واژه‌ای که در زبان فارسی مترادف با «خردگرایی» یا «عقل‌گرایی» قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد عقلانیت، نظامی است که از مبانی، اصول و غایات که در چارچوب فرهنگی و تمدنی خاص شکل می‌گیرد و سامان‌دهنده ذهنیات و رفتار افراد درون آن نظام است و به عبارتی عقلانیت نظام دانایی است (سعادت، ۱۳۹۳، ص ۴۸) و در اصطلاح، فلاسفه عقل را نیروی شناخت و ادراک می‌دانند، اعم از ادراکات فطری و اکتسابی که عقل هیولایی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد را شامل می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ص ۴۱۹). برخی نیز عقل را مدرکات انسان که با آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد (طباطبائی، ۱۹۹۷، ص ۴۰۵) و اما عقل از دیدگاه قرآن کریم، به عنوان ابزار معرفتی است که انسان با تکیه بر آن می‌تواند حقایق مکنون در معارف و حیانی را بفهمد. از این‌رو، به کارگیری عقل در تحقق خارجی معارف و حیانی تجویز و موجه می‌شود. به عنوان نمونه، درباره فهم، قرآن کریم به عنوان منبع معارف و حیانی اسلام می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف، آیه ۲)؛ این قرآن را ما به عربی فصیح فرستادیم، باشد که شما (به تعلیمات او) عقل و هوش یابید.

بنابر آنچه بیان گردید، واژه عقل در لغت به معنای خرد، دانش، حبس و منع و نقیض جهل است و در اصطلاح، عقل یکی از قوای ادراکی انسانی است که به واسطه آن خوبی و بدی، حق و ناحق از یکدیگر تشخیص داده می‌شود و عقلانیت و خردگرایی در معنای کلی به نوعی بر توانایی عقل برای دریافت حقایق اساسی عالم تأکید دارد.

۲-۳. معنویت: واژه «معنویت» در لغت، مصدر جعلی و از واژه «معنوی» ساخته شده است. «معنوی» نیز با افزودن «یای نسبت» به آن، از مصدر میمی «معنی» به معنای مقصود

مشتق شده است. از این رو، «معنوی» یعنی منسوب به معنی و حقیقت و در مقابل لفظی و ظاهری است (ابن منظور، ۱۴۰۸) و «عنو» به معنای حبس است (زبیدی، بی تا، ج ۵). با اینکه واژه معنویت در قرآن کریم به کار نرفته است؛ ولی لغت‌شناسان عرب، واژه «المعنوی» به معنای خلاف مادی یا خلاف ذاتی را از واژگان جدید در لغت عربی می‌دانند» (انیس و دیگران، ۱۴۱۶، ص ۶۳۳). در زبان عربی، اغلب واژه جدید «الروحانیه» را مترادف با کلمه معنویت در زبان فارسی به کار می‌برند و اسیر را به این دلیل که محبوس است، عانی گویند. در قرآن کریم تعبیر «عت الوجوه» به این معنا است که در قیامت چهره‌ها محبوس و مبهوت خداوند متعال می‌شوند (انیس و دیگران، ۱۴۱۶، ص ۱۱۵) و در اصطلاح معنویت، همان حالت قلبی حاصل از ارتباط با عالم معنا است. علامه طباطبایی «ره» معنویت ناب و اسلامی را از درون و فطرت انسان تا عالم غیب و ماورا و در ارتباط با خداوند می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱). غایت معنویت در قرآن کریم، خداوند متعال و برقراری رابطه با او و درک حضور و احساس قرب به او است. «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید، آیه ۳).

بنابر آنچه بیان شد، معنویت در لغت از «عنی - یعنی» به معنی باطن و حقیقت لفظ است و مفهوم اصطلاحی آن، حالت قلبی حاصل از ارتباط با عالم معنا است که به نوعی اشاره به بعد غیر مادی و باطنی انسان دارد؛ و تنها انسان برخوردار از باور به بعد غیرمادی هستی، باور به خداوند متعالی، باور به معاد، باور به اختیار انسان، باور به هدفمندی آفرینش و ... شخص معنوی در آموزه‌های اسلامی و معنویت حقیقی محسوب می‌شود.

۴-۲. عدالت: واژه عدالت از ریشه «عدل» در لغت به معنای برابری، استقامت، حد و وسط میان امور است. «الْعَدْلُ مَا قَامَ فِي النُّفُوسِ، أَنَّهُ مُسْتَقِيمٌ وَهُوَ ضِدُّ الْجَوْرِ وَالْعَدْلُ الْحُكْمُ بِالْحَقِّ» و «اعتدال» حد وسط در میان دو وضعیت یا حالت در اندازه و چگونگی است و آنچه مایه اعتدال در نفس انسانی می‌شود، عدالت است (ابن منظور، ۱۴۰۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۴). در تعبیر دیگر «عدل» مساوات بین دو چیز است و عادل کسی است که هر چیزی را در جای شایسته آن می‌گذارد (طریحی، ۱۳۷۵). در اصطلاح برخی فقها از جمله شهید صدر عدالت را ملکه یا کیفیتی نفسانی می‌دانند که فرد را بر ترک محرمات و انجام

واجبات و ادار می کند در این صورت، عدالت صفت ذات است (صدر، بی تا، ص ۲۸۹)؛ اما مرحوم شیخ انصاری و مرحوم آیت الله خوبی عدالت را صفت فعل می دانند و عدالت را به استقامت عملی بر جاده شرع و عدم انحراف از آن معنا می کنند که نتیجه اش اجتناب از گناهان است (خویی، ۱۴۱۸، ص ۲۵۲). بنابراین دیدگاه، عدالت صفت عملی است. فلاسفه حقوق می گویند: «العدالة اعطاء كل ذي حق حقه» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۶، ص ۲۲۰) عدالت به منزله اعطای حقوق، در چارچوب مفهوم، عدالت به معنای برابری می گنجد. نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند یا از او بگیرند و نقطه مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند (مطهری، ۱۳۸۱، صص ۲۱۲ و ۱۵۴). بنا بر آنچه بیان شد، واژه عدالت در لغت به معنای برابری، استقامت، حد و وسط میان امور و در اصطلاح رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به ذی حق است.

۳. مؤلفه عقلانیت و جامعه دینی از منظر قرآن کریم

از آنجا که جامعه به جمعی از انسان ها گفته می شود که برای همکاری مشترک، دارای یک فرهنگ مورد قبول همه برای زندگی مطلوب، دور هم جمع شده باشند و اگر این فرهنگ واحد، از تعالیم دینی و وحیانی برخاسته باشد، آن جامعه را، جامعه دینی می گویند و عقلانیت از مؤلفه های شاخص جامعه دینی است. اهداف اصلی در عقلانیت وحیانی، توسط عقل فطری کشف و توسط وحی تأیید، تفصیل و راهگشایی می گردد و بهره برداری ابزاری از امکانات در جهت تشکیل جامعه توحیدی و آخرت گرا است که در آن دین به طور کامل و در تمام ابعادش اقامه و با همه صورت ها و اشکال ظلم و بی عدالتی مقابله می کند. به اعتقاد علامه طباطبائی رحمته الله علیه تنها دین است که می تواند بشر را در تمام شئون مادی و معنوی به اصلاح دعوت کند؛ هم در اعتقادات و هم در اخلاق و هم در رفتار (طباطبائی، ۱۳۵۴، ص ۵۶)، چنانچه خداوند متعال می فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات

می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست» (حج، آیه ۴۱). آیه صفت مؤمنین را بیان می‌کند که در صورت داشتن قدرت و اختیار، اجتماعی صالح به وجود می‌آورند (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۵۴۶). یا در سوره کهف در این باب می‌فرماید: «إِنَّا مَكْنَنًا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا * فَأَتْبَعَ سَبَبًا؛ ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی، وسیله‌ای به دو بخشیدیم * تا راهی را دنبال کرد» (کهف، آیه ۸۵-۸۴). برخی از مفسرین واژه «سبب» را به معنای وصله و وسیله می‌دانند. پس معنای «ایفاء سبب» از هر چیز، این می‌شود که از هر چیزی که معمولاً مردم به وسیله آن متوسل به مقاصد مهم زندگی خود می‌شوند: از قبیل عقل و علم و دین و نیروی جسم و کثرت مال و لشکر و وسعت ملک و حسن تدبیر و غیر آن (طباطبائی، ۱۹۹۷، ص ۳۶۲؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۵۱). با این توصیف، جامعه دینی مطلوب و عقلانی از نگاه قرآن کریم مبتنی بر جهان‌بینی الهی است که حکومتش با توجه به این تفکر، می‌تواند اعمال قدرت نماید. یعنی حکمرانان دستورات را از مبدأ هستی‌بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. درواقع، از زندگی دنیوی به عنوان يك وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند (حسینی تاش و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۵). بنابراین، اگر در دنیا، امید خیر و سعادت باشد، باید از دین و تربیت دینی امید داشت و در آن جست‌وجو کرد. ملل پیشرفته اساس اجتماع را کمالات مادی و طبیعی قرار داده و مسئله دین و اخلاق را مهمل گذاشته‌اند و فضایل انسانی از قبیل صلاح، رحمت، محبت و صفای قلب را از دست داده و احکام فطرت را به فراموشی سپرده‌اند و اگر عقل و علم و وجدان بشری به تنهایی برای اصلاح بشر کافی بود، نمی‌بایستی کار بشر به این توحش بکشد و نباید ارزش‌های اخلاقی و فضایل انسانی را از دست داده باشند» (طباطبائی، ۱۳۵۴، ص ۵۶). پس با این اوصاف، با چنین رویکرد و نگرشی بین دینداری و عقل‌گرایی تعارض و تضادی نخواهد بود و شعار «وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ کسی که خرد ندارد، دین ندارد» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ص ۲۰۵) مبنا و منطق اسلام در جامعه دینی است.

بنابر آنچه بیان شد، مراد از «دین»، دینی است که دارای اصالت و جایگاه قدسی و

و حیانی و با عقلانیت و خردورزی تعامل دارد، عقل را تائید و تقویت می‌کند و اساس دین‌داری و پذیرش دین را خردورزی می‌داند. نقش عقلانیت در جامعه دینی محوری است؛ چراکه عقلانیت در قرآن کریم به‌عنوان روشی کارآمد در تحول انسان و جامعه در اعصار گوناگون مورد تأیید بوده و راهکارهای آن مانند الف: زمینه شکوفا شدن استعداد عقلانی تک‌تک افراد؛ آن‌گونه که امام علی (علیه السلام) یکی از برجسته‌ترین رسالت پیامبران (علیهم السلام) را برانگیختن و بیدار نمودن گنجینه‌های پنهان عقل انسان معرفی کرده است و فرمودند: «وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُزَوِّهِمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷)؛ توانمندی‌های پنهان‌شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند» (ترجمه دشتی)؛ ب: خودسازی و تزکیه نفس در انسان‌ها آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (انفال، آیه ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد» انسان تا وقتی در راه تقوا می‌تواند باشد که طریق تعقل و تذکر را از دست ندهد و از فطرت انسانیت منحرف نگردد. چنانچه امام علی (علیه السلام) درباره عدم تزکیه و محرومیت از عقل می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَهْدِمْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ (تمیمی الامدی، ۱۴۰۷، ص ۱۴۶۲)؛ هر کس خود را تزکیه نکند، از عقل بهره نمی‌برد»؛ ج: پرورش روحیه حقیقت‌جویی از خواسته‌های فطری و مبنای تکامل و رشد شخصیت انسان‌ها است که قرآن کریم با کلمات «يَسْأَلُونَكَ» «يَسْتَفْتُونَكَ»؛ با استقلال رأی و تقویت روحیه تحقیق به‌جای تقلید، مانند «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا» (زخرف، آیه ۲۲) و غیره در ابعاد مختلف، سبب تحول در جامعه دینی گردیده است. جامعه دینی باید به‌گونه‌ای عمل کند که همه مردم در مسیر اندیشه توحیدی و اعتقاد سالم بر اساس تعالیم و حیانی و عقل محور قرار بگیرند. در عقلانیت دینی، عقل به‌عنوان ابزار در کنار آموزه‌های و حیانی تکمیل می‌گردد و تحت نظارت وحی است. عقل و دین اختلافی ندارند و در واقع نشانه دین حقیقی، عقل است و نشانه عقل حقیقی، دین. پس جامعه دینی با مدیریت آگاهانه عقلانی، می‌تواند تضمین‌کننده روند حرکت به‌سوی مطلوب قرآنی، همراه با تأمین حقوق همه افراد جامعه باشد.

۴. مؤلفه معنویت و جامعه دینی از منظر قرآن کریم

معنویت، به عنوان عامل تکمیل کننده و معنادهنده بخش های مختلف زندگی انسان ها، قدمتی به طول تاریخ آفرینش دارد؛ زیرا خداوند متعال از همان آغاز خلقت بشر، او را مرکب از دو جنبه مادی و الهی آفرید و اصالت را به جنبه معنوی و روحانی داد، آنجا که می فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً...» (مؤمنون، آیه ۱۲-۱۴)؛ و ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. سپس او را (به صورت) نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم...». قرآن کریم در آیات مربوط به آفرینش انسان، ابتدا به شکل گیری بُعد مادی اشاره می کند. سپس با تعبیری زیبا از خلقت جدیدی متفاوت از خلقت اولیه سخن می گوید. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در زیر این آیه می فرماید: «خداوند ماده انسان (تن) را آفرید، درحالی که آن صرفاً ماده ای مرده و جاهل و عاجز بود، سپس او را موجودی زنده و عالم و قادر نمود (به آن جان داد) و تن را آلتی برای جان قرار داد تا به وسیله آن به مقاصدش برسد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۵). به برخی مفسرین بعد از آفرینش اولیه انسان (تن آدمی) در مرحله بعدی، خلقت شکل تازه ای به خود می گیرد و انسان یک جهش بزرگی می کند و گام به جهان انسان ها می گذارد که فاصله آن با مرحله قبل، آن قدر زیاد است که تعبیر از آن، با جمله «ثُمَّ خَلَقْنَا» کافی نبود و لذا «ثُمَّ أَنْشَأْنَا» فرمود. انسان در این مرحله از همه موجودات ممتاز می شود و شایستگی خلافت خدا در زمین را می یابد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۲۳۳ - ۲۳۲) و آنچه شخصیت انسان را می سازد، اصالت دارد و باقی است، روح نامیرای او است و تعالی جامعه دینی نیز، ارتباط تنگاتنگی با حیات معنوی حقیقی انسان ها دارد و تنها معرفت، علم و عمل به دعوت الهی است که جامعه را در مسیر معنویت های حقیقی قرار می دهد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). چنانکه قرآن کریم در اهمیت این حیات معنوی می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید؛ چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید» (انفال، آیه ۲۴). به بیان مفسرین، حیات معنوی جوامع انسانی، استجابت خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط مؤمنان است (درویش، ۱۴۱۵، ص ۵۵۱). علامه طباطبایی رحمته الله علیه زیر این آیه

می‌نویسد: معنای لام در «مَا يُخَيِّكُم» به معنای «الی» است و آن چیزی که رسول، مردم را به آن دعوت می‌کند، دین حق است و دین حق همان اسلام است که قرآن کریم آن را به پیروی فطرت و پذیرفتن دعوت آن به علم نافع و عمل صالح تفسیر کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۵). پس خدا و رسول، مردم را به دین حق اسلام دعوت کرده است و استجاب این دین، معنویت و حیات معنوی را به ارمغان می‌آورد و دین، هدفی جز اصلاح معنوی بشریت ندارد. علامه علیه السلام درباره عدم کفایت علم و پیشرفت مادی برای تأمین نیازهای معنوی و روحی بشر می‌نویسد: «پیشرفت انسان در یک قسمت از معلومات، کافی برای قسمت دیگر نیست و مجهولات دیگر انسان را حل نمی‌نماید... و در نهایت، علومی که از طبیعت بحث می‌نماید، اصلاً از مسائل ماوراءالطبیعه و مطالب معنوی و روحی بیگانه بوده و توانایی بررسی این گونه مقاصدی که انسان با نهاد خدادادی خود خواستار کشف آن‌ها است را ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۵۵).

بنابر آنچه بیان شد، قرآن کریم در ترسیم جامعه دینی و برای رشد و تکامل آن، به هر دو بعد مادی و معنوی توجه ویژه داشته و افزون بر مجموعه وجودی انسان، اصلی‌ترین تأکید خود را بر روی معنویت و راهکارهای معنویت‌مداری مانند، الف: خداشناسی در زندگی انسان که زیربنای ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی جامعه دینی قرآن بنیان است. چنانچه در سوره فصلت می‌فرماید: «به‌زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها [ی‌گوناگون] و در دل‌هایشان به ایشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است» (فصلت، آیه ۵۳). برخی از مفسرین در تفسیر جمله «فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ» معتقدند تمام هستی، کلاس خداشناسی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۵)؛ ب: خودشناسی، آنجا که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید» (انفال، آیه ۱۰۵)؛ ج: معاد باوری، چنانچه می‌فرماید: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (طه، آیه ۵۵)؛ از این [زمین] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم» بنا نهاده است که نقش سازنده در ارتقا یافت فکری ساختار اجتماعی ایفا می‌کند؛ بنابراین، نقش معنویت در جامعه

دینی از منظر قرآن کریم، نقش محوری است؛ زیرا جامعه‌ای که از خدامحوری در عرصه «شناخت و معرفت» (به کمک حس، عقل، شهود و وحی) و پیروی از شریعت در عملکرد برخوردار باشد، هم هدف زندگی (خداوند متعال) را معرفی کرده و هم مسیر (شریعت) را نشان داده است. این نوع معنویت باعث افزایش امید، رضایت‌مندی و نشاط درونی شده و در نهایت به سلامت و تعالی همه‌جانبه انسان و جامعه انسانی کمک می‌کند. برخلاف معنویت‌های کاذب که امری فردی و محدود است و شامل هرگونه تجربه عاطفی یا هیجانی شدید نسبت به هر موضوعی معنویت به حساب می‌آید و حقیقت در آن محلی از اعراب ندارد. همین که آدمی برانگیخته شود، احساس اوج و تعالی نماید و یا به اصطلاح، سرشار از حس عظمت شود، کافی است و اثری از مسئولیت و تکلیف فردی و اجتماعی در آن نیست. تنها در پی ارضای موقت و سازگار کردن انسان خسته از زندگی ماشینی و خلاص کردن او از بحران فعلی و هماهنگ کردن وی با محیط اجتماعی است.

۵. مؤلفه عدالت و جامعه دینی از منظر قرآن کریم

جامعه دینی، جامعه‌ای است که در پرتو عقل و شرع، مسیر خود را مشخص کند و از راه حق و حقیقت، منحرف نشود، آنجا که می‌فرماید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا؛ برای هر يك از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم» (مائده، آیه ۴۸) و این هدف، آنگاه امکان تحقق دارد که به مؤلفه عدالت در کنار سایر مؤلفه‌ها اهمیت داده شود. آنجا که می‌فرماید: «بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم» (شوری، آیه ۱۵) و به انسان‌ها نیز دستور به عدالت داده شده است، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد» (نحل، آیه ۹۰). افزون بر آن، عدالت الهی در عرصه قیامت و پاداش و کیفر بندگان نیز خود را نمایان می‌سازد؛ از یک سو خداوند در اختصاص پاداش به بندگان هیچ ظلمی نمی‌کند «در حقیقت، خدا به میزان ذره‌ای ستم نمی‌کند» (نساء، آیه ۴۰) و از سوی دیگر عاقبت ظالمان

را مذموم معرفی می‌کند «و کسانی که ستم کرده‌اند به‌زودی خواهند دانست به کدام بازگشت گاه بر خواهند گشت» (شعراء، آیه ۲۲۷). به این ترتیب، اهداف دین (خیر و سعادت) روشن است و عدالت از اهداف دین و علت نهایی تشکیل جامعه دینی است و هر جا حق حضور دارد، همان‌جا شاهد خودنمایی عدالت نیز هستیم؛ زیرا بین حق و عدل نمی‌توان جدایی انداخت. استاد مطهری در این باره می‌گوید: عدالت بر پایه حقوق واقعی و فطری استوار است و همان‌گونه که فرد حق دارد، اجتماع هم حق دارد. عدالت یعنی اینکه حق هر فردی به او داده شود و عدالت یعنی رعایت همین حقوق. بنابراین معنای عدالت در تمام زمان‌ها و شرایط یکی بیشتر نیست و اینکه می‌گویند: عدالت امری نسبی است، حرف درستی نیست (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۵۰). نقش عدالت در جامعه با رعایت حقوق عمومی، طبیعی و فطری که خداوند متعال برای همه انسان‌ها قرار داده است، ضروری است. آنجا که خطاب به باورمندان و مؤمنان که قسط و عدالت برپا کنند، حتی اگر به ضرر آنان باشد، می‌فرماید: «ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد» (نساء، آیه ۱۳۵). سپس تأکید می‌شود که از هوا و هوس، پیروی نکنند تا عدالت اجرا گردد و به عامل مهم ستم که همانا بی‌تقوایی باشد، اشاره می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (نساء، آیه ۱۳۵).

بنابر آنچه بیان شد، نقش عدالت در جامعه دینی محوری است و از منظر قرآن کریم همان‌گونه که عالم تکوین مبتنی بر عدل و هماهنگی است، حیات انسانی نیز در صورتی حیات مطلوب تلقی می‌شود که بر اساس عدل استوار باشد و عدالت در عرصه انسانی، چه فردی و چه اجتماعی، چهره‌ای از عدالت الهی است و می‌توان مهم‌ترین کارکرد عدالت محوری را در جامعه دینی نهادینه‌سازی عدالت، رعایت حقوق دیگران، حاکمیت قانون الهی، حاکمیت عقلانیت دینی، فقرزدایی و ایجاد رفاه عمومی، تعدیل ثروت و تلاش در جهت رفاه عمومی برشمرد. برخلاف جوامعی با شعار دموکراسی به دنبال آزادی و عدالت بودند؛ اما هر چه بیشتر جلو رفتند، بی‌عدالتی‌ها بیشتر روشن شد و

اثرات حاکمیت اقلیت سرمایه‌دار بر اکثریت فقیر در صحنه‌های مختلف و در رفتار با مردم خود (مثل جنبش وال‌استریت یا جنبش اعتراضی فرانسه) بیشتر نمایان شد و در حقیقت به بحران بی‌عدالتی دچار شدند.

۶. عقلانیت و جامعه دینی بدون نقش معنویت و عدالت

با اینکه توجه به عقلانیت در تحول جامعه دینی جایگاه محوری دارد؛ اما یکی از مشکلات مهم در جوامع دینی، مواجهه با عقل و میزان دخالت دادن آن در جامعه و خطر عقلانیت منهای معنویت و عدالت است. با وجود اهمیت عقل و بار معنایی مثبت آن، امروزه در اینکه کدام جامعه و الگوی زندگی، عقلانی است و کدام غیرعقلانی از یک سو و بدون تعامل با معنویت و عدالت از سوی دیگر، مورد اختلاف است. برای بررسی و شناخت بهتر، لازم است که به صورت مبنایی به مبانی و بنیادهای اندیشه مادی و معنوی پرداخته شود و با مقایسه آن‌ها ابعاد آسیب‌های متأثر از وجود عقلانیت بدون ارتباط با معنویت و عدالت در جامعه دینی و شیوه‌های برون‌رفت از آن روشن گردد.

با توجه به اینکه از نگاه قرآن کریم، مالک حقیقی هستی، خدا است و بقیه موجودات از او نشئت می‌گیرند، آنجا که می‌فرماید: «آیا در خدا شک است؟! خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده» (ابراهیم، آیه ۱۰) و انسان دارای دو بُعد مادی و معنوی است و معرفت‌های عقلانی و وحیانی نیز در کنار حواس ظاهری، از منابع معرفت به شمار می‌آیند. بنابراین نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان و معرفت موجب شکل‌گیری جامعه متفاوت خواهد بود. یکی از این جوامع، جامعه مدرنیته است که مدعی عقلانیت با ادعای نفی دین است. عقلانیتی که در غرب شکل گرفته است، صورتی از تفکر عقلانی است که خود را از ارشاد و هدایت تفکر قدسی، بی‌نیاز می‌داند. از سوی دیگر، خصلت اومانستی و انسان‌گرایی این نوع عقلانیت است که سبب می‌شود تا آدمی همه عالم را چون ابزاری بداند که باید در خدمت نفسانیت بشر باشند و از این رو عقلانیت ابزاری را ویژگی دوره جدید خوانده‌اند (زرشناس، ۱۳۸۱، ص ۴۲). این نوع عقلانیت خودمدار در

بخشی از جامعه، بدل به نوعی شیوه عمل اجتماعی و در برخی از افراد تبدیل به یک نوع نظام شخصیت می شود که می توان آن را شخصیت «خودمدار عقلانی» نامید. شخصیتی که همه چیز را برای خود می خواهد، خود و نفع خود را کانون و محور هر کنش اجتماعی قرار می دهد، از جامعه و دولت طلبکار است، مسئولیت پذیر نیست، توجهی به پیامدهای عملش برای دیگران نمی کند، اساساً دیگران را لحاظ نمی کند و... همه متخلق به همین عقلانیت خودمدار هستند. این نوع از عقلانیت با اهمیت ذاتی دادن به هدف از یک سو و خودمدارانه کردن بنیان کنش های اجتماعی از دیگر سو، وسیله رسیدن به هدف را مشروع می کند (نصرتی نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶). در واقع، عقل مدرن، وظیفه و کارکرد اصلی خود را محدود به امور تجربی و مشاهده پذیر و امور حسی می داند که ارتباطی با دین، معنویت حقیقی و عدالت اجتماعی واقعی ندارد. در حالی که عقلانیت در جامعه دینی با نگاه قرآنی آن، صرفاً تکیه بر تجربیات و عوامل مادی ندارد؛ بلکه از طرفی، عقلی را که نتواند ضرورت و حکمت دین را دریابد، عقل نمی شمارد، چنانکه استاد مطهری رحمته الله علیه در اهمیت عقل می گوید: «عقل برای انسان راهنمای خوبی است. عقل را خداوند به انسان داده است برای اینکه راه کمال را از راه های انحراف تشخیص بدهد» (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۵۲). از سوی دیگر، بُعد مهم آن مسئله ماوراء اراده و سنت های الهی و عوامل معنوی است که ارتباط بین معنویت و عقلانیت را آشکار می کند. چنانکه در نظام فکری جامعه دینی، جدایی بُعد معنویت از محاسبات روزمره و دنیوی یک خطای محاسباتی محسوب می شود. «یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند، یعنی عوامل معنوی را، سنت های الهی را، سنت هایی که خدا از آن ها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی شود، ندیده بگیرد...» (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: ۱۳۹۳/۴/۱۶) و از دیگر سو، عقل انسان علاوه بر اینکه عدالت در امور را از بُعد نظر لازم می داند، خود به مساوات در امور امر می کند و عملاً انسان را به سمت عمل هم سوق می دهد؛ زیرا بُعد دیگر جامعه دینی عدالت است که در صورت عدم وجود عدالت، جامعه از هم پاشیده خواهد شد و ظلم و عداوت بر جامعه حاکم می شود. پس عدالت منشائی کاملاً عقلانی

دارد و لازمه تحقق عدالت به معنای حقیقی آن، دارا بودن یک نظام عقلانی راسخ و کامل است. مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت ارتباط عقلانیت در جامعه دینی، می‌فرماید: «در نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند. این‌ها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن‌هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه‌ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود» (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: ۱۳۸۸/۷/۲). بنابراین تحکیم و ثبات در جامعه نه با دین‌گرایی افراطی به دست می‌آید که ارزش‌های عقلانی را نادیده بگیرد و نه با عقل‌گرایی افراطی که آموزه‌های دینی را نادیده گرفته؛ بلکه معیار، اعتدال و حد میانه است که در نتیجه خردورزی دینی همین اعتدال است که مقام و مرتبه عقل و خرد را در اعتقاد دینی معین می‌نماید.

بنابر آنچه بیان گردید، عقلانیت بدون معنویت و عدالت در جامعه دینی کارساز نیست؛ زیرا معنویتی که با عقلانیت در تعارض باشد، نمی‌تواند تأثیری فراتر از آرامش موقت بر جان انسان بگذارد. بدون تشخیص دقیق هدف، راه و ابزار لازم برای رسیدن توسط عقل، ممکن نیست انسان به رشد و صعود به سمت امور متعالی حرکت نماید؛ زیرا تعیین هریک از این امور نیز در گرو استفاده از اصول عقلانی است. از سوی دیگر، پایبندی به چارچوب عقل، مانع پیدایش و رشد نحله‌های خرافی به نام معنویت می‌شود؛ زیرا پذیرش اصول بدیهی عقل، مستلزم پذیرش نتایج عقلانی در ارزیابی گونه‌های متنوع معنویت است و عقلانیتی که از عدالت بر نخواست باشد، اگر درست در باب عدالت محاسبه نشود، به ضد خودش تبدیل می‌شود. به گونه‌ای که در صورت عدم وجود عدالت، جامعه از هم پاشیده خواهد شد و ظلم و عداوت بر جامعه حاکم می‌شود. از منظر قرآن کریم، باید اهل مجاهده بود و تلاش کرد که ظلم و بی‌عدالتی در جامعه کم و نابود شود و

عدالت احیا شود. توصیه شده است که اهل تزکیه، پارسایی و ورع باشید؛ اما توصیه نشده که به مردم بی توجه باشید و کاری به ظلم و نابرابری نداشته باشید و تنها دعا یا نفرین کنید.

۷. معنویت و جامعه دینی بدون نقش عقلانیت و عدالت

از آنجا که معنویت به یک معنا محصول معرفت و به دیگر معنا، دستاورد دین و تعبید است، به عنوان عامل تکمیل کننده و معنابخش ساحت‌های مختلف زندگی انسان نیز می‌باشد. در مکتب اسلام، آرامش انسان در قالب معنویت، ایمان به غیب و توکل به خداوند متعال به دست می‌آید و همه عرصه‌های زندگی اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد. به تعبیر امام خمینی علیه السلام: «مکتب اسلام، یک مکتب مادی نیست، یک مکتب مادی-معنوی است. مادیّت را در پناه معنویت، قبول دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۳۱). معنویت با ماوراء طبیعت، عالم غیب، پروردگار و راه یافتن به باطن و حقیقت عالم مرتبط است که با تفکر، ایمان، طهارت و زندگی در چارچوب اراده الهی حاصل می‌شود (فناپی اشکوری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱) و در فرد نشاط، امید، رضایت‌مندی، آرامش، عشق و محبت با خود، دیگران و جهان پیرامون ایجاد می‌کند (عباسی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۰) و باوری است که انسان را به سوی زندگی و شادابی رهبری می‌کند. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید» (انفال، آیه ۲۴). درحالی که معنویت‌های کاذب که زائیده مدرنیته است، دچار بحران شده و در پی ارضای فطرت حقیقت‌جو و خداطلب انسان‌ها نیستند؛ بلکه برای سازگار کردن انسان مدرن و خسته از زندگی ماشینی، آرامشی نه‌چندان پایدار را به انسان پیشکش می‌کنند و بدون توجه به حقیقت بعد معنوی وجود انسان که طالب فضایل اخلاقی و نافی رذایل اخلاقی است، فقط در پی خلاص کردن انسان از بحران فعلی و هماهنگ کردن انسان با محیط است؛ بنابراین معنویتی که پایه‌های خردورزانه نداشته و با عقلانیت در تعارض و حتی در ستیز باشد، معنویت نیست. هم

چنان‌که عشقی که ضد عقل نشان داده شود، یعنی عشق غیر معقول نیز، ره‌آورد معنوی و ملاک و مبنای ایمان، معنویت و عقل روحانی نخواهد داشت؛ بلکه باید توجه داشت که معیار فضیلت و آرامش درونی است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). با عقلانیت در این مسیر، انسان راه خود را بر اساس نشانه‌هایی که خداوند قرار داده است، می‌گشاید؛ اما از آنجا که با پشتوانه معنویت و عدالت همراه است، عقلانیتی صرفاً مادی و ابزاری نیست که تنها سود شخصی و یا گروهی را طراحی کند و برای دستیابی به آن برنامه ریزد؛ بلکه عقلی است که در کنار عقلانیت برای رسیدن به رفاه و امنیت مادی، تلاش می‌کند تا جامعه را از رفاه و امنیت معنوی نیز برخوردار سازد. لذا انسان معنوی در تلاش برای تحقق عدالت همواره رضای خالق و اجر الهی را در نظر دارد. از سوی دیگر، معنویت اصل و حقیقی در ذات خود، ظلم‌ستیزی و ناسازگاری با طاغوت را همراه دارد؛ «آدم معنوی‌ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم» (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ: ۱۳۸۳/۵/۲۵). بنابراین میان عدالت و معنویت نیز، روابطی تعاملی و تکاملی برقرار است و یکدیگر را برای رسیدن به هدف یاری می‌دهند که سرآغازی برای رسیدن به الگوی جامعه دینی پیشرفته می‌شوند. وگرنه «معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک‌بعدی است. بعضی‌ها اهل معنایند، اما هیچ‌نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود» (بیانات مقام معظم رهبری، در مورخ: ۱۳۸۴/۶/۸). توجه به معنویت انسان را به حیات حقیقی خویش فراخوانده و قوه عامله انسانی را به عدالت‌ورزی دعوت می‌کند و از طرف دیگر، رفتار عادلانه خود مصداق عمل معنوی و در راستای تقویت بعد روحی انسان است.

بنابر آنچه بیان گردید، می‌توان گفت که معنویت مورد نیاز بشر امروزی، همان معنویت حاصل از آموزه‌های دین مبین اسلام است که با عقلانیت و عدالت همراه و عجین است؛ زیرا معنویت همراه با عقلانیت و عدالت، باعث افزایش امید، رضایتمندی و نشاط درونی می‌شود و در نهایت به سلامت و تعالی همه‌جانبه انسان و انسانیت کمک می‌کند تا جامعه موردنظر دین بسازد.

۸. عدالت و جامعه دینی بدون نقش عقلانیت و معنویت

با اینکه عدالت در جامعه دینی مقام شایسته و محوری دارد، اما یکی از مشکلات مهم در جوامع، عدالت و میزان دخالت دادن آن و خطر عدالت منهای عقلانیت و معنویت است. از منظر قرآن کریم، اصول عدالت در چارچوب قوانین مربوط به حقوق انسان و آزادی‌های اجتماعی، بر پایه ارزش‌های الهی و مبانی عقلانی و فطری بنا نهاده شده که دارای ضمانت اجرایی لازم و کافی است. از این رو، اجرای عدالت اجتماعی و برقراری قسط در جامعه، قطعاً نیازمند زمینه‌سازی است و آن، چیزی جز حرکت فرد و جامعه در مسیر کمال و ارزش‌های توحیدی نیست. اگر انسان بر اساس تعالیم وحی تربیت شود و به آموزه‌های الهی تعبد واقعی داشته باشد و تمایلات نفسانی خود را مهار کند، برای همه انسان‌ها شأن، منزلت، کرامت و حقوق طبیعی خدادادی قائل خواهد بود و تجاوز به حقوق طبیعی آن‌ها و شکستن حرمتشان را مجاز نخواهد دانست و نگاه عادلانه عقلانی به همه خلق الله را وظیفه و تکلیف دینی خود بر خواهد شمرد. بر اساس این معیار، اعتقاد به ارزش دینی عدالت و عدم مزیت بین افراد و بندگان خدا در حقوق حیات طبیعی سبب خواهد شد تا در عمل نیز انسان در راستای عدالت عقلانی حرکت کند و عدالت را یک تکلیف قطعی و شرعی بداند نه یک شعار و یک نیاز مقطعی و اجتماعی و سیاسی صرف که جوامع غیر ارزشی به آن دچار هستند. در این جوامع، اصول عدالت در چارچوب دموکراسی غربی و در قوانین خودساخته بشری، ابزاری و به دور از ارزش‌ها است. اصول عدالتی است که در این جوامع به نظریه فایده‌گرایی، قراردادگرایی و آزادی‌گرایی، ... با رویکردهای مختلف به عدالت، مطرح می‌شود که پیرو قانون‌های خودساخته بشری است نه ارزش‌های الهی انسانی.

آیات متعددی از قرآن کریم با صراحت کامل، فقدان عدالت را عامل سقوط تمدن‌ها و نابودی اجتماعات معرفی می‌نماید، آنجا که می‌فرماید: «فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد» (انعام، آیه ۴۵) یا آیه «وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا؛ و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری

کردند، هلاکشان کردیم و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم» (کهف، آیه ۵۹). قرآن کریم، نابودی اجتماعات گذشته را معلول ظلم و جور می‌داند که عبارت از: تضاد با عدالت و یا بی‌اعتنایی به آن. هیچ اعتلا و تمدن اصیل را در تاریخ بشری بدون در نظر گرفتن عامل عدالت، نمی‌توان تحلیل و تفسیر کرد (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۲۶۶). با این توصیف آثار خطر عدالت منهای عقلانیت و معنویت بیشتر آشکار می‌شود. اگر در اجرای عدالت، عقلانیت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود و عمل یا موضع انسان یا یک گروه و جریان خودش تبدیل به بی‌عدالتی می‌شود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود و خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عدالت منشائی کاملاً عقلانی دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام بن‌مایه‌های عدالت را فکری ژرف و دانشی عمیق معرفی می‌کند و می‌فرماید: عدل بر چهارپایه برقرار است؛ فکری ژرف‌اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده...» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱). معنویت نیز به‌عنوان روح حاکم و نیت و هدف در کارهای جامعه دینی و اعتقاد به مبدأ و معاد و محاسبه الهی در موضوع عدالت، نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند تا جایی که معنویت، علت نهایی خلقت انسان و عدالت، علت نهایی تشکیل نظام اجتماعی- فرهنگی اسلامی معرفی شده است. یعنی، خیر و سعادت انسان در معنویت و قرب الهی است؛ اما این هدف حادث نمی‌شود، مگر با تشکیل حکومت عدل و پذیرش توسط مردم. لذا به بیان استاد مطهری رحمته الله «اساسی‌ترین راهکار به‌عنوان پشتوانه اجرای عدالت در جامعه اسلامی، معنویت است. اسلام می‌خواهد روح‌ها با هم یکی شوند تا مردم به حکم بلوغ روحی، عاطفه انسانی و اخوت اسلامی ناشی از معنویت، برای رفع تبعیض‌ها گام بردارند» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۵۹).

بنابر آنچه بیان گردید، با اینکه در همه شرایع الهی، عدالت اصل بنیادین است؛ ولی رویکردهای متفاوت در جوامع و شرایع مختلف به عدالت، مطرح می‌شود که بسیاری، عدالت را پیرو قانون‌های خودساخته بشری می‌دانند؛ اما در نظام

فکری اسلام عدالت با ارزش‌های الهی انسانی سنجیده می‌شود و جایگاه محوری دارد؛ چراکه لازمه تحقق عدالت به معنای حقیقی آن، دارا بودن یک نظام عقلانی کامل همراه با معنویت است و جامعه‌ای که بر اصول عدالت اداره می‌شود، با همراهی دو عنصر عقلانیت و معنویت جامعه‌ای استوار و ارزشمند است. چراکه عدالت بدون گرایش به معنویت، یک‌بعدی است، همان‌گونه، عدالت بدون توجه به عقلانیت نیز تک‌بعدی است.

۹. نتیجه‌گیری

با بررسی موضوع به این نتیجه می‌توان رسید که نقش مؤلفه عقلانیت، معنویت و عدالت در جامعه دینی بسیار اساسی است؛ چراکه عقلانیت، راهنمای معنویت و عدالت به‌سوی هدف می‌تواند باشد و انسان با معنویت حقیقی، با اعتقاد به مبدأ و معاد و محاسبه الهی، به عالم غیب ایمان دارد و با رعایت عدالت و توازن در استفاده و بهره‌برداری از نعمت‌های الهی، مسئولیت‌پذیری و تقوا، به دستورات الهی عمل می‌کند. لذا از منظر قرآن کریم، جامعه دینی توحیدی با مدیریت آگاهانه عقلانی (خردورزی و بصیرت)، معنویت حقیقی و عدالت‌مداری، می‌تواند تضمین‌کننده روند حرکت به‌سوی جامعه مطلوب قرآنی، همراه با تأمین حقوق همه افراد جامعه باشد؛ اما معنویتی که بر اصول عقلانی استوار نباشد یا معارض با آن باشد، بیشتر به زهد، تصوف، درویشی‌گری و ... شبیه است و نمی‌تواند تأثیری فراتر از آرامش موقت مانند شبه معنویت‌های جهان امروز، بر جان انسان داشته باشد. عدالتی که با عقلانیت و معنویت همراه نباشد، به ظاهرسازی و ریاکاری و دروغ و انحراف و تصنع تبدیل و جامعه از هم پاشیده خواهد شد و ظلم و عداوت بر جامعه حاکم خواهد گردید. بنابراین از منظر قرآن کریم، عقلانیت، حقیقتی است که با دو عنصر معنویت و عدالت کامل می‌شود و رابطه‌ای تنگاتنگ بین آن‌ها حاکم است. در حقیقت؛ وقتی ابزار کار جامعه، عقلانیت؛ روح و اساس آن، معنویت و هدف و مسیر آن، عدالت باشد، می‌شود تا بر اساس این داده‌ها به قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و طراحی الگو پرداخت و با در نظر داشتن راهبردهای

عقل جمعی مانند مشورت، مصلحت همگانی، همفکری و مشارکت در فرایندی معقول و حساب شده و به دور از جزم اندیشی و خودشیفتگی با معنویت توأم با نگرش توحیدی و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات و برپایی عدالت فردی و اجتماعی به مرحله ای دست یافت که نه تنها نمونه جامعه دینی، بلکه الگوی مطلوب جامعه دینی در جهان امروز برای تشکیل حکومت جهانی قرآن بنیان قرار گرفت.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة (ج ۴). قم: مکتب اعلام اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اکبریان، سیدمحمد، محمدباقر انصاری و وحید حامد. (۱۳۹۹). عقلانیت و معنویت در بوته نقد. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- انیس، ابراهیم عبدالحلیم منتصر عطیه صوالحی محمد خلف احمد. (۱۴۱۶). المعجم الوسیط. (چاپ ۵). تهران: مکتب نشر الثقافة الاسلامیه.
- برو. آلن. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. (مترجم: باقر، ساروخانی). تهران: انتشارات کیهان.
- تمیمی الآمدی، عبدالواحد. (۱۴۰۷). غررالحکم و دررالکلم. (ج ۲). بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). فلسفه دین. (چاپ اول). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). شرح و تفسیر نهج البلاغه. (ج ۲). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). ادب فنای مقربان. (ج ۲). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، ابی نصر اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۸). تاج اللغة و صحاح العربیه. (ج ۱). بیروت: دارالفکر.
- حسینی تاش، واثق، سید علی و قادرعلی واثق. (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته. اسلام و پژوهش های مدیریتی. (۲).
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۳/۰۴/۱۶). بیانات در دیدار مسئولان نظام. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای.

<https://B2n.ir/uf9463>

خامنه ای، سید علی. (۱۳۸۸/۰۷/۰۲). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای.

<https://B2n.ir/ds8380>

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۴/۰۶/۰۸). بیانات در جمع دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت تاریخ. پایگاه اطلاع‌رسانی حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

<https://B2n.ir/ub5627>

خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور. (ج ۷). قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸). فقه الشیعه. مترجم: سید محمد مهدی. خلخالی. (چاپ سوم). قم: مؤسسه آفاق.

درویش، محی‌الدین. (۱۴۱۵). اعراب القرآن الکریم و بیانہ. (ج ۳). سوریه: الارشاد.
دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۶). درآمدی بر حقوق اسلامی. (چاپ دوم). تهران: سمت.
زبیدی، محمد مرتضی. (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس. (ج ۵). بیروت: المكتبة الحیاء.
زرشناس، شهریار. (۱۳۸۱). مبانی نظری غرب مدرن. تهران: کتاب صبح.

سعادت، احمد. (۱۳۹۳). عقلانیت اسلامی؛ چیستی، مبانی و لوازم. قم: فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی. ۵. مهر ۱۴۰۱. صص ۱۵۵-۱۹۴.

صدر، سید محمد باقر. (۱۴۲۰). الاجتهاد والتقلید، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. نسخه کامپیوتری جامع فقه اهل‌البيت (ع).
صدرالدین شیرازی، محمد ابن ابراهیم. (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه.

(ج ۳). بیروت: دار احیاء التراث.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۵۴). معنویت تشیع. قم: تشیع.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. (مترجم: موسوی همدانی. ج ۱۵). قم: انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۵). بیروت: دارالاعلمی.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. (ج ۵). محقق: احمد الحسینی. تهران: مرتضوی.

عباسی، محمود و شمسی‌گوشتکی، احسان و ابوالقاسمی، محمد جواد. (۱۳۹۲). درآمدی بر سلامت معنوی. تهران: حقوقی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۴). ترتیب کتاب العین (ج ۲). قم: اسوه.
- فنائی اشکوری، محمد. (۱۳۸۴). بحران معرفت: نقد عقلانیت و معنویت تجددگرا. قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه السلام.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور (ج ۸). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محدث نوری. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل (ج ۱۱). قم: مؤسسه آل‌البیت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). مجموعه گفتارها. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). جامعه و تاریخ. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). مجموعه آثار (ج ۸، ۲۱). تهران: نشر صدرا.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر کاشف (ج ۵، چاپ اول). قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۱). جایگاه عقلانیت در اسلام. قم: امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
- میرزایی، رضا و سمیه، دلیرصف آرای اخگر. (۱۳۹۷). بحران معنویت در جهان معاصر. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. بهار ۲۲ (۷۴). صص ۹۳-۱۱۲.
- میرمدرسی، سید موسی. (۱۳۸۰). جامعه برین. (چاپ اول). قم: بوستان کتاب.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد. (۱۳۹۶). مدرنیسم ایرانی و عقلانیت خودمدار: چارچوبی برای تبیین آسیب‌های اجتماعی. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران. پاییز و زمستان. سال هشتم. شماره ۲.
- واعظی، احمد. (۱۳۷۷). جامعه دینی جامعه مدنی (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- واعظی، احمد. (۱۳۹۸). ظرفیت‌های معنویت‌گرایی علوی در تحقق عدالت اجتماعی. قم: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، ۲۶ (۸۵).

References

* The Holy Quran

- Abbasi, M., Shamsi Goushki, E., & Abolghasemi, M. J. (2013). *Introduction to Spiritual Health*. Tehran: Hoghoghi. [In Persian]
- Akbarian, S. M., Ansari, M. B., & Hamed, V. (2020). *Rationality and Spirituality under Critique*. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Anis, I. A., Muntasir, 'A. S., & Khalaf Ahmad, M. (2037). *Al-Mu'jam al-Wasit* (5th ed.). Tehran: Maktab Nashr al-Thaqafah al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Bro, A. (1987). *Dictionary of Social Sciences* (B. Sarukhani, Trans.). Tehran: Keyhan Publications. [In Persian]
- Darwish, M. (2036). *I'rab al-Qur'an al-Karim wa Bayanuh* (Vol. 3). Syria: Al-Irshad. [In Arabic]
- Fanaei Eshkavari, M. (2005). *The Epistemic Crisis: A Critique of Rationality and Spirituality in Modernism*. Qom: Imam Khomeini Educational Institute. [In Persian]
- Farahidi, K. b. A. (1984). *Tartib Kitab al-'Ayn* (Vol. 2). Qom: Osveh. [In Arabic]
- Hosseini Tash, V., Seyyed Ali, & Ghaderali Vaseq. (2014). *Good Governance and Proposing Appropriate Governance. Islam and Management Studies*, (2). [In Persian]
- Ibn Faris, A. b. Zakariya. (2025). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (Vol. 4). Qom: Maktab-e I'lam-e Islami. [In Arabic]
- Ibn Manzur, M. b. M. (2029). *Lisan al-'Arab*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Jafari, M. T. (1996). *Philosophy of Religion* (1st ed.). Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Jafari, M. T. (1997). *Sharh va Tafsir Nahj al-Balagha* (Vol. 2). Tehran: The Office for Islamic Culture Publications. [In Arabic]

- Javadi Amoli, A. (2004). *Adab-e Fana-ye Muqarraban* (Vol. 2). Qom: Esra Publication Center. [In Arabic]
- Jowhari, A. (2039). *Taj al-Lughah wa Sihah al-'Arabiyyah* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Khamenei, S. A. (2005, August 30). Statements in the meeting with the President and members of the Cabinet. *Official Website for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei*. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2009, September 24). Statements in the meeting with the members of the Assembly of Experts. *Official Website for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei*. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2014, July 7). Statements in the meeting with the officials of the system. *Official Website for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei*. [In Persian]
- Khoei, S. A. Q. (2039). *Fiqh al-Shi'ah* (S. M. M. Khalkhali, Trans., 3rd ed.). Qom: Afaq Institute. [In Arabic]
- Khomeini, R. (1999). *Sahifeh-ye Noor* (Vol. 7). Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2012). *The status of rationality in Islam*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (A). [In Persian]
- Makarem Shirazi, N., & Group of scholars. (2009). *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Mirmodaresi, S. M. (2001). *The superior society* (1st ed.). Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Mirzaei, R., & Dalirsaf Aray Akhgar, S. (2018). The crisis of spirituality in the contemporary world. *Quarterly Journal of Epistemological Studies in the Islamic University*, 22(74), pp. 93–112. [In Persian]
- Motahhari, M. (1982). *Collected Speeches*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Motahhari, M. (1989). *On the Islamic Revolution*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]

- Motahhari, M. (1991). *Islam and the Needs of the Time*. Tehran: Sadra Publications.
 [In Persian]
- Motahhari, M. (1998). *Society and History* (17th ed.). Tehran: Sadra Publications.
 [In Persian]
- Motahhari, M. (2002). *Collected Works* (Vols. 8 & 21). Tehran: Sadra Publications.
 [In Persian]
- Mughniyah, M. J. (1999). *Translation of Tafsir al-Kashif* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Bustan-e Ketab. [In Arabic]
- Muhaddith Nuri. (1988). *Mustadrak al-Wasa'il* (Vol. 11). Qom: Al al-Bayt Institute.
 [In Arabic]
- Nosratinejad, F. (2017). Iranian modernism and self-centered rationality: A framework for explaining social damages. *Iranian Journal of Social Issues*, 8(2), Autumn and Winter. [In Persian]
- Office of Seminary and University Cooperation. (1997). *An Introduction to Islamic Law* (2nd ed.). Tehran: SAMT. [In Persian]
- Qara'ati, M. (2009). *Tafsir-e Nur* (Vol. 8). Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur'an. [In Persian]
- Sa'adat, A. (2014). Islamic rationality: Its nature, foundations, and requirements. *Fundamental Studies of the New Islamic Civilization Quarterly*, 5, pp. 155–194. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, M. b. I. (1981). *Al-Hikmah al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-'Aqliyyah al-Arba'ah* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya' al-Turath. [In Arabic]
- Sadr, S. M. B. (1999). *Al-Ijtihad wa al-Taqlid* [Computer version of the comprehensive fiqh of Ahl al-Bayt]. Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom. [In Arabic]
- Tabataba'i, S. M. H. (1975). *The Spirituality of Shi'ism*. Qom: Tashayyu'. [In Persian]
- Tabataba'i, S. M. H. (1984). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar al-'Ilm li al-Malayin. [In Arabic]

- Tabataba'i, S. M. H. (2006). *Tafsir al-Mizan* (M. H. Musavi Hamadani, Trans, Vol. 15). Qom: Islamic Publications. [In Persian]
- Tamimi al-Amidi, A. W. (2028). *Gurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (Vol. 2). Beirut: Al-'Ilami Publishing House. [In Arabic]
- Turaihī, F. (1996). *Majma' al-Baḥrayn* (Vol. 5, A. al-Husayni, Ed.). Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
- Va'ezi, A. (1998). *Religious society, civil society* (1st ed.). Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- Va'ezi, A. (2019). The capacities of Alawi spiritualism in achieving social justice. *Baqir al-Olum University*, 22(85). [In Persian]
- Zarshenas, Sh. (2002). *Theoretical Foundations of Modern Western Thought*. Tehran: Ketab-e Sobh. [In Persian]
- Zubaidi, M. M. b. M. (2011). *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus* (Vol. 5). Kuwait: Government of Kuwait. [In Arabic]

An Examination of the Impact of *Dhikr* on the Elevation of Social Ethics¹

Faraj Talashan¹ 

Yousef Omraninejad²

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran (Corresponding Author).

f.talashan@yu.ac.ir

2. PhD Graduate, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Yasouj Branch, Yasouj, Iran.

usef.omraninejad@iau.ir



Abstract

The term *dhikr* (remembrance) in the Holy Quran, as one of its key concepts, plays a central role in spiritual guidance and moral education. Beyond establishing a deep connection with God, *dhikr* is introduced as an effective tool for reforming attitudes and promoting social ethics. This study, adopting an analytical and comparative approach, aims to examine the influence and role of *dhikr* in strengthening and elevating social moral values. It seeks to explain the impact of this Quranic concept on human relationships and social cohesion. The findings indicate that *dhikr*, as a dynamic and continuous process, contributes to the advancement of social ethics and the development of a moral-oriented society by preventing moral vices and social corruption (avoiding heedlessness, forgetfulness, and ignorance), enhancing piety and fear of disobedience to God, soothing

1. Talashan, F. (2025). The impact of *dhikr* on the elevation of social ethics. *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 65-91.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.70625.2119>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:**2024/12/28 • **Revised:**2024/04/07 • **Accepted:**2025/04/19 • **Published online:** 2025/08/07

© The Authors



hearts and fostering social tranquility, strengthening the spirit of empathy and social cooperation, responding to social needs, and reinforcing a sense of responsibility, perseverance, and resilience. It can thus play a significant role in shaping social identity and creating an ideal society based on moral and spiritual values.

Keywords

Dhikr, social values, moral values, social tranquility.

بررسی تأثیر ذکر در تعالی اخلاق اجتماعی^۱

فرج تلاشان^۱  یوسف عمرانی‌نژاد^۲

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).

Email f.talashan@yu.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران.

usef.omraninejad@iau.ir



چکیده

واژه «ذکر» در قرآن کریم به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی، نقشی محوری در هدایت معنوی و تربیت اخلاقی انسان ایفا می‌کند. ذکر، علاوه بر ایجاد ارتباط عمیق با خداوند، به‌عنوان ابزاری کارآمد در اصلاح نگرش‌ها و ارتقای اخلاق اجتماعی معرفی شده است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تطبیقی و با هدف بررسی تأثیر و نقش ذکر در تقویت و تعالی ارزش‌های اخلاقی اجتماعی در تلاش است تا تأثیرات این مفهوم قرآنی را بر روابط انسانی و انسجام اجتماعی تبیین نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ذکر، به‌عنوان یک فرایند پویا و مستمر، زمینه‌ساز تعالی اخلاق اجتماعی و جامعه‌ای اخلاق‌مدار از طریق پیشگیری از رذایل اخلاقی و فساد اجتماعی (دوری از غفلت، دوری از نسیان، دوری از جهالت)، تقویت تقوا و ترس از نافرمانی الهی، تسکین دل‌ها و ایجاد آرامش اجتماعی، تقویت روحیه همدلی و تعاون اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و تقویت حس مسئولیت، استقامت و پایداری است و می‌تواند در جهت شکل‌دهی هویت اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای آرمانی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها

ذکر، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی، آرامش اجتماعی.

۱. تلاشان، فرج؛ عمرانی‌نژاد، یوسف (۱۴۰۴). بررسی تأثیر ذکر در تعالی اخلاق اجتماعی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۴۸(۴)، صص ۶۵-۹۱.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.70625.2119>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ ■ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



طرح مسئله

واژه «ذکر» به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین و کلیدی قرآن کریم، در زمینه‌های گوناگون از جمله اعتقادات، اخلاق و عبادات نقش بسزایی دارد. این مفهوم قرآنی نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای تقویت ارتباط معنوی و روحانی انسان با خداوند متعال شناخته می‌شود، بلکه به عنوان ابزاری قدرتمند در تعالی اخلاق اجتماعی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. ذکر، با یادآوری نعمت‌های الهی، مسئولیت‌های انسانی و اصول اخلاقی، می‌تواند انسان‌ها را از غفلت نجات داده و آنان را به مسیر تحقق ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی سوق دهد. در جوامع انسانی، اخلاق اجتماعی یکی از ارکان اساسی پایداری، انسجام و پیشرفت محسوب می‌شود. ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، انصاف، عدالت و همکاری نقش بی‌بدیلی در بهبود روابط انسانی، افزایش اعتماد متقابل و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. با این وجود، شرایط متغیر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروزی گاه موجب تضعیف این ارزش‌ها و رشد انحرافات رفتاری می‌شود. در چنین فضایی، توجه به ذکر و یاد خداوند، به عنوان عنصری کلیدی در هدایت انسان‌ها و اصلاح نگرش‌ها، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات اخلاقی و اجتماعی باشد. ذکر در قرآن کریم به عنوان ابزاری برای بیداری فطرت انسانی و بازگرداندن انسان به مسیر الهی معرفی شده است. این مفهوم با تقویت خداشناسی، توجه به مسئولیت‌های انسانی و تقوا، مسیر رشد و تعالی فردی و اجتماعی را هموار می‌سازد. آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) به خوبی بر نقش ذکر در ایجاد آرامش روحی، اصلاح نیت‌ها و تقویت بنیان‌های اخلاقی تأکید دارد. آرامشی که از ذکر خداوند حاصل می‌شود، تأثیری مستقیم بر رفتارهای فردی و اجتماعی دارد و موجب می‌شود انسان‌ها با رویکردی مثبت‌تر و اخلاق‌مدارتر با یکدیگر تعامل داشته باشند. از سوی دیگر، ذکر خداوند نقش بازدارنده‌ای در برابر غفلت، گناه و ناهنجاری‌های اخلاقی دارد. این مفهوم می‌تواند روحیه مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و نوع‌دوستی را در افراد تقویت کرده و زمینه را برای شکل‌گیری یک جامعه اخلاق‌مدار فراهم آورد. ذکر با یادآوری اصول اخلاقی و ارزش‌های الهی، افراد

را به مشارکت در ساخت جامعه‌ای عادلانه، متعهد و همدل تشویق می‌کند. در شرایطی که جوامع بشری با چالش‌هایی نظیر نسیان، غفلت، جهل، خودمحوری و کاهش حس مسئولیت‌پذیری مواجه‌اند، بررسی دقیق و علمی تأثیر ذکر در ارتقای اخلاق اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌هایی اساسی نظیر «ذکر چه نقشی در بازسازی و ارتقای اخلاق اجتماعی ایفا می‌کند؟»، «چگونه می‌توان از این مفهوم قرآنی برای کاهش آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی بهره گرفت؟» و «ذکر چگونه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌مدار، پویا و متعالی کمک کند؟» به تحلیل ابعاد مختلف این موضوع خواهد پرداخت. همچنین، بررسی تأثیر ذکر بر فرآیندهای روانی و معنوی و ارتباط آن با اصلاح تعاملات اجتماعی، می‌تواند افق‌های تازه‌ای در زمینه تحقق جامعه‌ای مبتنی بر اخلاق و ارزش‌های الهی پیش روی ما بگشاید. در رابطه با تأثیر و نقش ذکر پژوهش‌هایی مورد مذاقه قرار گرفته‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تحریری و نجفی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «ذکر خداوند و نقش تربیتی آن در هویت‌شناسی و تکامل انسان» ذکر را به سه نوع زبانی، قلبی و عملی تقسیم می‌کنند و بهترین نوع آن را ذکر عملی می‌دانند. به نظر آن‌ها، با استمرار در ذکر عملی، انسان به هماهنگی بین گفتار، نیت و عمل می‌رسد. این هماهنگی باعث می‌شود که عبودیت خداوند در تمام ابعاد زندگی فرد نمایان شود. در نتیجه‌ی این هماهنگی، فرد به شناخت عمیق‌تر از خود و رشد معنوی دست می‌یابد.

- کاهنده (۱۴۰۰) در پژوهش خود به دنبال یافتن مصادیق مختلف ذکر خداوند در قرآن و روایات بوده و معتقد است هر عملی که انسان را به یاد خدا بیندازد و ارتباط او را با خداوند تقویت کند، ذکر محسوب می‌شود. این اعمال شامل تلاوت قرآن، نماز، ذکر و دعا، تسبیح و تنزیه الهی و حتی ازدواج نیز می‌شود که با آن‌ها، انسان به آرامش درونی دست می‌یابد، اضطراب و نگرانی‌هایش کم می‌شود.

- کاهنده (۱۴۰۰) در پژوهش خود با استناد به آیات و روایات، مصادیق ذکر خدا را شناسایی و نقش تربیتی آن را در ایجاد آرامش بررسی کرده است. وی اعمالی مانند

تلاوت قرآن، نماز، دعا و حتی ازدواج را از مصادیق ذکر می‌داند. از دیدگاه او، ذکر خدا موجب آرامش درونی، کاهش اضطراب و تقویت نگرش امیدوارانه به زندگی می‌شود.

- یافته‌های تحقیق نقیب‌زاده و حسینی (۱۳۹۹) با عنوان «نقش ذکر در شکوفایی فطرت الهی انسان از دیدگاه قرآن کریم، نشان داد، هرچه میزان ذکر و توجه انسان به خداوند بیشتر و عمیق‌تر شود، معرفت شهودی او نسبت به حقایق الهی افزایش یافته و در نتیجه، فطرت الهی درونی او بیدارتر و شکوفاتر خواهد شد. این امر آثار روشنی همچون نورانیت دل، بصیرت و نزدیکی به خداوند را در زندگی افرادی که به ذکر مشغول‌اند، آشکار می‌سازد.

- یافته‌های پژوهش حسین‌زاده و محمدجعفری (۱۳۹۸) نشان داد ذکر و دعا هر دو برای سلامتی مفید هستند. ذکر بیشتر به آرامش ذهن، روح و سلامتی جسم کمک می‌کند. دعا هم برای پیشگیری از بیماری و درمان آن مفید است، مخصوصاً زمانی که انسان در شرایط سخت قرار گرفته است.

- فاضلی دهکردی و رضوان‌خواه (۱۳۸۹) به رابطه ذکر، انس با قرآن و تربیت اخلاقی پرداخته‌اند و ذکر را عامل تقرب به خدا می‌دانند. با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش‌های پیشین بیشتر بر آثار فردی ذکر تمرکز داشته‌اند، اما این مطالعه به تأثیر آن بر تعالی اخلاق و تقویت ارزش‌هایی اجتماعی می‌پردازد. نتایج آن می‌تواند در ارتقای اخلاق اجتماعی مؤثر باشد.

تحلیل مفهومی و تفسیری ذکر

واژه «ذکر» یکی از مفاهیم کلیدی در قرآن کریم است. در زبان فارسی، کلمه «ذکر» معانی مختلفی دارد. به طور کلی، «ذکر» به معنای یاد کردن، گفتن و بیان کردن چیزی است. این کلمه می‌تواند به حدیث گفتن، نام بردن از کسی یا چیزی، تعریف کردن از یک داستان یا حکایت، بر زبان آوردن، حفظ در خاطر، دعا، نماز و به طور کلی هر نوع بیان کلامی اشاره داشته باشد (دهخدا، ۱۳۷۷؛ عمید، ۱۳۹۰، ص ۵۴۹). برخلاف بسیاری از

واژگان قرآنی که نیازمند تفسیر و تشریح عمیق هستند، معنای ذکر در نگاه اول نسبتاً روشن به نظر می‌رسد و عموماً به یادآوری خداوند و صفات متعالی او تعبیر می‌شود. بااین حال، معنای عمیق‌تر ذکر به مراتب ایمان و معرفت افراد بستگی دارد و در فرآیند تکامل روحی انسان رشد و تحول می‌یابد. راغب اصفهانی در مفردات ذکر را حالتی برای نفس می‌داند که به واسطه آن انسان می‌تواند معرفت خود را حفظ کند. او ذکر را به دو نوع تقسیم می‌کند: ذکر قلبی و ذکر زبانی که هر یک می‌توانند از سر فراموشی یا با استمرار و حضور قلب باشند. علاوه بر این، ذکر به معنای سخن نیز به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۸) علامه طباطبایی نیز ذکر را به دو معنای «در برابر غفلت» و «در برابر نسیان» تقسیم می‌کند. وی تأکید می‌کند که ذکر زبانی اثر ذکر قلبی است و یادآوری حقیقی از دل برمی‌خیزد. او در تحلیل آیات متعدد، مراتب مختلف ذکر را بررسی می‌کند، از جمله آرامش قلبی در اثر یاد خدا (رعد، ۲۸)، ذکر در دل همراه با تضرع و خشوع (اعراف، ۲۰۵) و ذکر باطنی شدیدتر از ذکر لفظی (بقره، ۲۰۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، صص ۵۱۰-۵۱۱). با توجه به آنچه بیان شد، ذکر به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین قرآن، جایگاهی رفیع در هدایت و تربیت انسان دارد. این مفهوم نه تنها از طریق ذکر زبانی، بلکه با اثرگذاری بر قلب و عقل، انسان را به سوی خداشناسی، تقوا، و کمال معنوی سوق می‌دهد.

نقش و تأثیر ذکر در تعالی اخلاق اجتماعی

قرآن کریم بارها به تأثیر ذکر در بیداری انسان‌ها اشاره و آن را وسیله‌ای برای حفاظت در برابر رذائل اخلاقی مانند غفلت، نسیان، جهالت و عدم ترس از نافرمانی خداوند و تقویت و ارتقای تربیت اخلاقی جامعه می‌داند. این تأثیرات را می‌توان در چند بُعد بررسی کرد:

۱. پیشگیری از رذائل اخلاقی و فساد اجتماعی

یکی از آثار مهم ذکر الهی، پیشگیری از رذائل اخلاقی و فساد اجتماعی است. در

آیه «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» (ابراهیم، ۵) خداوند به پیامبران فرمان می‌دهد که مردم را به یاد روزهای خداوند (روزهای آزمون و حساب) بیندازند. یادآوری این ایام الهی باعث می‌شود که انسان‌ها از گناهان و رذائل اخلاقی مانند دروغ‌گویی، خیانت، ظلم و فساد دوری کنند. در جوامع مبتلا به فساد اقتصادی، افراد ممکن است برای به دست آوردن ثروت‌های نامشروع دست به اقدامات غیراخلاقی بزنند. اگر مردم این جوامع در یاد خدا غرق باشند، چنین رفتارهایی در آن‌ها کمتر دیده می‌شود، زیرا اعتقاد به محاسبه الهی و روز قیامت، مانع از ارتکاب این گناهان می‌شود. در دوران‌هایی که ظلم و فساد اجتماعی در جوامع گسترش می‌یابد، آیات قرآن که به یاد خدا و روز قیامت اشاره دارند، می‌توانند به عنوان یک راهکار اخلاقی عمل کنند. به طور مثال، در جوامعی که فساد سیاسی رواج دارد، مردم با یادآوری وعده‌های الهی و لزوم پاسخگویی در روز قیامت، به مقابله با ظلم و فساد می‌پردازند. در قرآن کریم آمده است: «فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ» (سجده، ۱۴) این آیه به کسانی که در دنیا فراموش کرده‌اند که در روز قیامت باید پاسخگو باشند، هشدار می‌دهد. اگر مردم به این حقیقت اعتقاد داشته باشند که در قیامت باید جوابگوی اعمال خود باشند، به طور طبیعی از ارتکاب گناهان اقتصادی و دزدی‌های نامشروع و غیره پرهیز می‌کنند. وقتی گفته می‌شود خداوند بنده‌ای را فراموش می‌کند، منظور این است که او از آن بنده دست می‌کشد و او را به حال خود رها می‌کند. این به معنای بی‌اعتنایی و عدم حمایت از سوی خداوند است. اما این به هیچ وجه به معنای فراموشی خداوند نیست، زیرا خداوند به همه چیز دانا و آگاه است (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۹۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۳۹). از جمله رذائل و مفاسد اجتماعی که متأثر از فراموشی ذکر الهی هستند، عبارت‌اند از:

۱-۱. دوری از غفلت

غفلت، وضعیتی است که در آن انسان از حقایق هستی و ارزش‌های معنوی غافل شده و به امور دنیوی و گذرا دل می‌بندد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۹). این وضعیت، مانع از بیداری فطرت و رشد معنوی انسان‌ها می‌شود. ذکر و یاد خدا، با ایجاد ارتباط معنوی

بین انسان و خداوند، موجب بیداری قلب و روشنائی بصیرت می‌شود. قرآن کریم با تأکید بر اهمیت ذکر و یاد خدا، راه کارهایی برای رهایی از این وضعیت ارائه می‌دهد. در آیه شریفه «وَلَا تُطِغْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف، ۲۸)، در این آیه شریفه خداوند از پیروی کسانی که قلبشان از یاد او غافل است، نهی می‌کند، زیرا این غفلت انسان را نیز به ورطه فراموشی و گمراهی می‌کشاند. «اغفال قلب» که به معنای مسلط شدن غفلت بر قلب و فراموشی یاد خداست، نتیجه روی گردانی آگاهانه از حق یا مجازاتی الهی برای عنادورزی با حقیقت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق ج ۱۳، ص ۳۰۴). این وضعیت در آیه «إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا» (کهف، ۵۷) نیز اشاره شده که قلبشان از یاد خدا غافل شده و به‌طور طبیعی به دنبال ارضای هواهای نفسانی خود می‌روند. در آیه مورد بحث، عبارت «و اتبع هواه» به این معناست که فرد غافل، به‌جای پیروی از دستورات الهی، از خواسته‌های نفسانی خود پیروی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق ج ۱۳، ص ۳۰۴) واژه «فرط» در این آیه، به معنای زیاده‌روی در پیروی از هواهای نفسانی و دور شدن از مسیر حق است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۳۹) افرادی که به هواهای نفسانی پیروی می‌کنند، از تعادل خارج شده و به افراط و تفریط می‌گیرند. در مقابل، مؤمنان واقعی با وجود کمبود مالی، قلبی سرشار از عشق به خدا دارند و همواره او را یاد می‌کنند، درحالی‌که ثروتمندان مغرور با وجود دارایی‌های فراوان، خدا را فراموش کرده و زندگی‌شان مملو از افراط و اسراف است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۴۱۷). یاد خدا در قرآن دو اثر مکمل بر قلب مؤمن دارد: در سوره انفال، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» (انفال، ۲)؛ یاد خدا موجب ترس و خشیت از کیفر الهی می‌شود و در آیه ۲۸ رعد، یاد خدا با توجه به نعمت‌ها و وعده‌های الهی، آرامش و اطمینان قلب را به همراه دارد. این دو حالت نشان‌دهنده رابطه میان ذکر، امید به رحمت الهی و خشیت از عقاب او است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۴۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۴۹). این آیه تأکید دارد که، یاد خدا هم عامل انس و اطمینان در دل مؤمن است و هم موجب ترس و خشیت که هر دو از جلوه‌های ایمان واقعی به شمار می‌روند. قرآن کریم در آیه دیگری انسان را از غفلت برحذر داشته و آن را حالتی می‌داند که در

آن، انسان با وجود بهره‌مندی از قلب، چشم و گوش، از درک حقیقت عاجز می‌ماند: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ» (اعراف، ۱۷۹). برای خروج انسان از این حالت، دستوری عمومی برای همگان صادر نموده و می‌فرماید: «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْعُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْعَافِلِينَ؛ و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی‌صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش» (اعراف، ۲۰۵) و انسان برای جلوگیری از تعلق افراطی به دنیا و غفلت از قیامت، به ذکر و یادآوری مداوم حقایق الهی نیاز دارد. دل غافل از قیامت نه تنها بیدار نمی‌شود، بلکه از تأثر و اصلاح نیز باز می‌ماند. این آیات بر این نکته تأکید دارند که ذکر، ابزاری ضروری برای زدودن غفلت و بیدار نگه‌داشتن فطرت انسانی و برطرف‌کننده فاصله و حائل میان خلق و خالق است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۳۸۳).

از بارزترین نمونه‌های تأثیر ذکر در تعالی اخلاق اجتماعی و دوری از غفلت ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام است که با ذکر و یاد خدا، در برابر جامعه‌ای که غرق در بت‌پرستی و غفلت بود، ایستادگی کرد و مردم را به توحید دعوت نمود. در ماجرای شکستن بت‌ها، او با استدلال و یادآوری قدرت الهی، مردم را از خواب غفلت بیدار کرد و مسیر حق را به آنان نشان داد و فرمود: «قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ؟ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سود و زبانی به شما نمی‌رساند؟ اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟» (انبیاء، ۶۶-۶۷) همچنین جوانان اصحاب کهف، در جامعه‌ای که گرفتار ظلم و فساد شده بودند، با یاد خدا از غفلت دوری کردند و برای حفظ ایمان خود، به غار پناه بردند. قرآن کریم در وصف آنان می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى؛ آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم» (کهف، ۱۳). درواقع آن‌ها با ذکر و یاد الهی، از همرنگ شدن با جامعه فاسد پرهیز کردند و خداوند نیز آنان را مورد لطف و حمایت خود قرار داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۳۶۲) یکی دیگر از بارزترین نمونه‌های تأثیر ذکر در تعالی

اخلاق اجتماعی، واقعه عاشورا است. امام حسین (علیه السلام) و یاران باوفایش، در اوج سختی‌ها و فشارهای روحی و جسمی، لحظه‌ای از یاد خدا غافل نشدند. این ذکر مستمر، نیرویی معنوی در آنان ایجاد کرد که موجب صبر، استقامت و ایثار شد. در شب عاشورا، حضرت زینب (علیه السلام) از خیمه برادرش صدای ذکر و مناجات یاران را شنید و این زمزمه‌های معنوی، فضای اردوی حسینی را به محفل نور و اخلاص تبدیل کرده بود. امام حسین (علیه السلام) نیز بارها بر اهمیت نماز، دعا و ذکر در آن شرایط تأکید کرد و یارانش را به پایبندی به اصول اخلاقی و وفاداری به عهد الهی فراخواند (ابن طاووسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۹؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۰۲۱). این توجه به ذکر و یاد الهی نه تنها به یاران امام قدرت تحمل سختی‌ها را داد، بلکه در بعد اجتماعی نیز تأثیر عمیقی بر جامعه بشری گذاشت. این روحیه ذکر و ارتباط با خدا، الگوی پایدار اخلاق اجتماعی شد و نشان داد که چگونه انسان می‌تواند با تکیه بر معنویت، در برابر ظلم ایستادگی کرده و از مرزهای حق و حقیقت دفاع کند. عاشورا به عنوان مدرسه‌ای از اخلاق و معنویت، به جهانیان آموخت که ذکر الهی، انسان را از ترس، ضعف و وابستگی‌های دنیوی رها کرده و به او عزت، کرامت و پایداری در مسیر حق می‌بخشد.

۲-۱. دوری از نسیان

نسیان یا فراموشی، یکی از رذائل اخلاقی است که انسان را از مسیر فطرت دور می‌سازد و از منظر لغوی، به معنای حذف صورت ذهنی یک موضوع از حافظه و گاه به عنوان کنایه‌ای از بی‌اعتنایی به امور مهم به کار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۵۳). وقتی انسان با یاد خداوند زندگی می‌کند، محبت، انصاف و عدالت و اعتنای به امور اجتماع در او تقویت شده و این ویژگی‌ها به عنوان ارزش‌های اخلاقی در جامعه نمود می‌یابد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه، ۱۰) که نشان‌دهنده رابطه مستقیم میان ذکر خدا و فلاح و رستگاری انسان و جامعه است. نمونه بارز این امر در هجرت یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حبشه و سپس هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه مشاهده می‌شود؛ جایی که ذکر الهی باعث انسجام و وحدت میان مهاجران و

انصار گردید و جامعه‌ای نوین بر پایه عدالت و اخوت شکل گرفت (نحل ۴۱ و ۱۱۰، توبه ۴۰، حشر ۸-۹). در دوران دفاع مقدس، رزمندگان اسلام با ذکر خدا و خواندن دعاها و چگونگی زیارت عاشورا و دعای کمیل، روحیه‌ای سرشار از ایمان و ایثار به دست می‌آوردند. آنان با همین معنویت، در سخت‌ترین شرایط جنگی از خودگذشتگی نشان داده و از میهن و ارزش‌های دینی دفاع کردند. ذکر الهی در جبهه‌ها نه تنها عاملی برای آرامش روحی رزمندگان بود، بلکه باعث انسجام و برادری و اعتنای به امور میان آن‌ها می‌شد، به گونه‌ای که ایثار و فداکاری در بالاترین سطح خود نمایان شد. قرآن کریم نیز به صراحت تأکید دارد که ذکر خداوند انسان را از افتادن در دام شیطان و گناه باز می‌دارد: «اسْتَحْذَرُوا الشَّيْطَانَ فَإِنَّ سَاحَمَهُ ذِكْرُ اللَّهِ» (مجادله، ۱۹) و باعث تعالی اخلاق اجتماعی می‌شود و انسان را به سوی جامعه‌ای سرشار از محبت، عدالت و مسئولیت‌پذیری سوق می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۸۸). چنان‌که در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود، هرگاه جامعه‌ای بر محور ذکر الهی حرکت کرده، توانسته است در برابر سختی‌ها ایستادگی کند و مسیر تعالی را پیماید. از این رو، ذکر الهی را باید به عنوان کلید سعادت فردی و اجتماعی پذیرفت و به آن اهتمام ورزید.

۱-۳. دوری از جهالت

جهالت، یکی از بزرگ‌ترین موانع بیداری فطرت انسانی و رشد اخلاقی است که نه تنها فرد، بلکه جامعه را نیز از تعالی باز می‌دارد. این صفت، به معنای ناآگاهی یا بی‌توجهی به حقیقت وجودی و اهداف الهی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۹) و به صورت طبیعی، انسان را از مسیر معرفت و آگاهی دور می‌کند. تاریخ نشان داده است که هرگاه جامعه‌ای از ذکر و یاد خدا غافل شده، گرفتار انحطاط اخلاقی، جهالت، سستی در ارزش‌های انسانی و بی‌عدالتی شده است. در مقابل، ذکر الهی موجب بصیرت، استقامت و شکل‌گیری هویت اجتماعی مبتنی بر تقوا و عدالت شده است. همان‌گونه که در خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع)، ذکر خدا به عنوان یک عامل استحکام و تعالی درونی و اجتماعی انسان‌ها مطرح شده است (خطبه، ۱۹۳، ۱۵؛ نامه ۵۳). نمونه بارز تأثیر

ذکر در بیداری اجتماعی را می‌توان در صدر اسلام مشاهده کرد. جامعه جاهلی مکه، گرفتار تعصبات قبیله‌ای، تبعیض طبقاتی و بی‌اخلاقی گسترده بود. اما با ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ترویج فرهنگ ذکر و یاد خدا، تحولی بنیادین در ساختار اجتماعی به وجود آمد. ذکر خدا که در تعالیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه‌ای داشت، سبب شد که افرادی همچون بلال حبشی از بردگی رها شوند و شخصیت‌هایی مانند سلمان فارسی از یک بیگانه به یکی از نزدیک‌ترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله تبدیل شوند. این دگرگونی اجتماعی، ریشه در این حقیقت داشت که یاد خدا، انسان را از خودپرستی و اسارت دنیا آزاد می‌کند و به‌سوی ارزش‌های برتر سوق می‌دهد. قرآن کریم در آیه دوم سوره انبیاء «مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ» به ارتباط مستقیم بین باورهای مذهبی و رفتارهای فردی و اجتماعی اشاره دارد و بیان می‌کند، عدم توجه به آموزه‌های دینی می‌تواند منجر به جهل و انحراف از مسیر هدایت شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۳۵۴). قوم نوح نمونه‌ای از جامعه‌ای است که به دلیل غفلت از ذکر الهی، در جهالت فرو رفت و به نصایح حضرت نوح علیه السلام توجهی نکرد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُّلاَقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود، ۲۹). حضرت نوح علیه السلام به قومش هشدار داد که نادیده گرفتن ذکر و یاد خدا، آنان را به سرنوشت شومی دچار خواهد کرد (شیخلی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۴۷۱). همین الگو را می‌توان در تاریخ اسلام مشاهده کرد؛ زمانی که امویان و عباسیان با کنار گذاشتن اصول دینی، گرفتار فساد و استبداد شدند، اما اهل بیت علیهم السلام با تأکید بر ذکر و تقوا، جریان حق را زنده نگه داشتند. در تاریخ معاصر نیز ذکر و یاد خدا نقش کلیدی در تحول اجتماعی ایفا کرده است. انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای از جامعه‌ای است که با تمسک به ذکر الهی، از استبداد و وابستگی‌های رهایی یافت. بنابراین، همان‌گونه که در صدر اسلام، ذکر الهی جامعه جاهلی را به تمدن اسلامی تبدیل کرد و در انقلاب اسلامی، مردم را به‌سوی استقلال و اخلاق‌مداری سوق داد، امروز نیز می‌تواند به‌عنوان یک راهکار عملی برای حل معضلات اخلاقی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. برای رهایی از جهالت و بیداری فطرت، انسان باید با یادگیری و تذکر به حقیقت‌ها

و آیات الهی، به نور علم و معرفت دست یابد تا زمینه رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی فراهم شود.

۴-۱. تقویت تقوا و ترس از نافرمانی الهی

عدم اجتناب از گناهان و بی توجهی به دستورات الهی از دیگر موانعی است که انسان را از مسیر فطرت دور می کند و نه تنها شقاوت و بدبختی فرد را به دنبال دارد، بلکه می تواند تبعات منفی گسترده ای برای جامعه نیز به همراه داشته باشد. بر اساس آیات متعدد قرآن کریم، خداوند متعال از بندگان خود خواسته است تا نعمت های الهی را فراموش نکنند و همواره اهل تذکر باشند. این تذکر به عنوان مقدمه ای برای تقوا و خدا ترسی که به عنوان نیاز اساسی بشریت مطرح شده، نقش کلیدی دارد. در آیات قرآن، به ویژه در آیات خطاب به بنی اسرائیل، به عنوان قومی که در بین کفر و ایمان در نوسان بوده و در فراز و نشیب های مختلف قرار داشته اند، خداوند متعال می فرماید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي وَأْمِنُوا بِمَا أُنْزِلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ» (بقره، ۴۰-۴۱). در این آیه، خداوند نعمت های فراوانی را که به بنی اسرائیل عطا کرده یادآور می شود و آن ها را به شکرگزاری و پرهیز از نافرمانی دعوت می کند. همچنین بر لزوم ترس از خدا و ترک ترس از غیر خدا تاکید می کند و به آن ها می فهماند که تنها با اطاعت از خدا می توانند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۷). در حقیقت، «وَإِيَّائِي فَارْهَبُونِ» در این آیه همان معنای «وَإِيَّائِي فَاتَّقُونِ» را دارد که در سایر آیات قرآن نیز آمده است و در اینجا رهبت و تقوی به عنوان دو مقام از مقامات ترسندگان معرفی شده است. در این راستا، شش گروه از ترسندگان در راه دین وجود دارند که یکی از آن ها تائبین هستند. خوف و ترس در واقع ویژگی توبه کاران و مبتدیان است، زیرا حصار ایمان و سلاح مؤمن، ترس از خداست و هر کس که این ترس را نداشته باشد، ایمان واقعی ندارد (میدی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴). همچنین در آیات دیگری مانند آیه ۴ سوره مائده «وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ» و در آیات ۱۵۲ و ۱۵۳ سوره انعام، ذکر نام خدا و توجه به امر و نهی الهی به عنوان

مقدمه‌ای برای تقوا و پرهیز از گناهان معرفی شده است. در این آیات، تأکید بر تذکر الهی و یاد خدا در انجام اعمال مختلف به‌ویژه در امور عبادی، بیانگر اهمیت ذکر و یاد خدا به‌عنوان عامل اصلی برای حفظ تقوا و اجتناب از گناهان است که انسان را از غفلت، نسیان، جهالت و گناهان دور نگه می‌دارد و او را به‌سوی آگاهی، تقوا و کمال هدایت می‌کند.

۲. تسکین دل‌ها و ایجاد آرامش اجتماعی

ذکر الهی به‌عنوان یکی از ارکان تربیت معنوی، تأثیر قابل توجهی در ایجاد آرامش و کاهش اضطراب دارد. آرامش حقیقی انسان در گرو پابندی به معنویت و اخلاق است، درحالی‌که فاصله گرفتن از این اصول اساسی می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های روحی و روانی شود. از سوی دیگر، گسترش مادی‌گرایی این بحران‌ها را عمیق‌تر کرده و سلامت روانی را تهدید می‌کند. در این میان، ذکر خداوند نقشی کلیدی در کاهش آسیب‌های روانی ایفا کرده و مانع بروز پیامدهایی چون افسردگی و اضطراب می‌شود. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (جاثیه: ۲۴)، این نگرش محدود، زندگی آنان را به مجموعه‌ای از سختی‌ها و اضطراب‌ها بدل کرده است، به‌گونه‌ای که حتی در لحظات زودگذر خوشی نیز از آرامش بی‌بهره‌اند. قرآن کریم با تأکید می‌گوید که یاد خدا آرامش حقیقی را به قلب‌ها هدیه می‌دهد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). اطمینان و سکینه، حالتی خاص و الهی است که تنها در دل پاکان جای می‌گیرد. این آرامش، ایمان را محکم‌تر می‌کند و تقوای انسان را افزایش می‌دهد. این آرامش ویژه، نصیب افرادی می‌شود که به مراحل بالایی از کمال رسیده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۳۵۳). امام علی علیه السلام بهره‌مندی از این ویژگی را نعمتی الهی برای دوستان خداوند می‌داند و می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا زَيَّنَّهٗ بِالسَّكِينَةِ وَ الْجِلْمِ هِرْگَاهِ خَدَاوَنَدِ بِنْدَه‌ای رَا دُوسْت دَاشْتَه بَاشَد، اُو رَا بَه آرَامَش وَ بَرْدْبَارِی آرَاَسْتَه می‌سازَد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۸). در مقابل، کسانی که از یاد خدا رویگردان می‌شوند، زندگی‌شان به

تنگی و دشواری می‌افتد: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه، ۱۲۴). برخلاف جهان‌بینی مادی که نمی‌تواند رنج‌ها و ناملایمات زندگی را توضیح دهد یا معنای معناداری به آن ببخشد، ذکر الهی به انسان دیدگاهی جامع و الهی عطا می‌کند. قرآن کریم افرادی را که از یاد خدا غافل‌اند، در گمراهی آشکار معرفی کرده «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ» (زمر، ۲۲). و تأکید می‌کند که تکیه صرف بر ارزش‌های مادی، انسان را از معنویت و آرامش الهی محروم می‌سازد. این غفلت می‌تواند به بحران‌های روحی و اخلاقی، مانند پوچی و اضطراب، منجر شود. در مقابل، ایمان به خدا و یاد او، با ارائه چشم‌اندازی روشن از زندگی پس از مرگ و عدالت آخرت، منبع آرامش و امید بوده و انسان را در برابر سختی‌ها توانمند می‌سازد. ذکر الهی راهکاری مؤثر برای مقابله با بحران‌های معنوی و اخلاقی محسوب می‌شود... (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۱۱).

در جامعه‌ای که افراد از دغدغه‌های مادی و اضطراب‌های روزمره رنج می‌برند، یاد خدا می‌تواند به عنوان یک عامل تسکین‌دهنده عمل کند و به بهبود روابط میان افراد جامعه کمک کند؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)؛ در زندگی روزمره، بسیاری از مردم با فشارهای کاری، اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند. فردی که در یاد خدا غرق است، از این فشارها کمتر آسیب می‌بیند زیرا او به وعده‌های الهی ایمان دارد و آرامش درونی خود را از یاد خدا می‌گیرد. این آرامش فردی به نوعی می‌تواند در روابط اجتماعی نیز منتقل شود، زیرا افراد آرام‌تر و متوازن‌تر در تعاملات اجتماعی خود عمل می‌کنند. همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قلب انسان به سه دسته تقسیم شده است: قلب مشغول به دنیا که همواره در سختی و بلا گرفتار است، قلب مشغول به آخرت که به پادشاه‌های بزرگ و درجات عالی می‌رسد و قلب مشغول به خداوند که هم دنیا و هم آخرت و نیز نزدیکی به خداوند را به دست می‌آورد. وابستگی به دنیا باعث ناآرامی، تمرکز بر آخرت موجب تعالی و دل‌بستگی به خداوند، منجر به آرامش، خوشبختی و رابطه‌ای نزدیک با خداوند می‌شود (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۳۵). این حدیث تأکید می‌کند که دل‌بستگی به خداوند بهترین راه برای رسیدن به سعادت حقیقی در دنیا

و آخرت است. در دوران حکومت امام علی (علیه السلام) که جامعه اسلامی با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بود، امام (علیه السلام) بارها به مردم توصیه می‌کردند که ذکر خدا و تقوا را در زندگی خود مدنظر قرار دهند تا بتوانند از مشکلات عبور کنند. در خطبه‌های نهج‌البلاغه، امام علی (علیه السلام) به تأثیر ذکر خدا در ایجاد آرامش و استقامت در برابر مشکلات اشاره دارند. در یکی از خطبه‌ها، ایشان به مردم توصیه می‌کنند که در مواجهه با مشکلات، به یاد خدا باشند زیرا این امر به آنان آرامش درونی می‌بخشد و از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها رهایی می‌یابند (خطبه، ۱۱۰؛ نامه ۳۱). همچنین در دوران انقلاب اسلامی ایران، زمانی که مردم در برابر رژیم شاهنشاهی با مشکلات و فشارهای اقتصادی و سیاسی روبه‌رو بودند، یاد خدا و توکل به وعده‌های الهی باعث شد که مردم در شرایط بحرانی از استقامت و آرامش برخوردار شوند. نماز جماعت و ذکر خدا در مساجد و مراکز مذهبی نه تنها به تقویت روحیه فردی مردم کمک می‌کرد بلکه سبب ایجاد همبستگی و اتحاد میان اقشار مختلف جامعه می‌شد. امام خمینی (ره) بارها به این نکته اشاره کردند که در چنین شرایطی تنها اعتماد به خدا و توجه به وعده‌های الهی می‌تواند مردم را در برابر سختی‌ها مقاوم کند (خمینی، ۱۳۸۳، صص ۱۹-۱۸). این تجربیات تاریخی نشان می‌دهند که ذکر خدا در شرایط بحرانی و اضطراب‌های روزمره می‌تواند به عنوان یک عامل تسکین‌دهنده عمل کرده و روابط اجتماعی را بهبود بخشد.

۳. تقویت روحیه همدلی و تعاون اجتماعی

ذکر خداوند نقش محوری در تربیت اخلاق اجتماعی و ایجاد همبستگی میان افراد جامعه دارد. آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده، ۲) به وضوح نشان می‌دهد که تعاون در امور نیکو، از اصول اساسی جامعه اسلامی است. این اصل نه تنها موجب تقویت روابط انسانی می‌شود، بلکه به تحکیم بنیان‌های اخلاقی جامعه کمک می‌کند. آیه موردنظر، یک اصل کلی و مهم در اسلام را بیان می‌کند که تمام مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را شامل می‌شود. بر اساس این اصل، مسلمانان موظف‌اند در امور نیکو همکاری و همیاری کنند؛ اما همکاری در اهداف باطل، اعمال نادرست، ظلم و ستم به

هیچ عنوان مجاز نیست، حتی اگر مرتکب آن فردی نزدیک یا برادر باشد. بنابراین با احیای اصل تعاون و ذکر الهی در جوامع اسلامی و همکاری بی دریغ با نیکوکاران، صرف نظر از روابط شخصی و قومی و پرهیز از همکاری با ستمگران، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی برطرف خواهد شد (جوادی آملی ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۵۳).

نمونه‌های تاریخی متعددی از صدر اسلام و همچنین از دوران انقلاب اسلامی ایران، تأثیر عمیق ذکر الهی بر رفتارهای اجتماعی و همبستگی مردم را نشان می‌دهد. در دوران صدر اسلام، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تأثیر ذکر خدا در اخلاق اجتماعی، ماجرای «مواخات» یا پیمان برادری میان مهاجران و انصار است. زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهاجران را که از مکه به مدینه هجرت کرده بودند، با انصار مدینه پیوند برادری داد، یاد خدا و روح تعاون در میان مسلمانان به اوج خود رسید. این امر نشان داد که ذکر الهی می‌تواند پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و افراد را به گذشت و همدلی سوق دهد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر، ۹) این آیه نشان می‌دهد که ذکر خدا و ایمان حقیقی، موجب ایثار و از خودگذشتگی می‌شود، به گونه‌ای که انصار، مهاجران را در دارایی‌های خود سهیم کردند.

نمونه دیگری از تأثیر ذکر الهی در اخلاق اجتماعی را می‌توان در جنگ احزاب مشاهده کرد. زمانی که مشرکان با اتحاد قبایل مختلف، مدینه را محاصره کردند، مسلمانان در شرایط سخت و بحرانی قرار گرفتند. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یاد خداوند، صبر و استقامت را در میان یاران خود تقویت کرد. آیه «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۱۷۳) بیانگر آن است که ذکر الهی موجب افزایش ایمان و اعتماد به خداوند شد و مسلمانان توانستند با همبستگی و مقاومت، دشمن را شکست دهند. در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز نقش ذکر الهی در تحکیم اخلاق اجتماعی و ایجاد همبستگی میان مردم آشکار بود. در

شرایط سخت اقتصادی و فشارهای سیاسی، مردم ایران با اتکا به آموزه‌های دینی و ذکر الهی، صبر و استقامت خود را حفظ کردند. امام خمینی علیه السلام بارها تأکید می‌کردند که تنها اعتماد به خدا و توکل بر او می‌تواند مردم را در برابر سختی‌ها مقاوم کند (خمینی، ۱۳۸۳، صص ۱۸-۱۹). در مساجد، جلسات دعا و ذکر باعث ایجاد انسجام میان اقشار مختلف جامعه شد. نمونه بارز این تأثیر را می‌توان در دوران جنگ تحمیلی مشاهده کرد؛ زمانی که رزمندگان اسلام با یاد خدا و توسل به آیات قرآن، با تمام قوا در برابر دشمن ایستادگی کردند. همچنین، در ایام ماه رمضان، توجه به نیازمندان و انجام کارهای خیر، یکی از جلوه‌های زیبای تعاون و همبستگی در جامعه اسلامی است. این ماه فرصتی است تا مسلمانان با یاد خداوند، حس نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را تقویت کنند. همان‌طور که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ؛ محبوب‌ترین مردم نزد خداوند کسی است که بیشترین منفعت را برای مردم داشته باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴)، این حدیث تأکید می‌کند که ذکر الهی تنها به عبادات فردی محدود نمی‌شود، بلکه باید در رفتارهای اجتماعی نیز تجلی یابد. بنابراین، با احیای اصل تعاون و ذکر الهی در جوامع اسلامی، بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله فقر، بی‌عدالتی و تفرقه از بین خواهد رفت. همکاری بی‌دریغ با نیکوکاران، صرف‌نظر از روابط شخصی و قومی و پرهیز از همکاری با ستمگران، می‌تواند جامعه‌ای مبتنی بر اخلاق و ارزش‌های الهی ایجاد کند. تجربه تاریخی مسلمانان نشان داده است که ذکر خدا نه تنها فرد را به آرامش و استقامت می‌رساند، بلکه موجب ایجاد یک جامعه منسجم و اخلاق‌مدار می‌شود.

۴. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و تقویت حس مسئولیت

آموزه‌های دینی اسلام تأکید زیادی بر نقش ذکر در تقویت حس مسئولیت اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای جامعه دارند. آموزه‌های دینی، ذکر را عاملی برای افزایش آگاهی و خودکنترلی معرفی می‌کنند. کسی که همواره به یاد خدا باشد، در رفتار خود دقت بیشتری دارد و نسبت به حقوق دیگران مسئولیت‌پذیرتر می‌شود. آیه

شریفه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵) نشان می‌دهد که ارتباط با خدا از طریق نماز و ذکر، افراد را از فساد و بی‌مسئولیتی دور می‌کند. مضاف بر اینکه ذکر الهی موجب تقویت انگیزه‌های خیرخواهانه می‌شود. علاوه بر این ذکر خدا به فرد یادآوری می‌کند که اعمال او تحت نظارت الهی است. این باور، حس امانت‌داری، عدالت و پاسخگویی در برابر جامعه را تقویت کرده و فساد را کاهش می‌دهد. در نتیجه انسان ذاکر از خودخواهی فاصله گرفته و بیشتر به فکر مصالح عمومی است. این امر باعث می‌شود در برابر مشکلات اجتماعی بی‌تفاوت نبوده و در جهت اصلاح جامعه تلاش کند. نماز از آن روی انسان را از منکرات دور می‌کند و حس مسئولیت‌پذیری را در او تقویت می‌نماید، که ذکر الهی است و اگر نماز را ذکر نامیده‌اند، برای این است که نماز هم مشتمل است بر ذکر زبانی از تهلل و حمد و تسبیح و هم به اعتباری دیگر مصداقی است از مصادیق ذکر، چون مجموعه آن عبودیت بنده خدا را مجسم می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۳۶). در نخستین جنگ مسلمانان با مشرکان قریش، جنگ بدر، شرایط به شدت دشوار بود؛ چرا که تعداد مسلمانان بسیار کمتر از مشرکان بود. در این لحظه حساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یادآوری وعده‌های الهی، یاران خود را به استقامت و مسئولیت‌پذیری دعوت کرد: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُزَوِّدِينَ» (انفال، ۹) مسلمانان با یاد خداوند و توکل به وعده‌های الهی، علی‌رغم ضعف نظامی، در این جنگ به پیروزی رسیدند. این نمونه تاریخی نشان می‌دهد که ذکر الهی در بحران‌ها، موجب تقویت روحیه مقاومت و حس مسئولیت‌پذیری می‌شود. در واقعه عاشورا، امام حسین علیه السلام و یارانش در سخت‌ترین شرایط، نه تنها از یاد خدا غافل نشدند، بلکه ذکر الهی را عامل پایداری و انسجام و مسئولیت‌پذیری خود قرار دادند. یکی از بارزترین نمونه‌ها، شب عاشورا است که امام علیه السلام به یاران خود فرمود: «إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَضْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَضْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبْرَّ وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۹۱)؛ یاران امام علیه السلام با تکیه بر ذکر و یاد خدا تا آخرین لحظه در برابر سپاه یزید ایستادگی کردند. این ماجرا نشان‌دهنده این است که ذکر الهی حتی در سخت‌ترین شرایط، موجب پایداری اخلاقی، انسجام اجتماعی و تقویت حس

مسئولیت پذیری می شود.

۵. استقامت و پایداری

یکی از فضایل اخلاقی برجسته در آموزه های اسلامی، استقامت و پایداری در راه حق، به ویژه در مواجهه با دشمنان است. قرآن کریم بر این امر تأکید دارد و یکی از عوامل اصلی پایداری را یاد خدا می داند. در آیه ۴۵ سوره انفال آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» خداوند در این آیه به مؤمنان دستور می دهد که هنگام رویارویی با دشمن، استقامت ورزند و یاد خدا را در دل و زبان فراوان کنند. واژه «فَاثْبُتُوا» به معنای پایداری و مقابله با فرار از میدان نبرد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۷۱). این پایداری، نیازمند تقویت روحی از طریق «ذکر کثیر» است. آنچه انسان را در میدان های سخت، از جمله جهاد، به استقامت وادار می کند، حالتی درونی است که از یاد خدا نشأت می گیرد. علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان بیان می کند ذکر خدا به معنای حضور خدا در دل و زبان است و موجب تقویت اراده انسان برای غلبه بر وسوسه های دنیوی می شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۲۵). میدان های نبرد و چالش های سخت زندگی، مملو از صحنه هایی هستند که دل بستگی به دنیا را تقویت می کنند. شیطان نیز این دل بستگی را با وسوسه های خود تشدید می کند. از این رو، خداوند دستور به ذکر کثیر داده است: «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا». امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجاده، در دعای بیست و هفتم برای مرزبانان اسلام می فرماید: «وَأَنْسَهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْحَدَّاعِ، وَامْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ؛ پروردگارا! هنگام رویارویی با دشمن، یاد دنیای فریبنده را از دل این مبارزان بیرون کن، توجه به زرق و برق اموال را از قلبشان دور ساز و بهشت را در برابر چشمانشان قرار ده.» این دعا بر نقش یاد خدا در زدودن وابستگی به دنیا و تقویت انگیزه های اخروی تأکید دارد. به همین دلیل، یاد خدا نه تنها توان روحی انسان را افزایش می دهد، بلکه آرامش، قدرت و پایداری بیشتری به او می بخشد.

در تاریخ صدر اسلام، در واقعه احد و حتی در دوران انقلاب اسلامی ایران، نقش

ذکر در تقویت استقامت و پایداری در برابر دشواری‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. در جنگ احد، وقتی مسلمانان در میدان نبرد دچار تزلزل شدند و برخی از صفوف آن‌ها به هم ریخت، پیامبر اسلام ﷺ و یارانش به یاد خدا و توبه و استغفار روی آوردند و این یاد خدا باعث شد تا آن‌ها دوباره بر دشمن پیروز شوند و در برابر مشکلات ایستادگی کنند. ذکر خدا، در آن شرایط دشوار، موجب شد تا ایمان آنان تقویت شود و دل‌هایشان به‌دور از دنیاگرایی و فریبندگی‌های آن، تنها به خداوند معطوف شود. در دوران انقلاب اسلامی نیز، تأکید امام خمینی رحمه الله و رهبران دینی بر ذکر و یاد خدا در همه‌ی مراحل مبارزه، به‌ویژه در سخت‌ترین شرایط، باعث شد تا مردم ایران در برابر فشارهای سیاسی و نظامی استکبار جهانی مقاومت کنند. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های امام خمینی رحمه الله در این زمینه، نقش ایمان و ارتباط مداوم با خدا بود که باعث تقویت استقامت و همبستگی میان مردم شد (خمینی، ۱۳۸۳، ص ۱۸). امام خمینی رحمه الله بارها به آیه‌هایی همچون «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، ۷) اشاره می‌کردند که تأثیر بسزایی در روحیه‌بخشی و تقویت اعتماد به نفس مردم داشت (خمینی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۹۰). یکی از نکات شگفت‌انگیز درباره ذکر، تقویت روح فرشتگی در انسان است که در این باره آمده است: «يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ» (انبیا، ۲۰). این آیه نشان می‌دهد که فرشتگان پیوسته به ذکر خدا مشغول‌اند و هیچ‌گاه از آن خسته نمی‌شوند. انسان با استمرار در ذکر، می‌تواند به ملائک شباهت پیدا کرده و روح معنوی خود را تقویت کند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۷، ص ۵۲۶). در نهایت، ذکر خدا به انسان آرامش، قوت و استقامت می‌بخشد و او را در مواجهه با سختی‌ها و چالش‌های زندگی مقاوم می‌سازد. این امر هم در ابعاد فردی و هم در عرصه‌های اجتماعی و تاریخی، همچون دوران جنگ‌ها و انقلاب‌ها، به‌وضوح مشهود است و نشان‌دهنده نقش کلیدی ذکر در تعالی اخلاق اجتماعی و انسانی است.

نتیجه‌گیری

ذکر، به‌عنوان یکی از آموزه‌های کلیدی در تعالیم دینی، فرایندی پویا و مستمر است که تأثیرات گسترده‌ای بر فرد و جامعه دارد. این مفهوم با کارکردهای عمیق خود در

ارتقای اخلاق اجتماعی و ایجاد یک جامعه اخلاق محور، نقشی اساسی ایفا می کند. نخست، ذکر با پیشگیری از رذائل اخلاقی و فساد اجتماعی، انسان را از غفلت، نسیان و جهالت بازمی دارد. این ویژگی، موجب می شود تا افراد در مسیر آگاهی و بصیرت حرکت کنند و از آسیب های ناشی از انحرافات اخلاقی مصون بمانند. تقویت تقوا و ترس از نافرمانی الهی نیز از دیگر آثار ذکر است که افراد را به پایبندی به اصول اخلاقی و ارزش های الهی سوق می دهد. علاوه بر این، ذکر الهی با ایجاد تسکین در دل ها، نقش مهمی در افزایش آرامش روانی و اجتماعی ایفا می کند. این آرامش، بستری مناسب برای کاهش تنش ها و تضادهای اجتماعی و تقویت همبستگی میان افراد جامعه فراهم می آورد. ذکر، همچنین به تقویت روحیه همدلی و تعاون اجتماعی کمک می کند و با تشویق افراد به همکاری و حمایت از یکدیگر، حس مسئولیت پذیری را در میان آنان تقویت می نماید. در سطح کلان تر، ذکر می تواند به عنوان عاملی برای استقامت و پایداری در برابر مشکلات و چالش های اجتماعی عمل کند. با ایجاد نوعی هویت جمعی بر مبنای ارزش های اخلاقی و معنوی، ذکر به شکل گیری جامعه ای آرمانی کمک می کند که در آن ارزش های انسانی و الهی، محور تصمیم گیری ها و تعاملات قرار می گیرند. در مجموع، ذکر نه تنها ابزاری برای تعالی فردی است، بلکه عاملی بنیادین در تحقق جامعه ای است که بر اساس اصول اخلاقی و معنوی بنا شده و در مسیر رشد و سعادت گام برمی دارد. چنین جامعه ای می تواند الگویی عملی برای تحقق ارزش های اخلاقی و دینی در عرصه های گوناگون اجتماعی باشد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- ** نهج البلاغه
- *** صحیفه سجاده
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۷ ق). لهوف علی قتلی الطفوف (محقق: فارس حسون کریم). قم: انتشارات دلیل ما.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶). محاسبه النفس (محقق، مصحح: شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ کفعمی ابراهیم بن علی، چاپ چهارم). تهران: مرتضوی.
- تحریری، محمود؛ نجفی، حسن. (۱۴۰۱). ذکر خداوند و نقش تربیتی آن در هویت‌شناسی و تکامل انسان. فصلنامه تربیت متعالی. (۱)، صص ۸-۲۸.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ق). غررالحکم و درر الکلم (محقق، مصحح: رجائی، سید مهدی، چاپ دوم). قم: دار الکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). تسنیم (ج ۵ و ۷). قم: إسرائ.
- حسین‌زاده فرد، فاطمه؛ محمدجعفری، رسول. (۱۳۹۸). نقش ذکر و دعا در سلامتی از منظر آیات و روایات. فصلنامه قرآن و طب، (۹)، صص ۴۴-۴۹.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۳). صحیفه حج (مجموعه سخنان و پیام‌های امام خمینی). قم: مشعر.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۴). صحیفه نور (ج ۴). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، (مصحح: جعفر شهیدی و محمد معین). تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- شاهنده، آمنه. (۱۴۰۰). نقش تربیتی ذکر و یاد خدا جهت دستیابی انسان به آرامش در قرآن و حدیث، دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، (۱۴)، صص ۱۸۰-۱۶۵.

- شیخلی، بهجت عبدالواحد. (۱۴۲۷ ق). اعراب القرآن الکریم (ج ۴). بیروت: دارالفکر.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۶، چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله و رسولی، هاشم، ج ۶، چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری (مترجم: ابوالقاسم پاینده، ج ۷). تهران: انتشارات اساطیر.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۶). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عمید، حسن. (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی عمید (چاپ دوم). ندای ایران: شهرزاد.
- فاضلی دهکردی، مهدی؛ رضوان خواه، سلمان. (۱۳۸۹). بررسی ذکر و یاد خدا به عنوان یکی از شاخصه های انس با قرآن و تأثیر آن در تربیت اخلاقی. دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث. ۴(۱)، صص ۱۵۷-۱۲۹.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). مصباح المنیر (چاپ دوم). قم: هجرت.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث (ج ۸، چاپ سوم). تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (محقق، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (محقق، مصحح: مؤسسة آل البيت علیه السلام، ج ۲). قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۱، ۴، ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۷، چاپ دهم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- میددی، احمد بن محمد. (۱۳۷۶). خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید (ج ۱). تهران: اقبال.
- نقیب زاده، محمد؛ حسینی، سید علی اکبر. (۱۳۹۹). نقش ذکر در شکوفایی فطرت الهی انسان از دیدگاه قرآن کریم، ماهنامه معرفت، (۲۷۸)، صص ۳۲-۲۳.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

*** Sahifa Sajjadiya

Amid, H. (2011). *Amid Persian Dictionary* (2nd ed.). Tehran: Shahrzad, Nedaye Iran. [In Persian]

Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary* (J. Shahidi & M. Moein, Eds.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]

Fayyumi, A. (1993). *Miṣbāḥ al-Munīr* (2nd ed.). Qom: Hijrat. [In Arabic]

Fazeli Dehkordi, M., & Rezvankhah, S. (2010). Analyzing remembrance of God as a key to Quranic intimacy and its role in ethical education. *Journal of Quran and Hadith Studies*, 4(1), pp. 129–157. [In Persian]

Hosseinzadeh Fard, F., & Mohammad Jafari, R. (2019). The role of remembrance and supplication in health from the perspective of Quran and Hadith. *Quran and Medicine*, 9, pp. 44–49. [In Persian]

Ibn Ṭāwūs, A. (1996). *Al-Luhūf ‘alā Qatlā al-Ṭufūf* (F. Ḥ. Karīm, Ed.). Qom: Dalil-e Ma Publications. [In Arabic]

Ibn Ṭāwūs, ‘Alī ibn Mūsā. (1997). *Muḥāsabat al-Nafs* (Zayn al-Dīn ibn ‘Alī & Ibrāhīm ibn ‘Alī Kaf‘amī, Eds., 4th ed.). Tehran: Mortazavi. [In Arabic]

Javadi Amoli, A. (2013). *Tasnīm* (Vols. 5 & 7). Qom: Esra Publications. [In Persian]

Khomeini, R. (2004). *Sahifat al-Ḥajj* (Collected Speeches and Messages of Imam Khomeini). Qom: Mashar. [In Persian]

Khomeini, R. (2005). *Sahifat Nur* (Vol. 4). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

Kulaynī, M. (1987). *Al-Kāfī* (A. A. Ghafari & M. Akhundi, Eds., Vol. 2, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir Nemuneh* (Vols. 1, 4, 5, 12, 13, 17; 10th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]

- Meybudi, A. (1997). *Summary of Literary and Mystical Exegesis of the Noble Quran* (Vol. 1). Tehran: Eqbal. [In Persian]
- Mufid, M. (1992). *Al-Irshād fī Maʿrifat Ḥujaj Allāh ʿalā al-ʿIbād* (Vol. 2, Al al-Bayt Foundation, Ed.). Qom: Shaykh Mufid Congress. [In Arabic]
- Naqibzadeh, M., & Hosseini, S. A. (2020). The role of remembrance in flourishing human divine nature in the Quranic view. *Maʿrifat Monthly*, 278, pp. 23–32. [In Persian]
- Quraishi Nabavi, A. A. (1996). *Tafsir Aḥsan al-Ḥadīth* (Vol. 8, 3rd ed.). Tehran: Baʿthat Foundation, Printing and Publishing Center. [In Persian]
- Rāghib Isfahani, Ḥ. (1991). *Mufradāt Alfāẓ al-Qurʾān*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Shahandeh, A. (2021). The educational role of remembrance of God in achieving peace in the Quran and Hadith. *Biannual Journal of Quranic and Hadith Teachings*, 14, pp. 165–180. [In Persian]
- Shaykhli, B. A. (2006). *Irāb al-Qurʾān al-Karīm* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ṭabari, M. (1996). *History of Ṭabarī* (A. Payandeh, Trans., Vol. 7). Tehran: Asatir. [In Persian]
- Ṭabarsi, Faḍl ibn Ḥasan. (1993). *Majmaʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurʾān* (F. Tabatabaei Yazdi & H. Rasuli, Eds., Vol. 6, 3rd ed.). Tehran: Nāṣir Khusraw. [In Arabic]
- Tabatabaei, M. Ḥ. (1970). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurʾān* (Vols. 1, 8, 9, 11, 13, 16; 2nd ed.). Beirut: Muʾassasat al-Aʿlamī lil-Maṭbūʿāt. [In Arabic]
- Tahriri, M., & Najafi, H. (2022). Remembrance of God and its educational role in human identity and development. *Journal of Transcendent Education*, 1, pp. 8–28. [In Persian]
- Tamimi Amidi, A. (1989). *Gurar al-Ḥkam wa Durar al-Kalim* (S. M. Rajaei, Ed., 2nd ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
- Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurʾān* (Vol. 6). Beirut: Dar Ihyaʾ al-Turath al-ʿArabi. [In Arabic]

A Reflection on the Value-Neutrality of Social Science in the Tradition of Liberalism (with Emphasis on the Qur'anic Criterion)¹



Seyyed Hossein Fakhr Zare 

Assistant Professor, Department of Cultural Studies, Research Institute of Culture and Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, Qom, Iran
fakhrezare48@gmail.com

Abstract

The relationship between knowledge and values is a general and concerning topic in discussions about science. Scientific approaches influenced by the liberal current claim that moral judgments not only lack the capacity to regulate social behavior but also lead to misunderstandings in the pursuit of knowledge and truth. Therefore, it is argued that the analysis of observations must be value-laden and full of recommendations. However, this approach is refuted in Islamic literature, wherein knowledge and value are seen as integral components of perfection within the system of knowledge. A life devoid of values is regarded as cold and meaningless. The issue of the connection between descriptive and normative statements, which has ontological roots and relates to human worldview and understanding of existence and the human being, and the critique of a

1. Fakhr Zare, S. H. (2025). A Reflection on the Value-Neutrality of Social Science in the Tradition of Liberalism (with Emphasis on the Qur'anic Criterion). *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 92-120.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.67330.2029>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2023/09/12 • **Revised:** 2024/07/13 • **Accepted:** 2025/08/02 • **Published online:** 2025/08/07

© **The Authors**



one-dimensional view of humanity and the world, are among the main objectives of this article. The paper seeks to eliminate this dichotomy and challenge the claim of incongruity within social sciences—a claim stemming from the liberal view of science—by offering a religious criterion through a descriptive-analytical method in response to such reflections.

Keywords

Value-neutrality, humanities, social science paradigms.

نقبی بر فراغت ارزشی علوم اجتماعی در سنت لیبرالیسم

(و تأکید بر سنجۀ قرآنی)^۱

سید حسین فخر زارع 

استادیار، گروه فرهنگ پژوهی، پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

fakhrezare48@gmail.com



چکیده

رابطه میان دانش و ارزش از مباحث عام و دغدغه‌آمیز درباره علم است. در رهیافت‌های علمی ناشی از جریان لیبرال ادعا بر این است که احکام اخلاقی نه تنها توان تنظیم کنندگی رفتارهای اجتماعی را ندارد بلکه موجب کژفهمی در مسیر دانش و درک حقایق است؛ زین‌رو تحلیل مشاهدات باید گرانبار از ارزش‌ها و توصیه‌ها باشد. این مهم اما در ادبیات اسلامی مورد تخطئه قرار گرفته و دانش و ارزش در زمره واحدی از کمال در نظام دانایی تلقی شده و توصیه یک زندگی بدون ارزش، یک سبک زندگی سرد و به معنای بی‌محتوا کردن آن دانسته شده است. مسئله پیوند قضایای توصیفی و تکلیفی که خاستگاهی جهان‌شناختی داشته و مربوط به نوع جهان‌بینی انسان‌ها و تابع درک ما از هستی و انسان است و نقد تک‌سویه‌نگری به انسان و هستی از اهداف اصلی این مقاله است که می‌کوشد ضمن الغاء این تمایزگذاری، ادعای عدم تجانس در علوم اجتماعی که از الزامات نگرش لیبرالیسمی به علم است را به چالش کشیده و سنجۀ دینی را در مواجهه با این دست از تأملات در روش تحلیلی توصیفی ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها

فراغت ارزشی، علوم انسانی، پارادایم‌های علوم اجتماعی.

۱. فخر زارع، سید حسین. (۱۴۰۴). نقبی بر فراغت ارزشی علوم اجتماعی در سنت لیبرالیسم. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳ (۴۸)، صص ۹۲-۱۲۰.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.67330.2029>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ ■ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



مقدمه

درباره فراغت یا عدم فراغت ارزشی در علم که به نوعی شکل دهنده مبنایی خاص برای مسائل معرفت شناسانه قلمداد می شود، سطوح مختلفی از مباحث وجود دارد؛ برخی به رابطه علم و ارزش معتقدند و انفکاک این دو را در ساحت های اندیشه ای خود نامیسر و لازمه فراغت ارزشی را ضد کمال گرایی می دانند و برخی ارزش را کاملاً تافته ای جدا بافته از علم دانسته و معتقد به رهایی علم از ارزش ها هستند. مهم ترین دغدغه در این میان این است که آیا امکان نادیده گرفتن نقش ارزش ها و عدم دخالت آن ها در هستی شناسی علم ممکن است و آیا دانش به لحاظ ماهیت خود می تواند حامل ارزش های اخلاقی نباشد؟ این تلقی امروزه در ادبیات علوم انسانی به ویژه علوم اجتماعی رایج است که علم باید از ارزش، سیاست و فرهنگ آزاد و نسبت به آن ها صامت باشد (رووت، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

این رهیافت ها مدعی اند دستورات اخلاقی نمی توانند تنظیم کننده رفتارهای اجتماعی افراد و ایجاد کننده نظم قابل پیش بینی باشند. بدین جهت تحلیل مشاهدات اجتماعی باید گرانبار از ارزش ها بوده و دانش نیز ناچار است فارغ از برتری یا فروتری هر نوع تلقی، صرفاً به هست های موجود پرداخته و با وقایع اجتماعی بدین جهت که مایه های بی واسطه علم اند، هم چون اشیاء رفتار کند و مفاهیم پیش ساخته را از علم دور سازد. در این رهیافت ها، تفکر علمی محصول رهایی از ارزش هاست و علم، پدیده ها را نه بر حسب اندیشه هایی که به لحاظ فرهنگی مشروط اند بلکه بر حسب ویژگی های ذاتی آن ها، ارائه می کند؛ اینان معتقدند اهل علم باید ذهنی باز، بی غرض، بی طرف، مستقل و منتقد از خود داشته باشند.

فلسفه لیبرال در اغلب آرایه های ایده ای و نظریه ای خود، خط مشی هایی را مبنی بر دارا بودن میزان معینی از آزادی و اراده و مفارقت نسبی از نظارت ها، هدایت ها و ارزش ها رقم زده است. نفوذ این فلسفه، به ویژه در علوم اجتماعی به منطقی اجتناب ناپذیر تبدیل شده و آرمان بی طرفی اخلاقی و سیاسی به شرط لاینفک پژوهش در آمده است. حاکمیت چنین تفکری موجب شده تا جهان، صرفاً بنیانی علمی، فنی و

تنها حاوی واقعیات تجربی تلقی شود (شرت، ۱۳۹۰، ص ۲۵) و تداوم تلقی نهاده شدن مفهوم علم در تجربه حسی به جدایی ارزش از دانش منتهی گردد.

و بر معتقد است قضاوت‌های مبتنی بر ارزش‌ها نباید در آموزش‌ها و آثار دانشمندان وارد شود و صرفاً رابطه‌ای که به عنوان وسیله یا هدف با رفتار انسان به وجود می‌آید، شیئی را قابل فهم می‌سازد و در غیر این صورت کنشی بی‌معناست. از نگاه او داده‌های قابل قبول آن چیزهایی است که بتواند تأثیر بر رفتار را از طریق آمار و به‌طور قطع اثبات کند و شناخت این معنای علی، رسالت جامعه‌شناسی را ذره‌ای تغییر نمی‌دهد (ویر، ۱۳۸۳، صص ۳۸-۳۹). او معتقد است دانشمند هرگز نباید خود را به جای سیاستمدار بگذارد، زیرا کار سیاستمدار تبلیغ ارزش‌های حزبی یا ایدئولوژی متعلق به اوست؛ در حالی که در نفس واقعیت هیچ ارزشی جاری نیست و هرچه آن را بشکافید به هیچ نکته ارزشی نخواهید رسید. دورکیم نیز ارزش‌ها را تافته‌ای جدا بافته از علم دانسته و معتقد است علم، با رها کردن ارزش‌ها از جمله دین، گرایش دارد در تمامی اموری که به کارکردهای فکری و شناختی مربوط می‌شود، خود را جایگزین سازد (دورکیم، ۱۳۸۳، صص ۴۱-۳۹) وی معتقد است باید با وقایع اجتماعی مانند اشیاء رفتار کرد و هرگونه مفهوم پیش‌ساخته را از علم دور ساخت (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۶۵).

در این رویکردها، تفکر علمی محصول رهایی از ارزش‌ها دانسته شده و علم پدیده‌ها را نه بر حسب اندیشه‌هایی که به لحاظ فرهنگی مشروط‌اند، بلکه بر حسب ویژگی‌های ذاتی آن‌ها، ارائه می‌کند (مولکی، ۱۳۸۴، ص ۱۸)؛ لذا هدف غایی‌اش تحقق استقرار معرفت عینی از جهان مادی است. اینان معتقدند اگر دانشمندان در سنجش مدعیات، معیارهای شخصی، غیرعام و ارزشی را بپذیرند، داوری‌هایشان دچار اختلال شده و از واقعیت‌های عینی جهان فاصله می‌گیرند.

اساساً کوشش جامعه‌شناسی در دهه‌های گذشته در جمع‌آوری داده‌ها و تبیین و ارائه نظریه‌های مختلف این بوده که حداقل مکان، عنصر جانبداری را وارد نسازند و علم را آزاد از ارزش‌ها بررسی کنند، به‌طوری که نسبت به ارزش‌های درونی جامعه صامت باشد. این روی آورد در نظام آموزشی جامعه ما نیز به عنوان شیوه‌ای قابل قبول و البته با

اقبال و شتاب زیادی دنبال شد و به‌رغم این که در خاستگاه این برداشت‌ها ترجیحات متفاوتی را در رویکردهایشان وارد ساخته‌اند، اما نظام‌های آموزشی ما همچنان، تبیین‌های خود را در فضای پارادایمی نخستینه ارائه کرده و تصور می‌کنند گزاره‌های معطوف به واقعیت با گزاره‌های معطوف به ارزش کاملاً نامتجانس و متمایزند.

اما با وجود این نگرش‌ها، امروزه حتی برخی اندیشه‌های اثباتی به‌تدریج جای خود را در علوم اجتماعی از دست داده و ناگزیر پذیرفته‌اند که ساحت دانش حتی در ابعاد تکنیکی‌اش یک سامانه یک‌سویه و فارغ از ارزش نیست، یعنی به لحاظ تحلیلی دارای دو جنبه است که یکی امر رئال و آفاقی است که در حوزه عقل نظری به دست می‌آید و موضوع ادراکات حقیقی است و دیگری برساخته و در حوزه عقل عملی است که موضوع ادراکات اعتباری بوده و به مناسبات فرهنگی اجتماعی و ارزشی ارجاع دارد.

تقریر خاستگاه بحث در پارادایم‌های علوم اجتماعی

تحولات معرفتی غرب از زمان رنسانس به‌بعد در مواجهه با سنت‌های پیشین، موجب محدود کردن هستی در امور مادی و انحصار روش‌شناسی در بعد تجربی به‌عنوان تنها راه نیل به واقعیت شد. متعاقب آن، انکار گزاره‌های الهیاتی و اخلاقی در دستور کار قرار گرفت و انسان، تهی از ارزش‌های ثابت معرفتی شد و یا ارزش‌ها به سطح متنازلی فرو کاهید. لاجرم این فرایند در ساختار و محتوای علم نیز تاثیر گذاشت و در نتیجه ارزش‌ها و راه تکامل به‌عنوان راهی نه قابل کشف که قابل ساخت معرفی گردید (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۴۸).

آبشخور این بحث در انفکاک منطقی «باید- هست» و استنتاج یا عدم استنتاج احکام هنجاری از گزاره‌های توصیفی (آدلر، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶)، نیز در تفکیک قلمرو عقل عملی و عقل نظری در اندیشه کانت قابل جستجو است (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۴۴۳). همچنان که هیوم نیز باید و نبایدها را برساخته هست و نیست‌های تکوینی ندانسته و تأکید دارد فیلسوفان اخلاق و حقوق باید از این مغالطه به‌شدت پرهیزند.

بحث رابطه‌های متقابل «هست و نیست‌ها» و «باید و نبایدها»، عمدتاً با عنوان ارتباط

ارزش و دانش مطرح می‌شود و منظور این است که آیا ریشه در یکدیگر داشته یا دارای ریشه مشترکی‌اند؟ یا دو امر متمایز و یا متعارض‌اند؟ و اصولاً پیوند یا عدم پیوند «باید» از «هست»، «اعتبار» از «حقیقت» و «اخلاق» از «علم» از جمله مسائلی است که موضع اندیشمند را به موضوعات اجتماعی مشخص می‌سازد.

گاه در ادبیات علمی معاصر ادعا می‌شود چون موضوع مطالعه علم هست‌های جامعه است، در علمیت خود باید عریان از باید و نبایدهای اخلاقی باشد. به تعبیر برخی، علم یعنی توصیف و اخلاق یعنی تکلیف؛ علم یعنی معرفت واقعیت‌ها و اخلاق یعنی معرفت ارزش‌ها؛ در علم، سخن از طبیعت می‌رود و در اخلاق سخن از فضیلت؛ چگونه هست و چگونه نیست به عهده علم است و چه باید کرد و چه نباید کرد به عهده اخلاق (سروش، ۱۳۶۱، ص ۱۳). لذا چون دو موضوع مختلف با زمینه و هدف و متدلوژی متفاوت‌اند، به خاطر گسست منطقی‌شان، یکی را نتیجه دیگری قلمداد کردن به صحت و اعتبار هر دو آسیب می‌رساند.

امتداد این بحث در صورت‌بندی‌های مختلف دانش اجتماعی مورد بحث است. از میان حوزه‌های فکری در این دانش، فلسفه اجتماعی چون موضع معرفتی را همگام با موضع هنجاری به پیش می‌برد، رویکردهای آرمان‌گرایانه و اصلاحی و گاه مدافعانه را هم‌زمان مورد توجه قرار دارد و به جنبه‌های توصیفی و جزئی‌نگر نیز می‌پردازد و هم‌نشینی دانش و ارزش یکی از مشخصات این اندیشه‌هاست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸، ص ۱۷)؛ لذا این تأملات بیش از آنکه مسئله‌محور باشند کلان‌نگرند. ارزش، گذشته از تنوع کاربردی، درباره اموری بکار می‌رود که خواسته مطلوب انسان بوده و شایستگی آن را دارد که مطلوب قلمداد شود؛ از این‌رو استفاده از واژگانی هم که این معنا را افاده می‌کند، بیانگر رابطه واقعی میان فعل فاعل و نتیجه آن است.

این که ارزش‌ها برچه مبنایی استوارند و این مبانی چه تأثیراتی در اندیشه‌ها دارند، از مسائل مهم این قلمرو تلقی می‌شود؛ تأثیر این مبانی را می‌توان در تمام رهیافت‌ها و انگاره‌ها مشاهده کرد. پارادایم اثبات‌گرایی این ادعا را دارد که دستورات اخلاقی تنظیم‌کننده رفتارهای اجتماعی افراد نیست و این توصیه‌ها قادر به ایجاد نظم قابل پیش‌بینی

نیستند و تحلیل مشاهدات اجتماعی باید فارغ از توصیه‌ها باشد و ارزش‌ها نهایت دخالتی که در فرایند فعالیت‌های علمی دارند، در مرحله انتخاب موضوع است و نمی‌توان از آنچه هست، نتیجه‌گیری اخلاقی کرد؛ چون گزاره‌های واقع‌بنیاد، منطقاً متمایز از گزاره‌های ارزشی‌اند و گزاره توصیفی نمی‌تواند مستلزم گزاره‌های ارزشی باشد. در این رهیافت، نظریه لاجرم از مشاهده آغاز می‌شود و مطلق علوم لازم است با بی‌طرفی ارزشی مسیر خود را طی کنند و ارزش‌هایی که ممکن است کمال دانش به حساب آیند باید به کنار رفته و علم حاصل شده باید حواشی ارزشی خود را دور افکنده و به هست‌های موجود بپردازد. به تعبیر دورکیم، این ترقی باید صورت گیرد که علم بیش از امروز از مرحله ذهنی گذشته و به مرحله عینی برسد و هرگونه مفهوم پیش‌ساخته از علم دور شود (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۳). وی می‌گوید اصلی‌ترین قاعده وقایع اجتماعی این است که آن‌ها را شیء یا امری جدا از تفکر بشماریم. پدیده‌های اجتماعی شیء و مواد خامی هستند که در اختیار دانشمند قرار گرفته‌اند و آنچه «داده» شده یا بهتر بگوییم به مشاهده ما تحمیل شده است، تصویری نیست که آدمیان از ارزش دارند، زیرا به ارزش تصویری دسترسی نیست؛ پس باید درباره پدیده‌های اجتماعی آن‌چنان که هستند و جدا از موجودات خود آگاهی که آن‌ها را به تصور خود در می‌آورند و مانند اشیاء بیرونی، اندیشید (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۵۰).

این عده به دلیل آنکه ارزیاب قضایای اخلاقی محتاج مراجعه به عالم خارج نیست، آن‌ها را اعتبار ذهن و قضایای اعتباری دانسته و حاصل نوعی قرارداد تلقی می‌نمایند. همچنان که فیلسوفان مدرن معتقد بودند امکان کشف و شناخت غیر از مسیر تجربه و حس وجود ندارد و با مرجعیت سنت، شهود و وحی، راه برای شناخت حقیقی جهان بسته می‌شود، لذا عقلانیت مدرن نیز به عقلانیت ابزاری فروکاسته شد. اگوست کنت نیز که تاریخ بشری را به لحاظ معرفتی به سه دوره تئولوژیک، فلسفی و علمی تقسیم کرد، معتقد بود انسان مرحله سوم، از کشف علل پدیده‌ها چشم می‌پوشد و صرفاً به شناسایی قوانین حاکم بر پدیده‌ها اکتفا می‌کند (آرون، ۱۳۸۷، ص ۹۰)؛ او اهتمام داشت همه مردم به صورتی اثباتی ببندیشند. مارکس نیز معرفت‌های فلسفی، متافیزیکی، دینی و اساطیری را

جزء معرفت‌های علمی نمی‌دانست و قائل به امکان کشف معرفت و شناسایی از مسیر این چشم‌اندازها نبود.

متعاقب این تفکرات، به تدریج جامعه علمی، به‌ویژه در حلقه وین، اعتقاد بر این یافت که علم با خصلت آزمون‌پذیری‌اش نمی‌تواند درباره گزاره‌های ارزشی داوری نماید؛ لذا به جدایی دانش از ارزش-که در آن راهی برای شناخت صدق و کذب وجود ندارد- ملتزم شد. در این اندیشه، عده‌ای گزاره‌های متافیزیکی را گزاره‌های بی‌معنا نامیدند و عده‌ای علم را از داوری‌های هنجاری ناتوان شمردند. به‌رغم این تلاش‌ها اما، معرفت تجربی، هیمنه به‌دست‌آمده خود را از دست داد و حتی در نیمه اول قرن بیستم در حلقه فرانکفورت نظرات مبتنی بر دخالت هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی در ساختار درونی و کاربردی معرفت علمی، دنبال شد و بالاخره در دهه ۶۰ با طرح مسئله پارادیم‌های علمی معرفت‌های علمی، نوع تبیین تازه‌ای یافت.

ویژگی‌های رهیافت عدم جهت‌داری علم

این رهیافت معتقد است انسان‌ها برای وصول به حقیقت ناب باید پیش‌داوری‌هایش را نادیده گرفته و با فاصله گرفتن از جامعه و رجوع به فردیتش به معرفت برسد. نیل به این رهیافت، دارای ویژگی‌های مختلفی است:

نخست این که، طبیعت انسان یا اجتماع به مثابه ماده خام برای تحلیل هستند. این عناصر، زمانی که از قضاوت‌ها به دور باشند بیانگر واقعیت اصلی خود هستند، در غیر این صورت ممکن است تصویری کاذب یا غیرحقیقی از واقعیت نشان دهند. زمانی که باید و نبایدها بر این مواد خام تحمیل شوند، ماهیت درونی آن‌ها بر اساس این ارزش‌ها دگرگون شده و جوهره آن دیگر آن نیست که در ابتدا بود؛ بلکه به مثابه اثره‌هایی هستند که عاملیت‌های انسانی، فرهنگ و ارزش‌ها به آن‌ها جهت می‌بخشند.

دوم اینکه، ابزارها چون ارزش‌بار نیستند و رجحانی در میان کاربردهای متفاوت آن‌ها وجود ندارد، باید از اهدافی که آغشته به ارزش‌های افرادند متمایز باشند. ابزارها صرفاً امکان‌های مختلفی را فراروی افراد می‌گذارند و هیچ نقش ترجیحی در

تعین بخشی به این امکان‌ها ندارند، لذا صرفاً با ضمیمه شدن اهداف ممکن است به عنوان موضوعی مفید یا مضر، خیر یا شر و خوب یا بد قلمداد شود و فی‌نفسه و بدون وجود اهداف، امری خنثی و منفعل می‌باشند. لذا گاه اگر دانشی به عنوان امری نامطلوب تلقی می‌شود، عدم مطلوبیت نه مربوط به اصل آن، بلکه به عهده عاملیت و کنشگران در مرحله تحلیل و اشاعه و مصرف آن است.

و سوم این که شایسته شناخت این است که تجربه حسی بر اساس استقراء اشیاء به دست می‌آید و نگرش‌های فیلسوفانه، پیش‌داوری‌های اثبات نشده‌ای هستند که عنوان دانش درجه دو یا پادو به شمار می‌آیند. این باید و نبایدها در ذات دانش نهفته نیستند بلکه این جامعه و فرهنگ است که ارزش‌های خود را بر دانش تحمیل می‌کنند و ماهیت درونی آن را حسب اقتضائات معنادار می‌سازد.

مخالفت با فراغت ارزشی در علم

تلقی آزادی ارزشی از علم، در اندیشه‌های مختلف، مورد تخطئه جدی واقع شده است. مخالفین نگرش‌های ثنویت‌گرا معتقدند مدعیان بی‌طرفی علم، خیال‌پردازانی هستند که در حاشیه علم بوده و هنوز به حقایق و اندرونی آن راه نجسته‌اند. پژوهش‌های تحلیلی گوناگون درباره روش‌های علمی، ثابت کرده که این روش‌ها تا چه اندازه تحت تأثیر پژوهش‌گر هستند. وانگهی سخن خرافی بی‌طرفی علم با پایان عصر نوگرایی، مدت‌هاست از سر زبان‌ها افتاده است. در واقع در این قرائت‌ها، ارزش‌باری، از ویژگی‌های ذاتی دانش به حساب می‌آید و نمی‌توان کلمات را از محتوای ارزش‌گذارانه آن‌ها تهی ساخت؛ به‌طوری که امروزه حتی بسیاری از دانشمندان علوم طبیعی نیز معتقدند هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند بی‌ابتنا و بی‌اعتنا بر سلسله‌ای از مبانی و اصول بنیادین سامان یابد؛ لذا نظریه‌ها و اصول نظری به لحاظ نفس‌الامری بر ساخته مبانی خود هستند و مبانی نیز سامان‌یافته جهان‌بینی‌ها، رهیافت‌ها و حتی ایدئولوژی‌هاست.

استدلال‌ها بر بطلان این دوگانه‌گرایی می‌کوشد نشان دهد هیچ زبان علمی که مفاهیمش فارغ از ارزش باشد، وجود ندارد؛ مضافاً این که آزادی ارزشی، ویژگی زبان

به کار گرفته شده نیست، بلکه ویژگی به کارگیری زبان است؛ یعنی کاربرد زبان صرف نظر از اینکه محتوای ارزش گذارانه اش چه باشد، خود گرانبار از ارزش است (رووت، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳)؛ بعلاوه، اگر تبیین ها و نظریه ها برای این که آزاد از ارزش ها باشند، بخواهند زبانشان را از ارزش ها رها کنند، لاجرم باید در بهره گیری از واژه ها نیز بی طرف باشند، حال اینکه انتخاب برخی مفاهیم، مفروضات و نظریه ها از میان تعدادی دیگر، خود نوعی سوگیری ارزشی است. تهافت در ادعای عدم جانبداری در علم و آنچه واقعاً در علوم اجتماعی رخ می دهد، نیز خود نشان دهنده آن است که زبان رایج در اغلب علوم اجتماعی مشتمل بر هر دو نوع گزاره های معطوف به واقعیت و گزاره های معطوف به ارزش می باشند. زمینه هایی که عالمان اجتماعی در آن گزاره های زبانی خود را نیز به کار می گیرند، قضاوت های ارزشی مشاهده می شود (رووت، ۱۳۸۹، ص ۶). آنان به رغم ادعا، نتوانسته اند دلایل عملی را از مقام کشف و از مقام توجیه در علوم اجتماعی خارج سازند و در اولین ادعای خود، زمانی که آزادی ارزشی را مفروض می گیرند، خود به وجه هنجاری و توصیه ای رو نموده و نوعی قضاوت ارزشی را القا می نمایند. در واقع این جداسازی ها اجازه می دهد شیوه های گردآوری و دسته بندی داده ها و نیز ارائه نظریه های مربوط به پدیده های اجتماعی، صرف نظر از این که تا چه میزان به لحاظ اخلاقی نادرست باشند، مناسب دانسته شوند.

تلاش های نافرجام انفکاک ارزش از علم، حاصل نوعی تشبیه گرایی علوم اجتماعی با علوم طبیعی و پیوند این دو به یکدیگر به لحاظ روش شناختی است که نحوه وجود خود را از فلسفه لیبرال و سکولار اخذ می کند. به تعبیری، این فلسفه می کوشد به چیزی ملتزم باشد که اصل ضد کمال^۱ نام گرفته و بر اساس آن، هیچ سخن یا عملی درون حوزه معینی از زندگی به منظور ترجیح یک آرمان از کمال انسانی بر آرمان دیگر نباید گفته یا انجام شود. با مشابَهت سازی دانش اجتماعی با علوم طبیعی این تلقی نیز پدید می آید که دانش، سامانه ای خنثی است و علم در قبال پدیدارها و پیامدهای ارزشی، مرز

1. The anti-Perfection Principle

خود را جدا می‌سازد. از طرفی میل به خودبنیادی و تأکید بر سوژه در نگرش‌های انسان معاصر و رهایی آن از هرگونه ارزش موجب شده که ارزش‌ها صرفاً دارای منشاء انتزاع خارجی دانسته شود و بالمآل مرگ حقیقت را در پی داشته باشد.

مسئله اینجاست که جداسازی جهت‌بخشی ارزشی از واقعیت، امری ناممکن است و همان‌طور که نظریه‌ها و واقعیت‌ها از هم مستقل نیستند، می‌توان گفت نظریه‌ها نیز خودشان عبارت‌ها و گزاره‌های ارزشی، زبانی و هنجاری هستند که پیش‌فرض‌های خاص و از پیش تعیین‌شده‌ای از واقعیت دارند؛ لذا در این زمینه، نظریه‌ها و ارزش‌ها با هم متداخل شده و مرز مشخصی بین آن‌ها وجود ندارد. بدین سان واقعیت‌ها نه تنها می‌توانند از پنجره نظریه دیده شوند، بلکه از دریچه ارزش‌ها نیز قابل بررسی‌اند و موضع فراغت ارزشی یا عینیت اثبات‌گرایانه، امری سازش‌کارانه است که به‌جای دستیابی به عینیت‌های واقعی و عینی، عملاً به نفع ارزش‌ها و گزاره‌های هنجاری عمل می‌کنند (نک: محمدپور، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۴). در رویکردهای جدید دانش اجتماعی نیز این مطلب پذیرفته شده که ارزش‌ها در مراحل مختلف وارد فرایند تحقیق می‌شوند و در مفروضات محقق اثر می‌گذارند (محمدپور، ۱۳۸۹، الف، ص ۶۹). حتی برخی معتقدند عینیت‌ها نیز مانند حقیقت، یک ارزش اجتماعی‌اند و در بسترهای مختلف به‌طور متفاوت تعریف می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹، الف، ص ۷۲).

به‌علاوه، ارزش‌ها، جنبه معنوی علم‌اند و جنبه‌های عینی‌اش اگرچه محسوس‌ترند اما جنبه درونی آن حیاتی‌تر، بااهمیت‌تر و بامعناتر است. بدون هماهنگی ساختن این دو بعد و تنظیم آن در مجرای زندگی نه تنها رشد و کمالی برای فرد و اجتماع نمی‌توان انتظار داشت، بلکه ناهماهنگی مزبور به اختلالات همه شئون انسانی منجر می‌شود (جعفری، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۳۹-۴۱). لذا ارزیابی دقیق علم، مستلزم تحلیل پیش‌فرض‌هایی است که صریحاً یا ضمناً دانشمندان را هدایت کرده و به تحقیقات آن‌ها جهت‌ی خاص می‌دهد. پس ارزش‌ها یا بخشی از شواهدی هستند که برای اثبات تئوری‌ها اقامه می‌شوند که نه تنها اجتناب‌ناپذیرند بلکه بر تأیید فرضیه‌ها نیز کمک می‌کنند، یا به گونه‌ای هستند که نمی‌توان آن‌ها را از فرایند تأیید تئوری‌ها کنار گذاشت.

حتی انگاره پوزیتیویسم به رغم مدعای خود مبنی بر عدم سوگیری ارزشی، عمیقاً آغشته به ارزش‌های درونی است و در بیان نظرات با تناقض‌های مبنایی روبروست؛ لذا عده‌ای که در مقابل قول به تفکیک ارزش از دانش ایستادگی می‌کنند، معتقدند ذهن نمی‌تواند بر اساس تخیل و اعتبار و قرارداد، سیستم اخلاقی بسازد؛ چراکه به دلیل حضور این عقل عملی نوعی رویه عمومی و رویکرد مشترک و بین‌انسانی در مورد نیک و بد وجود دارد که به آن گونه‌ای از شمول می‌بخشد. به تعبیر برخی نویسندگان گرچه دانشمندان در مرحله تعیین اعتبار^۱ و توجیه یافته‌های خود^۲ حسب الزام منطقی باید علایق خود را کنار بگذارند ولی دانش تجربی - تاریخی در مرحله شکل‌گیری و ریشه‌گیری^۳ بر اساس علائق معین ظهور می‌یابد. جامعه با ارائه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و تعلقات تنها علائق و انگیزه‌های افراد را جهت نمی‌دهد، بلکه موضوعاتی را برای فعالیت‌های شناختی فراهم می‌سازد آنچه در اطراف خود هاله‌هایی از ارزش، تقدس، پذیرش و انفعال را فراهم می‌سازد از نظر شناختی به موضوعات معرفتی تبدیل می‌گردد و کانون فعالیت ذهنی را نشانه می‌گذارد. ارزش‌ها، محورهای جلب علایق افراد، موضوعاتی تجربی را برای عطف توجه اندیشمندان فراهم می‌کنند؛ آنچه از یک نقطه نظر علایق عملی محسوب می‌شوند از دیدگاهی دیگر علایق شناختی - نظری می‌باشند. معرفت، خواه عامیانه یا علمی، از زبان فرهنگ ریشه می‌گیرد و به این دلیل هر نوع معرفتی آمیخته به علایق، غرض‌ها و خاص‌گرایی‌های فرهنگی - اجتماعی است. الگوی روشنفکرانه علم می‌کوشد با استعانت از زبان جهانی و عمومی بر این خاص‌گرایی‌ها فائق آید، اما به اشتباه تنوع فرهنگی را نفی می‌کند و زبان جهانی علم را به معنای سیطره یک فرهنگ خاص - که عام‌پنداشته می‌شود - تلقی می‌نماید؛ چنین دیدگاهی به‌ویژه خلاقیت و زایش فکری دانشمندان جوامع پیرامونی را مانع می‌شود (قانع‌راد، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵).

1. validation
 2. justification
 3. origination

در رهیافت‌های تفسیری، آزادی ارزشی مورد چالش قرار گرفته و اعتقاد بر این است که هیچ ارزشی قابل تخطئه نیست و هیچ نوع زبان علمی که مفاهیمش خالی از محتوای ارزش گذارانه باشد وجود ندارد (رووت، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳). البته این موضع گیری نیز برخلاف موضع گیری‌های رهیافت نخست که میل به رهایی از ارزش‌ها داشت، به خاطر پذیرفتن همه ارزش‌ها و اعتقاد به نبود مرجع ارزشی مطلق به نسبیت گرایی می‌گراید. لکن در رهیافت سوم جامعه‌شناسی یعنی پارادایم انتقادی، رهایی از هرگونه ارزش، امری ضد کمال‌گرا، افسانه و حتی غیرانسانی دانسته شده است و متفکران آن معتقدند در مقابل ارزش‌های موجود، نمی‌توان هم موضع گیری تصدیقی یا انتقادی داشت (ایمان، ۱۳۸۸، صص ۱۱۲-۱۱۵)؛ اینان ضمن عدم پذیرش تبیین‌های علی صرف، بر تغییر، اصلاح، نقد و ارزش‌مندی‌ها تأکید دارند.

به‌هرحال در برداشت‌های ناثویت‌گرا، ماهیت و ساختار درونی علم، آن‌چنان‌که پیش از این تصور می‌شد، به چالش کشیده شد و ارزش‌ها، تمایلات ایدئولوژیکی و بسیاری از منافع دیگر به‌عنوان عنصر مهم مداخله‌گر در ساختار درونی علم لحاظ گردید. این تغییر رویکردی، زمینه‌های حضور و نفوذ پربسامد خود را در حیات اجتماعی همراه با اشاعه ارزش‌ها مساعدتر کرد و مسئله مداخلات ارزشی به‌شدت در کانون توجه اندیشمندان و حتی در مناسبات تکنولوژیکی قرار گرفت. این مداخلات به‌ویژه در دانش‌های همگرا و علوم شناختی به‌صورت اجتناب‌ناپذیری حضور داشته و دانش و فن‌آوری به‌عنوان پدیده‌ای جهت‌دار و باردار از ارزش‌ها قلمداد می‌شود. به تعبیر برخی، نتایج تحقیقاتی که انسان انجام می‌دهند از نفوذ ارزش‌ها در امان نیستند (شریعتمداری، ۱۳۷۶، ص ۴۸۳) و سازمان‌دهی به جامعه و مکتب سیاسی و اخلاقی مقبول مردم، وام‌دار وضع اجتماعی و نحوه تفکر آنان است، به‌طوری‌که فکر و عمل، بر روی هم یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند (راین، ۱۳۸۷، ص ۲۶۶). بر این اساس، به‌رغم ادعای علوم اجتماعی لیبرال مبنی بر فراغت ارزشی و آزادی از قضاوت‌های مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی و معنوی، این ارزش‌ها را در فرایندهای مختلف پژوهش دخالت داده و از آن‌چه خودآگاه از آن پرهیز می‌کنند، به‌طور ناخودآگاه در آن قرار می‌گیرند.

به علاوه، بسیاری معتقدند علم همواره گرانبار از ارزش هاست و علم عاری از ارزش نداریم و پذیرش این مطلب که دانشمندان باید در کوشش هایشان در زمینه جمع آوری و تفسیر شواهد عینی در مورد وقایع جهان مادی، مستقل، غیرمتعهد، غیرشخصی باشند را مورد تردید قرار می دهند و بر اندیشه هایی که علم را فعالیتی درونی و فارغ از تأثیر ارزش ها می دانند، نقدهای جدی دارند، لذا تلاش گسترده ای را برای نقد درون گرایی انجام داده اند. در این گونه برداشت ها مسیر علمی از جامعه شناسی اثباتی و عمدتاً پوزیتیویسم منطقی جدا می شود و بازتولید پندارهای قالبی و کلیشه ای مورد نقد اساسی قرار می گیرد. این چالش ها موجب شده رهیافت های جدیدی با مبانی خاص که ازجمله اهدافش رهایی دانش از تئوری های سستی است، تأسیس شود و اندیشمندان مؤخرتر، در تأملات پژوهشی شان به دنبال راه هایی باشند که نشان دهند به بازتولید پندارهای قالبی و کلیشه ای مضر نمی پردازند (نک: دوال، ۱۳۸۵، ص ۴۶).

تذکار این نکته بااهمیت است که در مقابل سنت تفکیک ارزش از دانش، رویکردهای واحدی قرار ندارد، به ویژه فاصله آن ها با آنچه در ادبیات دینی موردنظر است زیاد می باشد. در این ادبیات، علم نوری است که دارای مراتبی بوده و در پرتو آن انسان به جهان آن طور که هست می نگرد و موقعیت انسانی خویش را در هستی، تحت ولایت الهی به منظور نیل به قرب حق می یابد.

امکان یا عدم امکان آزادی ارزشی علم در سنجۀ ادبیات قرآنی

در جهان بینی الهی، پیوند وثیقی میان ابعاد انسان شناختی با هستی شناختی، برقرار می باشد و این پیوند، شکل معرفت شناختی متناسب خود را کامل می کند. تناسب میان این وجوه، مشخص کننده ارتباط و استنتاج بایدها از هست ها و این که اعتقاد به برخی از هست ها موجب پدیداری بایدهای ویژه ای است، می باشد. قرآن همواره بر ارزش های انسانی تأکید دارد و دانش و ارزش ها را در یک زمره از کمال تلقی می کند؛ زیرا هم دانش و هم تمام عناصر ارزشی، انشعاب یافته از اسما و صفات الهی اند که همگی در عرض یکدیگر بدون تفضیل یکی بر دیگری است و انسان برای

وصول به حقیقت، هم محتاج به دانش و معرفت صحیح است تا ارزش‌ها را عمق بیشتری دهد و هم بی‌نیاز از ارزش‌ها نیست که جهت‌دهنده دانش می‌باشد. از این‌رو، معرفت انسانی چون از فرهنگ ریشه می‌گیرد، آمیخته به علایق و خاص‌گرایی‌های فرهنگی است.

قرآن اصلی‌ترین دغدغه هستی‌شناسانه‌اش پیرامون وجود آفریدگار عالم و تدبیر جهان توسط اوست که آیات زیادی بر آن دلالت دارد و بسیاری از اندیشمندان اسلامی نیز به واسطه این آیات، براهینی اقامه کرده‌اند که چنانچه این دغدغه به خوبی فهم شود، بسیاری از مسائل مربوط به حیات انسانی و چگونگی آن و اصولاً ارزش‌های مربوط به آن نیز معین می‌گردد. براهینی مانند «برهان نظم» که بر نظم جهان هستی و هدف‌مندی و انسجام آن و نیز نیازمندی به ناظم عالم و قادر دلالت دارد (نک: بقره، ۱۶۴؛ روم، ۲۰-۲۵؛ رعد، ۳؛ یونس، ۳۱؛ انفال، ۶۲-۶۳؛ مؤمنون، ۱۲-۱۴؛ انعام، ۹۵؛ بقره، ۲۸۱؛ شمس، ۷-۸؛ طه، ۵۰؛ نحل، ۷۹؛ جاثیه، ۳-۴؛ حجرات، ۱۳ و...)، «برهان حرکت» که گواه روشنی بر حدوث موجودات و وجود خالق و ایجادکننده آن‌هاست (نک: انعام، ۷۵-۷۹)، برهان «علت و معلول» که جهان را پدیدآمده علتی می‌داند که هستی از آن خود اوست و او خود عین هستی است (طور، ۳۵-۳۶ و ۴۳)؛ همچنین آیاتی که دلالت بر فقر ذاتی انسان به خداوند دارد (فاطر، ۱۵؛ محمد، ۳۸؛ الرحمن، ۲۹) که به «برهان وجوب و امکان» تعبیر شده؛ نیز «برهان صدیقین» که در آیاتی (آل عمران، ۱۸؛ فصلت، ۵۳؛ بروج، ۲۰؛ حدید، ۳؛ نور، ۳۵) از مطالعه ذات پاک خدا به جای مطالعه مخلوقات پی به وجود خداوند برده می‌شود و نهایتاً «برهان فطرت» که بر خواسته‌های درونی و یافته‌های فطری انسان استوار است و راهی میان‌بر از درون انسان به سوی خداست (نک: آیات: روم، ۳۰-۳۳؛ عنکبوت، ۶۱-۶۵؛ یونس، ۲۲-۲۳ و ۳۱؛ زخرف، ۹-۸۷؛ مؤمنون، ۸۴-۸۹؛ اعراف، ۱۷۲). این براهین، استدلال‌هایی درباره هست‌ها است که مهم‌ترین آن بحث هستی خدا است که پس از اثبات وجود آن، مسئله باید‌ها مطرح می‌شود. بعد از اعتقاد به وجود خدا، مسئله دیگر، وجود زندگی اخروی است که رفتارهای انسان‌ها و باید‌های مربوط به حیات او به وجود می‌آید. این براهین گرچه به‌طور مستقیم به رابطه ارزش و دانش اشاره ندارد اما از ملاکات آن، پیوند این دو قابل استنباط است.

گذشته از بحث هستی‌شناختی، از مسیر انسان‌شناختی آیات نیز ارتباط میان آن دو قابل اثبات است. قرآن چون انسان را با صفاتی - بالقوه یا بالفعل - توصیف می‌کند؛ این صفات، مانع از آن است که در انتخاب‌های خود فارغ از ارزش‌ها به داوری بپردازد و این گرایش‌های طبیعی، غریزی و فطری، گزینش‌های او را نیز متأثر خواهد کرد. قرآن، نوع انسان را سرشته به برخی ویژگی‌ها دانسته که همواره همراه او است و ممکن نیست این خصلت‌های همیشگی در سطوح زندگی‌اش از جمله دغدغه‌های معرفت‌شناسانه‌اش تأثیرگذار نباشد. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ» (حج، ۶۶)، «وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (اسراء، ۱۰۰)، «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء، ۱۱)، «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (كهف، ۵۴)، «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات، ۸)، «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (معارج، ۱۹-۲۱)، «وَوُحِّلَ الْإِنْسَنُ ضَعِيفًا» (نسا، ۲۸)، «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكُفَّيٍّ، أَنْ رَآهُ اسْتَعْصَمَ» (علق، ۶-۷). این خصلت‌ها و نیز آفرینش انسان از نفس واحده و دارای نهاد خداجویی، نشانگر این است که انسان بریده از فلسفه و ایدئولوژی وجود ندارد و هیچ پدیده انسانی و نیز یافته علمی نمی‌تواند فارغ از تأثیرات زمینه‌ای بروز خود باشد. زمینه‌مندی مباحث اجتماعی و توجه به بسترهای پیدایش آن‌ها ما را در حل مسائل علمی نیز بیشتر و بهتر یاری می‌رساند.

از آنجا که قرآن هرآنچه که لازمه کمال انسانی است را در نظر دارد، با تأکید بر عدم گسست علم از ارزش‌ها در مبنای معرفت‌شناسانه خود، یک جریان کمال‌گرایی معرفتی را با توجه به تمام قابلیت‌های انسانی افراد، بنا نهاده است و در این مبنا هرگز باید و هست نمی‌توانند جای یکدیگر را گرفته و یا یکی جدای از دیگری تصور شود. قرآن حتی در سیاسی‌ترین و فلسفی‌ترین مفاهیم و در تمام هست‌ها و حقایق علمی، سایه بایدها و اعتبارات و اخلاق را در نظر دارد و در کنار هستی‌شناسی و جهان‌بینی واقع‌گرا، قوانین و مسئولیت‌هایی را نیز برای انسان تبیین کرده است یعنی تکوین و تشریع از یک جانشینی می‌شود و خدایی که تمام پدیده‌ها را آفریده، برای آن‌ها قوانین هم وضع کرده است. حتی در آیاتی که ظاهراً قضایای توصیفی صرف می‌باشد، یک مقدمه مطوی را در بر دارد که از آن دستور اخلاقی استنباط می‌شود.

مسئله پیوند میان قضایای توصیفی و قضایای تکلیفی بیشتر به نوع جهان‌بینی مرتبط است و خاستگاه جهان‌شناختی دارد. چنانچه جهان‌بینی انسان مادی باشد و منشاء تجربی داشته باشد که در آن جز امور محسوس و تجربه‌پذیر پذیرفته نشود، در این صورت صرفاً هست‌ها قابل آزمون می‌باشند و باید‌ها از حوزه تجربه خارج می‌شوند و نمی‌توان بدون یک خاستگاه منطقی، باید‌ها را از هست‌ها استنتاج کرد؛ اما اگر پایه شناخت، صرفاً تجربه نباشد و در کنار آن منابع دیگر نیز به‌عنوان منبع شناخت قرار گیرد، چنین استنتاجی نه تنها ممکن بلکه الزامی به نظر می‌آید.

معمولاً قرآن پس از طرح موضوع هستی‌شناختی، باید‌های عقلی عامی را بیان می‌کند که به الزامات و قوانینی اشاره دارد که بر اساس آن، انسان را به هدف توحیدی مورد نظر می‌رساند مانند «إِنِّیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَ اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِکْرِیْ» (طه، ۱۴) که پس از یک قضیه توصیفی و هستی‌شناسانه، به دستورات اخلاقی و باید‌های عبادی امر پرداخته است (نیز نک آیات: انبیاء، ۲۵؛ مریم، ۶۵؛ یونس، ۳؛ غافر، ۱۳؛ انعام، ۱۰۱-۱۰۳؛ مریم، ۳۶؛ زخرف، ۴۳؛ انعام، ۱۵۳-۱۵۵؛ انبیاء، ۹۲؛ حج، ۱؛ هود، ۱۲۳).

در آیاتی دیگر که عده‌ای را به خاطر عبرت نگرفتن از واقعیت‌های نظام هستی سرزنش می‌کند، می‌توان استلزام میان نظام تکوین و تشریع را استنتاج کرد (نک: حج، ۱۸-۱۹؛ آل عمران، ۸۳). در آیاتی دیگر، عناصر اخلاقی و باید‌های رفتاری را در کنار بحث خالقیت و رازقیت و... بیان فرموده است (مؤمنون، ۸۴-۹۰؛ یونس، ۳۱-۳۲؛ زمر، ۶؛ یس، ۲۲؛ نساء، ۱۷۲). در دسته‌ای دیگر، به بیان حقایق جاری در جهان پرداخته و امر به سیر در آفاق و انفس نموده و در پی آن، انسان‌ها به عبادت و ایمان و اخلاق امر شده‌اند (روم، ۲۰-۳۱).

از این رو نتیجه می‌گیریم اخلاق و حکمت عملی فرع جهان‌بینی است و این نتیجه را در طی یک رابطه منطقی از آیات استنتاج می‌شود، بدین صورت که هست‌ها قیاس‌های منطقی آیات، به‌عنوان اشرف‌المقدمین می‌باشند و باید‌ها به‌عنوان اخس‌المقدمین‌اند؛ لذا در یک قیاس که یک مقدمه‌اش «هست» و مقدمه دیگرش «باید» باشد، نتیجه آن تابع اخس‌المقدمین یعنی باید‌ها می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۴۲). در واقع اگرچه یکی تابع

دیگری است اما میان آن دو وابستگی جدایی ناپذیری برقرار می‌باشد.

قرآن برخلاف اندیشه‌هایی که معتقدند علم نمی‌تواند و نباید در پی کشف خیر یا معناداری باشد، بر توان انسان مبنی بر کشف خیر و سعادت با استفاده از عقل تأکید دارد. از آن‌جا که عقل و عقلانیت نیز در این اندیشه اغلب محصور در نوع ابزاری آن است، ظرفیت وجودی‌اش نیز از کشف سعادت دنیوی فراتر نرفته و قدرت تبیین ماورای ماده را ندارد. آجکتیو دیدن پدیده‌های انسانی در این تلقی، گویی آنان را به‌سوی شیئی‌انگاری این پدیده‌ها و حتی فاعلان انسانی کشانده است که علم را زمانی معتبر می‌دانند که به مسائل مربوط به صدق و واقعیت محدود باشد.

قرآن با توجه به دامنۀ اختیار در نهاد آدمی، افراد انسانی را به‌عنوان موجوداتی متفکر، با ارادۀ فعال دانسته که مسئول تمام انتخاب‌های خود است و گزینش‌ها و ارزش‌های او در تمام معرفت‌هایش تأثیرگذار است و از طرف دیگر، علم نیز در این راستا می‌تواند تلقی از خیر و سعادت را برای او ارتقا بخشد. پس علم به پدیده‌های انسانی، هرگز منفک از ارزش‌های اخلاقی و رویکردهای تکلیفی نبوده و همواره در مسیر شناخت این پدیده‌ها، بایدها و گزاره‌های دستوری یا به‌صورت ظاهر در آیات بیان شده و یا به بیان توصیف صغرای قضیه کفایت شده و بخش دیگری از قضیه (یعنی درک استنباط کبرای آن)، به عهده فهم مخاطب نهاده شده است.

این بحث را از زاویه‌ای دیگر نیز می‌توان بررسی کرد. قرآن رابطه میان انسان و خدا را در دو حیطه ملازم با هم (حضور و حصولی) تدارک دیده است؛ معرفت آگاهانه‌ای که انسان نسبت به خدا از طریق عبادت و سیر انفسی و تزکیۀ نفس به دست می‌آورد و معرفتی که از طریق تأمل و تدبر و حصول مقدمات علمی صورت می‌گیرد. این دو نوع رابطه، حسب ترسیمی که از نشانه‌هایی که در عوالم آفاقی و انفسی بیان شده حاصل می‌گردد «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات، ۲۰-۲۱؛ نیز نک: فصلت، ۵۳). ملازمت این دو شناخت بدان جهت است که در علم حضوری برخلاف علم حصولی خطای در ادراک و شک راه ندارد و از آن‌جا که بلاواسطه است و خود واقعیت خارجی نزد علم حضور می‌یابد، خطا به معنای اعتقاد غیر مطابق واقع در

آن معنا ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۱۶۰). معرفت حاصل از آیات آفاقی، معرفت فکری و حصولی است که در تحققش محتاج به برهان و ترتیب قیاس است، به خلاف نظر در نفس و قوا و اطوار وجودی آن، که معرفت شهودی و حضوری است که نیاز به ترتیب دادن مقدمات مذکور ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۷۱). لذا در قرآن نه تنها گسست میان انواع معرفت مشاهده نمی‌شود، بلکه دستگاه معرفت را یک سازه متشکل و همبسته و غیرقابل انفکاک می‌بیند. در این نگاه هیچ دوئیتی میان ارزش و علم نیست همچنان که تمایزی میان ارزش‌های معرفتی و غیر معرفتی نیز وجود ندارد؛ چون علم در منطق قرآن معنای خاصی دارد که آکنده ارزش‌های ناب است. لذا تأثیر ارزش‌ها در حوزه علم از نگاه قرآن در زمینه‌های مختلفی از جمله اصل علم و ماهیت آن، نگرش به علم، نظریه‌ها، نوع پردازش‌های علمی، روش‌شناسی و در نگاه به موضوعات گوناگون قابل توجه است.

بافت فرهنگی، شالوده‌اساسی دانش

در حوزه دانش، صورت‌بندی هیچ نظریه‌ای، فارغ از اصول موضوعه و مبادی معرفتی و فلسفی پیش از خود نیست. شناخت صحیح هر نظریه، متکی بر عقبه اندیشه‌ای و شناخت پیش‌فرض‌های معرفتی آن می‌باشد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۹). حتی ممکن است زمینه‌های انگیزشی و غیر معرفتی، همچون شرایط خانوادگی، تجربه‌های زیستی، خصوصیات فردی و... نیز بر تکوین این نظریه‌ها در ابعاد مختلف دست‌اندازی کند. در انسان‌شناسی رئالیستی تأکید بر اراده آزاد انسان‌ها و انتخاب‌های متعدد سوژه‌ها جهت رهایی از بند ساختارها و نظام‌های از پیش تعیین شده علمی، از مهم‌ترین مباحث است و هرگونه مداخله ساختارهای تحمیلی و پیشینی، مانع رهایی انسان و بازگشت به اصل حقیقی خویش، دانسته می‌شود. از طرفی شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژیک و زیست‌محیطی نیز در زمینه‌های اجتماعی بی‌تأثیر بر مبانی نظری علمی نمی‌باشد. مسلم است که مبانی و پیش‌فرض‌های شخص کنشگر و مشاهده‌کننده بر شکل‌گیری نظریه‌ها و سوق دادن فرایند پژوهش، اثرگذار است (چالمرز، ۱۳۹۰، صص ۳۴-۴۸).

به هر حال صورت و ماده علم هر دو در پیدایش معرفت اثر گذارند و هر دو زمینه و علت پیدایش معلول می باشند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، صص ۸۰-۸۱) و این گونه نیست که دانش مطلقاً جدای از بافت فرهنگی و اجتماعی خود و فارغ از هر گونه ارزش ها بر اساس تبیین های صرفاً تجربی یا علی معلولی صرف تعیین یابد. جدا کردن دانش از ارزش ها و تبیین و تحلیل آن ها بر اساس مشاهدات تجربی، تک ساحتی دیدن انسان، طبیعت و هستی است. تک سویه نگری به انسان و هستی چون ناشی از مبانی نظری خاصی می باشد، برون دادی جز مرزبندی غلیظ میان مرحله توصیف و توصیه، ارزش و دانش، ذهن و عین و هست و نیست با بایدها و نبایدها ندارد؛ لذا پاسخ به این دغدغه مهم و رسیدن به یک نتیجه دلخواه تابع درک ما از هستی و انسان است.

قرآن به دلیل به رسمیت شناختن ساحت های مجرد هستی و انسان که جوهره وجود اوست، اهداف والاتر از ساحت های صرفاً مادی را دنبال می کند. این گرایش های همه جانبه به رغم تعلق به امور گوناگون، نهایتاً به حکم پیوستگی شان به کمالی مطلق گرایش می یابند و به هر اندازه که قوت و شدت بگیرند به همان اندازه به وحدت و بساطت نزدیک می شوند تا اینکه تماماً به غایت مطلوب واحد خود و به موجود کامل بی نهایت نائل آیند. از این رو با در نظر داشتن و پذیرفتن عوالم و ابعاد غیرمادی، امکان رابطه انسان با یک هستی مطلق برقرار شده و دانش انسانی در مسیر واقعی خود که ناظر به ابعاد مختلف انسان و هستی است بدون استیلای یک بعد قرار می گیرد.

به جرأت می توان گفت هیچ چیزی در این دنیا فقط خود آن چیز نیست؛ به تعبیر هایدگر حتی تکنولوژی هم خود، امری تکنولوژیک نیست بلکه امری است که با حضور ما و دیگران و بسیاری از زمینه های پیشینی و پسینی رقم می خورد. این زمینه های خواسته یا ناخواسته با تاثیر گذاری یا سلطه خود اجازه نمی دهد انسان با علم رابطه ای آزاد برقرار نماید. لذا می توان گفت فهم مناسباتی که بر یک علم یا امر علمی حاکم است تابعی از فهم مبانی متافیزیکی آن است؛ به طوری که بدون لحاظ آن ها درک از

مسئله یا مسائل علم در کی ناقص است. چنانچه بپذیریم یک نوع شعور کلی بر قوانین علی و معلولی عالم حکم فرماست و آن شعور کلی چیزی را برای چیزی و به خاطر چیز دیگر به وجود می آورد (مطهری، بی تا ص ۵۲) و میان موجودات در نظام عالم کائنات رابطه ای غایی حاکم است، در این صورت هیچ معرفت و دانشی را منفصل از ارزش ها و عناصر متافیزیکی نمی توان دانست.

ارزش ها و نیازهای انسانی

لازمه ارتباط متوازی دانش و ارزش و تفکیک این دو حوزه، به نوعی تاریخی تلقی نمودن نیازهای معرفتی انسان است که از الزامات نگرش مادی گرایانه به انسان و غایت زدایی از اوست؛ این در حالی است که در اندیشه اسلامی ارزش ها ریشه در واقعیت داشته و لذا دانش عملی قابل ارجاع به دانش نظری می باشد. انسان در شبکه ای از نیازهای به هم آمیخته مادی و معنوی قرار دارد که عمدتاً بر نظام هایی از بینش ها، نگرش ها و ارزش های بنیادین استوار است که سمت و سوی حرکت او را در جهت اهداف معینی مشخص می کند.

یکی از پیامدهای ملازمت دانش و ارزش این است که نیازهای انسان محدود به جنبه های فیزیکی نمی شود و نیازهای دیگری که همگام با ارزش های واقعی انسان است مدنظر می باشد؛ در این صورت حتی برون دادهای طبیعی، تجربی و تکنیکی و محیط زیستی دانش نیز تهی از ارزش ها نخواهد بود.

دانش ها بر اساس نیازهای واقعی انسان ها شکل می گیرند و این نیازها صرفاً محدود به امیال و احتیاجات حیات مادی انسان نیستند که به سطح متنازلی از حیات و عالم ماده مرتبط باشد؛ بلکه نیازهای اعتباری، دینی، فطری و غیره نیز در انسان وجود دارد که ارزش هایش از آن ها اخذ می شود. انسان قبل از اینکه با موجودات مقید و محدودی در ارتباط باشد با یک هستی نامتناهی پیوند داشته و بسیاری از گرایش ها و معانی حیات خود را با ارجاع به آن به دست می آورد لذا این راه - یعنی بازگشت به اصل خویش یعنی فطرت - یک راه قابل کشف یا استکشافی است نه اختراعی! لذا نیازهای اساسی

عطف توجه به شالوده‌های بنیادین حیات ازجمله نظام پیشی، ارزش‌های برخاسته از آن، دایره عمیق فطرت و... تعریف می‌شود و بی‌توجهی به این حوزه‌ها و اکتفا به سطح نازل حیات، در عصری که پیشرفت‌های شگرف تکنولوژیکی، انفورماتیکی، ژنتیکی و... به صورت شتابان و چالاکانه رو به افزایش است، آینده‌ای زیان‌بار و غیرقابل جبران برای بشر خواهد داشت (نک: جعفری، ۱۳۹۳، صص ۵-۱۰ و ۸۳).

باوجود آنچه گفته شد، برخی از برداشت‌های مخالف نیز ابراز شده؛ بدین صورت که انسان‌ها برای وصول به حقیقت ناب باید پیش‌داوری‌های و ارزش‌های خود را نادیده گرفته و با فاصله گرفتن از جامعه و رجوع به فردیت خویش به معرفت نائل آیند. مانند برخی حوزه‌های معرفت‌شناسی عرفانی-فلسفی که فلاسفه و صوفیان آن، به دنبال از میان برداشتن اثر «میان ذهنیت» و بندهای اجتماعی در شکل‌گیری شناخت بوده‌اند. درواقع اینان از وابستگی اجتماعی آدمی آگاهی دارند ولی هدف آن‌ها از بین بردن این وابستگی و توصیه سلوکی فردگرایانه است. این برداشت‌های نااجتماعی، به گسترش اندیشه اجتماعی فردگرایانه انجامید و سیاست، مردم‌شناسی و تاریخ را به علم‌النفس و معرفت‌الاحوال تقلیل داد (نک: قانع‌راد، ۱۳۷۹، ص ۳۱۸). این عده نیز به دلیل آن‌که ارزیابی قضایای اخلاقی را محتاج مراجعه به عالم خارج و حیطه‌های گسترده‌تر ندانسته‌اند، آن‌ها را اعتبار ذهن قلمداد کرده و از آن‌ها به عنوان قضایای اعتباری یاد کرده و آن را حاصل نوعی قرارداد تلقی می‌نمایند.

لذا اگر نگرشی واقع‌بینانه نسبت به جهان و انسان ارائه شود و فلسفه‌ای تدوین گردد که از خلال آن به دیالکتیک طبیعت و انسان و غیب نگریسته شود و در چارچوب آن، معرفت و مسائل آن مورد تحلیل واقع شود، نه ارزش‌ها به انزوا برده می‌شود و نه تنازع آن‌ها در حوزه‌های مختلف زمینه‌ساز بحران معرفتی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

۱. از مسائل مهم مطرح در علوم اجتماعی این است که آیا ارزش‌ها به نحو پسینی و عطف توجه به اهداف اساسی علم صورت‌بندی می‌شوند، یا به نحو پیشینی در

هستی‌شناسی علم حضور داشته و موجب پیوند آن با علم می‌شود، یا به‌عنوان پروسه‌ای ملازم قلمداد می‌گردد که تصور یکی بدون دیگری در قبل و بعد از وجود آن دیگر میسر نیست و یا اصولاً بینونت خاصی در این دو وجود دارد که حسب غایت، موضوع و روش‌شان از یکدیگر متمایز می‌شوند.

۲. در فلسفه لیبرال و گفتمان‌های سکولار به‌ویژه در پارادایم اثبات‌گرا، که تلاش بر مشابه‌سازی علوم و پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی است، فرض بر این است که احکام اخلاقی قادر به تنظیم رفتارهای اجتماعی و ایجاد نظم قابل پیش‌بینی نیستند، بدین‌جهت دانش اجتماعی باید ضمن مفارقت نسبی از نظارت‌ها و سوگیری‌ها، حواشی ارزشی و حتی کمال‌گرای خود را به دور افکند و صرفاً به هست‌های موجود پرداخته و از ارزش‌های اخلاقی قداست‌زدایی کند.

۳. در مقابل، در استدلال‌های ناثنوتی، مفاهیم هیچ نوع زبان علمی ممکن نیست از محتوای ارزش‌گذارانه جدا باشد. حتی انگاره پوزیتویسم به‌رغم ادعا، عمیقاً وابسته به پیش‌فرض‌های از پیش تعیین‌شده و ارزش‌های درونی است. در رهیافت‌های دیگر نیز آزادی ارزشی مورد چالش قرار گرفته و اعتقاد بر این است که علم هرگز از نفوذ ارزش‌ها در امان نیست.

۴. در نگاه قرآن توصیه یک زندگی بدون ارزش، یک سبک زندگی سرد و به معنای بی‌محتوا کردن آن دانسته شده و همواره در نظام دانایی انسان، بر ارزش‌های انسانی تأکید شده و دانش و ارزش در یک زمره از کمال‌تلقی گردیده است. قرآن به‌عنوان کتاب هدایت و سعادت جاودان بشر، با در نظر داشتن آنچه لازمه کمال انسانی است و با تأکید بر باید و نبایدها و عدم گسست علم از ارزش‌ها، یک جریان کمال‌گرای معرفتی را با توجه به تمام قابلیت‌های انسانی افراد، بنا نهاده است و در این مبنا هرگز این دو جای یکدیگر را نگرفته و یکی جدای از دیگری تصور نمی‌شود. از این منظر نه تنها گسست میان انواع معرفت مشاهده نمی‌شود بلکه دستگاه معرفت یک سازه متشکل و غیرقابل انفکاک دانسته شده که هیچ دوئیتی میان آن‌ها نیست همچنان که تمایزی

میان ارزش‌های معرفتی و غیرمعرفتی نیز وجود ندارد. لذا نزاع بین این دو دسته از عناصر منتفی و یا غیرحقیقی است؛ چون هم موضوع نفی و اثبات‌شان با هم متفاوت‌اند، هم زبان نمی‌تواند خالی از مفاهیم ارزشی باشد و هم در تداوم زندگی و پدیده‌هایی که انسان‌ها با آن سروکار دارند، به‌رغم عینی بودن جنبه‌های محسوس و قابل مشاهده، در عمل، جنبه‌های معنوی و ارزشی حیاتی‌تر، بااهمیت‌تر و بامعناتر قلمداد می‌شوند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- آدلر، مورتیمر جروم. (۱۳۷۹). ده اشتباه فلسفی. تهران: انتشارات الهدی.
- آرون، ریمون. (۱۳۸۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی (مترجم: باقر پرهام). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پارسائیا، حمید. (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ، روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۶(۲۳)، صص ۷-۲۸.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (ج ۱). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۳). تحقیقی در فلسفه علم (ج ۱). تهران: نشر ایران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). مبادی اخلاق در قرآن. قم: نشر اسرا.
- چالمرز، آلن اف. (۱۳۹۰). چپستی علم. درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی (مترجم: سعدی زیباکلام). تهران: انتشارات سمت.
- دوال، مارجوری ال. (۱۳۸۵). روش‌هایی بخش زنان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). قواعد روش جامعه‌شناسی (مترجم: علی محمد کاردان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راین، آلن. (۱۳۸۷). تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع (مترجم: عبدالکریم سروش). تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- رجبی، محمود و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۸). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

رووت، مایکل. (۱۳۸۹). فلسفه علوم اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۱). دانش و ارزش، (پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق). تهران: نشر یاران.

شرت، ایون. (۱۳۹۰). فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی. شریعتمداری، علی. (۱۳۷۶). فلسفه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۶). قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

قانع‌ی راد. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران. تهران: نشر مدینه. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). چکیده آثار گیدنز (مترجم: حسین چاوشیان). تهران: نشر ققنوس. مایکل مولکی. (۱۳۸۴). علم و جامعه‌شناسی معرفت (مترجم: حسین کچوئیان). تهران: نشر نی. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹ «الف»). روش در روش. درباره ساخت معرفت در علوم انسانی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد. (۱۳۸۹ «ب»). ضد روش (ج ۱). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). آموزش فلسفه (ج ۲). تهران: انتشارات بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). آشنایی با قرآن. تهران: صدرا. مطهری، مرتضی. (بی‌تا). بیست گفتار. تهران: صدرا. وبر، ماکس. (۱۳۸۳). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی (مترجم: احمد صدراتی). تهران: نشر مرکز.

References

* The Holy Quran

- Adler, M. J. (2000). *Ten philosophical mistakes*. Tehran: Alhoda Publications. [In Persian]
- Aron, R. (2008). *Main stages in the development of sociological thought* (B. Parham, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Chalmers, A. F. (2011). *What is science? An introduction to philosophical schools of thought* (S. Zibakalam, Trans.). Tehran: SAMT. [In Persian]
- DeVault, M. L. (2006). *The feminist emancipatory method*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Durkheim, É. (2004). *The rules of sociological method* (A. M. Kardan, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Ghanei Rad, M. (2000). *Sociology of the rise and decline of science in Iran*. Tehran: Madineh Publications. [In Persian]
- Giddens, A. (2004). *Summary of Giddens' works* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Qoqnoos Publications. [In Persian]
- Iman, M. T. (2009). *Paradigmatic foundations of quantitative and qualitative research methods in the humanities*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
- Jafari, M. T. (1996). *Translation and interpretation of Nahj al-Balagha* (Vol. 1). Tehran: Islamic Culture Publications Office. [In Persian]
- Jafari, M. T. (2014). *Research in the philosophy of science* (Vol. 1). Tehran: Nashr-e Iran. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (1999). *Principles of ethics in the Qur'an*. Qom: Esra Publications. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (2000). *Philosophy education* (Vol. 2). Tehran: International Publishing Center of the Islamic Propagation Organization. [In Persian]
- Mohammadpour, A. (2010a). *Method in method: On the construction of knowledge in the humanities*. Tehran: Sociologists Publications. [In Persian]

- Mohammadpour, A. (2010b). *Anti-method* (Vol. 1). Tehran: Sociologists Publications. [In Persian]
- Motahari, M. (1991). *An introduction to the Qur'an*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Motahari, M. (n.d.). *Twenty Discourses*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mulkay, M. (2005). *Science and the sociology of knowledge* (H. Kachouyan, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Parsania, H. (2013). Theory and culture: A fundamental methodology for the formation of scientific theories. *Culture Strategies*, 6(23), pp. 7-28. [In Persian]
- Rajabi, Mahmoud and Group of Authors. (1999). *History of social thought in Islam*. Qom: Hawzah and University Cooperation Office. [In Persian]
- Root, M. (2010). *Philosophy of social sciences*. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
- Ryan, A. (2008). *Explanation in the social sciences: An introduction to the philosophy of social science* (A. Soroush, Trans.). Tehran: Sirat Cultural Institute. [In Persian]
- Shari'atmadari, A. (1997). *Philosophy*. Tehran: Islamic Culture Publications Office. [In Persian]
- Short, I. (2011). *Continental philosophy of the social sciences* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Soroush, A. (1982). *Knowledge and value: A study on the relationship between science and ethics*. Tehran: Yaran Publications. [In Persian]
- Tabatabaei, S. M. H. (1996). *Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān* (Vol. 6). Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers. [In Arabic]
- Weber, M. (2004). *Basic concepts in sociology* (A. Sadrati, Trans.). Tehran: Markaz Publications. [In Persian]

The Cultural Muslim and a Critique of Its Philosophical Foundations¹

Maryam Soltani Kouhanestani 

Associate Professor, Department of Philosophy, Faculty of Literature and Humanities,
University of Mohaghegh Ardebili, Ardabil, Iran.
m.soltani@uma.ac.ir



Abstract

The aim of this study is to explain the epistemological and philosophical foundations of a religious-cultural phenomenon known as the "Cultural Muslim" and to extend it to practical domains within the cultural context of contemporary Muslim societies. The central question of this research is: What kind of thought has produced the Cultural Muslim, what is its origin, and what consequences does it hold for Islamic societies? The research method is descriptive, analytical, and critical. The findings indicate that the Cultural Muslim occupies a position between traditional and modern identities and has two epistemological and historical origins. In the first origin, due to characteristics such as religious diversity, multiple interpretations of a single religion, fluidity and dynamism of religion, and a softened Sharia, the Cultural Muslim shares many commonalities with intra-religious pluralism based on postmodernist

1. Soltani Kouhanestani, M. (2025). The cultural Muslim and a critique of its philosophical foundations. *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 121-151.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.69804.2102>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/08/31 • **Revised:** 2025/03/13 • **Accepted:** 2025/08/02 • **Published online:** 2025/08/07

© The Authors



epistemology. The key difference is that the Cultural Muslim's interpretation of Islam emphasizes the cultural contexts of a society or group, whereas religious pluralism emphasizes personal religious experience and individual rationality. Nonetheless, both ultimately lead to relativism and nihilism. In the second origin, the Cultural Muslim is seen as a deviant form of true Islam that Muslims and Islamic societies have historically encountered—not only in the present era. The conclusion is that although the Cultural Muslim has been present throughout Islamic history, it has penetrated and expanded more deeply within the fabric of contemporary Islamic societies due to the rise of postmodernism and pluralism, resulting in increased social disintegration. Understanding this issue can provide an opportunity for theorists and social-cultural scholars in Muslim societies to develop strategies for preventing the social challenges caused by this phenomenon.

Keywords

Cultural Muslim, Postmodernism, Pluralism, Islam.

مسلمان فرهنگی و نقدی بر مبانی فلسفی آن^۱

مریم سلطانی کوهانستانی 

دانشیار، گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

m.soltani@uma.ac.ir



چکیده

هدف از این پژوهش تبیین مبانی معرفتی و فلسفی پدیده‌ای دینی - فرهنگی به نام «مسلمان فرهنگی» و گسترش آن به حوزه‌های کاربردی در عرصه فرهنگ جوامع مسلمان معاصر است. مسئله اصلی پژوهش این است که مسلمان فرهنگی محصول کدام تفکر بوده، خاستگاه آن کجاست و چه پیامدهایی برای جوامع اسلامی خواهد داشت؟ روش پژوهش توصیفی، تحلیلی و انتقادی است. یافته‌ها حاکی از آن است که مسلمان فرهنگی در میانه هویت‌های سنتی و مدرن قرار دارد و دارای دو خاستگاه معرفتی و تاریخی است. در خاستگاه نخست، مسلمان فرهنگی به دلیل ویژگی‌های آن مخصوصاً تنوع دینی، تفاسیر متعدد از یک دین واحد، سیالیت و پویایی دین و شریعت تلطیفی، اشتراکات زیادی با پلورالیسم درون دینی با پشتوانه معرفتی پست مدرنیستی دارد. با این تفاوت که در تفسیر اسلام نزد مسلمان فرهنگی، تأکید بر زمینه‌های فرهنگی یک جامعه یا گروه؛ و در پلورالیسم دینی تأکید بر تجربه دینی و عقلانیت افراد است اما هر دو منتج به نسبی‌انگاری و پوچ‌انگاری هستند. در خاستگاه دوم، مسلمان فرهنگی، شکل انحرافی اسلام راستین است که مسلمانان و جوامع اسلامی، همواره در طول تاریخ اسلام و نه لزوماً در عصر حاضر، در آن گرفتار بوده‌اند. نتیجه آنکه به‌رغم اینکه مسلمان فرهنگی مبتلابه تاریخ اسلام بوده است اما با ظهور

۱. سلطانی کوهانستانی، مریم. (۱۴۰۴). مسلمان فرهنگی و نقدی بر مبانی فلسفی آن. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴۸)، صص ۱۲۱-۱۵۱.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.69804.2102>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ ■ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



پست مدرنیسم و پلورالیسم با قوت و شدت بیشتری در تار و پود فرهنگ جوامع اسلامی معاصر رسوخ کرده، توسعه یافته و در نتیجه مشکلات ناشی از آن، بالأخص عدم انسجام اجتماعی نیز مضاعف شده است. فهم این مطلب می تواند امکانی را برای نظریه پردازان و فعالان حوزه مطالعات اجتماعی - فرهنگی در جوامع مسلمان جهت ارائه راهکارهایی به منظور پیشگیری از مشکلات اجتماعی این پدیده، فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها

مسلمان فرهنگی، پست مدرنیسم، پلورالیسم، اسلام.

۱. مقدمه

با ظهور مکاتبی همچون پوزیتیویسم و پراگماتیسم که در برابر هر نوع عقل‌گرایی رخ نمودند، بعد از جریان پست‌مدرن و با جریان جهانی‌شدن و خلق و توسعه فضای مجازی، هم‌روند شکل‌گیری و هم‌فرآیند بسط برخی مفاهیم در زندگی انسان بسیار سریع رخ داد و چهره‌ای بسیار ملموس از خود به‌جای گذاشت. در این فرآیند، دین و عناصر مرتبط با آن نیز همانند بسیاری از مفاهیم اساسی در تفکر بشری دچار تحولاتی عظیم شد و متناسب با این جریان‌ها و ایسم‌های فلسفی در غرب، در سه دین الهی یهودیت، مسیحیت و اسلام، مفهومی ظهور کرد که به ترتیب عبارت‌اند از یهودی‌فرهنگی، مسیحی‌فرهنگی و مسلمان‌فرهنگی، مفاهیمی که هر یک از آن‌ها می‌تواند در بطن دین خاص خود به شکل مبسوط مورد بحث قرار گیرد. این پژوهش به بررسی مسلمان‌فرهنگی خواهد پرداخت.

«مسلمان‌فرهنگی» اصطلاح مورد استفاده پژوهشگران معاصر غربی در حوزه اسلام و مسلمانان، در معنای فرهنگ‌گرایی غیردینی مسلمانان، برای افرادی است که داعیه اسلام داشته اما الزاماً پیرو احکام و قواعد اسلام نیستند و افکار، عقاید و رفتار آن‌ها عمدتاً تحت تأثیر فرهنگ زمان خویش و نه دین اسلام است. مسلمانان فرهنگی را می‌توان در سرتاسر جهان یافت، به‌ویژه در بالکان، آسیای مرکزی، اروپا، مغرب، خاورمیانه، روسیه، ترکیه، سنگاپور، مالزی، اندونزی، ایالات متحده و... تعریف دقیق مسلمان فرهنگی، تعیین خاستگاه و نظریه‌پردازان آن دشوار است. تنوع دینی، پذیرش تفاسیر متعدد از یک دین واحد، پویایی دین، شخصی بودن دین، نوستالژی مذهبی، گزینش بخش‌هایی از قرآن کریم، ایمان بدون عمل صالح، همسویی با جنبش‌های سیاسی سکولار، پذیرش فضایل فرهنگی و حذف فضایل دینی، از ویژگی‌های مسلمان فرهنگی دانسته شده است.

تولد و توسعه «مسلمان‌فرهنگی» در بین جوامع و فرهنگ‌های مختلف اسلامی با چالش‌هایی همراه بوده است؛ از جمله اختلاف در درک اسلام و نگرش‌های

بعضاً متناقض از آن. نتیجه مشکلات مذکور، ایجاد تنش‌های فرهنگی و دینی و بحران هویت در بین مسلمانان فرهنگی و مسلمانان راستین در جوامع اسلامی است (Karim, 2010, pp. 114-130). بنابراین، عدم شناخت صحیح «مسلمان فرهنگی» شکاف‌های عمیق‌تری بین این دو گروه ایجاد خواهد کرد که به نوبه خود می‌تواند تأثیری منفی بر انسجام اجتماعی جوامع اسلامی بگذارد. در حوزه مسلمان فرهنگی، پژوهش‌های متعددی با محوریت عناصر فرهنگی و اجتماعی دخیل در به وجود آمدن مسلمان فرهنگی انجام شده است و برخی محققان این عناصر و عوامل را که عبارت هستند از باورهای تاریخی، فرهنگ محلی، سیاست دولت‌ها، جریان‌های فراملی و جهانی‌شدن و مدرنیزاسیون، به تفصیل (Yilmaz, 2014) و بعضی نیز فقط یک یا چند مورد از آن‌ها را بررسی کرده‌اند که در پیشینه پژوهش بدان پرداخته شده است. بر این اساس، این مقاله از پرداختن به این عوامل صرف نظر کرده و به این موضوع می‌پردازد که مسلمان فرهنگی به شکلی بسیار نامحسوس ارزش‌هایی را بر اسلام تحمیل و با آن ادغام می‌کند که در دین اسلام فاقد موضوعیت هستند. این تأثیر نامحسوس بیش از هر چیز به دلیل ترکیب دو اصطلاح «مسلمان» و «فرهنگی» است که حقیقت مسلمان فرهنگی، درک ماهیت آن و تبعات ناشی از آن را در جوامع مسلمین، در خفا قرار داده و کاشف از آن نیست. واکاوی پشتوانه معرفتی و فلسفی مسلمان فرهنگی، این حقیقت را آشکار می‌سازد. لذا شناختن «مسلمان فرهنگی» برای درک صحیح حقیقت این پدیده و تفاوت‌های دینی میان مسلمانان ضروری است؛ زیرا هر دینی و از جمله دین اسلام هم از زمینه اجتماعی و فرهنگی خود تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، «مسلمان فرهنگی»، منجر به وضعیتی نامطلوب مخصوصاً در حوزه انسجام اجتماعی جوامع اسلامی شده است. بررسی خاستگاه این پدیده و شناخت مبانی فلسفی و معرفتی آن، می‌تواند امکانی را برای نظریه‌پردازان و فعالان حوزه مطالعات اجتماعی- فرهنگی در جوامع مسلمان، جهت ارائه راهکارهایی در جهت پیشگیری از مشکلات اجتماعی این پدیده، فراهم سازد. پژوهش حاضر که با راهبرد کیفی به شیوه توصیفی، تحلیلی و انتقادی صورت گرفته است به بررسی این مسئله می‌پردازد که پدیده مسلمان

فرهنگی محصول کدام تفکر است و آیا اساساً دیدگاهی معرفت‌شناختی و منحصر در مکاتب فلسفی غرب است؟

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش حاضر، پژوهشی با عنوان این مقاله در کتاب‌ها و مجلات فارسی یافت نشد اما در کتاب‌ها و مجلات خارجی پژوهش‌هایی با عنوان این پژوهش مرتبط هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- Karim. Jamillah. (2010) در کتاب *Rethinking Islamic Studies: From Orientalism To Cosmopolitanism*، نشان می‌دهد که زنان مسلمان آفریقایی-آمریکایی چگونه با ایده‌ها و تصورات مختلف درباره اسلام، به‌ویژه در برابر جریان‌های فراملی و جهانی، مواجه می‌شوند. به اعتقاد او، این زنان اغلب با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند که آن‌ها را مجبور می‌کند تا تعریفی از اسلام ارائه دهند که هم با هویت دینی و هم با هویت نژادی آن‌ها سازگار باشد و این همان اسلام فرهنگی است.
- Ruthven. Malise. (2012) در مجموعه *Islam: A Very Short Introduction* به نقش اسلام در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، مانند انقلاب اسلامی ایران، احیای اسلام‌گرایی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر سیاست کشورهای مختلف، تعامل مسلمانان با فرهنگ‌های غیرمسلمان و مسلمان فرهنگی پرداخته است. نویسنده سعی دارد نشان دهد اسلام یک نیروی پویا و تأثیرگذار در سیاست و اجتماع جهانی است که برای بسیاری از مسلمانان، بیش از آنکه مجموعه‌ای از احکام و فرائض دینی باشد؛ یک فرهنگ و هویت اجتماعی است.

- Hussain. Jamila. Possami. Adam. (2013) در کتاب *Applying Sharia in the West: Facts. Fears and the Future of Islam Rules on Family Relations in the West* با بحث از رویکرد و واکنش استرالیا نسبت به اجرای شریعت اسلامی به موضوع مسلمان فرهنگی در غرب پرداخته‌اند.

- Yilmaz Selman (2014) در مقاله 'Cultural Muslims: Background Forces and

Factors Influencing Everyday Religiosity of Muslim People' به تحلیل فرهنگ مردمی در تغییر دین اسلام از شکل راستین آن پرداخته است. نویسنده در این مقاله فرآیند ایجاد و انتقال معانی و ارزش‌های اسلامی را در فرهنگ مردم مورد بررسی قرار داده و در صدد آن بوده است تا نشان دهد دین و از جمله دین اسلام از زمینه اجتماعی و فرهنگی خود مستقل نیست.

– Pia Karlsson Minganti در کتاب: *Negotiating Identity in Scandinavia: Women, Migration, and the Diaspora* (۲۰۱۴)، با بحث از «فضای سوم» به مسلمان فرهنگی پرداخته است. فضای سوم به عنوان فضایی تعریف شده است که در آن زنان مسلمان فعال در جامعه سکولار سوئد قادر هستند هویت‌های مختلف و گاه متضاد خود را در کنار هم داشته باشند و از طریق فعالیت‌های اجتماعی و مدنی، هویت خود را بازتعریف کنند.

– Beaman, Jean. (2017) در کتاب *Citizen Outsider: Children of North African Immigrants in France* به چالش‌هایی که فرزندان مهاجران کشورهای شمال آفریقا با هویت اسلامی خود در یک جامعه لائیک مانند فرانسه مواجه هستند، پرداخته و از آن‌ها به عنوان مسلمان فرهنگی نام می‌برد.

– Saleena, Saleem در کتاب *Pathways to Contemporary Islam: New Trends in Critical Engagement* (۲۰۲۰)، در خلال بحث از نقش اسلام‌گرایان در فرآیند انتقال دموکراتیک تونس پس از بهار عربی به مسلمان فرهنگی پرداخته است.

– Blakholm, Joseph. (2022) در کتاب *The Secular Paradox: On the Religiosity of the Not Religious* با بحث از مسیحیت فرهنگی و مسلمان فرهنگی به بررسی این مطلب می‌پردازد که با وجود سکولار بودن جامعه آمریکا، هنوز هم دین، خود را در رویدادهای رایج زندگی مردم نشان می‌دهد؛ زیرا آن‌ها همچنان به دنبال معانی عمیق در زندگی خود اما به روش‌هایی متفاوت از رویکردهای مذهبی هستند. به اعتقاد نویسنده، این جستجوی معنا اغلب در پارادوکسی از دینداری بدون دین یا جستجوی معنویتهی خارج از ساختارهای مذهب سنتی انجام می‌شود.

- Seise, Claudia. (2022) در کتاب *New Method in the Study of Islam* نیز تحلیل اسلام و مسلمان فرهنگی با بررسی چگونگی تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی محلی بر درک و عمل به اسلام در مناطق مختلف جهان و روش‌های مطالعاتی آنهاست اما در هیچ‌یک از آثار مذکور به مبانی یا پشتوانه معرفتی مسلمان فرهنگی پرداخته نشده است.

۳. مسلمان فرهنگی، مقولات و ممیزات آن

«مسلمان فرهنگی»، اصطلاح مورد استفاده پژوهشگران معاصر غربی در حوزه اسلام و مسلمانان، در معنای فرهنگ‌گرایی غیردینی مسلمانان، برای افرادی است که داعیه اسلام داشته اما الزاماً پیرو احکام و قواعد اسلام نیستند. هر چند مسلمانان فرهنگی در اصول بنیادی اسلام با مسلمانان راستین توافق دارند، اما در سطوح تعهد دینی و پذیرش تفسیرهای مختلف از ایمان خود تفاوت‌های قابل توجهی بین آنها با مسلمانان راستین دیده می‌شود. افکار، عقاید و رفتار مسلمانان فرهنگی عمدتاً نه تحت تأثیر دین اسلام بلکه متأثر از فرهنگ زمان خویش است. این در حالی است که به گفته اسلام‌شناسان معاصر، اولاً دین، اختصاص به دین اسلام دارد و ثانیاً دین مجموعه عقاید، اخلاق، نظام ارزشی، احکام و نظام رفتاری بر مبنای الهیات توحیدی است به این معنا که عناصر اصلی دین اسلام تفکر توحیدی در عرصه نظر و عمل و تربیت انسان موحد است. قلمرو دین نیز تمامی عرصه‌ها اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ثالثاً از مهم‌ترین اهداف دین، تشکیل حکومتی بر مبنای توحید با همه لوازم آن به یاری افراد جامعه مسلمین در مقام قوام‌بخشی به حرکت توحیدی اسلام در جهت وصول به اهداف عالیه اسلام است (نک: خانجانی، ۱۴۰۰). در ادامه برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسلمان فرهنگی آمده است.

۳-۱. اتخاذ رفتارهای فرهنگ سکولار: مسلمانان فرهنگی در کنار انجام برخی از اعمال دینی، با اتخاذ رفتارهای فرهنگ سکولار در تضاد با اسلام ناب و تبدیل این رفتارهای فرهنگی به امری بهنجار و عادی در جامعه، در تقابل با اسلام ناب قرار می‌گیرند. آنها به دلایل مختلف داعیه پیروی از دین پیامبر اکرم (ص) را دارند و خواهان معرفی خود به

جامعه در مقام یک مسلمان هستند، اما سبک زندگی آن‌ها با آنچه ادعا می‌کنند، مطابقت ندارد (Yilmaz, 2014, pp. 3-4). البته مسلمانان فرهنگی از نظر هنجارها، ارزش‌ها، عقاید سیاسی و دیدگاه‌های مذهبی متفاوت هستند. برخی از اعضای این جمعیت، افراد سکولار یا بی‌دین هستند که به دلیل پیشینه خانوادگی، تجربیات شخصی، میراث قومی و ملی، یا محیط اجتماعی و فرهنگی که در آن بزرگ شده‌اند، هنوز با اسلام همذات‌پنداری می‌کنند؛ لذا هویت «مسلمانانه» این افراد با میراث فرهنگی یا قومی یا ملی مرتبط است و نه صرفاً ایمان مذهبی (Beaman, 2017, pp. 43-65). ملیس روئون، در این باره می‌گوید: «مسلمانان بوسنی، نوادگان اسلاوهای که تحت حکومت عثمانی به اسلام گرویدند، همیشه به دلیل شرکت در نماز و سایر اعمال اجتماعی مرتبط با مسلمانان معتقد در سایر نقاط جهان، مورد توجه نیستند، بلکه آن‌ها رسماً از نظر ملیت به عنوان مسلمان تعیین شدند تا از صرب‌های ارتدوکس و کروات‌های کاتولیک تحت رژیم کمونیستی یوگسلاوی سابق متمایز شوند. برچسب مسلمان نشان‌دهنده قومیت و وفاداری گروهی آن‌ها و نه لزوماً اعتقادات مذهبی آن‌هاست» (Ruthven, 2012, p. 8).

۳-۲. تنوع دینی: مسلمانان فرهنگی تفاسیر متعدد و شخصی از دین اسلام دارند. تلاش این افراد برای بازخوانی و تطبیق آموزه‌های اسلامی با فرهنگ‌ها و ارزش‌های جهان معاصر است. دین این افراد نه در چارچوب اسلام ناب بلکه در زندگی روزمره، فرهنگ عمومی و هنجارهای اجتماعی آن‌ها متجلی می‌شود و می‌تواند کاملاً متفاوت از دیگری باشد. لذا اسلام مورد پذیرش مسلمان فرهنگی، اسلام عامیانه، مدرن، لیبرال (Seise, 2022, pp. 278-305) و دین آن‌ها، دین زیسته، دین غیررسمی، دین ضمنی، دین نامرئی و دین مدنی هم نامیده شده است (Lippy, 1994, pp. 1-5) که این تنوع دینی نمایانگر شریعت تلطیفی، انسان‌محوری، عقلانیت خود بنیاد و سیالیت حقیقت در نزد مسلمان فرهنگی است.

۳-۳. نوستالژی مذهبی: به این معنا که گروهی از مسلمانان فرهنگی وابستگی عاطفی و نه دینی، اعتقادی یا حتی عملکردی به برخی از اعمال و سنت‌های مذهبی دارند. این نوستالژی ممکن است به برگزاری مراسمی خاص یا انجام عملی خاص مرتبط باشد.

مسلمان فرهنگی ممکن است این اعمال را انجام بدهد یا ندهد و با وجود آن‌ها نیز مخالفتی نداشته باشد اما نه به دلیل اینکه آن‌ها اعمال دینی هستند، بلکه صرفاً به این دلیل که شخص خاطرات خوبی از این اعمال دارد و به او حس خوبی دست می‌دهد.

۳-۴. **گزینش بخش‌هایی از قرآن کریم و سنت:** به‌طور کلی، بسیاری از مسلمانان فرهنگی برای قرآن و سنت احترامی خاص قائل هستند و معتقدند که قرآن «کلام خداوند» است. از این رو نقل قول آن‌ها از قرآن کریم و احادیث، یا نوشتن آیات و احادیث روی دیوارهای خانه و اتومبیل‌های آن‌ها امری غیرعادی نیست. با این حال، اعتقاد آن‌ها معمولاً محدود به برخی از آیات و روایات، جهت بهره‌برداری از عناصر اسلامی برای مقاصد دنیوی و مشروعیت بخشیدن به اهداف خویش است. این افراد آیات و روایاتی را انتخاب می‌کنند که عقاید و اعمال آن‌ها را تأیید، دشمنانشان را محکوم و یا احساس خوبی در آن‌ها ایجاد کند. عده‌ای از این افراد نیز آیات و روایات را کاملاً خارج از چارچوب خاص خود به کار می‌برند تا از ایده‌های از پیش تعیین شده خود حمایت کنند. آن‌ها بخش‌هایی از آیات و روایات را حذف و بخش‌هایی را با اضافات تفسیر به رأی خویش تغییر می‌دهند (Hussain&Possamai, 2013, pp. 65-78; Khan, 2020, pp. 35-67). این شکلی از شریعت تلطیفی است که بر مبنای آن، احکام قرآن با توجه به تجربه زیسته یا احساس نیاز افراد و نسبت به افراد در حال تغییر تفسیر و در خدمت ترجیحات انسانی و اهداف اوست.

۳-۵. **داشتن ایمان بدون عمل:** به این معنا که بسیاری از مسلمانان فرهنگی در مورد «خداوند» و رابطه خود با خداوند صحبت می‌کنند با این حال، به‌ندرت اعمال دینی را به‌جا می‌آورند و به‌صرف دوستی با خداوند بدون انجام اعمال دینی، به همان دوستی بسنده می‌کنند.

۳-۶. **گزینش فضایل فرهنگی و حذف فضایل دینی:** محبت، مهربانی، ایثار و انفاق همگی فضایل اخلاقی هستند که با ایمان به خداوند سبحان معنا یافته و از ارزش وجودی برخوردار می‌شوند؛ اما هدف از انجام چنین اعمالی در بین مسلمانان فرهنگی، نه تقرب به خداوند بلکه منافع شخصی است. هنگامی که بین فضایل دینی و فضایل

فرهنگی تعارضی به وجود آید، تمایل مسلمانان فرهنگی به انتخاب فضایل فرهنگی است تا دینی (Hussain&Possamai, 2013, pp. 65-78; Khan, 2020, pp. 35-67).

۳-۷. همسویی با جنبش‌های سیاسی سکولار: اینکه مسلمانان بتوانند در امور سیاسی با دیگران نقاط مشترک و مورد توافق پیدا کنند، پدیده میمونی است و اساساً از نظر اسلام همه موظف به مشارکت در روند سیاسی جامعه خود هستند. با این حال، مطابق تحقیقات محققان، بسیاری از مسلمانان فرهنگی از یافتن نقاط توافق فراتر رفته، سیاست‌های الحادی را با دین اسلام مخلوط کرده و حتی به‌طور کامل از برنامه‌های سیاسی احزاب و سیاستمداران خاصی استقبال می‌کنند که مورد پذیرش دین اسلام نیست. مهم‌تر اینکه این راه‌حل‌های سیاسی غیردینی خاص را در مقام مسائل اعتقادی تلقی و افرادی را که راه‌حل‌های جایگزین دینی را پیشنهاد یا ترویج می‌کنند، دشمن می‌دانند و بر این باورند که ایده‌های آن‌ها انتخاب واضح اسلام است (Yilmaz, 2014, pp. 3-5). آن‌ها عالمانه و یا جاهلانه نظرات فیلسوفان سیاسی، بنیان‌گذاران، صاحب‌نظران و جنگجویان فرهنگی را در مقام وحی الهی قرار داده و سیاست اومانیستی ملحدانه به دین آن‌ها تبدیل شده است و از این واقعیت که خداوند سبحان واضع احکام الهی است، چشم فرو بسته‌اند.

۴. خاستگاه فلسفی مسلمان فرهنگی و مبانی آن

برخی محققان، مسلمان فرهنگی را محصول جهان معاصر و جریانات خاص آن از جمله جهانی شدن و خلق و توسعه فضای مجازی دانسته‌اند (Lippy, 1994, pp. 1-25; Seise, 2022, pp. 278-305). اما تعریف مسلمان فرهنگی و تعیین خاستگاه آن دشوار است؛ لذا برای رسیدن به تعریفی نزدیک‌تر به تعریف حقیقی مسلمان فرهنگی و یافتن خاستگاه آن، لازم است ریشه‌های معرفتی و فلسفی این پدیده و چگونگی گسترش آن به حوزه‌های کاربردی در عرصه فرهنگ جوامع مسلمان معاصر مورد بررسی قرار گیرد. خاستگاه مسلمان فرهنگی را در مقام پدیده‌ای معرفتی و مختص به جهان معاصر، بیش از همه باید در تفکر پست‌مدرنی و پلورالیسم جستجو کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. مسلمان فرهنگی و پست مدرنیسم

در نزد مسلمان فرهنگی، مسلمان و دین اسلام به حدی انعطاف پذیر می شود که اتحاد یک جامعه آن را انتخاب و به سلیقه شخصی خود شکل می دهند. از منظر مسلمان فرهنگی، اسلام می تواند به معنای هر آن چیزی باشد که انسان خواستار آن است، به گونه ای که هر کس با هر اعتقاد و عملی می تواند خود را مسلمان معرفی کند؛ بنابراین، اسلام در مقام دین حقیقی منحصر به فردی نیست که طبق تعریف آن، مسلمان تعریف شود. دین یک مسلمان برای او به صورت فردی و متناسب با تجربه شخصی او صادق است و لزومی ندارد که برای فرد مسلمان دیگری نیز چنین باشد. مسلمانان فرهنگی برای اظهار موجودیت خود هم به عقاید مذهبی و هم به عواطف و واقعیات فرهنگی تمسک می جویند و از یک موضع گیری یکسان و عمده در برابر اسلام بهره مند نیستند (Khan, 2020, pp. 35-67). با توجه به این ویژگی های مسلمان فرهنگی، مشخصه اساسی و اصلی مسلمان فرهنگی انسان محوری، عقلانیت خود بنیاد و سیالیت حقیقت است؛ لذا خاستگاه آن را در مقام پدیده ای مختص به جهان معاصر، بیش از همه و در وهله نخست باید در تفکر پست مدرنی جستجو کرد. پست مدرنیسم با تکیه بر علم و عقل پست مدرنی بشر به عنوان راهنمای نهایی معرفت و حذف دین، انسان را به حذف رابطه اش با خداوند سوق می دهد. این جریان با طرد حقیقت مطلق یا واحد و پذیرش حقیقت تنها پس از اثبات تجربه و اعتقاد به توانایی مطلق عقل ابزاری انسانی در اداره جهان (رهنمایی، ۱۳۸۴، صص ۱۹۹-۱۹۶)، علی رغم تلاش برای رهایی فلسفه از بحث های متافیزیکی و انتزاعی، ادامه دهنده همان سنت های اومانیسم، لیبرالیسم، راسیونالیسم و آمپریسم است. شالوده جریان پست مدرن را حقایق سیال، کثرت گرایانه، نسبی و اخلاق مبتنی بر سود تشکیل می دهد. اومانیسم، تفسیر آزادانه از دین، نسبییت ارزش ها، رد حقایق ثابت و نقد هر گونه فراروایت همگی از عناصر جریان پست مدرن هستند (نوذری، بی تا، صص ۲۰۲-۱۸۹) که حضور آن ها در مسلمان فرهنگی هم دیده می شود. مسلمان فرهنگی قرآن و سنت را رها کرده است و تفکر پست مدرنی را جایگزین آن می کند. او با پذیرش نوعی نسبییت و گریز از اصول دینی ثابت، در فرآیند باز تعریف هویت دینی

خود، به‌طور ناخودآگاه از برخی مفاهیم پست‌مدرنیستی مانند نسبیت حقیقت و نقد هرگونه فراروایت تبعیت می‌کند. مسلمان فرهنگی به‌جای پذیرش یک تفسیر واحد و ثابت از اسلام، بیشتر به تجربیات و تفاسیر فردی از اسلام توجه دارد. او بر تجربه فردی از دین تأکید دارد، از نگاه الهی به دین فاصله گرفته و کمتر به یک تفسیر مطلق و ثابت از اسلام پایبند است. این امر به مسلمان فرهنگی امکان می‌دهد تا در جهان معاصر، جایی که حقایق و ارزش‌ها به‌طور نسبی و موقت پذیرفته می‌شوند، مطابق با خواست انسانی خود زندگی کند و نه بر مبنای احکام الهی. مسلمان فرهنگی، به اسلام به‌عنوان یک سنت فرهنگی و تاریخی نگاه می‌کند، نه به‌عنوان مجموعه‌ای از احکام دینی که برای همه و در هر شرایطی لازم‌الاجرا باشد. مسلمان فرهنگی به‌راحتی ارزش‌های دینی و فرهنگی خود را با دیدگاه‌ها و هنجارهای جهانی و معاصر تطبیق می‌دهد و در این فرآیند، مرزهای فرهنگی و دینی را به چالش می‌کشد.

۴-۲. مسلمان فرهنگی و پلورالیسم

مسلمان فرهنگی در بسیاری از جنبه‌ها با پلورالیسم دینی که از پشتوانه معرفتی پست‌مدرنی برخوردار است، اشتراک دارد؛ زیرا برخی مؤلفه‌های مسلمان فرهنگی مانند تنوع دینی، پذیرش تفاسیر متعدد از یک دین واحد، سیالیت و پویایی دین، دیالوگی و شخصی بودن دین، در پلورالیسم دینی نیز دیده می‌شود. از این منظر، مسلمان فرهنگی، همخوانی‌های بسیاری با پلورالیسم دینی، البته در شکل درون دینی آن دارد که بر مبنای آن، مطابق با دیدگاه نظریه‌پردازان پلورالیسم، از یک دین واحد، تفاسیر متعددی توسط اذهان بشری وجود دارد؛ تفاسیری که حاصل تاریخ‌های مختلف فرهنگی، تأثیرپذیرفته و تأثیرگذار بر آن‌ها بوده و بر مبنای آن هر کدام از آن‌ها واجد حقیقت و سعادت هستند (هیک، ۱۳۷۲، صص ۲۴۵-۲۴۳).

پشتوانه فلسفی پلورالیسم دینی که در غرب نخستین بار توسط جان هیک (۲۰۱۲-۱۹۲۲) مطرح و در ایران نیز توسط محمد مجتهد شبستری، عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان دنبال شد، همان‌طور که خود جان هیک نیز به آن اذعان دارد، بیش از

همه به ایمانوئل کانت، فیلسوف ایدئالیست قرن نوزدهم میلادی برمی گردد که با تمایز بین نومن و فنومن یا ذات و پدیدار، پلورالیسم معرفتی را بنیاد نهاد (هیک، ۱۳۷۲، ص ۲۴۵). بعد از کانت، پوزیتیویست‌ها و فلاسفه تحلیلی با بی معنا دانستن زبان دین؛ و پراگماتیست‌ها با معیار سودمندی حقیقت و بی فایده دانستن برخی حقایق دینی؛ و دیدگاه‌های هرمنوتیکی؛ و البته بیش از همه جریان پست مدرن، با رد هر گونه معیار مبنایی و بنیادی در حوزه معرفتی و جایگزینی معیار سیالیت و پویایی و تکثر برای مفاهیم (مددپور، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۲۷؛ بایرز، ۱۳۸۵، صص ۳۵۵-۳۳۵)، به پلورالیسم دینی در هر دو شکل درون دینی و برون دینی آن کمک شایان توجهی کردند. حاصل همه این تفکرات فلسفی نسبت گرایی معرفتی است که امکان استنتاج پلورالیسم دینی از آن را فراهم می سازد^۱. البته به اعتقاد قائلین به پلورالیسم دینی، پذیرش پلورالیسم لزوماً قبول نسبیت معرفتی نیست؛ زیرا اساساً می توان با استفاده از اصل تسامح و نه پذیرش پلورالیسم، ادیان مختلف را در کنار یکدیگر نگه داشت اما مسئله پلورالیسم دینی این نیست بلکه آن است که انسان دین دار خواستار رسیدن از امور نسبی به نوعی واقعیت نهایی مطلق است و می داند که حقیقت در چنگ او همه حقیقت نیست (شبستری، ۱۳۷۴، صص ۱۱-۱۲). این افراد برای نجات پلورالیسم دینی از مشکل «نسبیت»، آن را به «تجربه دینی» تقلیل داده (هیک، ۱۳۷۲، ص ۲۳۸) و معتقدند، جوهر دینداری همان تجربه دینی آدمی از آن واقعیت نهایی مطلق است که بر مبنای محدودیت‌های جسمانی، تاریخی، زبانی و اجتماعی انسان برای او پدیدار می شود و این به معنای نفی مطلق و پذیرش امر نسبی نیست بلکه به معنای تجلی و ظهور واقعیت نهایی مطلق در محدودیت‌های من انسانی و تسخیر من انسانی در خودش است (شبستری، ۱۳۷۴، ص ۴؛ الیاده، ۱۳۷۹، صص ۳۰۸-۳۰۱). به زعم قائلین به پلورالیسم دینی، در حقیقت دینی سه مشخصه وجود دارد که عبارت‌اند از: سیالیت و پویایی، در معنای مواجهه هر فرد با واقعیت مطلق همراه با محدودیت‌های

۱. البته پلورالیسم صرف نظر از پشتوانه فلسفی و معرفتی دارای پشتوانه‌های تاریخی و فرهنگی نیز است و تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی نیز در آن نقش بسزایی داشته‌اند. پلورالیسم دینی در اروپا و به دنبال نهضت اصلاح دینی و نزاع بین پیروان لوتر و کالون و کاتولیک‌ها به وجود آمد.

خاص خویش؛ دیالوگی و شخصی بودن، به معنای مورد خطاب واقع شدن هر شخص توسط واقعیت مطلق و پنهان و فرّار بودن به این معنا که حقیقت مطلق همواره در دسترس نیست؛ زیرا من انسان محصور در محدودیت‌هایی هستم که توان حفظ دائمی تماس خود با آن حقیقت مطلق را نخواهم داشت (شبستری، ۱۳۷۴، صص ۱۵-۱۲). بر اساس چنین نگرشی، معتقدان به پلورالیسم دینی بر این باورند که پذیرش پلورالیسم در دین به معنای نسبیّت نیست زیرا آنچه همواره موردنظر فرد است همان امر مطلق است؛ لذا وحی هم چیزی جز یک تجربه دینی برای یک بشر در مقام نبی و رسول در مرتبه عالی آن نیست؛ زیرا مطابق با ویژگی پنهان بودن حقیقت دینی، نمی‌توان ادعا کرد که با وحی، تمام حقیقت نهایی و مطلق برای آدمی منکشف می‌شود. از سوی دیگر، برای پرهیز از مشکل دین‌داری عوام باید بر ایمان تأکید کرد تا شریعت در معنای احکام و قوانین شرعی؛ و شریعت موردقبول شریعت تلطیفی است بدین معنا که شریعتی که با تجربه دینی همراه با محدودیت‌های من‌انسانی سازگار باشد موردقبول است، در این صورت ایمان و شریعت نه در مقابل هم بلکه یکی هستند و تلطیف شریعت به معنای عرفی تلقی کردن آن نیست (شبستری، ۱۳۷۴، صص ۱۵-۱۲؛ سروش، ۱۳۷۷، ص ۱۴). به اعتقاد آن‌ها، در طول تحولی تاریخی - اجتماعی، اثبات استدلالی وجود خداوند و ارائه سلسله‌ای از قوانین عملی به مردم جهت اداره زندگی، به جای چگونگی رابطه زنده انسان‌ها و خداوند یا همان تجربه دینی آن‌ها نشسته است. این یعنی شریعتی شدن دین و یکی انگاشتن ایمان با الهیات و زمانی که این مطلب برای توده‌های مردم غیرقابل فهم باشد باید از تلطیف شریعت یا نازل کردن شریعت به تجربه دینی صحبت کرد. به دلیل اینکه اغلب توده‌های مردم فاقد تجربه دینی صحیح و نه خود تجربه؛ و از درک آن ناتوان هستند؛ لذا پیامبران، رهبرانی بوده‌اند که تفسیر صحیح تجربه دینی را به انسان‌ها آموخته‌اند و معنای هدایت‌گری و توحید آن‌ها همین است. به‌طور کلی به اعتقاد قائلین به پلورالیسم، حل مسئله پلورالیسم درون دینی، احیای ریشه‌های ایمانی از طریق تجدید حیات درونی دین به‌منظور امکان تکثر دینی و به این وسیله دمیدن روحی تازه در شریعت و خارج ساختن آن از تصلب و قشری‌گری و تلطیف آن است (شبستری، ۱۳۷۴،

صص ۲۵-۱۵؛ بنابراین، پلورالیسم دینی به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن تنوع دینی و شریعت تلطیفی در یک جامعه دینی است. بر مبنای چنین دیدگاهی، لازم است جوامع اسلامی امکانی را برای پذیرش و تعامل انواع مختلف فرهنگ‌ها و عقاید فراهم سازند بدون اینکه هیچ کدام از هویت‌های دینی یا فرهنگی به طور مطلق حاکمیت داشته باشند. همچنین تنوع، سیالیت و پویایی دین به عنوان یک ارزش مورد احترام قرار گیرد و همزیستی مسالمت آمیز میان گروه‌های مختلف به رسمیت شناخته شود. در تفکر پلورالیستی این انسان است که می‌تواند درباره دین سخن بگوید و تنها منبع معرفتی خود انسان است. هیچ منبع معرفتی دیگری، به ویژه خدا و وحی، حق اظهار نظر در امور دنیوی و انسانی را ندارند. پشتوانه معرفتی چنین دیدگاهی به وضوح در طول تاریخ تفکر بشری در مکاتب و جریانات فلسفی متعددی از قبیل اومانیسم، لیبرالیسم، راسیونالیسم، آمپریسم و مخصوصاً پست مدرنیسم مشاهده می‌شود. حضور عناصر مشترک مذکور در پلورالیسم دینی و مسلمان فرهنگی حاکی است مسلمان فرهنگی به لحاظ معرفتی، یک نگرش فلسفی به انسان و دین است که منشأ تحول در بینش، منش و کنش مسلمانان در جوامع مسلمان معاصر شده است. نتیجه اینکه، نزد مسلمان فرهنگی می‌توان مفهومی از دین را استخراج کرد که بر مبنای آن، اذهان بشری می‌توانند از یک دین واحد تفاسیر مختلفی دارا باشند. این تفاسیر، تحت تأثیر تاریخ‌های فرهنگی گوناگون هستند و هر کدام از آن‌ها به نوبه خود به حقیقت و سعادت می‌رسند و این همان دیدگاهی است که نظریه پردازان پلورالیسم دینی (هیک، ۱۳۷۲، صص ۲۴۵-۲۴۳) با پشتوانه معرفتی پست مدرنی به آن اشاره دارند.

۵. تحلیلی انتقادی بر مبانی فلسفی مسلمان فرهنگی

مدعیان پلورالیسم دینی با هدف کنار گذاشتن دین و روی آوردن به معنویت غیر تعبدی و عقلانی شده و نه اسلام معنوی، به ترویج جایگزینی چنین معنوبیتی به جای دین، تجربه دینی، نسبت معرفتی، اخلاق نسبی، نفی اسلام مبتنی بر فقاقت و مرجعیت مدار و حذف حجیت دینی پرداختند، عناصری که حضور آن‌ها در مسلمان فرهنگی نیز مشهود است.

با این تفاوت که در تفسیر اسلام نزد مسلمان فرهنگی، تأکید بر زمینه‌های فرهنگی یک جامعه یا گروه؛ و در پلورالیسم دینی تأکید بر تجربه دینی و عقلانیت افراد است اما هر دو منتج به نسبی‌انگاری و پوچ‌انگاری هستند. این مطلب مبتنی بر مقدمات ذیل است:

۱. کارآمد بودن شریعت در حد قبول آن در عرف فرهنگ یک جامعه و تلطیف شریعت متناسب با همان فرهنگ، از اشتراکات مسلمان فرهنگی با پست‌مدرنیسم و پلورالیسم است.

۲. نه رویکرد پست‌مدرنی به شریعت و نه تلطیف آن، هیچ‌کدام خالی از اشکال نیستند. در راه‌حل پست‌مدرنی برخلاف ادعای قائلین به آن، ما با نوعی نسبی‌انگاری و پوچ‌انگاری مواجه هستیم؛ زیرا به اعتقاد آن‌ها، دو روایت از پلورالیسم وجود دارد. در روایت اول، جهان دارای نوعی ابهام درون‌ذاتی است که اجازه می‌دهد هر تفسیری از آن بر مبنای هر گرایش، مکتب، ایدئولوژی، دین و مذهب جایز باشد و هیچ‌یک از این تفاسیر بر دیگری رجحان ندارد تا به عنوان فصل الخطاب و فصل الختام تفاسیر محل اعتنا باشد (سروش، ۱۳۷۷، صص ۲۸-۲۶؛ ملکیان، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹). این اعتقاد آن‌ها لاجرم به شکاکیت و پوچ‌انگاری می‌انجامد؛ زیرا معنای سخن آن‌ها این نیست که همه درست می‌گویند بلکه این است که هیچ‌کس درست نمی‌گوید (پترسون، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲). در روایت دوم، ما نه با جهانی دارای ابهام ذاتی بلکه با یک جهان و یک تفسیر از آن مواجه هستیم اما این تفسیر واحد به تمامه در اختیار یک فرد، گرایش، مکتب، ایدئولوژی، دین و یا مذهب نیست و هر بخشی از آن را در نزدیکی می‌توان یافت که حذف یک دیدگاه، محرومیت ما از آن تفسیر واحد را به همراه خواهد داشت (هیک، ۱۳۷۲، صص ۲۴۵-۲۴۳؛ ملکیان، ۱۳۸۰، صص ۱۸۴-۱۸۲).

۳. طرفداران پلورالیسم دینی معتقدند، پذیرش پلورالیسم در دین به معنای نسبییت نیست؛ زیرا آنچه همواره مورد نظر فرد است همان امر مطلق است. این سخن آن‌ها یک امر متناقض است؛ زیرا طبق ادعای خود این افراد، در پلورالیسم دینی با یک امر مطلق یعنی با یک موضوعی مواجه هستیم که هر بخش از آن در

نزدیک شخص است و این پیش فرض گرفتن امر مطلق یا موضوع یا امر مبنایی، با این اعتقاد آن‌ها که امر مطلق وجود ندارد، متناقض است (پترسون، ۱۳۸۰، ص ۴۱۳) ضمن اینکه بر مبنای نظر خود این افراد، نمی‌توان گفت، کدام تفسیر از این حقیقت مطلق صحیح است. اما اگر منظور آن‌ها از «در نظر داشتن همیشگی امر مطلق» حاکی از آن باشد که اعمال انسان‌ها می‌تواند حاکی از تقرب یا دوری به امر مطلق باشد و نه اینکه هر عملی جایز باشد، فقط در این صورت و نه در راه حل پست مدرنی، می‌توانند پلورالیسم را از دام نسبیت و پوچ‌انگاری نجات دهند.

۴. راه حل تلطیف هم راه حل صحیحی نیست، در بعد نظر دارای اشکال است؛ زیرا از یک سو، در اینجا آنچه از تجربه دینی مدنظر است، تجربه هرمنوتیکی است که بر مبنای آن هیچ تجربه‌ای اصل و صحیح‌ترین تجربه نیست و بنابراین این راه حل نیز همانند راه حل پست مدرنی منتج به شکاکیت و پوچ‌انگاری خواهد بود. از سوی دیگر، قائلین به راه حل تلطیف معتقدند، پیامبر بودن پیامبر به این دلیل است که پیامبر از تجربه دینی قوی‌تری برخوردار است. بنابراین هر چند مبانی آن‌ها غلط است اما بر اساس همان مبانی غلط، یک تجربه را (تجربه پیامبر) در طول تجربه‌ها (تجربه سایر افراد) و نه در عرض آن‌ها و متمایز از سایر تجربه‌ها دانسته‌اند که این امر با مبانی خود آن‌ها، یعنی عدم هیچ تجربه صحیح و واقعی در تناقض است.

۵. راه حل تلطیف در بعد عمل هم دارای اشکال است؛ زیرا قوانین فقهی که به شکل واضح و آشکار حکم هر عملی را در جامعه اسلامی مشخص کرده است تکرر اعمال را در یک حوزه منتفی می‌سازد. افزون بر این، نمی‌توان از این واقعیت آشکار چشم‌پوشی کرد که همواره در جامعه دینی افرادی هستند که شریعت را در هیچ شکلی از آن نمی‌پذیرند و اصل تلطیف نمی‌تواند شامل این گروه در یک جامعه دینی شود. بدیهی است که یکی از رسالت‌های قرآن کریم حذف اختلافات فکری انسان‌ها و ایجاد صلح به معنای حیاتی مسالمت‌آمیز همراه با رفع

هرگونه نزاع، نفاق، شقاق و پراکندگی در برابر طبیعتِ نزاع طلب بشری و در جهت رشد و تعالی عقلانی اوست (بقره، ۲۱۳) صلحی که از پشتوانه الهی برخوردار بوده و انسان موحد را عقلاً و تعبداً وادار به پذیرش آن می‌سازد به گونه‌ای که نتواند خلاف آن عمل کند اما چنین صلحی، به معنای تساهل و تسامح در امور انسانی، نیز بر مبنای احکام الهی است و نه احکام و اوامر انسانی؛ زیرا در اسلام مردم نسبت به خداوند صاحب حق نیستند بلکه بنده او و مکلف به اجرای قوانینی الهی هستند که تلقی، ابلاغ، اجرا و تفسیر این قوانین و معارف فقط و فقط توسط پیامبر ﷺ در مقام رهبر و امام حکومت اسلامی در بین یک امت صورت می‌گیرد؛ لذا نظام اسلامی حتی با وجود چند امام معصوم در یک‌زمان، تک رهبری است و مشورت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان، مربوط به امور انسانی است نه احکام و اوامر الهی (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۴).

۶. به اعتقاد اسلام‌شناسان معاصر، در تفکر الهی بین معارف دینی نوعی انسجام و هماهنگی حکم‌فرماست که همگی رو به‌سوی یک هدف مشخص یعنی سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها دارند و تنها بر اساس منابع متقن است که می‌توان به فهم دین نائل شد. دین بشری چیزی جز نتیجه نیاز روانی و اجتماعی انسان نیست که به دست او و توسط خود او ساخته شده است. در مقابل، دین الهی از مبدأ غیبی بهره‌مند و متکی بر وحی الهی است. در نتیجه عقاید، باورها، احکام، اخلاق و قوانین اداره جامعه مجموعه‌ای را به نام دین تشکیل می‌دهند که می‌توانند مصداقی از دین حق یا باطل باشند و درواقع، ادیانی که در آن‌ها حق و باطل درهم‌تنیده‌اند، مصداق دین باطل هستند. اما دین حق که به حکم قرآن کریم فقط یک دین است، یعنی دین اسلام، مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از جانب خداوند سبحان برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است (آملی، ۱۳۹۰، صص ۷-۶).

۷. بر اساس پلورالیسم دینی مورد پذیرش مسلمان فرهنگی، حقیقت و واقعیت محصولی تاریخی، فرهنگی و رابطه‌ای هستند. این در تضاد مستقیم با آموزه‌های

اسلامی است که تنها دین حق را دین اسلام می‌شناسد، علی‌رغم این حقیقت آشکار که اسلام مصدق تمامی ادیان پیش از خود است و مسلمانان را به رعایت حقوق ادیان دیگر در زندگی اجتماعی ملزم می‌سازد.

۸. تفکر پست‌مدرنی حاکم بر مسلمان فرهنگی با پذیرش پلورالیسم بین نیازهای فرد و جامعه تقابل ایجاد می‌کند؛ زیرا انسان‌ها برای دستیابی به منافع مادی فردی، نقش خود را به عنوان عضوی از جامعه نادیده می‌گیرند و در نتیجه با حاکمیت تفکر پست‌مدرنی ساختار جامعه بیشتر فردگرا؛ و انحطاط اخلاقی و عدم انسجام اجتماعی لازمه‌ی آن خواهد بود.

۹. دین حق، ساخته دست بشر نیست بلکه مصنوع اراده خداوند، متضمن قوانینی الهی و متکی بر حقایق تکوینی ثابت و تدوین آن تنها به دست خداوند است. دین مبین اسلام، حواس و عقل را به عنوان مواهب الهی انسان دانسته و در عین حال محدودیت‌های هر دو قوه را در دست‌یابی به حقیقت مطلق تبیین می‌کند. البته همان‌طور که اسلام‌شناسان معاصر اذعان دارند، شناخت شهودی تام که در عقل محقق می‌شود منکر شناخت حس و عقل نیست، بلکه این‌ها دارای رابطه طولی هستند. در اسلام، عقل از این شأنت برخوردار نیست که در حوزه‌های هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، نظامات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حکومت حکمی ارائه دهد بلکه عقل به مثابه چراغی برای شناخت دین است (آملی، ۱۳۹۰، صص ۶-۷) زیرا خداوند انسان را آفریده است و بر مبنای این شناخت از او و جهان، عهده‌دار راهبری او توسط دین است (آملی، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

۱۰. در اسلام، حقیقت، پیوندی لاینفک با دین دارد و حتی پایه و اساس آن است. حقیقت برگرفته از قرآن و سنت است که بر عقاید، احکام و اخلاق بنا شده است. راه صحیح بهره بردن از کتاب و سنت به یاری عقل در مقام حجت باطنی است که از درون ابزار فهم حقایق و معارف خواهد بود. برخلاف پراگماتیسم که عقیده ناشی از عمل است، در اسلام، عمل هر انسانی ناشی از

عقیده اوست حتی عمل منافق، متعلق اعتقاد منافق شرک؛ و متعلق اعتقاد مؤمن توحید است (آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

۱۱. در قرآن کریم عقاید، احکام و اخلاق درهم تنیده و احکام نیازمند پشتوانه اخلاقی هستند. تأکید اساسی قرآن کریم بر سه مسئله کلیدی مبدأ نظام هستی؛ غایت و معاد هستی؛ و سیر بین ابتدا و انتهای حرکت انسان است و تمامی معارف دین بدون واسطه یا با واسطه به همین سه بخش منتهی می شود (آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۳) که ناظر به سه اصل خداشناسی، پیامبرشناسی و معادشناسی است (آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۴).

۱۲. در اسلام، مهم ترین امر برای مسلمان بودن، اعتقاد تحقیقی به توحید است، یعنی اعتقادی بر مبنای علم و یقین و نه تقلید. توحید نظری و توحید عملی لازم و ملزوم یکدیگرند، هدف توحید نظری تعلیم صحیح و کامل نسبت به خداوند و هدف توحید عملی موحد شدن در ساحت ایمان و عمل است؛ لذا تسلیم شدن محض در برابر اوامر الهی، داشتن عبادتی خالص برای خداوند و نفی عبادت غیر او در رأس توحید عملی قرار دارد (آملی، ۱۳۹۷، ص ۵۱۱). بر این اساس است که تمامی احکام زندگی بشری از سوی خداوند صادر خواهد شد (آملی، ۱۳۹۷، صص ۵۲۰-۵۱۲).

۱۳. تاریخ سرگذشت پیامبران حاکی از آن است که حتی مشرکان هم با پیامبران بر سر وجود خداوند اختلاف نداشتند اختلاف اصلی آن ها بر سر ربوبیت خداوند و حق تشریع و قانون گذاری و اداره جامعه بوده است. پیامبران تدبیر انسان ها را در هر سه بعد اخلاقی، عقیدتی و اعمال مختص خداوند می دانستند لذا هرگز به هیچ حکمی از احکام الهی دست نمی زدند، حتی اگر مشرکان درخواست و انکار شدید می داشتند و هم چنین در سخت ترین تنگناها قرار می گرفتند. بدین ترتیب آشکار است که دین از سیاست جدا نیست و دین تنها با موعظه فردی و نصیحت و تعلیم مسائل فردی محقق نمی شود. هدف از بعثت انبیا هم رفع اختلافات بین مردم و اقامه نظام اجتماعی توحیدی در جامعه است. اگر اختلاف

بین مردم امری قطعی و طبیعی است این مسئله تنها با موعظه و بیان احکام درست نمی‌شود و مسلماً تشکیل حکومت توسط انبیا نیز امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (آملی، ۱۳۷۹، صص ۵۶-۵۰). اصل تشکیل حکومت امری ضروری و غیرقابل انکار است.

نتیجه اینکه دایره شمولیت دین در همه سطوح اعم از اجتماعی، سیاسی، احکام و قوانین است. جایگاه اکثریت مردم در مقام عمل و اجراست یعنی در کارهای اجرایی خود آن‌ها معتبر است نه در تشریع احکام و قوانین الهی (آملی، ۱۳۷۹، صص ۹۱-۹۰).

۶. خاستگاه تاریخی مسلمان فرهنگی

مبانی فلسفی و معرفتی مسلمان فرهنگی در مقام محصولی از جهان معاصر و جریان‌ات خاص آن از جمله جهانی‌شدن و خلق و توسعه فضای مجازی بیش از همه تفکر پست‌مدرنی و پلورالیسم است که بر اساس آن واژه اسلام معنای اصلی خود را از دست داد و به جای یک دین الهی بر محور توحید در نظر و عمل، نشانگر ایدئولوژی گروه‌هایی کثیر با سلايق شخصی نامتناهی شد. اما این پدیده به ظاهر معاصر را نمی‌توان صرفاً به تفکرات پست‌مدرنی و پلورالیستی تقلیل داد بلکه مسلمان فرهنگی از همان صدر اسلام وجود داشته است و اختصاص به زمان و مکتب فلسفی و معرفتی خاصی ندارد. برخی از مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام با وجود پای‌بندی به قرائت سنتی از دین اسلام، به جای اتخاذ یک زندگی مبتنی بر اسلام راستین، با وسوسه تقلید از فرهنگ‌های غیراسلامی مواجه بوده‌اند. به رغم اینکه این موضوع مبتلابه تاریخ اسلام بوده است اما با ظهور پست‌مدرنیسم و پلورالیسم با قوت و شدت بیشتری در تار و پود فرهنگ جوامع اسلامی معاصر رسوخ کرده، توسعه یافته و در نتیجه مشکلات ناشی از آن نیز مضاعف شده است.

هرچند دین اسلام در ابتدا مانند امروز نبوده است اما برخی از مسلمانان به شیوه‌هایی مشابه مسلمان فرهنگی عمل می‌کرده‌اند و سیال بودن اعمال و هویت‌های دینی در بین

مسلمانان از ابتدا وجود داشته است. این دوری گزیدن از احکام اسلام ناب در قرآن کریم دیده می‌شود خواه در مورد غذا (حرام و شراب و گوشت خوک و مردار)، رابطه جنسی، شهوت، ثروت، شهرت، سیاست، اقتصاد و... بنابراین، تاریخ اسلام حاکی از آن است که برخی مسلمانان در مقام عمل شبیه به بعضی از مسلمانان معاصر عمل می‌کرده‌اند و در زندگی روزمره خود با برخی معضلات مشابه آن‌ها مواجه بوده‌اند. عده‌ای از مسلمانان از همان صدر اسلام با این وسوسه مواجه بوده‌اند که به جای احکام اسلامی، اعمالی مغایر با آن انجام دهند. این بدین معناست که برخی عناصر مطرح در پدیده مسلمان فرهنگی قرن بیست و یکم، در عده‌ای از مسلمانان صدر اسلام که اتفاقاً به قرائت سستی از دین اسلام هم پای‌بند بوده‌اند نیز وجود داشته و از ابتدا با افراد و جوامع مسلمان عجین بوده است. البته در مقابل، به همان اندازه هم همواره مسلمانانی مؤمن به احکام الهی بوده‌اند که از همان روزهای آغازین اسلام در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را به مقاومت در برابر چنین دیدگاه‌های فرهنگی دعوت کرده‌اند (نک: شهیدی، ۱۳۹۲). مستندات تاریخی و شواهد کثیری دلالت بر آزار و اذیت و شهادت مسلمانان توسط کفار و طرد شدید دنیای سکولار عرب از جانب مسلمانان صدر اسلام دارد که همگی حاکی از تلاش ستودنی مسلمانان صدر اسلام برای رد ارزش‌ها و تعهدات اجتماعی دنیای سکولار زمان خویش است. حتی در زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکومت یکپارچه اسلامی را فراهم کردند، کل افراد جامعه آن زمان اسلام را پذیرفتند اما همه آن‌ها ایمان نیاوردند و این گواهی است بر اینکه پذیرش اسلام به عنوان دین رسمی یک حکومت یا دولت حتی در زمان حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، تفاوتی در حذف کامل مسلمانان فرهنگی از آغاز اسلام تاکنون به همراه نداشته است (نک: شهیدی، ۱۳۹۲). بنابراین، اگرچه اصل تشکیل حکومت اسلامی امری ضروری است اما جایگاه مردم در مقام عمل و اجراست (آملی، ۱۳۷۹، صص ۹۱-۹۰). بدین معنا که تلاش برای اصلاح دین فقط از طریق سیاست و حکومت هرگز کارساز نخواهد بود بلکه آحاد جامعه اسلامی نیز باید در کنار سیاست و حکومت به دنبال تحقق بخشیدن به اسلام ناب باشند. از این رو وجود مسلمانان فرهنگی هم در کشورهایی با حکومت و دولت اسلامی

و هم در حکومت‌های غیراسلامی، پدیده‌ای منحصر به جهان معاصر نیست. افزون بر این، اگرچه همواره در فرهنگ و تمدن اسلامی^۱ محوریت قرآن کریم به چشم می‌خورد، اما از همان قرن‌های نخستین اسلام اندیشه رواداری و تسامح در جامعه مسلمانان به چشم می‌خورد. برای مثال ظهور این اندیشه را در قرن چهارم هجری بیش از همه در گروه اخوان‌الصفاء می‌توان دید. کسانی که با بهره‌مندی از فلسفه بودائی، هندی، ایرانی، فیثاغوری، افکار سقراط، افلاطون و ارسطو، سعی در استخراج اصول فلسفه یونان و به‌ویژه فیثاغوریان از متون آیات قرآنی و اخبار و روایات اسلامی داشتند تا بدین وسیله بتوانند به اختلافات موجود در جامعه اسلامی زمان خود پایان دهند. به اعتقاد این جماعت، نزاع‌های اجتماعی، سیاسی، دینی و قومی موجود در جامعه مسلمانان ناشی از تعدد ادیان و مذاهب دینی و قومی در این جوامع است لذا وجود مذهبی مأخوذ از همه ادیان و مذاهب برای حذف این نزاع‌ها ضروری است. این افراد در موارد متعددی از رسائل خود اعتراف کرده‌اند که هدف آنان تلفیق بین علم، زندگی و دین است و بدین جهت در تمام شئون علمی نیز وارد شدند (نک: محمدی و خزایی، ۱۳۹۸). بنابراین اسلام همواره با انسان‌هایی مواجه بوده است که علی‌رغم پذیرش مشتاقانه آن همچنان به کارهایی خلاف احکام و آموزه‌های اسلامی مبادرت داشته‌اند. اسلام فرهنگی و مسلمان فرهنگی پدیده‌ای نیست که در شرایط بسیار خاص شکوفا شده باشد بلکه این پدیده به‌عنوان یک پیش‌فرض، نتیجه طبیعی وضعیت بشر آلوده به گناه است که به‌جای نگرسته شدن به آن در مقام یک عامل نابهنجار در جامعه، از سوی فرهنگ جامعه خود تبدیل به یک امر بهنجار شده است. مسلمان فرهنگی رویه‌ای عادی شده از نظر اجتماعی و فرهنگی از سوی افراد یک جامعه است. اما جریان‌ات خاص جهان معاصر از جمله جهانی‌شدن و خلق و توسعه فضای مجازی و مکاتب و جریان‌اتی فلسفی نظیر پست‌مدرنیسم و پلورالیسم باعث شدند تا مسلمان فرهنگی که در میانه هویت‌های

۱. یعنی آنچه که صرفاً مربوط به فقه و اصول و تفسیر قرآن و احادیث است نیست بلکه کلیه معارفی است که در طول تاریخ مورد بحث و جرح و تعدیل و نقض و ابرام مسلمین واقع شده است و بدست دانشمندان اسلامی در باب آن‌ها کتاب‌هایی نوشته شده است.

سستی و مدرن قرار گرفته است با قوت و شدت بیشتری در تار و پود فرهنگ جوامع اسلامی معاصر رسوخ کرده و توسعه یابد و در نتیجه مشکلات ناشی از آن نیز مضاعف شده است.

۷. نتیجه

مسلمان فرهنگی بر افرادی قابل اطلاق است که داعیه مسلمانی داشته اما افکار، عقاید و رفتار آن‌ها عمدتاً تحت تأثیر فرهنگ زمان خویش و نه دین اسلام است. این افراد در کنار انجام برخی از اعمال دینی، با اتخاذ رفتارهای فرهنگ سکولار در تضاد با اسلام ناب؛ و تبدیل این رفتارهای فرهنگی به امری بهنجار و عادی در جامعه، در تقابل با اسلام ناب قرار می‌گیرند. ترکیب دو اصطلاح «مسلمان» و «فرهنگی» حقیقت مسلمان فرهنگی و درک ماهیت آن را در خفا قرار داده و کاشف از آن نیست. واکاوی پشتوانه معرفتی و فلسفی مسلمان فرهنگی، این حقیقت را کاملاً آشکار ساخته و اشتراکات آن را با پلورالیسم دینی مخصوصاً در عناصری همچون تنوع دینی، وجود تفاسیر متعدد از یک دین واحد و شریعت تلطیفی نشان می‌دهد. گوهر مسلمان فرهنگی پست مدرنیسم و پلورالیسم درون دینی است. مسلمان فرهنگی ارزش‌های منتج از تفکرات مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد را بر اسلام تحمیل و با آن ادغام می‌کند. درحالی‌که در اسلام، تلقی، ابلاغ، اجرا و قوانین و معارف الهی که فصل الخطاب و فصل الختام تکثرات و اختلافات جامعه مسلمانان است فقط توسط پیامبر ﷺ در مقام رهبر و امام حکومت اسلامی در بین یک امت صورت می‌گیرد و نه توسط مردم؛ و حقانیت و عدم حقانیت قول و فعل مسلمانان برحسب نزدیکی و دوری به قول، فعل و تقریرات پیامبر ﷺ است. تبیین این امر برای آحاد جامعه مسلمین و درک چگونگی مبارزه اسلام با فرهنگ زمان خاص خویش می‌تواند به مسلمانان در درک مبارزات فرهنگی جامعه آن‌ها در زمان حال حاضر یاری رساند. همچنین بیان تمایزات بین مسلمان فرهنگی و مسلمان راستین و ضرورت بازنگری در مفاهیم و ویژگی‌های اصلی اسلام برای مسلمان فرهنگی، چالش بزرگی پیش روی او قرار می‌دهد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

الیاده، میرچا. (۱۳۷۹). دین پژوهی (مترجم: بهاءالدین خرمشاهی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بایرز، فردریک و همکاران. (۱۳۸۵). نگاهی به روشنگری مدرنیته و ناخرسندی های آن (مترجم: محمد ضیمران). تهران: انتشارات علم.

پترسون، مایکل، هاسکر، ویلیام، رایشنباخ، بروس، بازینجر، دیوید. (۱۳۷۶). عقل و اعتقاد دینی (مترجم: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی). تهران: طرح نو.

جوادی آملی، عبد... (۱۳۷۹). ولایت فقیه. ولایت فقاهاست و عدالت (چاپ دوم). قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبد... (۱۳۸۳). زن در آینه جمال و جلال (چاپ بیست و هشتم). تهران: دارالهدی.

جوادی آملی، عبد... (۱۳۸۴). ویژگی نظام اسلامی. ماهنامه پاسدار اسلام (۲۸۴).

جوادی آملی، عبد... (۱۳۹۰). شریعت در آینه معرفت (چاپ ششم). قم: نشر اسراء.

جوادی آملی، عبد... (۱۳۹۷). توحید در قرآن (چاپ نهم). قم: نشر اسراء.

خانجانی، رضا. (۱۴۰۰). طرح کلی اسلام از منظر آیت... جوادی آملی. فصلنامه علمی-پژوهشی مهدویت: مشرق موعود، ۱۵ (۵۷)، صص ۹۲-۷۷.

رهنمایی، سید احمد. (۱۳۸۴). غرب شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۷). صراط های مستقیم. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

شهیدی، سید جعفر. (۱۳۹۲). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: علمی و فرهنگی.

مجتهد شبستری، محمد، صدری، محمود، صدری، احمد، فرهادپور، مراد. (۱۳۷۴). «پلورالیسم دینی»، فصلنامه کیان، ۵ (۲۸). صص ۲۶-۳.

محمدی، رمضان؛ خزائلی، محمدباقر. (۱۳۹۸). «جمعیت اخوان‌الصفاء و اندیشه رواداری اسلامی» دوفصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۳(۲۵)، صص ۱۳۳-۱۲۵.
 مددپور، محمد. (۱۳۸۵). فلسفه‌های پست‌مدرن غربی: گریز و گذر از مدرنیته. تهران: انتشارات
 سوره مهر.

ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۰). کثرت‌گرایی نجات‌شناختی. تهران: انتشارات اقبال.
 نوذری، حسین‌علی. (بی‌تا). صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته. تهران: نقش جهان.
 هیک، جان. (۱۳۷۲). فلسفه دین. مترجم: بهرام راد. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
 Beaman, Jean. (2017). *Citizen Outsider: Children of North African Immigrants in France*, University of California Press.
 Blakholm, Joseph. (2022). *The Secular Paradox: On the Religiosity of the Not Religious*, NYU Press.
 Bowen, John R. (2010). *Can Islam Be French? Pluralism and Pragmatism in a Secularist State*, Princeton University Press, Princeton and Oxford.
 Hussain, Jamila, Possami, Adam. (2013). *Applying Sharia in the West: Facts and the Future of Islam Rules on Family Relations in the West*, Leiden University Press.
 Khan, Aliyah. (2020). *Far from Mecca: Globalizing the Muslim Caribbean*, Rutgers University Press.
 Lippy, Charles. (1994). *Being Religious, American Style: A History of Popular Religiosity in the United States*, Westport, Conn, Greenwood Press.
 Karim, Jamillah. (2010). *Rethinking Islamic Studies: From Orientalism To Cosmopolitanism*, University of South Carolina Press.
 Ruthven, Malise. (2012). *Islam: A Very Short Introduction*, Oxford University Press.
 Seise, Claudia. (2022). *New Method in the Study of Islam*, Edinburgh University Press.
 Yilmaz, Selman. (2014). 'Cultural Muslims: Background Forces and Factors Influencing Everyday Religiosity of Muslim People' *Journal of History Culture and Art Research*, (Vol. 3, No.3), Copyright©Karabuk University.

References

* The Holy Quran

Beaman, J. (2017). *Citizen outsider: Children of North African immigrants in France*. University of California Press.

Blankholm, J. (2022). *The secular paradox: On the religiosity of the not religious*. NYU Press.

Bowen, J. R. (2010). *Can Islam be French? Pluralism and pragmatism in a secularist state*. Princeton University Press.

Byers, F., et al. (2006). *A look at Enlightenment modernity and its dissatisfactions* (M. Zimaran, Trans.). Tehran: Elm Publications. [In Persian]

Eliade, M. (2000). *Religious studies* (B. Khoramshahi, Trans.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

Esra Publications. (n.d.) [In Persian]

Hick, J. (1993). *Philosophy of religion* (B. Rad, Trans.). Tehran: Alhoda International Publications. [In Persian]

Hussain, J., & Possami, A. (2013). *Applying Sharia in the West: Facts and the future of Islam rules on family relations in the West*. Leiden University Press.

Javadi Amoli, A. (2000). *Velayat-e Faqih: The guardianship of jurisprudence and justice* (2nd ed.). Qom: Esra Publications. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2004). *Woman in the mirror of beauty and majesty* (28th ed.). Tehran: Dar al-Hoda. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2005). Characteristics of the Islamic system. *Pasdar-e Islam Monthly*, (284). [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2011). *Sharia in the mirror of knowledge* (6th ed.). Qom: Esra Publications. [In Persian]

Javadi Amoli, A. (2018). *Tawhid in the Qur'an* (9th ed.). Qom: Esra Publications. [In Persian]

- Karim, J. (2010). *Rethinking Islamic studies: From Orientalism to cosmopolitanism*. University of South Carolina Press.
- Khan, A. (2020). *Far from Mecca: Globalizing the Muslim Caribbean*. Rutgers University Press.
- Khanjani, R. (2021). A general plan of Islam from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli. *Mahdaviat Scientific-Research Quarterly: Mashreq-e Mow'ood*, 15(57), 77–92. [In Persian]
- Lippy, C. (1994). *Being religious, American style: A history of popular religiosity in the United States*. Westport, CT: Greenwood Press.
- Madadpour, M. (2006). *Western postmodern philosophies: Escape and transition from modernity*. Tehran: Soore Mehr. [In Persian]
- Malekian, M. (2001). *Soteriological pluralism*. Tehran: Eqbal Publications. [In Persian]
- Mohammadi, R., & Khazaeli, M. B. (2019). Ikhwan al-Safa and the idea of Islamic tolerance. *Iran and Islam Historical Research Biannual*, 13(25), pp. 125–133. [In Persian]
- Mojtahed Shabestari, M., Sadri, M., Sadri, A., & Farhadpour, M. (1995). Religious pluralism. *Kiyan Quarterly*, 5(28), pp. 3–26. [In Persian]
- Nozari, H. A. (n.d.). *Structuring modernity and postmodernity*. Tehran: Naqsh-e Jahan. [In Persian]
- Peterson, M., Hasker, W., Reichenbach, B., & Basinger, D. (1997). *Reason and religious belief* (A. Naraqi & E. Soltani, Trans.). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
- Rahnamayi, S. A. (2005). *Westology*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Ruthven, M. (2012). *Islam: A very short introduction*. Oxford University Press.
- Seise, C. (2022). *New method in the study of Islam*. Edinburgh University Press.
- Shahidi, S. J. (2013). *Analytical history of Islam*. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]

- Soroush, A. (1998). *The Straight Paths*. Tehran: Sirat Cultural Institute. [In Persian]
- Yilmaz, S. (2014). Cultural Muslims: Background forces and factors influencing everyday religiosity of Muslim people. *Journal of History Culture and Art Research*, 3(3). <https://doi.org/10.7596/taksad.v3i3.413>

Problem Analysis of Religious Propagation in Iran¹

Seyyed Mohsen Mirsondosi 

Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran
m.sondosi@isca.ac.ir



Abstract

In the current state of Iranian society, numerous challenges can be observed in the field of religious propagation and its interaction with various social domains. Addressing these issues is of great importance. The present study aims to identify the main problems and challenges facing religious propagation within Islamic seminaries. The research adopts a mixed-method approach, combining qualitative and quantitative methods. Data was collected through a finalized questionnaire completed by 73 experts in the field of religious propagation affiliated with the Islamic Seminary of Mashhad. The findings are categorized into six main areas of religious propagation and analyzed based on different expert groups. After compiling the results, the lack of specialization in propagation and the neglect of promoting rationality and religious reason were identified as the most critical current issues in this field. Based on

1. Mirsondosi, S. M. (2025). Problem Analysis of Religious Propagation in Iran. *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 152-184.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.68535.2073>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/02/07 • **Revised:** 2025/04/09 • **Accepted:** 2025/08/02 • **Published online:** 2025/08/07

© The Authors



the research findings, several practical recommendations are presented, particularly emphasizing the need to expand and diversify similar studies and to conduct longitudinal research on this topic over specific time intervals.

Keywords

Problem analysis, religious propagation, Islamic seminary, preachers, sociology of religious propagation.

مسئله‌شناسی تبلیغ دینی در ایران^۱

سید محسن میرسندسی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
m.sondosi@isca.ac.ir



چکیده

در وضعیت جاری جامعه ایران، در تبلیغ دینی و تعاملات آن با حوزه‌های گوناگون اجتماعی، چالش‌های متعددی را می‌توان مشاهده کرد که توجه به آن‌ها حائز اهمیت است. این پژوهش با هدف اصلی شناخت آسیب‌ها و مسائل جاری تبلیغ دینی در حوزه‌های علمیه انجام گرفته است. روش انجام پژوهش از نوع ترکیب روش‌های کیفی و کمی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه نهائی در بین ۷۳ نفر از نخبگان امور تبلیغی حوزه علمیه مشهد انجام شده است. یافته‌های تحقیق در شش مقوله اصلی تبلیغ دینی و به تفکیک گروه‌های نخبگی ارائه شده است که پس از تجمیع همه آن‌ها مسائل تخصصی نبودن تبلیغ و بی‌توجهی به تقویت خردگرایی و عقلانیت دینی به‌عنوان مهم‌ترین مسائل فعلی حوزه تبلیغ دینی معرفی شده است. متناسب با نتایج تحقیق نیز برخی پیشنهادهاى اجرائی نیز ارائه شده است که به‌خصوص بر توسعه و تنوع‌بخشی تحقیقات مشابه و انجام مطالعه طولی این موضوع در بازه‌های زمانی خاص تأکید شده است.

کلیدواژه‌ها

مسئله‌شناسی، تبلیغ دینی، حوزه علمیه، مبلغان، جامعه‌شناسی تبلیغ دینی.

۱. میرسندسی، سید محسن. (۱۴۰۳). مسئله‌شناسی تبلیغ دینی در ایران. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴۸)، صص ۱۵۲-۱۸۴.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.68535.2073>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



۱. طرح مسئله

عرصه‌های زندگی اجتماعی همیشه همراه با مشکلات و رنج‌های آشکار و پنهان بوده است. اصولاً حیات انسانی به‌ویژه در بعد تعاملات اجتماعی هیچ‌گاه خالی از مسائل نبوده است. شاید تصور زندگی بدون مشکل حداقل در این عالم غیرممکن باشد مضمونی که از آیات قرآن کریم^۱ و روایات معصومین^۲ نیز مستفاد است. آنچه مشخص است بخش زیادی از مسائل اجتماعی در هر دوره‌ای مربوط به شرایط زمانی و مکانی در هر جامعه می‌باشد و جوامع بشری در سیر تکامل خود، سادگی مسائل خود را ازدست‌داده و به‌مرور پیچیده شده‌اند. از سوئی دیگر نوع تلقی و مواجهه جوامع با مسائل زمانه خودشان تأثیر مستقیم در وضعیت رکود یا پیشرفت آن‌ها داشته است. درواقع تلاش انسانی و گروهی برای درک و فهم بیشتر مشکلات پیرامونی و تبدیل آن‌ها به مسائل مشخص منجر به رشد و پیشرفت جوامع چه در ابعاد فردی و چه اجتماعی می‌شود و این رابطه همان‌قدر طبیعی است که وجود مسائل و مشکلات در زندگی جوامع.

رویکرد به مسئله‌شناسی از این ایده برمی‌خیزد که بتوانیم با مسائل جامعه فعال برخورد شود و بدون آنکه بخواهیم آن‌ها را نبینیم و یا توجه کنیم، حضور آن‌ها را به رسمیت بشناسیم. درواقع نوع نگاه و مواجهه ما با مسائل پیرامونی و تعریفی که از آن می‌کنیم تا این حد مؤثر است که حتی می‌تواند جنبه منفی مسئله را به فرصتی برای رشد و شکوفایی تبدیل کند. منظور از مسئله‌شناسی در این تحقیق این است که برای جهت‌دادن به سیاست‌ها، برنامه‌ها و طراحی دقیق‌تر پروژه‌های اجرایی و مطالعاتی، بر اساس ضرورت‌ها و نیازهای موجود مجموعه‌ای طبقه‌بندی شده از محورها و مسائل مربوطه تهیه شود. این طبقه‌بندی باید به گونه‌ای باشد که مجریان و برنامه ریزان بتوانند درک روشن‌تری از مسائل اساسی و شاخه‌های فرعی آن‌ها و ارتباط و جایگاه و اهمیت

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ بدرستی که انسان را در رنج آفریدیم. (البلد، ۵)

۲. (الدنيا) دَارُ الْبَلَاءِ مَحْقُوقَةٌ: دنیا خانه‌ایست که در مشکلات پیچیده شده است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶)

هر بخش با بقیه بخش‌ها، مستند به این مجموعه باشند. هدف از مسئله‌شناسی، اجرای پژوهش‌های نهایی و نظریه‌پردازی در پاسخ به مسائل نیست بلکه صرفاً تنقیح صورت مسائل، طبقه‌بندی آن‌ها و احیاناً ترسیم ارتباط بین مهم‌ترین مسائل به دست آمده است. البته این امر چیزی نیست که یک‌بار و برای همیشه انجام گیرد بلکه به تناسب تحولات دائمی در جامعه ماهیتی پویا و سیال دارد که لازم است در مقاطع مختلف، مورد بازاندیشی، ترمیم و اصلاح قرار گیرد. در چنین فرآیندی است که به تدریج سطح کیفی فعالیت‌ها و کارآمدی سازمانی تبلیغ بهبود یافته و با اشراف بر مسائل جاری و آینده‌نگری به موقع زمینه بالندگی سازمان فراهم می‌گردد. آنچه روشن است سامان‌دادن به فعالیت‌های تبلیغی در عرصه فرهنگ دینی قبل از هر چیز نیازمند نگاهی دوباره به چشم‌انداز مسیر حرکت، پستی و بلندی‌ها، چالش‌ها، نیازها و انتظارات از مجموعه مبلغان و دستگاه‌های تبلیغی پیش روست. مطالعه و بررسی دقیق مسائل حوزه تبلیغ می‌تواند مدیران عرصه تبلیغ دینی را از پراکنده‌کاری، سطحی‌نگری، موازی‌کاری و نیز بلندپروازی‌های غیرواقع‌بینانه حفظ کند. (توسلی، ۱۳۸۰، ص ۴) به تعبیری دیگر مسئله‌شناسی تبلیغ دینی یکی از نخستین گام‌ها در برنامه‌ریزی و سامان بخشی به امور تبلیغی قلمداد می‌شود.

یکی از راه‌های تشخیص این مسائل رجوع به کسانی است که به انحاء مختلف در معرض این مسائل قرار دارند. بنابراین مسئله‌شناسی در این پژوهش شناسایی نظرات و آراء نخبگان تبلیغ اعم از کارگزاران و مبلغانی است که به واسطه اشتغال مداوم و مؤثر در این حیطه دارای درک عمیق‌تر از آسیب‌ها و مسائل تبلیغی هستند. در مرحله دوم اولویت‌بندی و وزن دهی این مسائل برای آگاهی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این عرصه است تا مبتنی بر نتایج تحقیق بتوانند منابع انسانی و مادی خود را برای چاره‌اندیشی و حل مهم‌ترین مسائل این حوزه بکار گیرند.

۲. مروری بر مفاهیم و ادبیات موضوع

۲-۱. تبلیغ دینی

آنچه بر دین اسلام از آغاز بعثت نبی مکرم ﷺ تاکنون گذشته است، گواه بر این است

که اصولاً پیامبر ﷺ هیچ گاه پیام وحی و فرمان‌های الهی را صرفاً برای خویش و جامعه دوران خود دریافت نمی‌کرد. از طرف دیگر روند تحولات تاریخی بیانگر آن است که رشد اسلام هیچ‌وقت در مرحله‌ای خاص متوقف نمانده است؛ بنابراین روزی فرا نخواهد رسید که دیگر تبلیغ دین ضرورت خود را از دست بدهد.

تبلیغ در مفهوم کلی عبارت از رساندن یک پیام در یک ارتباط به‌منظور ایجاد تغییر در بینش، نگرش و رفتار پیام‌گیرنده. در لغت‌نامه دهخدا در معنای تبلیغ دین این چنین آمده است «تبلیغ یعنی رساندن، خواندن کسی به دینی، عقیده و مسلکی و روشی یا کشیدن کسی به راهی که تبلیغ‌کننده قصد آن دارد» (دهخدا، ۱۳۳۵، ص ۳۴۳).

واژه تبلیغ ابتدا فقط در زمینه مسائل مذهبی به کار می‌رفته است و رفته‌رفته عمومیت یافته و موضوعات غیردینی را نیز در بر گرفته است. واژه‌های تبلیغ، وعظ و خطابه به‌ویژه در ادبیات شفاهی مردم، گاهی به معنای هم و گاهی به‌جای یکدیگر به کار می‌رود؛ اما از این سه، هیچ‌یک گستردگی معنای واژه «تبلیغ» را ندارد. کلمه وعظ که غالباً در میان طلاب و روحانیون مترادف با «تبلیغ» شمرده می‌شود، فقط بخشی از معنای گسترده تبلیغ را بیان می‌کند. در حقیقت می‌توان گفت وعظ یکی از راه‌ها و جلوه‌های تبلیغ است. خطابه نیز از نظر مفهوم، بیش از آنکه به تبلیغ نزدیک باشد به وعظ نزدیک است (معین، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰۲۵).

در برخی منابع جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تبلیغ این گونه تعریف شده است: «تبلیغ، انتشار و انتقال اطلاعات و عقاید و دیدگاه‌هایی است بین فرد یا افرادی به‌منظور نفوذ و ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحیات، افکار و رفتارهای آن‌ها» (خندان، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

پس تبلیغ دینی در معنای عام آن عبارت است از «رساندن پیام دینی به مردم با هر وسیله‌ای» (همان: ص ۹۰) و در معنای خاص آن عبارت از فعالیتی است که روحانیون و طلاب علوم دینی در طی آن به ترویج و بیان احکام، عقاید و باورهای دینی در جمع مخاطبان می‌پردازند.

۲-۲. مسئله

مشکل یا مسئله^۱ به طور معمول از نوعی ناسازگاری و عدم توازن در وضع موجود ریشه می گیرد و ناظر به وضعیت های خاص آسیب زایی است که عنصر یا عناصری در نسبت با مجموعه ای از عناصر پیوسته به هم ایجاد می شود. محیط حاکم بر مجموعه، اعم از محیط انسانی (فردی یا اجتماعی) یا سایر محیط های آسیب زا بوده و به نوعی مجموعه را از تعادل منطقی یا مورد انتظار خود دور می سازد. ماهیت این عدم تعادل و مسئله می تواند در «اثر درک نوعی تناقض، تعارض و آشفتگی^۲ یا اختلال^۳ میان معرفت و واقعیت به وجود آید. مسئله زمانی ظهور می کند که نوعی آشفتگی یا اختلال در وضع موجود مشاهده شده در ما شگفتی ایجاد کند.» (ساعی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹) پس ضرورتاً هر نوع «مسئله، مسبوق به معرفت زمینه ای^۴ ما است. معرفت زمینه ای می تواند معرفت علمی، باورها، انتظارات، دریافت عامیانه و یا معرفت دینی باشد. به گفته پوپر، مسئله هنگامی پدید می آید که درمی یابیم میان معرفت ما و واقعیت تناقض وجود دارد. این تناقض فرد را به اندیشه و شگفتی وامی دارد. پوپر مسئله را ناشی از چالش میان دانایی و نادانی می داند درواقع مسئله زمانی به وجود می آید که در وضع موجود بحران، تغییر، تناقض، ناسازگاری و عدم تعادل مشاهده شود. (ساعی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰)

۲-۲-۱. سطوح آسیب زایی مسئله

هر مسئله به لحاظ سطح آسیب زایی و تأثیرگذاری در مقایسه با سه مفهوم دیگر قابل فهم می شود. به عبارت دیگر مفاهیم مشکل، مسئله مطروحه^۵، بحران^۶ و

۱. علیرغم برخی تفاوت های نظری بین مشکل و مسئله در این نوشتار این دو تقریباً یکسان فرض شده اند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱.

2. Amazement

3. Disturbance

4. Background Knowledge

5. Issue

6. Crisis

فاجعه^۱ سطوح و وضعیت‌های مختلفی از یک پدیده طبیعی (اعم از اجتماعی یا غیراجتماعی) را روشن می‌سازند. بر این مبناء، مشکلات در سطح اول قرار می‌گیرند که درک نارسائی و اختلال حاصل از آن جنبه عمومی تر دارد. درواقع «مشکل را همه مردم، اعم از متخصص و غیرمتخصص، می‌بینند زیرا سطحی‌ترین و ظاهرترین نمود پدیده، مشکل و رخنه است. وجود تنش، عدم تعادل، ابهام و... علائم بروز یک مشکل است. مشکل امری کلی، مبهم، نامعین و به همین دلیل تحقیق ناپذیر است.» (قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱).

در سطح بعد، مسائل مطروحه قرار می‌گیرند که به آن دسته از مشکلات گفته می‌شود که ما در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه هستیم، ابعاد آن‌ها را شناخته و برای حل آن‌ها چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی می‌کنیم. بدیهی است درک این سطح در گروی شناخت تخصصی مشکل و تجربه کافی در ارائه بهترین راه‌حل برای آن است. هرگاه ما نسبت به حل ساده و کم‌هزینه مسائل اعم از مسائل فردی و اجتماعی بی‌توجهی و یا غفلت نماییم مسئله مطروحه در قالب یک مسئله و مشکل پیچیده‌تر پدیدار می‌شود که حل آن مستلزم هزینه، وقت و تفکر و تخصص بیشتر و پیچیده‌تری خواهد بود.

در مرحله سوم با سطح سخت‌تری از تأثیرگذاری مسئله و رشد آن مواجه هستیم زیرا در سطح قبلی به هر دلیل به آن توجه و چاره‌اندیشی مناسب نشده و یا ما نسبت به شناخت و حل آن عمل مناسبی انجام نداده‌ایم. در این صورت پدیده فوق در مرحله بحران قرار می‌گیرد. در این حالت پیدا کردن راه‌حل‌ها برای مهار آن بسیار مشکل‌تر و پیچیده‌تر از مراحل قبلی و چه بسا ابعاد پدیده موردنظر از حیطه کنترل خارج باشند. مادامی که در سطح مسئله مطروحه با اقدامات نسبتاً ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر امکان کنترل و حل مسئله وجود داشت، در غالب موارد بحرانی تنها با اقدامات ضربتی، چندجانبه و پرهزینه تنها احتمال مهار مسئله وجود خواهد داشت. در هر صورت عدم چاره‌جویی مناسب و به‌موقع و یا عدم توفیق در مهار بحران‌ها و نداشتن (مدیریت بحران) زمینه بروز

1. Catastrophe

فاجعه (سطح چهارم) را فراهم می‌آورد که در این مرحله پدیده طبیعی با اضمحلال و فروپاشی مواجه خواهد شد.

نکته مهم دیگری که در مورد آسیب‌زایی و میزان تأثیرگذاری یک مسئله قابل طرح است، سطح تحلیلی پدیده‌ای است که دارای مشکل و مسئله شده و نسبتی که آن پدیده در رابطه با سایر پدیده‌های مرتبط دیگر دارد. به‌طور بدیهی میزان فراگیری تأثیر و آسیب‌های مسائل هر چه از سطوح خرد به کلان پیش می‌رود به‌مراتب بیشتر و تصاعدی می‌شود. معنی دیگر این سخن آن است که ماهیت مشکلات و مسائل هر چه از سطح خرد به کلان و از حالت فردی به اجتماعی تغییر می‌یابد از نوعی سادگی به پیچیدگی تغییر و پیش می‌رود. قاعدتاً ماهیت مسئله نیز در این روند معمولاً دارای تعدد ابعاد شده و با حاد شدن شرایط مسئله کنترل آن احتیاج به تخصص‌های چندگانه دارد.

با دقت نظر و تأمل بیشتر می‌توان مرحله‌ای دیگر از تکوین مسئله را نیز شناسایی و برشمرد. امروزه در اکثر رشته‌های علمی با تبیین^۱ و شناخت هر چه بیشتر قانونمندی حاکم بر پدیده‌ها این امکان به وجود آمده است تا قبل از مرحله ظهور و بروز نشانه‌های یک مشکل و مسئله با روش‌های علمی دقیق نسبت به وقوع آن اطلاعات دقیقی ارائه گردد. هرچند نسبت دقت و اطمینان این پیش‌بینی در علوم طبیعی و انسانی یکسان نیست ولی زمینه‌هایی برای جلوگیری وقوع مسئله و یا آمادگی برای آن را فراهم می‌آورد.

۳. چگونگی انجام تحقیق

رویکرد روشی غالب در این تحقیق از نوع تلفیق روش‌های کیفی و کمی است. خلاصه مدعیات روش‌شناسی ترکیبی این است که رویکردهای مختلف در تمام مراحل مطالعه (مانند تبیین مسئله، گردآوری داده‌ها و نتیجه‌گیری نهائی) را با یکدیگر تلفیق می‌کند (Tashakkori & Teddl, 2003, p. 4).

تحقیق حاضر ابتدا با روش کیفی و مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته آغاز شده و مبتنی

1. Explanation

بر نتایج آن مطالعه‌ای با استفاده از پرسشنامه انجام می‌گیرد. درواقع در بخش مطالعات اکتشافی و جمع‌آوری داده‌ها عمدتاً از روش‌های کیفی شامل مصاحبه‌های نیمه عمیق و بخصوص استفاده از ویژگی‌های روش دلفی استفاده شده است که منجر به تدوین پرسشنامه و سپس جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل آن با روش‌های معمول کمی صورت پذیرفته است. روش دلفی، اغلب با هدف کشف اندیشه‌های خلاقانه و معتبر و یا تولید اطلاعات مناسب برای برنامه‌ریزان، استفاده و اجرا شده است و می‌توان آن را فرایند جمع‌آوری و تلخیص ساختاریافته دانسته‌ها و اطلاعات یک گروه متخصص دانست (Adler & Ziglio, 1996).

روش دلفی سه عنصر کلیدی دارد که نقاط قوت آن هم محسوب می‌شوند:

۱. مبادله ساختارمند نظرات.

۲. بازخورد نظرات به خود نظردهندگان برای امکان اصلاح آن.

۳. محفوظ ماندن نام نظردهندگان در بازخوردها (رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵).

با توجه به مقدماتی که گفته شد برای دستیابی به اطلاعات اولیه و تدوین پرسشنامه نهائی، از مباحث و فعالیت‌های قسمت اتاق فکر وابسته به معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان استفاده شد. این اتاق فکر مجموعه‌ای از نخبگان عرصه تبلیغ را در برمی‌گیرد که حدود ۲۵ تن از کارشناسان، صاحب‌نظران و پیشکسوتان امور تبلیغی در خراسان در آن عضویت دارند و به‌صورت نوبه‌ای با مدیریت یک کارشناس در جلسه، به بررسی و تحلیل عمیق موضوعات مرتبط با تبلیغ دینی می‌پردازند. طبیعتاً بخشی از مباحث اتاق فکر در زمینه آسیب‌شناسی و شناسایی مشکلات و مسائل تبلیغ شکل گرفته است. پس از هماهنگی‌های لازم مجموعه مباحث و گفتگوهای مرتبط با موضوع طی یک سال گردآوری، پیاده‌سازی و به‌صورت جدا مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این مرحله شناسایی حدود ۹۰ مشکل غیر تکراری در میان مباحث این گروه طی یک سال بود. این مشکلات در قالب یک پرسشنامه مقدماتی تنظیم و مجدداً برای اصلاح نظرات به اعضای این گروه ارسال گردید. در این پرسشنامه ضمن بیان اهداف تحقیق، از پاسخگویان خواسته شده بود موارد دارای ابهام و نارسائی از دیدگاه آنان

مشخص شود. همچنین مشکلات و مسائلی که احياناً از نظر آن‌ها مغفول مانده است نیز مجدداً مورد سؤال قرار گرفت.

در مرحله بعد پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و جمع‌بندی آن‌ها، نتایج به‌دست‌آمده در این مرحله مجدداً با چند تن از کارشناسان و مدیران امور تبلیغی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت برای جمع‌آوری اطلاعات از مجموعه بیشتری از نخبگان امور تبلیغی در خراسان، پرسشنامه‌ای کامل‌تر تهیه گردید.

این پرسشنامه شامل حدود ۸۲ مسئله‌ای بود که از جرح و تعدیل مطالعات اولیه و نظرات کارشناسان تبلیغی به‌دست‌آمده و در شش مقوله زیر طبقه‌بندی گردیده بود:

۱. امور آموزشی مبلغان (به مسائلی مربوط است که مستلزم برنامه‌ریزی آموزشی برای مبلغان است).

۲. سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی (مربوط به مسائلی می‌شود که توجه به آن‌ها بر عهده سازمان‌ها و نهادهای مربوطه است)

۳. امور مربوط به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها.

۴. ویژگی‌های ضروری مبلغان (مربوط به رعایت عادات و صفاتی است که از شخص مبلغ انتظار می‌رود واجد یا فاقد آن‌ها باشد).

۵. موانع و تهدیدها (شامل مسائلی است که زمینه‌های ایجاد آن در سطوح جامعه، سازمان‌های حوزوی و مبلغان مشترک است).

۶. روش‌ها و مهارت‌های تبلیغی (مربوط به روش‌ها و شیوه‌های مهارتی است که بی‌توجهی به آن‌ها منجر به ناکارآمدی تبلیغ می‌شود)

در این بخش علاوه بر اینکه از پاسخگویان درخواست شده بود میزان مسئله بودن موارد ارائه‌شده را در یک طیف پنج‌گزینه‌ای (از هیچ تا خیلی زیاد) مشخص کنند، در انتهای هر مقوله، مجدداً از آن‌ها خواسته شده بود سه اولویت مهم موارد را دقیقاً ذکر کنند. این تصریح موجب ایجاد اعتبار بیشتر نتایج در تشخیص مهم‌ترین مسائل تبلیغی می‌گردید. به دلیل اهمیت مباحث و نکات روشی، در تنظیم نهائی پرسشنامه از نظرات فنی پنج تن از کارشناسان و محققان مطالعات اجتماعی نیز استفاده گردید.

۴. جمعیت آماری و روش جمع آوری

با توجه به آن که روش نمونه گیری و انتخاب پاسخگویان در مطالعه دلفی غیر تصادفی است و اعضا بر اساس معیارهای متناسب با موضوع تحقیق انتخاب می گردند، در این تحقیق نیز با در نظر گرفتن زمینه مورد مطالعه و هدف پژوهش، برای انتخاب خبرگان و نخبگان تبلیغی دو معیار کلی در نظر گرفته شد تا اعضای پیشنهادی در صورت دارا بودن آنها در فهرست پاسخگویان قرار گیرند. معیارهای انتخاب اعضا عبارت بودند از:

۱- دارا بودن سابقه روشن طلبگی و تبلیغ در حوزه علمیه.

۲- دارا بودن یکی از ویژگی های نخبگی در انجام تبلیغ، سابقه مدیریتی تبلیغی و بالاخره سابقه طولانی و پیشکسوتی در فعالیت های تبلیغی...

در این تحقیق تلاش شد تا پاسخگویان از میان مبلغان صاحب نظر و متخصصین در حوزه های متنوع مرتبط با تبلیغ دینی، کارشناسان و مسئولان و مدیران نهادهای تبلیغی و حوزوی و افراد فعال در عرصه تبلیغ و منبر که دارای سابقه روشن و برجسته بودند انتخاب شوند.

بدین منظور با همکاری بخش اعزام معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات خراسان تعدادی از پاسخگویان مشخص شدند. این بخش دارای فهرستی از طلاب و مبلغان نخبه می باشد که در طی اعزام های مکرر و ارزیابی ها و همچنین بازخوردگیری از فعالیت های آنها تهیه شده است. درواقع این افراد دارای تأثیرگذاری و عملکرد مطلوب در اعزام ها بوده اند و از آنها به عنوان «مبلغان نخبه» یاد می شود؛ بنابراین بخشی از پرسشنامه ها از طریق بخش اعزام و یک پرسشگر آموزش دیده که خود از مبلغان بود در میان مبلغان نخبه و خواهران مبلغ توزیع و جمع آوری گردید.

در وهله بعد با شناسایی مراکز حوزوی، نهادهای تبلیغی و برخی مدارس حوزوی در سطح شهر مشهد تعدادی از پرسشنامه ها نیز در میان مدیران و کارشناسان امور تبلیغی و حوزوی توزیع گردید.

بخش سوم پاسخگویان مربوط به پیشکسوتان تبلیغ در شهر مشهد بود. بدین منظور در ابتدا با تهیه لیست کاملی از خطبا و مبلغان سرشناس و قدیمی که در مشهد حضور

داشتند اقدام گردید. در وهله بعد، از روحانیون و مبلغانی که بیشتر از بیست سال سابقه تبلیغ داشته و در مدارس، مساجد و مراکز حوزوی حضور داشتند استفاده گردید. بدین منظور با شناسایی هر کدام از موارد توسط پرسشگر آموزش دیده اقدام می‌شد.

برای تعیین تعداد اعضای هیئت منصفه دلفی با توجه به آن که در بیشتر مطالعات تعداد این حداقل ۵۱ و حداکثر ۵۳ نفر انتخاب شده بودند (Gordon, 1994)، در این مطالعه نیز با در نظر گرفتن محدوده فوق و احتمال انصراف، کناره‌گیری و یا عدم همکاری پاسخگویان تا پایان مطالعه، تعداد ۱۰۰ نفر از کارشناسان و مدیران سازمان‌های حوزوی و مبلغان در نظر گرفته شدند. در انتخاب اعضا تلاش گردید تا تعادل نسبی میان تعداد کارشناسان و مدیران از یک سو و صاحب‌نظران و مبلغین پیشکسوت از سوی دیگر رعایت گردد. در نهایت از مجموع ۷۳ نفر اعضای نهائی پاسخگو که پرسشنامه‌های آن‌ها معتبر تشخیص داده شد، تعداد ۲۱ نفر معادل ۲۸/۸٪ را نخبگان پیشکسوت، تعداد ۳۲ نفر معادل ۴۳/۸٪ را نخبگان جوان و تعداد ۲۰ نفر معادل ۲۷/۴٪ را نخبگان مدیر تشکیل می‌دادند.

میانگین سن مجموع پاسخگویان معادل ۳۸ سال در دامنه بین ۲۴ تا ۶۲ سال بوده است. این میانگین برای نخبگان پیشکسوت که علی‌القاعده باید سنی بیش از سایر پاسخگویان داشته باشند برابر با ۴۷ سال و برای نخبگان جوان ۳۱ سال و برای نخبگان مدیر ۳۶ سال می‌باشد. بیشترین فراوانی سن پاسخگویان به تعداد ۳۶ نفر که معادل ۵۰٪ پاسخگویان است در میان سنین ۳۰ تا ۴۰ سالگی مشاهده می‌شود.

در مجموع کل پاسخگویان تعداد ۶۱ نفر معادل ۸۳/۶٪ را آقایان و مابقی به تعداد ۱۲ نفر معادل ۱۶/۴٪ را خانم‌های مبلغ تشکیل می‌دهند.

از نظر میزان تحصیلات بیشترین فراوانی^۱ مشاهده شده در سطح خارج فقه و اصول است؛ یعنی بیش از ۴۵٪ پاسخگویان در حال حاضر دارای تحصیلات در سطح خارج فقه و اصول و به تعبیری سطوح عالی حوزه می‌باشند. چنانچه مجموع کسانی که در

1. Mode

سطح ۳ و خارج را باهم در نظر بگیریم شامل ۶۷٪ پاسخگویان می‌شود که به نظر می‌رسد میزان قابل قبولی برای اظهارنظر در مورد مسائل تبلیغ محسوب می‌گردد. در مورد تحصیلات غیر حوزوی، ۶۷٪ از پاسخگویان، تحصیلاتی معادل دیپلم یا بیش از آن داشته‌اند و این در حالی است که تنها ۳۳٪ از آن‌ها تحصیلاتی کمتر از دیپلم یعنی در سطوح ابتدائی و راهنمایی داشته‌اند.

۵. شناخت مسائل اصلی تبلیغ دینی

مسائل تبلیغ در شش بعد اصلی دسته‌بندی و پس از آن به شکل مسائل جزئی و دقیق‌تر در هر مورد در قالب یک طیف از پاسخ‌های گزینه‌ای از هیچ تا خیلی زیاد نسبت به وجود و شدت هر مورد به عنوان یک مسئله در حوزه تبلیغ، برای اظهارنظر به پاسخگویان عرضه گردید. در انتهای هر بُعد نیز مجدداً از آن‌ها خواسته شده بود سه مورد از مجموع موارد ذکر شده را به عنوان اولویت‌های سه گانه مشخص کنند. طبق ملاحظات روش شناختی این بخش از پاسخ‌ها به جهت آنکه از دقت و تمرکز بیشتری برخوردار بوده است و به اصطلاح در قالب پاسخ به سؤال باز و پس از یک بار مرور مسائل به دست آمده است، قاعدتاً از ارزش و وزن بیشتری برخوردار بوده است. نتایج هر بُعد که در صفحات آتی ذکر می‌شود، حاصل از تلفیق^۱ این دو سطح می‌باشد.

۵-۱. امور آموزشی مبلغان

این بخش مربوط به مسائلی است که شناخت بهتر آن‌ها مستلزم نوعی برنامه‌ریزی آموزشی برای مبلغان است.^۲ بر اساس مطالعات اولیه در پرسشنامه نهائی ۹ مسئله برای ارزیابی وجود و شدت هر مورد به پاسخگویان عرضه گردید. نتایج پاسخ‌ها در مقوله امور آموزش مبلغان در جدول شماره ۱ انعکاس یافته است.

۱. ترکیب دو سطح (باز و بسته) از پاسخ‌ها، پس از مشورت‌های متعدد با کارشناسان بر مبنای وزن دهی دو برابر به سؤالات باز و سپس ترکیب میانگین‌های بدست آمده هر سطح با هم صورت پذیرفته است.

۲. نتایج تفصیلی این بخش قبلاً در مقاله‌ای مجزا در مجله پژوهشنامه تبلیغ و ارتباطات دینی به چاپ رسیده است.

جدول ۱. میانگین نتایج در مسائل آموزشی به تفکیک پاسخگویان

پاسخگویان کل	زنان	مردان	بنیان مدیر	بنیان جوان	پیشکسوتان	مسئله
۲/۳۷	۲/۴۲	۲/۳۷	۱/۹۸	۲/۸	۲/۰۶	فقدان برنامه‌ای منسجم برای آموزش اعتقادات
۲/۰۸	۱/۷۸	۲/۱۴	۲/۱	۲/۰۴	۲/۱۲	نبود برنامه علمی مدون و جهت‌دار برای آموزش مبلغان
۱/۸۵	۱/۳۳	۱/۹۵	۱/۸۸	۱/۹۳	۱/۷۱	عدم آشنایی طلاب با فرق و عرفان‌های جدید
۱/۸۵	۱/۷۹	۱/۸۶	۲/۰۳	۱/۷۳	۱/۸۴	فقدان مخاطب شناسی و تنظیم تبلیغ برای آن‌ها
۱/۷۹	۲/۳	۱/۶۹	۲/۱۷	۱/۵۱	۱/۸۷	آشنا نبودن مبلغین از شبهات جدید و پاسخ آن‌ها
۱/۷۷	۲/۸۳	۱/۷۱	۲/۰۸	۱/۸۹	۱/۳۱	فقدان آموزش‌هایی برای تحکیم خانواده
۱/۷۳	۲/۳۳	۱/۶۲	۱/۶۸	۱/۶۵	۱/۹	عدم آشنایی مبلغان با اصول اقناعی مخاطبان در تبلیغ
۱/۷۱	۱/۶۳	۱/۷۲	۱/۷۸	۱/۶۳	۱/۷۶	آشنا نبودن طلاب با زبان‌های خارجی
۱/۳۹	۱/۶۴	۱/۳۴	۱/۳۶	۱/۳۶	۱/۴۶	ضعف آشنایی با روش‌های مطالعه و تحقیق

طبق نتایج جدول فوق:

الف) هرچند مرز مسئله بودن به لحاظ نظری برابر با ارزش عددی ۲ قرار می‌گیرد^۱، ولی مبتنی بر نتایج واقعی به‌دست آمده این مرز برابر با نقطه میانگین همه پاسخ‌ها در نظر گرفته می‌شود که قاعدتاً در هر مورد متفاوت خواهد بود. بر اساس نتایج کل پاسخگویان این نقطه برای همه موارد ارائه شده در امور آموزشی برابر با $M=1/۸۳$ بوده

۱. همانگونه که قبلاً متذکر شدیم برای ارزیابی وجود هر مسئله در پرسشنامه از طیف پاسخ‌های پنج گزینه‌ای خیلی زیاد = ۴، زیاد = ۳، تاحدودی = ۲، کم = ۱ و هیچ = ۰ استفاده شده است.

است یعنی همه مواردی که در جدول برابر یا بیشتر از این عدد باشند از نظر نخبگان تبلیغ به عنوان مسئله اصلی تلقی می‌شوند. در این قسمت ۴ مورد اول در جدول (که با هاشور خاکستری مشخص شده‌اند) در مرز مسئله بودن قرار می‌گیرند هر چند در تفکیک پاسخگویان این موارد متغیر است.

ب) نکته مهم دیگر این است که هر چند اکثر میانگین‌های به دست آمده در هر گروه باهم تفاوت دارند ولی با اعمال روش‌های آماری مثل $T\text{-test}$ ^۱ و $Anova$ ^۲ نسبت به معنادر بودن این تفاوت اقدام شد و تنها مواردی که از این لحاظ تأیید گردید تفاوت میانگین‌ها در مسائل فقدان برنامه‌ای منسجم برای آموزش اعتقادات، آشنا نبودن مبلغین از شبهات جدید و پاسخ آن‌ها و فقدان آموزش‌هایی برای تحکیم خانواده بود. به بیان دیگر نوع گروه‌های سه گانه نخبگان تأثیر معناداری بر میانگین‌های به دست آمده در این شکل مسئله داشته‌اند و تفاوت موجود صرفاً حاصل اتفاق نبوده است.^۳

۵-۲. مسائل سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی

این مقوله از مقوله‌های شش گانه طرح شده برای پاسخگویان مربوط به مسائلی است که خاستگاه شکل‌گیری آن‌ها بیشتر متوجه سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی موجود در فضای سازمان اجتماعی و اداری حوزه‌های علمیه است. بر مبنای مطالعات اکتشافی در پرسشنامه نهائی ۱۱ عنوان مشکل و مسئله برای ارزیابی هر مورد به نخبگان امور تبلیغی عرضه گردید که در جدول ۲ نتایج استخراج شده آن به تفکیک ارائه می‌شود.

۱. Tow-way Analysis of Variance تحلیل واریانس دوطرفه یا عاملی یکی از شاخص آماری است که با استفاده از آن تأثیر دو یا چند متغیر مستقل یا به گونه مستقل یا در تعامل با یکدیگر تغییر می‌کنند تا واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند (برای توضیح بیشتر مراجعه شود به ساعی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵).

۲. رویکرد نسبت T مانند رویکرد تحلیل واریانس، برای تحلیل تفاوت بین میانگین‌ها بکار می‌رود. فرق آزمون T با تحلیل واریانس در این است که تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌های دو یا چند گروه یا نمونه بکار می‌رود، در حالی که از آزمون T صرفاً برای بررسی فرضیه برابری میانگین‌های دو نمونه استفاده می‌شود (برای توضیح بیشتر مراجعه شود به ساعی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳).

۳. مشابه این تفسیر برای مواردی که در ادامه خواهد آمد نیز صادق خواهد بود لذا این موارد صرفاً در جدول به شکل هاشور پرتقالی کم‌رنگ مشخص خواهد شد.

جدول ۲. میانگین نتایج در مسائل سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی به تفکیک پاسخگویان

مسئله	پیشکسوتان	بزرگان جوان	نخبگان مدیر	مردان	زنان	پاسخگویان کل
کمبود مرکزی برای تولید و اجرای ایده‌های جدید در تبلیغ	۲/۱۲	۲/۱۳	۲/۰۳	۲/۰۱	۲/۶۶	۲/۰۱
عدم حمایت کافی سازمان‌های تبلیغی از مبلغان	۲/۰۱	۲/۲۶	۱/۹۱	۲/۰۵	۲/۳۳	۲/۰۹
عدم انسجام و ارتباط میان نهادهای تبلیغی	۱/۷۴	۲/۰۸	۲/۰۳	۲/۰۳	۲/۰۹	۲/۰۴
عدم وجود نوعی مهندسی تبلیغی	۲/۱۱	۱/۸۵	۱/۸۳	۱/۹۱	۱/۹۷	۱/۹۲
فقدان نظام اولویت و شبکه مسائل تبلیغ	۱/۶۵	۱/۷۷	۱/۸۵	۱/۸۱	۱/۴۲	۱/۷۵
بیگانگی فضای تبلیغ با پژوهش و تحقیقات	۱/۳۳	۱/۶۸	۱/۹۱	۱/۶۸	۱/۴۲	۱/۶۴
فقدان برنامه‌های استراتژیک (کوتاه، میان و طولانی مدت) در تبلیغ	۱/۵۲	۱/۴۲	۱/۸۵	۱/۵۸	۱/۰۵	۱/۵۷
فقدان تقسیم کار کارآمد در امور تبلیغی	۱/۴۲	۱/۶۴	۱/۵۵	۱/۵۳	۱/۶۶	۱/۵۵
عدم استفاده از ظرفیت مبلغین بومی در مناطق تبلیغی	۱/۳۶	۱/۶۳	۱/۰۵	۱/۵۵	۱/۰۳	۱/۵۱
ضعف ارتباطات بین مذاهب	۱/۵۲	۱/۳۵	۱/۵۵	۱/۴۴	۱/۵۲	۱/۴۵
عدم نظارت بر سازمان‌های تبلیغی	۱/۶۶	۱/۳۴	۱/۰۳	۱/۴۴	۱/۰۳	۱/۴۲

بعضی از نتایج جدول به شرح زیر است:

الف) از آنجائی که مرز مسئله بودن در این سطح از تحلیل برای کل پاسخگویان برابر با $M = 1/73$ است، پنج مورد ابتدائی در جدول به‌عنوان مسائل اصلی سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی قرار می‌گیرند.

ب) در مورد میانگین **یگانگی فضای تبلیغ با پژوهش و تحقیقات** شاهد اختلاف معنادار در میانگین گروه‌های مبلغ مردان و زنان هستیم. درواقع نوع جنسیت پاسخگویان در اینجا نیز تأثیر معنادار در میانگین‌های به‌دست آمده داشته است.

ج) بر مبنای نتایج، اصلی‌ترین مسئله سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی از دیدگاه نخبگان جوان و مبلغان مرد، **عدم حمایت کافی سازمان‌های تبلیغی از مبلغان**، از نظر نخبگان مدیر، **عدم انسجام و ارتباط میان نهادهای تبلیغی** و در سایر گروه‌ها همانند کل پاسخگویان بوده است.

۵-۳. مسائل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها

مسائل این مقوله عمدتاً مربوط به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها است. هرچند این امور نیز غالباً توسط نهادها و سازمان‌های تبلیغی انجام می‌شود ولی از آنجائی که تأثیر زیادی بر وضعیت تبلیغی دارد با عنوان مقوله‌ای مجزا در نظر گرفته شده است. بر مبنای مطالعات اولیه در پرسشنامه نهائی ۷ عنوان مسئله، به نخبگان امور تبلیغی عرضه گردید؛ که نتایج تفکیک شده آن‌ها در جدول ۳ می‌آید.

جدول ۳. میانگین نتایج در مسائل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها به تفکیک پاسخگویان

مسئله	پیشکسوتان	نخبگان جوان	نخبگان مدیر	مردان	زنان	پاسخگویان کل
نگاه مقطعی و کوتاه‌مدت به تبلیغ	۲/۰۸	۲/۵	۲/۳۵	۲/۲۷	۲/۷	۲/۳۳
کمبود تبلیغ مداوم و ارتباط مستمر با مخاطبین	۱/۹	۲/۴۴	۲/۲	۲/۱۷	۲/۴۲	۲/۲۱
موازی کاری نهادهای مختلف در اعزام‌ها	۲/۶	۱/۴۹	۲/۴۵	۱/۹۳	۱/۸۷	۱/۹۲
محدود بودن تبلیغ به زمان‌های خاص	۱/۸۵	۱/۹۲	۱/۸۱	۱/۷۹	۲/۳	۱/۸۷
سازمان‌دهی ضعیف مبلغان	۱/۷۶	۱/۸۳	۱/۹۶	۱/۸۵	۱/۸۶	۱/۸۵

پاسخگویان	کل	زنان	مردان	نخبگان مدیر	نخبگان جوان	پیشکسوتان	مسئله
۱/۵۳	۱/۲۱	۱/۵۹	۱/۷۸	۱/۵۳	۱/۳	تضعیف و عدم توجه به نقش امام جماعت در مساجد	
۱/۳۸	۱/۲۲	۱/۴۱	۱/۳۶	۱/۵۶	۱/۱۲	بی توجهی به ایام شادی و اعیاد در اعزام‌ها	

برخی نتایج مهم جدول فوق به شرح زیر است:

الف) مرز مسئله بودن برای کل پاسخگویان برابر با $M = 1/8$ است، بنابراین پنج مورد از مسائل به عنوان مشکلات واقعی و اصلی مسائل برنامه ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها شناخته می‌شوند.

ب) در این سطح از پاسخ‌ها شاهد اختلاف معنادار در میانگین گروه‌های مبلغ در مسئله موازی کاری نهادهای مختلف در اعزام‌ها و تضعیف و عدم توجه به نقش امام جماعت در مساجد هستیم.

ج) اصلی‌ترین مسئله مقوله برنامه ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها از دیدگاه نخبگان پیشکسوت و مدیر موازی کاری نهادهای مختلف در اعزام‌ها و در سایر گروه‌ها همانند کل پاسخگویان نگاه مقطعی و کوتاه مدت به تبلیغ بوده است.

د) همان‌طور که ملاحظه می‌شود عنصر مشترک در دو مسئله اصلی مقوله برنامه ریزی و سازمان‌دهی اعزام‌ها، نقش زمان در طول فعالیت‌های تبلیغی است و به نوعی هر دوی این مسائل مفهومی مشترک دارند.

۵-۴. مسائل مربوط به ویژگی‌های ضروری مبلغان

این مقوله از مقوله‌های شش گانه مربوط به مسائل و مشکلاتی است که ریشه آن در رعایت عادات و صفاتی است که از شخص مبلغ انتظار می‌رود واجد یا فاقد آن‌ها باشد و در پرسشنامه با عنوان ویژگی‌های ضروری مبلغان برای پاسخگویان ذکر شده است.

این عنوان در پرسشنامه نهائی شامل ۱۳ مسئله بوده که برای نظرخواهی هر مورد به مبلغین نخبه عرضه گردید. در ا نتایج استخراج شده به تفکیک ارائه می گردد. در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. میانگین نتایج در مسائل مربوط به ویژگی های ضروری مبلغان به تفکیک پاسخگویان

پاسخگویان کل	زبان	عنوان	پیشگامان	پیشگامان جوان	پیشگامان	مسئله
۲/۲۴	۲/۳	۲/۲۲	۱/۸	۲/۵	۲/۲۵	ضعف معنویت و خودساختگی در میان بیشتر مبلغان
۲/۲	۲/۳	۲/۱۸	۲/۲۳	۲/۱۱	۲/۳۱	بی اطلاعی مبلغین از نیازهای مخاطبان
۱/۷۷	۲/۰۵	۱/۷۱	۱/۹	۱/۸۷	۱/۴۹	تضاد گفتار و کردار در میان مبلغین
۱/۶۷	۱/۸۳	۱/۶۴	۱/۸۵	۱/۶۶	۱/۵۲	ضعف اخلاص در منبرها
۱/۴۹	۱/۶۷	۱/۴۵	۱/۴۵	۱/۴۷	۱/۵۴	عدم رعایت زمان و طولانی صحبت کردن
۱/۴۶	۱/۶۴	۱/۴۲	۱/۴	۱/۵۷	۱/۳۵	بی ارزشی وقت در میان بیشتر طلاب
۱/۴۵	۱/۱۵	۱/۵۱	۱/۶۶	۱/۴۷	۱/۲۲	روحیه آسایش طلبی و کم تحرکی در میان مبلغان
۱/۳۹	۱/۳۹	۱/۳۹	۱/۳۲	۱/۴۷	۱/۳۵	کمبود اعتماد به نفس در میان طلاب و مبلغین
۱/۳۷	۱/۵۴	۱/۳۳	۱/۳۶	۱/۴۱	۱/۳۱	ضعف روان گوئی در تبلیغ
۱/۳۶	۱/۳۶	۱/۳۶	۱/۴۶	۱/۳۴	۱/۲۸	توجه به مسائل مادی و نرخ گذاری در میان مبلغان
۱/۳۵	۱/۳۳	۱/۳۵	۱/۶۸	۱/۲۶	۱/۱۷	عدم صرف وقت کافی در مساجد توسط امام جماعت
۱/۲۲	۱/۳۳	۱/۲	۱/۱۸	۱/۳۳	۱/۰۹	بی توجهی به زیبایی و آراستگی ظاهری
۱/۰۲	۱/۰۲	۱/۰۲	۱/۱	۱/۰۳	۰/۹۲	لهجه های محلی و لکنت در گفتار

بعضی از نتایج جدول به شرح زیر است:

الف) نقطه مسئله بودن در این مقوله برای کل پاسخگویان برابر با $M = 1/53$ است که چهار مورد ابتدائی در جدول به عنوان مسائل اصلی در این مقوله قرار می گیرند.

ب) در مورد میانگین مسئله عدم صرف وقت کافی در مساجد توسط امام جماعت شاهد اختلاف معنادار در میانگین گروه های نخبگان هستیم.

ج) اصلی ترین مسئله از مسائل مربوط به ویژگی های ضروری مبلغان از دیدگاه نخبگان مدیر و پیشکسوت بی اطلاعی مبلغین از نیازهای مخاطبان و در گروه ها دیگر همانند کل پاسخگویان مسئله ضعف معنویت و خودساختگی در میان بیشتر مبلغان بوده است.

۵-۵. مسائل مربوط به موانع و تهدیدات تبلیغ دینی

مواردی که در این مقوله طرح شده اند شامل مسائلی است که منجر به نوعی اختلال و کاهش تأثیر در فعالیت ها و فرآیندهای تبلیغی می شود و زمینه های ایجاد آن در سطوح جامعه، سازمان های حوزوی و مبلغان مشترک است. نکته مهم در این مسائل وجود نوعی بی توجهی، عدم ادراک و آگاهی در وجود این مسائل است به طوری که تأثیرات آن ها غالباً ناشناخته و مخفی است.

پس از بررسی اکتشافی، مجموع این موارد شامل ۲۲ مورد را تشکیل می دادند که در پرسشنامه نهائی برای ارزیابی وجود و شدت هر کدام، به نخبگان امور تبلیغی ارائه شد. لازم به توضیح است که بعضی از موارد به لحاظ مفهومی به موارد دیگر در مقولات قبلی نزدیک است که در تحلیلی مجزا می توان نسبت آن ها را باهم موردسنجش و تجزیه و تحلیل قرار داد. در جدول ۵ نتایج تفکیک شده پاسخگویان نسبت به مسائل طرح شده در این مقوله را نشان می دهد.

جدول شماره ۵. میانگین نتایج به تفکیک پاسخگویان به مسائل

مربوط به موانع و تهدیدات تبلیغ دینی

پاسخگویان کل	زنان	مردان	نخبگان مدیر	نخبگان جوان	پیشکسوتان	مسئله
۱/۸۵	۱/۵۸	۱/۹	۱/۸۹	۱/۸۸	۱/۷۶	غلبه مداحی به منبر در مجالس
۱/۸۳	۱/۸۳	۱/۸۳	۲/۰۳	۱/۹۵	۱/۴۳	جایگاه نامشخص تبلیغ در مجموعه فرهنگی کشور
۱/۸۲	۱/۶۱	۱/۸۵	۱/۹۲	۱/۷	۱/۸۸	عدم درک به موقع تهدیدات فرهنگی
۱/۶۳	۱/۳۳	۱/۷	۱/۷۳	۱/۶۵	۱/۵۱	مدرک گرائی حوزویان
۱/۶	۲/۰۵	۱/۵۱	۱/۶۱	۱/۵۵	۱/۷	ضعف محتوی در اکثر فعالیت های تبلیغی
۱/۵۵	۱/۸۸	۱/۴۸	۱/۴۹	۱/۷۳	۱/۳۱	جدی نگرفتن تبلیغ در میان عموم حوزویان
۱/۵۲	۱/۵۵	۱/۵۲	۱/۲۶	۱/۵۱	۱/۸	بیگانگی و بی اطلاعی از فضای ماهواره
۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۴۷	۱/۵۵	۱/۴۵	جدی نگرفتن خطر وهابیت
۱/۵	۱/۳	۱/۵۴	۱/۴۲	۱/۵۲	۱/۵۶	فقدان آینده نگری و آینده پژوهی در حوزه
۱/۴۹	۱/۴۸	۱/۴۹	۱/۶۳	۱/۴۸	۱/۳۹	عدم توانائی در تبدیل تهدیدات به فرصت ها
۱/۴۸	۱/۱۵	۱/۵۵	۱/۲۱	۱/۴۵	۱/۸	عوام زدگی تبلیغ
۱/۴۲	۱/۴۷	۱/۴۱	۱/۴۹	۱/۳۱	۱/۵۳	اشتغال جویی طلاب و مبلغان
۱/۴۲	۱/۳۹	۱/۴۲	۱/۱۶	۱/۶۱	۱/۳۶	باور نداشتن تهاجم فرهنگی
۱/۴	۱/۷۵	۱/۳۲	۱/۴۲	۱/۴۹	۱/۲۳	عدم توجه به نشاط در جامعه
۱/۴	۱/۳۹	۱/۴۱	۱/۳۷	۱/۴۹	۱/۳۱	مشکلات خانوادگی در میان طلاب و مبلغین
۱/۳۵	۱/۲۷	۱/۳۷	۱/۵۱	۱/۲۵	۱/۳۸	بی توجهی به پرسشگری جوانان
۱/۳۳	۱/۶۳	۱/۲۷	۱/۳۸	۱/۳۴	۱/۲۶	خُردنگری به مسائل (بی توجهی به مسائل کلان) در تبلیغ

پاسخگویان کل	زنان	مردان	نخبگان مدیر	نخبگان جوان	پیشکسوتان	مسئله
۱/۳۳	۱/۶۹	۱/۲۶	۱/۱۹	۱/۵	۱/۲۱	سیاست زدگی یا آلودگی ناشیانه تبلیغ به امور سیاسی
۱/۲۸	۱/۳۳	۱/۲۸	۱/۳۷	۱/۲۹	۱/۲۱	تبدیل تبلیغ انتقادی به تبلیغ توجیهی برای دولت و حکومت
۱/۲۶	۱/۵۱	۱/۲۱	۱/۳۱	۱/۲۸	۱/۱۸	غلبه شیوه‌های سنتی در تبلیغ
۱/۲۲	۱/۱۳	۱/۲۴	۱/۲۱	۱/۲۹	۱/۱۵	فقدان تعریفی مشخص از نسبت منبر و تبلیغ رسانه‌ای
۱/۱۸	۱/۱۸	۱/۱۸	۱/۲۱	۱/۲	۱/۱۲	بی‌توجهی به مسئله رشد اوقات فراغت در جامعه

بعضی از نتایج جدول به شرح زیر است:

الف) نقطه مسئله بودن در این سطح از تحلیل برای کل پاسخگویان برابر با $M = ۱/۴۷$ است که ۱۱ مورد از موارد به‌عنوان مسائل اصلی در این مقوله قرار می‌گیرند.

ب) همان‌گونه که در نتایج جدول ملاحظه می‌شود، در ۹ مورد شاهد اختلاف معنادار در میانگین میان گروه مبلغان زن و مرد هستیم.

ج) بر مبنای میانگین‌های به‌دست آمده در هر کدام از گروه‌ها، اصلی‌ترین مسئله از مسائل مربوط به موانع و تهدیدات از دیدگاه نخبگان پیشکسوت **عدم درک به‌موقع تهدیدات فرهنگی**، نخبگان جوان و مدیر جایگاه نامشخص تبلیغ در مجموعه فرهنگی کشور، مجموع مبلغان مرد مسئله **غلبه مداحی به منبر در مجالس و مبلغان زن جدی نگرفتن تبلیغ در میان عموم حوزویان** بوده است.

۵-۶. مسائل مربوط به روش‌ها و مهارت‌های تبلیغی

این مقوله مربوط به مسائلی می‌شود که ریشه‌های آن به نوع تکنیک‌های ارتباطی و مهارت‌های کلامی مبلغان در میان مخاطبان است به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن‌ها عملاً به ناکارآمدی و کاهش تأثیر تبلیغ منجر می‌شود. پس از مطالعات اکتشافی، ۲۰ مورد به عنوان مشکل و مسئله انتخاب و در پرسشنامه نهائی برای ارزیابی هر مورد به نخبگان امور تبلیغی ارائه شد.

در جدول ۶ نتایج تفکیکی پاسخگویان نسبت به مسائل مربوط به روش‌ها و مهارت‌های تبلیغی طرح شده است. جدول شماره ۴-۳۱ میانگین نتایج ترکیبی (تلفیق سؤالات باز و بسته) به تفکیک پاسخگویان نسبت به مسائل مربوط به روش‌ها و مهارت‌های تبلیغی را ارائه می‌کند.

جدول ۶. میانگین نتایج در مسائل مربوط به روش‌ها و مهارت‌های تبلیغی به تفکیک پاسخگویان

مسئله	پیشگويان	نخبگان جوان	نخبگان مدیر	مردان	زنان	پاسخگویان کل
تخصصی نبودن تبلیغ	۱/۷۸	۲/۴	۲/۴	۲/۲۳	۲/۱۶	۲/۲۲
بی‌توجهی به تقویت خردگرایی و عقلانیت دینی	۱/۷۸	۲/۲۴	۱/۳۸	۱/۶۵	۲/۹۴	۱/۸۷
ضعف نوآوری در شیوه‌های تبلیغ	۱/۶۱	۱/۸۹	۲	۱/۸۳	۱/۸۶	۱/۸۴
عدم آشنائی مبلغین با روش‌های مبلغان سایر مذاهب و..	۱/۹۳	۱/۶۸	۱/۷۹	۱/۸	۱/۷۲	۱/۷۹
ضعف ارتباط مبلغان با نوجوانان و جوانان	۱/۷۸	۱/۶۸	۱/۶۱	۱/۶۳	۱/۹۷	۱/۶۹
عدم استفاده صحیح و مناسب از رسانه‌های جمعی	۱/۶۳	۱/۴۸	۱/۸۱	۱/۶۱	۱/۶۳	۱/۶۱

پیشکسوتان	نخبگان جوان	نخبگان مدیر	مردان	زنان	پاسخگویان کل	مسئله
۱/۶۸	۱/۵	۱/۴۸	۱/۵۲	۱/۶۶	۱/۵۵	ضعف آشنایی با فضای اینترنت و تبلیغ در آن
۱/۳۳	۱/۵۵	۱/۷۶	۱/۵۹	۱/۳	۱/۵۴	آشنا نبودن با تبلیغ گروهی
۱/۵۵	۱/۵۶	۱/۳۸	۱/۴۹	۱/۶	۱/۵۱	کاربردی نبودن توصیه‌ها در منبرها
۱/۳۴	۱/۵۳	۱/۵۲	۱/۴۷	۱/۵۳	۱/۴۸	کمبود مطالعه و تکرار منبر توسط مبلغین
۱/۵۲	۱/۴۴	۱/۴۳	۱/۵	۱/۲۷	۱/۴۶	کم توجهی به معارف قرآنی در منبرها
۱/۳۱	۱/۵۱	۱/۳۶	۱/۴۲	۱/۳۹	۱/۴۱	کلی گوئی در صحبت‌ها
۱/۲۳	۱/۴۷	۱/۴۳	۱/۳۳	۱/۶۶	۱/۳۹	تکراری بودن مطالب در اکثر منبرها
۱/۳۵	۱/۲۲	۱/۵۹	۱/۳۶	۱/۳	۱/۳۵	تبلیغ انفعالی نسبت به مسائل جامعه در مقابل تبلیغ فعال
۱/۲۶	۱/۲۹	۱/۲۴	۱/۲۴	۱/۳۶	۱/۲۶	تلاش زیاد برای ایجاد شور مذهبی
۱/۲۸	۱/۲	۱/۲۹	۱/۲۷	۱/۱۴	۱/۲۵	تکیه زیاد به تحریک احساسات و عواطف مذهبی
۱/۲۲	۱/۲	۱/۳	۱/۲۲	۱/۲۵	۱/۲۳	بی‌نظمی و ضعف برنامه‌ریزی در جلسات تبلیغ
۱/۲۶	۱/۱۷	۱/۲۷	۱/۲۳	۱/۱۹	۱/۲۲	عدم استفاده از تجارب پیشکسوتان در تبلیغ
۱/۱۸	۱/۲۱	۱/۲۹	۱/۲۱	۱/۳	۱/۲۲	ضعف الگوگیری مبلغان جوان از پیشکسوتان تبلیغ
۱/۰۵	۱/۰۸	۱/۱۹	۱/۱۲	۱	۱/۱	شبهه‌پراکنی ناخواسته در میان مبلغان

بعضی از نتایج جدول به شرح زیر است:

الف) نقطه مسئله بودن در این سطح برای کل پاسخگویان برابر با $M = 1/49$ است که بر اساس نتایج جدول ۹ مورد به عنوان مسائل اصلی در این مقوله قرار می گیرند.

ب) در این سطح از تحلیل مهم ترین مسئله در میان ۲۰ مسئله مطروحه، مسئله **تخصیصی نبودن تبلیغ** با میانگین $M = 2/22$ مهم ترین مسئله است.

ج) در ۳ مورد اختلاف معنادار در میانگین میان گروه مبلغان زن و مرد وجود دارد.

د) بر مبنای نتایج میانگین های به دست آمده در هر کدام از گروه ها، اصلی ترین مسئله از مسائل مربوط به روش ها و مهارت های تبلیغی از دیدگاه تمام گروه های نخبه جز مبلغان خانم، مسئله **تخصیصی نبودن تبلیغ** است. در میان مبلغان خانم و نخبگان پیشکسوت مسئله **بی توجهی به تقویت خردگرایی و عقلانیت دینی** به عنوان مهم ترین مسئله شناخته شده است.

۵-۷. نتایج کلی و تجمیعی

در بخش های قبلی نتایج داده ها را به شکل تفصیلی و بر اساس مقوله های شش گانه طراحی شده در پرسشنامه ارائه کردیم. ولی این تفصیل ما را از بررسی و تجزیه و تحلیل داده ها در مجموع و صرف نظر از طبقه بندی های گفته شده بی نیاز نمی سازد. در واقع در این بخش تلاش خواهیم کرد اصلی ترین مسائل را در میان مجموع ۸۲ مسئله طرح شده برای کل پاسخگویان و به تفکیک گروه بندی های انجام شده مورد ملاحظه قرار دهیم. جدول ۷. نتایج مربوط به ۱۰ اولویت اصلی مسائل تبلیغ را در میان کل پاسخگویان ارائه می کند.

جدول شماره ۷. ده اولویت اصلی مسائل تبلیغ بر اساس

نتایج ترکیبی سؤالات کل پاسخگویان

اولویت	مسئله	میانگین کل پاسخگویان
اول	تخصصی نبودن تبلیغ	۴/۴۴
دوم	بی توجهی به تقویت خردگرایی و عقلانیت دینی	۳/۷۴
سوم	غلبه مداحی به منبر در مجالس	۳/۷
چهارم	ضعف نوآوری در شیوه‌های تبلیغ	۳/۶۸
پنجم	جایگاه نامشخص تبلیغ در مجموعه فرهنگی کشور	۳/۶۶
ششم	عدم درک به موقع تهدیدات فرهنگی	۳/۶۴
هفتم	عدم آشنائی مبلغین با روش‌های مبلغان سایر مذاهب و ادیان	۳/۵۸
هشتم	ضعف ارتباط مبلغان با نوجوانان و جوانان	۳/۳۸
نهم	بیگانگی و بی‌اطلاعی از فضای ماهواره	۳/۳۴
دهم	جدی نگرفتن خطر وهابیت	۳/۳

بر اساس نتایج جدول فوق به بعضی از یافته‌های مهم اشاره می‌کنیم.

الف) مسئله تخصصی نبودن تبلیغ با فاصله نسبتاً قابل توجه، اولویت اصلی در میان تمام پاسخگویان قرار گرفته است. این مسئله در میان سایر اکثر گروه‌ها نیز در اولویت بالا قرار گرفته است. بالاترین میانگین این مسئله در میان نخبگان مدیر و نخبگان جوان با $M=4/8$ می‌باشد. با توجه به اشتغال و تجربه اداری و سازمانی این عده از پاسخگویان در امور تبلیغ این نتیجه قابل تأمل می‌باشد.

ب) مسئله بی‌توجهی به تقویت خردگرایی و عقلانیت دینی با میانگین نسبتاً بالای $M=5/88$ از سوی مبلغان زن در اولویت قرار گرفته است. این در حالی است که همین مسئله در اولویت نهم مبلغان مرد قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مسئله‌شناسی تبلیغ دینی در ایران با هدف شناسایی و بررسی علمی مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌هایی که در حال حاضر جنبه‌های مختلف تبلیغ دینی در ایران (به‌ویژه ابعاد درون حوزوی آن) را در بر گرفته انجام گرفته است.

مشکل یا مسئله به‌طور معمول از نوعی ناسازگاری و عدم توازن در وضع موجود ریشه می‌گیرد و ناظر به وضعیت‌های خاص آسیب‌زایی است که عنصر یا عناصری در نسبت با مجموعه‌ای از عناصر پیوسته به هم ایجاد می‌شود. در تحلیل مسائل محیط‌های انسانی، تمایز بین جنبه‌های خرد و کلان مسائل از یکسو و فردی و اجتماعی آن‌ها از سوی دیگر بسیار مهم و درعین حال دشوار است. علاوه بر آن هر مسئله به لحاظ سطح آسیب‌زایی در مقایسه با مفاهیم مشکل، مسئله مطروحه، بحران و فاجعه قابل فهم می‌شود. آنچه روشن است ماهیت مشکلات و مسائل هرچه از سطح خرد به کلان و از حالت فردی به اجتماعی تغییر می‌یابد از نوعی سادگی به پیچیدگی تغییر می‌کند. قاعدتاً ماهیت مسئله نیز در این روند معمولاً دارای تعدد ابعاد شده و با حاد شدن شرایط مسئله کنترل آن احتیاج به تخصص‌های چندگانه دارد.

برای شناسایی و تشخیص مسائل پیرامونی در یک پدیده راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این راه‌ها، رجوع به تجربه و نظر کسانی است که به انحاء مختلف در معرض این مسائل قرار دارند. برای تحقق اهداف این طرح، مسئله اصلی ما در این پژوهش شناسایی نظرات و آراء نخبگان تبلیغ دینی اعم از کارگزاران و مبلغانی است که به‌واسطه اشتغال مداوم و مؤثر در این حیطه دارای درک عمیق‌تر از آسیب‌ها و مسائل تبلیغی هستند. در مرحله دوم اولویت‌بندی و وزن دهی این مسائل برای آگاهی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران این عرصه است تا بر اساس نتایج تحقیق بتوانند منابع انسانی و مادی خود را برای چاره‌اندیشی و حل مهم‌ترین مسائل این حوزه بکار گیرند.

نکته ضروری دیگر این است که هرچند در این مطالعه از روش‌های معمول پیمایش^۱ که مبتنی بر انتخاب و جمعیت نمونه از یک جامعه آماری خاص و تعمیم نتایج به آن است، استفاده نشده است ولی با توجه به اینکه پاسخگویان این تحقیق به نوعی جزو سرآمدان و نخبگان فعالیت‌های تبلیغی در حوزه علمیه مشهد بوده‌اند می‌توان نتایج را با درجه‌ای از اطمینان نسبت به کل این حوزه تعمیم داد.

نتایج این پژوهش به روشنی نشان داد که مهم‌ترین مسئله از دیدگاه نخبگان تبلیغی، تخصصی شدن تبلیغ است. این موضوع از زوایای مختلف احتیاج به بررسی و کنکاش دارد. آنچه در رابطه با مبلغان می‌توان گفت بیان نوعی نیاز از سوی آن‌ها برای اثربخشی هرچه بیشتر فعالیت‌های تبلیغی است. اینکه تا چه حد این نیاز از سوی نهادها و سازمان‌های تبلیغی مورد توجه قرار گرفته است و در برنامه‌ریزی‌ها به آن پرداخته شده است محل بررسی است ولی با توجه به تغییرات وسیع اجتماعی و فرهنگی در ساختار جامعه ایران در دهه‌های اخیر^۲ حرکت سریع‌تر به سوی آن ضرورتی گریزناپذیر است. درواقع محیط‌های متنوع اجتماعی در ایران به خلاف چند دهه گذشته و جدای از جنبه‌های عمومی و مشترک، به حدی از ویژگی‌های متمایز از هم رسیده‌اند که پیام‌رسانی و تبلیغ مؤثر در آن‌ها نیاز به تمرکزهای همه‌جانبه در آن‌ها دارد.

به نظر می‌رسد نتایج این تحقیق در وهله اول دست‌مایه مناسبی برای مدیران امور تبلیغی در سازمان‌ها و نهادهای تبلیغی است تا بر اساس آن بتوانند با اولویت‌بندی مسائل در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی بهتر و مؤثرتری برای کاهش اثرات منفی آن‌ها کرده و در مسیر افزایش کیفی فعالیت‌های تبلیغی تلاش نمایند.

در زمینه فعالیت‌های پژوهشی، مبتنی بر یافته‌های این تحقیق و برای تکمیل و تعمیق

1. survey

۲. مهم‌ترین این تغییرات در زمینه افزایش چشم‌گیر سواد عمومی و تخصصی، رشد کیفی و کمی رسانه‌های جمعی، جابجایی در گروه‌های مرجع، گسترش شهرنشینی و بالاخره تغییرات در نقش زنان و مردان را می‌توان نام برد.

- بیشتر آن می‌توان شبیه به این پژوهش را در محیط‌های زیر مجدداً انجام داد:
- در مراکز عمده حوزوی کشور مثل قم، تبریز، اصفهان و تهران.
 - در میان مخاطبان متنوع تبلیغ در ایران به عنوان یکی از اضلاع اصلی فعالیت‌های تبلیغ.
 - در میان عموم حوزویان و مبلغان.
 - در موضوعات و محیط‌های اصلی تبلیغی.
- مطالعه طولی این موضوع در بازه‌های زمانی خاص نیز کمک زیادی به شناخت بیشتر روند شکل‌گیری و افزایش و کاهش مسائل خواهد کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
- توسلی، حسین. (۱۳۸۰). جایگاه مسئله‌شناسی در ساماندهی پژوهش‌های دینی. فصلنامه پژوهش و حوزه، ۲(۷)، صص ۳-۱۵.
- خندان، محسن. (۱۳۷۴). تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۵). لغت‌نامه دهخدا (ت- تدجیح)، تهران: سیروس.
- رفیعی، حسن؛ مدنی قهفرخی، سعید؛ وامقی، مروّنه. (۱۳۸۷). مشکلات اجتماعی در اولویت ایران. دوفصلنامه جامعه‌شناسی ایران، ۹(۱ و ۲)، صص ۱۸۴-۲۰۸.
- ساعی، علی. (۱۳۷۷). آمار در علوم اجتماعی: کاربرد نرم‌افزار SPSS/PCT در پژوهش‌های اجتماعی (چاپ دوم). تهران: جهاد.
- ساعی، علی. (۱۳۸۶). منطق حل مسئله علمی. فصلنامه مدرس علوم انسانی (ویژه‌نامه جغرافیا)، ۱۱(۵۳). صص ۱۱۷-۱۵۲.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). روش‌شناسی مطالعات دینی (چاپ پنجم). دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- معین، محمد. (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی (چاپ بیست و دوم). تهران: امیرکبیر.
- Adler. M., & Ziglio. E. (1996). *Gazing into the Oracle: The Delphi Method and its Application to Social Policy and Public Health* Jessica Kingsley Publications.
- Gordon, T. J. (1994). *The Delphi Method in AC/UNU Millennium, Project Futures Research*.

Teddlie, C. & Tasbakkori, A. (2003). *Major Issue and Controversies in the Use of Mixed Methods in Social and Behavioral Sciences*. In C.

Teddlie, & A. Tasbakkori (Eds.), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Sciences* (pp. 3-50). Thousand Oaks, CA: SAGE.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

Adler, M., & Ziglio, E. (1996). *Gazing into the oracle: The Delphi method and its application to social policy and public health*. London: Jessica Kingsley.

Dehkhoda, A. A. (1956). *Dehkhoda Dictionary (Volume: Ta-Tadjih)*. Tehran: Cyrus. [In Persian]

Faramarz Qaramaleki, A. (2009). *Methodology of religious studies* (5th ed.). Razavi University of Islamic Sciences. [In Persian]

Gordon, T. J. (1994). *The Delphi method*. In *AC/UNU Millennium Project Futures Research*.

Khandan, M. (1995). *Islamic propagation and the science of social communication*. Tehran: Islamic Propagation Organization, The Center for Publications. [In Persian]

Moein, M. (1993). *Persian Dictionary* (22nd ed.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

Rafiei, H., Madani Qahfarokhi, S., & Vameghi, M. (2008). Social problems in the priorities of Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1-2), pp. 184-208. [In Persian]

Saei, A. (1998). *Statistics in social sciences: The application of SPSS/PCT software in social research* (2nd ed.). Tehran: Jahad. [In Persian]

Saei, A. (2007). The logic of solving scientific problems. *Modarres Humanities Journal (Special Issue on Geography)*, 11(53), pp. 117-152. [In Persian]

Teddlie, C., & Tashakkori, A. (2003). Major issues and controversies in the use of mixed methods in social and behavioral sciences. In C. Teddlie & A. Tashakkori (Eds.), *Handbook of mixed methods in social and behavioral sciences* (pp. 3-50). Thousand Oaks, CA: SAGE.

Tavassoli, H. (2001). The role of problem-identification in organizing religious research. *Pazhohesh va Howzeh Quarterly*, 2(7), pp. 3-15. [In Persian]

The Consequences of Cognitive Warfare on School Students and Strategies for Counteraction (with Emphasis on the Second Phase of the Islamic Revolution Statement)¹



Alireza Heydari Sedeh¹ 

Mehdi Omani² 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

a.heydari@cfu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Ardabil, Iran.

omanimehdi68@gmail.com

Abstract

Children and school students are the foundation of every society, and therefore their education is of paramount importance. One of the tactics employed by adversaries to dominate societies—especially students—is the initiation of cognitive wars. They attempt to capture the hearts and minds of students to prevent them from making sound decisions. This study aims to examine the consequences of cognitive warfare and the strategies for dealing with it. The research method is descriptive-analytical and conducted using a qualitative approach. The findings indicate that cognitive warfare

1. Heydari Sedeh, A., & Omani, M. (2025). The consequences of cognitive warfare on school students and strategies for counteraction (with emphasis on the Second Phase of the Islamic Revolution statement). *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 185-217.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.70386.2110>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/11/25 • **Revised:** 2025/03/15 • **Accepted:** 2025/08/02 • **Published online:** 2025/08/07

© The Authors



leads to identity transformation among students by altering their thinking patterns, inducing fear, and spreading hopelessness. Furthermore, over-engagement in virtual spaces contributes to a significant decline in academic performance. In response, the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran has provided strategies for counteraction in the “Second Phase of the Islamic Revolution” statement. Key solutions include enhancing students’ insight and discernment, strengthening their media literacy, deepening spirituality, enriching their faith, and promoting an Islamic lifestyle through persuasive methods.

Keywords

Insight Enhancement, Second Phase of the Islamic Revolution Statement, Cognitive Warfare, Fear Induction.

پیامدهای جنگ شناختی بر دانش آموزان و راهبردهای مقابله با آن (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب)^۱

 مهدی عمانی^۲
 علیرضا حیدری سده^۱

۱. استادیار، گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

a.heydari@cfu.ac.ir

۲. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

omanimehdi68@gmail.com



چکیده

کودکان و دانش آموزان هر جامعه‌ای، پایه و اساس آن جامعه بوده و به همین خاطر، تربیت این آینده‌سازان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از راه‌هایی که دشمنان برای تسلط بر آحاد جامعه به‌ویژه دانش آموزان در پیش گرفته‌اند ایجاد جنگ‌های شناختی می‌باشد. آن‌ها سعی می‌کنند با به دست آوردن قلوب و اذهان آن‌ها، مانع تصمیم‌گیری‌های درست آن‌ها شوند. هدف از پژوهش حاضر، پیامدهای این مسئله و راهبردهای مقابله با آن می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت توصیفی و تحلیلی بوده است. نحوه انجام پژوهش کیفی بوده و یافته‌های تحقیق حاکی از این است که جنگ شناختی با تغییر در نوع تفکر، هراس‌آفرینی و ایجاد یاس و ناامیدی در اذهان دانش آموزان باعث تغییر در هویت شدن آنان شده و با مشغول کردن در فضای مجازی، افت شدید تحصیلی را سبب می‌شوند. در این راستا، مقام معظم رهبری با

۱. حیدری سده، علیرضا؛ عمانی، مهدی. (۱۴۰۴). پیامدهای جنگ شناختی بر دانش آموزان و راهبردهای مقابله با آن (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب). اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴۸)، صص ۱۸۵-۲۱۷.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.70386.2110>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ ■ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



تدوین بیانیه گام دوم انقلاب راهبردهایی را برای مقابله با پیامدهای جنگ شناختی بیان فرموده‌اند. افزایش بینش و بصیرت در دانش‌آموزان، تقویت سواد رسانه‌ای آنان، تعمیق معنویت و بازورسازی ایمان و نیز ترویج سبک زندگی اسلامی و اقناع‌سازی آن‌ها از مهم‌ترین راهکارهای اشاره‌شده در این بیانیه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

بصیرت‌افزایی، بیانیه گام دوم انقلاب، جنگ شناختی، هراس‌آفرینی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

اساس و پایه هر جامعه‌ای را دانش‌آموزان آن جامعه پایه‌گذاری می‌کنند و آن نیز بستگی به هویت دانش‌آموزان خواهد داشت. به عبارت دیگر؛ هویت دانش‌آموزان، شالوده نظام آن جامعه را ایجاد می‌کند. به همین دلیل است که دولت‌ها اهمیت زیادی به تربیت آن‌ها قایل هستند؛ بنابراین چون هویت هر کشوری به هویت کودکان آن کشور بستگی دارد و از طرفی شکل‌گیری هویت نیز در دوران کودکی شکل می‌گیرد؛ بر همین اساس است که مهم‌ترین و مؤثرترین برنامه دولتمردان غربی برای مقابله با جوامع اسلامی خدشه‌دار کردن هویت دانش‌آموزان در این دوران می‌باشد. یکی از این اقداماتی که آن‌ها در سال‌های اخیر در پیش گرفته و با خدشه‌دار نمودن هویت کودکان، جوامع اسلامی را با چالش‌های جدی روبرو کرده‌اند استفاده از جنگ شناختی می‌باشد.

جنگ شناختی به عنوان علمی برای پیروزی در نبرد ذهن‌ها بوده (مقدم فر و محسنی آهویی، ۱۴۰۰: ۵۱) و شکلی غیرمتعارف از انواع چندگانه جنگ‌ها می‌باشد که در آن با استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های سایبری و فضای مجازی و با سوءاستفاده از تعصبات ذهنی و تحریفات اندیشه و همین‌طور با اعمال تأثیرات منفی بر تصمیم‌گیری‌های افراد (Claverie & Cluzel, 2022, p. 15) و با به دست آوردن قلوب و اذهان آن‌ها، مانع تصمیم‌گیری‌های درست توسط آن‌ها شده و قوه تمیز آن‌ها را از بین می‌برند. (Reczkowski & Liz, 2022, p. 55) این جنگ در حقیقت یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل بی‌نظمی و آشوب در جامعه بوده و به واسطه کنترل ذهن افراد و تسلط بر آن محقق می‌شود. کنترل ذهن نوعی عملیات روانی بوده (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۹) که به ازدحام افکار مزاحم و در نتیجه ایجاد توهم منجر می‌شود. (Je Cho & et al, 2011, p. 77) این توهمات باعث برانگیخته شدن احساسات، عواطف و افکار شده (Gloor & et al, 1982, p. 34) و در نتیجه موجب اختلال در عملکرد مغز می‌شود. (Pugh, 2018, p. 56) با اختلال در عملکرد مغز است که حق تصمیم‌گیری از فرد سلب می‌شود (Bighch, 1995, p. 14) این عملیات منجر به تفکر اجباری یا همان بردگی ذهنی می‌شود (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۰)

که با ایجاد اختلال و کنترل فرکانس‌های مغز افراد موجبات فراموشی آن‌ها را فراهم می‌آورد (مهاجری ابروانی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵) این فراموشی‌ها که به واسطه جنگ شناختی در مغز ایجاد می‌شود باعث درهم‌ریختگی ذهنی و سردرگمی می‌شود. بهترین و البته تنهاترین راه مقابله با این پدیده خطرناک، رهنمودهای مقام معظم رهبری می‌باشد که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب مورد تأکید قرار داده‌اند (عمانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۳).

از مهم‌ترین و مؤثرترین آن‌ها، افزایش بینش و بصیرت، تعمیق، معنویت، ترویج سبک زندگی اسلامی می‌باشد که بایستی جوانان ملت به آن پایبند باشند (جمشیدی حسن‌آبادی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱).

بر همین اساس، ما در این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که اهداف جنگ‌های شناختی بر دانش‌آموزان چیست؟

راهبردهای مقابله با آن‌ها با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب چه می‌باشد؟
 برای درک و فهم این منظور، در ابتدا به مفهوم شناسی جنگ شناختی، مؤلفه‌ها و ابزارهای آن، بیانیه گام دوم انقلاب بوده و بعد از آن به بررسی اهداف و سپس راهبردهای مقابله با آن‌ها با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه تحقیق

در این قسمت از پژوهش به بررسی سوابق موجود در رابطه با جنگ شناختی پرداخته و ارتباط پژوهش‌های پیشین با فعلی را بررسی خواهیم کرد.

رابرت رچکوفسکی^۱ و آندری لیس^۲ (۲۰۲۲)، در مقاله خود تحت عنوان «چیستی جنگ شناختی و چگونگی تاب‌آوری دولت^۳» بیشتر در ارتباط با مفهوم شناسی جنگ شناختی سخن گفته و فضای مجازی را از مهم‌ترین ابزار آن بیان کرده‌اند، با این حال در ارتباط با آسیب‌های آن سخنی به میان نیاورده‌اند.

1. Robert Reczkowski

2. Andrzej Lis

3. Cognitive Warfare: what is our actual knowledge and how to build state resilience?

برنارد کلاوری^۱ و فرانسوا دو کلوزل^۲ (۲۰۲۲)، در مقاله خود تحت عنوان «جنگ شناختی ظهور مفهوم شناخت در میدان جنگ»^۳ جنگ شناختی را قدرتمندتر از جنگ سخت و نظامی معرفی کرده و می‌گویند که آماج این نوع از جنگ‌ها بیشتر افراد عادی و شهروندان معمولی دولت‌ها می‌باشند که با تسخیر قلوب و اذهان آن‌ها می‌توانند به اهداف خود رسیده و سرزمینی را تسخیر کنند.

جواد رقوی (۱۴۰۲)، در مقاله خود تحت عنوان «بررسی جنگ شناختی و جهاد تبیین در گزارش قرآنی داستان حضرت موسی (علیه السلام) و دلالت‌های آن در عصر حاضر» به بررسی جنگ شناختی پرداخته و آن را شکلی غیرمتعارف از جنگ دانسته که از ابزارهای سایبری برای تغییر فرایندهای شناختی دشمن، استفاده از سوگیری‌های ذهنی یا تفکر انعکاسی طرف مقابل و برانگیختن انحرافات فکری، تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری و ممانعت از عمل چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی استفاده می‌کنند.

محمد جوانی (۱۴۰۲)، در کتاب خود با عنوان «علوم شناختی در جنگ شناختی» ضمن بررسی به حوزه‌های کاربردی علوم شناختی به اهمیت پرداختن به علوم شناختی نیز پرداخته و در آن به بررسی ساختار مغز انسان نیز پرداخته است.

حسن محبوب عشرت‌آبادی و سعید شکوری مغانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحت عنوان «جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی» می‌گویند که دولت‌ها با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت درباره ذهن و مغز افراد، برای تحقق جنگ شناختی در دو حوزه فردی و اجتماعی آماده می‌شوند که در صورت موفقیت آینده‌ای خطرناک را در پیش روی خواهیم داشت.

مهدی عمانی، جمال بیگی و بابک پور قهرمانی (۱۴۰۱)، در مقاله خود تحت عنوان «تفکر اجباری ناشی از فناوری هارپ؛ از تحریم فقهی تا لزوم جرم‌انگاری قانونی» جنگ شناختی را به‌عنوان جنگ اراده‌ها معرفی کرده و نتیجه آن را تفکر اجباری

1. Bernard Claverie

2. Francois Du Cluzel

3. Cognitive Warfare the Advent of the Concept of Cognati's in the Field of Warfare

دانسته‌اند، همچنین آن‌ها می‌گویند در عصر جدید که موسوم به عصر فناوری می‌باشد، جنگ سرد جای خود را به جنگ اراده‌ها داده است.

با بررسی سوابق پژوهشی مشخص می‌شود که در تمامی نوشتارها و پژوهش‌های پیشین نویسندگان بیشتر در رابطه با مفهوم شناسی، عوامل و بایدها و نبایدهای گرایش به جنگ شناختی پرداخته‌اند ولی در هیچ‌کدام از آن‌ها از به تأثیرات این نوع از جنگ بر دانش‌آموزان نپرداخته‌اند. از این لحاظ پژوهش حاضر با توجه به اینکه به تأثیرات بر دانش‌آموزان پرداخته و به راهبردهای مقابله با آن با رویکرد بیانیه گام دوم پرداخته است می‌توان گفت که دارای نوآوری بوده و از اهمیت فراوانی برخوردار است.

۳. مفهوم شناسی

در این قسمت از پژوهش برای درک بهتر ارتباط جنگ شناختی و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان لازم است نسبت به مفهوم شناسی متغیرهای مستقل تحقیق بپردازیم:

۳-۱. جنگ شناختی

جنگ شناختی یا به تعبیر دیگر هک شناختی نوع پیشرفته‌تری از جنگ بوده که در عصر انقلاب سایبری، همه‌گیری اینترنت و فضای سایبری به اوج خود رسیده است. (ترابی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۴) در این نوع از جنگ شهروندان عادی مخاطبین اصلی جنگ بوده (یاری، ۱۴۰۰، ص ۲۰) و مهاجمان باهدف قراردادن قوه شناخت افراد عادی و تأثیرگذاری در نگرش‌ها، باورها و عقاید آن‌ها، به اهداف کوتاه‌مدت یا بلندمدت خود دست می‌یابند. (گرجی ازندریانی و حاجی عبدالباقی، ۱۴۰۰، ص ۵۲۵) این جنگ منجر به تحمیل زیان‌های گسترده و عمیقی به اقتصاد کشور شده و همین‌طور امنیت ملی کشور را به مخاطره می‌اندازد. (حسن‌پور و حسینی، ۱۳۹۹، ص ۸۰) به دلیل شدت حملات و گستردگی خسارات آن است که آمادگی در برابر آماج چنین حملاتی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

۲-۳. بیانیه گام دوم انقلاب

در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه‌ای توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) صادر گردید. این بیانیه، ترسیمی کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب است. در این بیانیه سه محور چرایی، حال و آینده تنظیم و بررسی شده است (راجی و خاتمی، ۱۳۹۸، ص ۴۶). در محور چرایی به بررسی چیستی و چرایی به وجود آمدن انقلاب اسلامی و در محور حال به بررسی برکات این انقلاب و در محور آینده نیز به بررسی وظایف جوانان پرداخته است (منظری توکلی و کهنوجی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۸). این بیانیه از ویژگی‌های یک سند راهبردی و گام‌های هفت‌گانه آن برخوردار بوده و حاوی ترسیم تصویری مطلوب و چشم‌انداز روشنی از آینده انقلاب اسلامی است. آینده‌ای که در آن میزان توفیقات انقلاب اسلامی در هر دو ساحت مادی و معنوی رو به افزایش گذاشته و در عوض دستاورد دشمنان در مقابله با آن، رو به ضعف و کاستی دارد. این چشم‌انداز امیدبخش و خوش‌بینانه بوده و با نقش محوری جوانان برای حرکت به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی شناسانده می‌شود (غفاری هاشجین و نیکونهاد، ۱۳۹۹، ص ۴۸۷).

۴. روش تحقیق پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی تحلیلی است. در ابتدا، محقق به شناسایی و توصیف دقیق پدیده «جنگ شناختی» و پیامدهای آن بر دانش‌آموزان پرداخته است. این مرحله شامل جمع‌آوری داده‌ها از منابع معتبر، مرور ادبیات علمی و تحلیل گزارش‌های مرتبط با موضوع بوده است. هدف این بخش، ارائه تصویری جامع از وضعیت فعلی و چگونگی تأثیر جنگ شناختی بر هویت و تفکر دانش‌آموزان است. پس از توصیف، محقق به تحلیل دلایل بروز پیامدهای جنگ شناختی پرداخته است. در این مرحله، با استفاده از استدلال‌های منطقی و مستندات علمی، روابط میان متغیرها (مانند ابزارهای جنگ شناختی و اثرات آن بر هویت دانش‌آموزان) بررسی شده‌اند. همچنین، نقش فضای مجازی و فناوری‌های نوین در تشدید این اثرات مورد ارزیابی قرار گرفته است.

محقق از منابع علمی معتبر داخلی و خارجی برای بررسی مفهوم جنگ شناختی، ابزارها و پیامدهای آن استفاده کرده است. یکی از بخش‌های کلیدی پژوهش، تحلیل محتوای بیانیه مقام معظم رهبری بوده که در آن راهبردهایی برای مقابله با جنگ شناختی ارائه شده است. این تحلیل به شناسایی راهکارهایی مانند تقویت سواد رسانه‌ای، تعمیق معنویت و ترویج سبک زندگی اسلامی منجر شده است. محقق با تمرکز بر گروه هدف (دانش‌آموزان)، اثرات جنگ شناختی مانند تغییر در تفکر، هویت‌زدایی، افت تحصیلی و ایجاد ناامیدی را مورد مطالعه قرار داده است. این روش پژوهش به محقق امکان داده تا ضمن بررسی دقیق پیامدهای جنگ شناختی، راهبردهای مؤثری برای مقابله با آن پیشنهاد دهد. استفاده از بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان چارچوب نظری نیز باعث شده تا پژوهش رویکردی عملیاتی و کاربردی داشته باشد.

۵. پیامدهای جنگ شناختی

در این بخش از پژوهش به مهم‌ترین اهداف دشمن در ایجاد جنگ شناختی بر دانش‌آموزان خواهیم پرداخت.

۵-۱. تغییر در نوع نگاه و تفکر دانش‌آموزان

یکی از پیامدهای جنگ شناختی تفکر اجباری است؛ که آن نوعی از عملیات روانی است که به ایجاد فراموشی، افکار مزاحم، ایده‌ها یا ازدحام افکار و همین‌طور به ایجاد توهم منجر می‌شود (Je Cho & et all, 2011, p. 77). به‌طور کلی نوعی توهم آشنایی یا توهم تصور از خود و دیگران و همین‌طور برانگیختن احساسات را هم شامل می‌شود؛ بنابراین به عملیاتی که باعث تلقین ایده و نظریه‌ها و در نتیجه موجب ایجاد وهم می‌شود تفکر اجباری گفته می‌شود. این نوع از تفکر موجب برانگیختن احساسات شده (Gloor, 1982, p. 44)، حالات روحی و روانی انسان‌ها را مختل کرده و در نتیجه تفکر، باور و احساس مردم را تغییر می‌دهند (Bighch, 1995, p. 16). این همان بردگی ذهنی می‌باشد و متأسفانه دولت‌های غربی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران با هدف قراردادن دانش‌آموزان که

آینده‌سازان این مملکت می‌باشند، می‌خواهند تا از پایه و اساس طرز تفکر دانش‌آموزان را تغییر داده و آن‌ها را همان‌طوری که می‌خواهند تربیت کنند. همان‌طوری که رهبر معظم انقلاب نیز بارها به این نکته اشاره کرده و فرموده‌اند: «دشمنان سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیاورند که خودشان می‌پسندند. اگر جوان ایرانی به شکل آمریکا پسند و استکبار پسند رشد کرد، آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه‌های خود در ایران خرجی و هزینه‌ای نخواهد داشت. هدف آن‌ها این است که می‌خواهند دل‌ها را تسخیر کنند، می‌خواهند ذهن‌ها را تسخیر کنند» (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۴۳) دانش‌آموزی که اساس جامعه خود بوده و از زمان کودکی و نوجوانی آمریکا پسند رشد کند در زمان بزرگ‌سالی نیز تفکر آمریکایی خواهد داشت.

۵-۲. تغییر در هویت دانش‌آموزان

هویت به عنوان شخصیت یک فرد یا جامعه تعریف شده (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲) و به مجموعه ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که تفاوت فرد از دیگران یا شباهت او به دیگران را نشان می‌دهد. برای ساختن این شخصیت عناصر مختلفی به کار می‌رود (سالارنسب و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۱۶).

یکی از مهم‌ترین عناصر دخیل در ساخت هویت، عوامل شناختی می‌باشد. (Leon & et 2020, p. 14) عوامل شناختی خود متشکل از مجموعه‌ای از عوامل درونی مانند ذهنیات، ادراکات و احساسات بوده (محمودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱). و اختلال در هر کدام از این عوامل، بحران هویت را سبب خواهد شد. (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵).

با توجه به اینکه عوامل ساخت هویت، درونی بوده و شامل ذهنیات و احساسات می‌شود و چون هدف از جنگ شناختی، تسلط بر ذهن و اراده‌ها بوده و با تسلط بر ذهن او، قابلیت تفکر و اندیشه از فرد گرفته‌شده و در نتیجه او وادار به انجام عمل می‌شود (باری، ۱۴۰۰، ص ۲۰) از همین رو، دشمن به واسطه همین جنگ شناختی، سعی در اختلال در قوه تمیز و در نتیجه بحران هویت دارد. این بحران شخصیت افراد را رقم زده و

شخصیت افراد نیز شخصیت جامعه را رقم خواهد زد؛ بنابراین می‌توان گفت دانش‌آموزی که هویت خود را از دست داده باشد چگونه در آینده برای جامعه هویت‌سازی خواهد کرد؟

۵-۲-۱. مشغول‌کردن در فضای مجازی و افت تحصیلی دانش‌آموزان

برخی از کاستی‌ها و آسیب‌های محتوایی در عرصه رسانه‌ها را می‌توان در شمار نواقص جبران‌ناپذیر حوزه تعلیم و تربیت به حساب آورد. آسیب‌هایی مثل، خشونت و پرخاشگری، سستی پایه‌های ایمان و باور و گسسته شدن بنیان خانواده‌ها از جمله آن‌ها است. قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انواع رسانه به گونه‌ای است که می‌توان با تدابیر سنجیده و هوشمندانه، کاستی‌ها و آسیب‌های یادشده را از میان برداشت و یا کاهش داد؛ و به روشنگری و بصیرت‌افزایی آحاد جامعه کمک شایانی نمود. توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر به‌طور چشمگیری رشد یافته و این پیشرفت‌ها بر انواع مختلفی از جوامع و فعالیت‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده است.

با درگیر شدن جامعه جهانی با انواع سویه‌های کرونا و جایگزینی تحصیل غیرحضوری به جای تحصیل حضوری و در نتیجه استفاده دانش‌آموزان از ابزارهای الکترونیکی و ورود آن‌ها به فضای مجازی، راه را برای اعمال نفوذ دولت‌های غربی در ذهن و دل دانش‌آموزان هموار کرد. (ارسالی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۰) بنابراین چون دولت‌های غربی به دنبال فرصتی برای ضربه زدن به کشورهای اسلامی بودند، با ساخت برنامه‌هایی مخرب ولی درعین حال جذاب در دل و ذهن دانش‌آموزان نفوذ کردند. (معلم‌زاده خوراسگانی، ۱۴۰۱، ص ۶۳) کمبود و یا فقدان فقر فرهنگی از یک طرف و همین‌طور فقدان سواد رسانه‌ای از طرفی دیگر، شیرینی و جذابیت زندگی در دنیای واقعی را از افراد به‌خصوص دانش‌آموزان گرفت و در نتیجه سیر و زندگی در دنیای مجازی به جای دنیای واقعی شدت گرفت (رضایی‌نسب و فتوحی، ۱۴۰۲، ص ۵۳).

این جذابیت‌ها افت تحصیلی دانش‌آموزان را سبب شد. افت تحصیلی به کاهش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از سطح رضایت‌بخش به سطح نامطلوبی گفته می‌شود

(بدری، ۱۴۰۲: ۱) و تبدیل به معضلی جبران‌ناپذیر شده است (قائدی، ۱۴۰۲، ص ۵۳).

از آنجایی که پیامدهای افت تحصیلی در طول زمان خود را نشان خواهد داد به همین سبب دولت بایستی نسبت به این امر چاره‌سازی کرده و خود را برای مهار بحران‌های آتی آماده گرداند. البته در این زمینه زحمات بر دوش معلمان خواهد بود که با تلاش‌های مداوم و بی‌وقفه خود این بحران را تا حدودی مدیریت کنند. آموزش و افزایش آگاهی جامعه درباره استفاده امن و مؤثر از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از اهمیت بالایی برخوردار است. این آموزش شامل آموزش مهارت‌های دیجیتال، آگاهی از تهدیدات آنلاین و نحوه مقابله با آن‌ها باشد.

۵-۳. هراس آفرینی و ایجاد یاس و ناامیدی در بین دانش‌آموزان

امید و امیدواری لازمه حیات آدمی و پیشران اصلی حرکت جامعه است و بدون آن، بنیان حیات مادی و معنوی بشر فرو می‌ریزد. به همین سبب مستکبران و سلطه‌گران همواره در پی آن بوده‌اند، که با ایجاد یاس و ناامیدی، سبب عدم تحقق امید به آینده در جوامع اسلامی و به‌ویژه ایران اسلامی شوند.

امیدواری به آینده از مباحث مهمی است که از دیرباز مورد توجه تمامی جامعه شناسان، روانشناسان و سیاستمداران بوده و این امیدواری به آینده است که سرنوشت هر جامعه‌ای را رقم می‌زند. (سهیل سرو و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۸) دشمنان ایران اسلامی با علم به این مسئله، القای ناامیدی در بین نوجوانان و دانش‌آموزان را در پیش گرفته و از طریق دروغ‌گویی، تحریف و بزرگنمایی مشکلات، با ایجاد ناامیدی در بعد فردی، موجب از بین رفتن نیرو و اراده لازم افراد برای رسیدن به اهداف خود می‌شوند. (عراقی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۵۰) چون افراد ناامید، نسبت به توانایی‌های خود، باور نداشته و از آینده، تصویری نامطلوب دارند و همین امر سبب شده تا از آینده خود ترس و واهمه شدیدی داشته باشند. (صفری شالی و طوافی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸) به مجموعه تمامی این اقدامات هراس آفرینی گفته می‌شود. در حقیقت دشمن با هراس آفرینی، کودکان این مرزوبوم را که به‌عنوان آینده‌سازان این کشور می‌باشند، از آینده مأیوس کرده و با این کار آن‌ها دیگر

تمایلی برای علم‌آموزی نخواهند داشت و این بحران علم و توسعه را در کشور رقم خواهد زد.

۶. راهبردهای مقابله با آثار جنگ شناختی با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب

در این قسمت از پژوهش به مهم‌ترین راهبردهای مقابله با تأثیرات جنگ شناختی بر دانش‌آموزان با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب خواهیم پرداخت.

۶-۱. افزایش بینش و بصیرت در دانش‌آموزان

یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط افراد ملت‌ها و سلطه اجانب فقدان بصیرت می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰). در همین مورد رهبر معظم انقلاب مشکلات کشور را ناشی از بی‌بصیرتی دانسته و چنین می‌فرماید: «بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است» و در جای دیگر عامل خطا و اشتباه را بی‌بصیرتی دانسته و فرموده‌اند: اگر بصیرت نباشد، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۶). بنابراین آن چیزی که در درجه اول اهمیت قرار دارد و رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تأکید و اشاره داشته‌اند، مسئله بینش و بصیرت است. ایشان بارها بر ایجاد بینش و بصیرت در آحاد ملت به‌ویژه نسل جوان تأکید نموده‌اند (ذاکری و شیروانی شیری، ۱۴۰۱، ص ۴۸). دشمن با جریحه‌دار نمودن احساسات، عواطف، ارزش‌ها و باورهای مهم جامعه به‌ویژه نسل جوان به‌واسطه مدیریت بر ادراکات و احساسات به باور سوزی می‌پردازد (شمولی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷) و تنها راه مقابله با آن بصیرت‌افزایی است و بصیرت‌افزایی در حقیقت همان باور سازی بوده و در مقابل باورسوزی‌های دشمن قرار دارد (اکبری، ۱۳۹۹، ص ۵۰). با توجه به اینکه معلمان سهم بسیار بالایی در رشد بصیرت دانش‌آموزان دارند (قیامت و قیامت، ۱۴۰۱، ص ۲۵). بر همین اساس لازم است متولیان تعلیم و تربیت، با تقویت نهادهای تربیتی، با تربیت معلمانی دلسوز، متدین، ورزیده و با بصیرت جامعه را از چنین بحران‌هایی نجات دهند چراکه

معلمان در بسیاری از موقعیت‌ها بیشترین تأثیرگذاری را در بین دانش‌آموزان دارند.

۶-۲. تقویت سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان

پیش از گسترش نفوذ رسانه‌ها، سواد تنها در قالب خواندن و نوشتن، صحبت کردن و شنیدن معنا داشت؛ اما امروزه با قالب‌های جدید اشتراک‌گذاری اطلاعات، معنای سواد گسترده‌تر شده است. یکی از این گستره‌ها، مسئله سواد رسانه‌ای است. منظور از سواد رسانه‌ای، داشتن دانش، مهارت و توانایی‌های موردنیاز برای استفاده و تفسیر رسانه‌هاست (کانسیداین، ۱۳۷۹، ص ۲؛ باکینگهام، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

در دنیای کنونی، زندگی به استفاده از رسانه‌ها گره خورده است. از سوی دیگر، رسانه‌ها هرروزه تکامل می‌یابند و رسانه‌های جدیدی پا به عرصه ظهور می‌گذارند. بدین ترتیب هر فرد برای به‌روز شدن و به‌روزمودن اطلاعات خود، نیازمند کسب اطلاعات بیشتر و جدیدتر در این زمینه است. بدیهی است این ضرورت برای افرادی که در حوزه‌های آموزشی، تبلیغی و تبیینی فعالیت می‌کنند، بیشتر احساس می‌شود.

درعین حال یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بی‌هویتی دانش‌آموزان، ابزارهای رسانه‌ای می‌باشد. این بحث و آسیب‌های آن به حدی دارای اهمیت است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بارها آن را مورد اشاره قرار داده و در بیانیه گام دوم انقلاب نیز چنین فرموده‌اند: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایف سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد.» (عمانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴).

یکی از راهکارهایی که می‌تواند آسیب‌های ناشی از ابزارهای رسانه‌ای را خنثی کند، تقویت سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای به تفکر متکی بر مهارتی گفته می‌شود که باعث تمییز انواع رسانه‌ها و تولیدات آن‌ها از هم می‌شود (حجازی، ۱۴۰۲، ص ۲۰۸).

بنابراین دانش‌آموزان بهتر می‌توانند اطلاعات را دریافت و سپس آن را تحلیل کنند (صادقی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱). بر خورداری از این سواد و رسیدن به سطح عمیق آن، این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد تا در برابر هجوم سرسام‌آور القای پیام‌های رسانه‌ای، هویت خود را حفظ کنند (دارابی، ۱۳۹۹، ص ۴۰۰). در این راستا یکی از مهم‌ترین وظایف نهادهای تعلیم و تربیت در کشور، آگاه‌سازی خانواده‌ها و نیز گنجاندن مفاهیمی از این قبیل در کتب درسی مدارس نسبت به افزایش سواد رسانه‌ای می‌باشد. بدیهی است در صورت فقدان این سواد، التهابات سال ۱۴۰۱ که اکثر فریب‌خوردگان در سنین پایین و دانش‌آموزان بودند، تکرار خواهد شد.

۳-۶. تعمیق معنویت و بارورسازی ایمان در دانش‌آموزان

اصلی‌ترین نیاز جامعه معنویت بوده و حصول آن در جامعه، آن جامعه را سعادتمند خواهد کرد. از همین رو، برای اینکه حرکت‌های صورت گرفته در جامعه به هدف مناسب خود برسد باید همراه با معنویت بوده باشد؛ بنابراین معنویت لازمه سعادتمندی است و اگر جامعه‌ای از این اصل تهی گردد ماهیتی برای آن نمی‌توان قائل شد و این چنین جامعه‌ای نه برکتی خواهد داشت و نه دستاوردی و در چنین صورتی است که جامعه خالی از معنویت با جوامع دیگر استحاله خواهد شد. به خاطر همین اهمیت و ضرورت آن بوده است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) معنویت را جهت دهنده و نیاز اصلی جامعه معرفی کرده و در بیانیه گام دوم انقلاب چنین فرموده‌اند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.» (کرد فیروز جایی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۹). با توجه به اینکه یکی از تأثیرات جنگ شناختی از بین بردن معنویت در جامعه بوده (بیگی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۳۳) و دوران کودکی و نوجوانی نیز انعطاف‌ترین و مؤثرترین دوره در طول زندگی بشر می‌باشد، دشمن برای این دوره‌ها سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده و سعی در از بین بردن معنویت کودکان دارد (گریوانی، ۱۳۹۸، ص ۶۶). بنابراین تعمیق معنویت در دانش‌آموزان از مهم‌ترین راهکارهایی خواهد بود که به واسطه آن می‌توان به مقابله با تأثیرات مخرب جنگ

شناختی پرداخت (محمد زاده بنی طرفی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۹). معنویت به معنای برجسته‌نمودن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار و توکل در جامعه بوده و هر چه شعور معنوی در جامعه گسترده‌تر گردد، برکات الهی نیز در آن جامعه گسترده‌تر خواهد بود. به عبارت ساده‌تر، تعمیق معنویت همان بارور ساختن ایمان و عمق بخشیدن توجه به عالم معنا می‌باشد (محمد زاده بنی طرفی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۴۲). برای همین منظور لازم است متولیان امور تربیتی در مدارس با ارائه چهره عقلانی و معقول از دین، تبیین صحیح مفاهیم دینی، الگوسازی و همانندسازی، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و درنهایت ایجاد محیطی معنوی نسبت به تعمیق معنویت اهتمام ویژه‌ای را داشته باشند (جعفری و مهجوری، ۱۴۰۲، ص ۱۱). چراکه همان‌طوری که گفته شد، یکی از آثار زیان‌بار جنگ شناختی از بین بردن معنویت بوده و همان‌طوری که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید داشته‌اند بدون معنویت جامعه از حرکت باز خواهد ایستاد و در چنین حالتی است که دشمن ضربه نهایی را خواهد زد.

۴-۶. ترویج سبک زندگی اسلامی در بین دانش‌آموزان و اقلان سازی آن‌ها

هر جامعه‌ای برای گام برداشتن در مسیر تمدن سازی که هدف اصلی بیانیه گام دوم انقلاب می‌باشد، نیازمند فرهنگی پویا و بومی بوده که شاخصه‌های رفتار اجتماعی و سبک زیستن را در برگرفته باشد. از همین رو رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب سبک زندگی اسلامی را محور اصلی تمدن نوین اسلامی دانسته و فرموده‌اند: «آن چیزهایی که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد همان سبک زندگی است.» متأسفانه سیاست‌مداران غربی برای از بین بردن سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی را در بین جوانان ترویج می‌دهند که این خود زیان‌های جبران‌ناپذیری بر کشور خواهد گذاشت (عباس زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۱۵). متأسفانه در سال‌های اخیر دولت‌های غربی با استفاده از رسانه‌ها و جنگ شناختی، سبک زندگی غربی را در بین کودکان و نوجوانان این مرزوبوم ترویج داده و با دروغ‌های واهی آن‌ها را با الگوهای غربی آشنا و به آن سمت و سو سوق داده‌اند. بر این اساس لازم است تهدیدات و آسیب‌های ناشی از

فرهنگ غربی در بین کودکان و نوجوانان دبستانی و دبیرستانی تبیین گردد (حیدر نژاد و مقیمی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۰). برای تبیین این حقایق، اقناع‌سازی لازم است چراکه رهبر معظم انقلاب نیز تبیین حقیقت بدون اقناع‌سازی را مردود دانسته و چنین فرموده‌اند: «اگر ذهن قانع نشد بدن به راه نمی‌افتد» (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۳). در حقیقت اقناع‌سازی، اولین گام برای تأثیرگذاری بوده (دانش نهاد و وکیلی، ۱۴۰۱، ص ۹۹) و عبارت از فرایندی ارتباطی است که هدف اساسی آن، انتقال محتوا با تأثیرگذاری بر مخاطب است. در این فرآیند از فنون و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود (خلیفه و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲). از آنجایی که در عصر کنونی، تبیین‌های اقناعی به‌طور مداوم در ساختار فکر و اندیشه‌های انسانی صورت گرفته و تفکر دانش‌آموزان را با خطا مواجه می‌گرداند و چون بدون اقناع‌سازی تنها بیان حقیقت و شناخت نمی‌تواند مفید و مؤثر واقع شود بنابراین بر معلمان مدارس واجب است تا با اقناع‌سازی نسبت به تبیین ضرر و زیان‌های الگوهای غربی اقدام نموده و سبک زندگی اسلامی را بیشتر از پیش برای دانش‌آموزان آشکار گردانند.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

با ورود بشریت به عصر فناوری‌ها که موسوم به عصر رسانه‌ها می‌باشد، جوامع بشریت با چالش‌های جدیدی مواجه شدند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، استفاده قدرت‌های غربی از جنگ‌های شناختی بر علیه جوامع اسلامی به‌خصوص ایران اسلامی بود. جنگ شناختی در حقیقت جنگی علیه اراده‌ها بوده و آثار آن برخلاف جنگ سرد با گذشت زمان مشهود خواهد شد. هرچند شهود آثار این نوع از جنگ بعد از سال‌ها می‌باشد ولی بعد از شهود غیرقابل جبران خواهد بود. با توجه به اینکه هدف اصلی این نوع از جنگ، کودکان، نوجوانان و دانش‌آموزان است از همین رو وظایف نهادهای تعلیم و تربیت به‌مراتب بیشتر از سایر نهادها می‌باشد. در این زمینه رهبر معظم انقلاب با نگاهی حکیمانه در بیانیه گام دوم انقلاب توصیه‌هایی را برای مقابله با آثار این جنگ بیان فرموده‌اند که بایستی متولیان امر در نظر داشته باشند. در این بین افزایش بینش و بصیرت افزایشی در

درجه نخست اهمیت و تقویت سواد رسانه‌ای، تعمیق معنویت و ترویج سبک زندگی اسلامی در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. در این بیانیه که به عنوان نقشه راهی برای دولت‌ها می‌باشد، جوانان متعهد انقلابی مورد خطاب بوده و امید آن می‌رود با در نظر گرفتن این نقشه راه آثار زیان‌بار جنگ‌های شناختی نیز از بین روند.

فهرست منابع

- ارسالی، مهرباب؛ عمانی، مهدی؛ بوداقتی، زهرا؛ ممیش زاده، محمد؛ علی نسب، محمد. (۱۴۰۲). «هرزه‌نگاری و احکام فراروی آن». چهارمین کنفرانس ملی پدافند سایبری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- اکبری، عسگر. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های هویت ایرانی اسلامی در منظومه فکری». فصلنامه مطالعات ملی، ۲۱(۳) ص ۴۵.
- بدری، امیرحسین. (۱۴۰۲). «بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان». دومین کنفرانس بین‌المللی و سومین همایش ملی یافته‌های نوین در مدیریت، روانشناسی و حسابداری. تهران.
- بیگی، جمال؛ احدی، فاطمه؛ احسان پور، سید رضا؛ عمانی، مهدی. (۱۴۰۲). «جلوه‌های نقض سلامت اجتماعی با جنگ شناختی و جرم‌انگاری آن در حقوق ایران». فصلنامه روان‌شناسی سلامت و رفتار اجتماعی، ۳(۳).
- ترابی، قاسم. (۱۴۰۰). «نگاه دیگران، مقابله با جنگ شناختی، آگاهی و تاب‌آوری». ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، ۶(۱۴).
- جعفری، سید سجاد؛ مهجوری، مهدی. (۱۴۰۲). «راهکارهای ترویج و تعمیق معنویت در میان جوانان با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب». فصلنامه صیانت فرهنگی و سرمایه اجتماعی، ۳(۱).
- جمشیدی حسن‌آبادی، جواد. (۱۴۰۰). «بررسی ابعاد فقهی جهاد تبیین در برابر جنگ شناختی». فصلنامه قرآنی کوثر، ۶۸(۶).
- جوانی، محمد. (۱۴۰۲). علوم شناختی در جنگ شناختی (چاپ بیست و یکم). تهران: انتشارات میثاق.
- حجازی، اسد. (۱۴۰۲). «کاوشی پدیدارشناسانه بر تعیین مهارت‌های اساسی سواد رسانه‌ای در کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای پایه دهم». فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۹(۲).

حسن پور، حسین و حسینی، کیارش. (۱۳۹۹). «اندازه‌گیری تأثیر جنگ شناختی بر بازار ارز با استفاده از شاخص رفتار توده‌ای». فصلنامه اقتصاد دفاع، ۵(۱۷).

حیدر نژاد، علیرضا؛ مقیمی، مهدی. (۱۴۰۱). «طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر قدرت نرم». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۲۸).

خلیفه، مصطفی؛ حیدری نقد علی، سمیه؛ برومندی، لیلا؛ کرمی شیرازی، زهره. (۱۳۹۷). «به‌کارگیری شیوه اقلان‌سازی در مسائل آموزشی و تربیتی در نظام آموزشی». پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی). تهران.

دارابی، علی. (۱۳۹۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی ارتباطات. فرهنگ و رسانه. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

دانش‌نهاد، محمد؛ وکیلی، محمدحسن. (۱۴۰۱). «تبیین نگرش، راهبردها و راهکارهای رسانه در جهت تحقق تمدن اسلامی در پرتو گام دوم انقلاب اسلامی». فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، ۳(۳۳).

ذاکری، مختار؛ شیروانی شیرینی، علی. (۱۴۰۱). «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب بر مبنای مؤلفه‌های هویت‌آفرینی اسلامی ایرانی». فصلنامه مطالعات ملی، ۲۳(۱).

راجی، سید محمدحسین؛ خاتمی، سید محمدرضا. (۱۳۹۸). گام دوم؛ بیانیه راهبردی مقام معظم رهبری در خصوص گام دوم انقلاب اسلامی (چاپ اول). مشهد: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.

رضادوست، کریم؛ شریفی فرد، سعیده، فاضلی پور، سیده منا. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی فرهنگی دختران». کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما.

رضایی نسب، زهرا؛ فتوحی، سردار. (۱۴۰۲). «بررسی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهر ایلام و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن». فصلنامه پژوهش‌های یاددهی و یادگیری، ۱۸(۷۵).

رقوی، جواد. (۱۴۰۲). «بررسی جنگ شناختی و جهاد تبیین در گزارش قرآنی داستان حضرت موسی علیه السلام و دلالت‌های آن در عصر حاضر». دو فصلنامه علمی آرایه‌های ادبی قرآن، ۱(۲).

سالار نسب، عبدالمهدی؛ رشیدپور، مجید؛ حسن‌زاده، سمیه؛ شمس‌الدینی، طیب؛ رستمی، منیره؛ دهقانی، منیره. (۱۴۰۲). «بررسی بعد ایجابی تأثیر اجتماعی فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی بر فضای مجازی». فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۵(۵۹).

سهیل سرو، محمد؛ هزارجریبی، جعفر؛ عالمی، شهاب‌الدین. (۱۴۰۰). «واکاوی تحلیلی معنای امید در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی». فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۴)

شمولی، همت‌اله؛ رشید حفظ‌آباد، موسی، یعقوبی، حسین. (۱۳۹۴). «بصیرت‌گرایی و بصیرت‌افزایی، راهبردی اساسی در مقابله با جنگ نرم». فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۲(۳۵)

صادقی، زهرا؛ خداپرست، زهرا؛ کاظمی، مریم؛ صحرایی، فاطمه. (۱۴۰۲). «تأثیر سواد رسانه‌ای بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان». یازدهمین اجلاس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، تهران.

صفری شالی، رضا؛ طوافی، پویا. (۱۳۹۷). «بررسی میزان امید به آینده و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهرانی». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۹(۳۵)

عباس‌زاده، روح‌الله. (۱۴۰۱). «مؤلفه‌های هنجاری رسانه تمدن ساز بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب». فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۴)

عراقی، عبدالله؛ بیدگلی، محمد؛ رجبی ده برزویی، اصغر. (۱۴۰۱). «واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۸(۴۱)

عمانی، مهدی و بیگی، جمال و پور قهرمانی، بابک. (۱۴۰۱). «جرم‌انگاری فعالیت‌های مجرمانه ناشی از فناوری هارپ در سنجه قواعد فقهیه». فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، ۲(۸).

عمانی، مهدی و بیگی، جمال و پور قهرمانی، بابک. (۱۴۰۱). «جهاد تبیین راهبردی پیشگیرانه در قبال تفکر اجباری ناشی از فناوری هارپ». فصلنامه رهیافت‌های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۲(۱).

عمانی، مهدی؛ بیگی، جمال؛ پور قهرمانی، بابک. (۱۴۰۱). «تفکر اجباری ناشی از فناوری هارپ؛ از تحریم فقهی تا لزوم جرم‌انگاری قانونی». فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۲(۴).
عمانی، مهدی؛ بیگی، جمال؛ پور قهرمانی، بابک. (۱۴۰۱). «فناوری هارپ در سنجه هویت فرهنگی ملی». فصلنامه حقوق و مطالعات نوین، ۳(۳).

عمانی، مهدی؛ عیسی زاده، امیر؛ بوداقتی آلنی، زهرا؛ میر احدی؛ سید سعید. (۱۴۰۲). «مکانسیم راهبردی نهضت فرهنگی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نوظهور». چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دانشگاه تهران، صص ۲۸۳۶-۲۸۴۹.

غفاری هاشجین، زاهد؛ نیکونهاد، ایوب. (۱۴۰۰). «تحلیل آینده نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی». فصلنامه دانش سیاسی، ۱۶(۲).

غلامی، علیرضا. (۱۳۹۸). «نقص بصیرت جوانان در حفظ و تداوم ارزش‌های والای انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات جوانان و بصیرت، همایش سراسری دانشگاه افسری جامع امام حسین (ع).

قائدی، فاطمه. (۱۴۰۲). «افت تحصیلی دانش‌آموزان و راهکارهای مقابله با آن». پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، تهران.

قیامت، رضا؛ قیامت، اعظم. (۱۴۰۱). «نقش معلمان در افزایش بصیرت دانش‌آموزان در بزنگاه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی». اولین همایش ملی آموزش و پرورش و نهضت بیداری اسلامی (با تأکید بر نقش معلمان شهید)، تهران.

کانسیداین، دیوید. (۱۳۷۹). درآمدی بر سواد رسانه‌ای (مترجم: ناصر بلیغ). تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا.

کاوند، ندا؛ محمدی مقدم، یوسف. (۱۴۰۱). الگوی مفهومی جهاد تبیین از دیدگاه مقام معظم رهبری. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۵(۹۷)، صص ۱۵۳-۱۸۴.

کرد فیروزجایی، یار علی. (۱۳۹۹). «دلالت‌های بیانیه گام دوم انقلاب درباره معنویت»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه، ۸(۳۱).

گرچی ازندریانی، مهدی و حاجی عبدالباقی، مریم. (۱۴۰۰). «ابعاد و شیوه‌های نفوذ راهبردی دشمن در سامانه نگرشی نظام دینی از منظر آموزه‌های قرآنی و روایی»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد اسلامی، (۸۷) ص ۵۱۵-۵۴۰.

گریوانی، مسلم. (۱۳۹۸). «روش‌های تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان». فصلنامه افق تبلیغ، ۱(۱).

محبوب عشرت‌آبادی، حسن و شکوری مغانی، سعید. (۱۴۰۱). «جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی». فصلنامه مطالعات منابع انسانی، ۱۲(۲) صص ۱۵۶-۱۸۰.

محمد زاده بنی طرفی، مهدی؛ زارعی رضایی، محمدحسین؛ امدادی، احمد. (۱۴۰۱). «مطالعه شاخص‌های معنویت در منظومه فکری مقام معظم رهبری با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب». دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۲(۲۶).

محمد زاده بنی طرفی، مهدی؛ زارعی رضایی، محمدحسین؛ امدادی، احمد. (۱۴۰۱). «تعمیق معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب». فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱(۴).

محمودی، حسن؛ فتاحی، رحمت‌الله؛ نوکاریزی، محسن؛ دیانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر عوامل شناختی اجتماعی بر رفتار اشتراک دانش در جامعه دانشگاهی». فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۰(۷۸).

- معلم زاده خوراسگانی، زهرا. (۱۴۰۱). «دلایل جذابیت فضای مجازی برای نوجوانان و جوانان با ارائه راهکارهای مشاوره‌ای». دومین همایش ملی ایده‌های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- مقدم‌فر، حمیدرضا؛ محسنی آهویی، ابراهیم. (۱۴۰۰). جنگ شناختی: علم پیروزی در نبرد ذهن‌ها (چاپ اول). تهران: انتشارات تسنیم.
- منظری توکلی، علیرضا؛ کهنوجی، مرضیه. (۱۴۰۰). «تیین اهداف تربیتی بیانیه گام دوم انقلاب». فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۳)
- مهاجری ایروانی، مژگان؛ نقیعی، فاطمه؛ مطهری نیا، مرتضی. (۱۳۹۴). «سلاحی به نام پارپ، یک مطالعه مروری کلاسیک». فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، ۳(۹)
- یاری، مریم. (۱۴۰۰). «جنگ شناختی و چالش هویت‌ها». ماهنامه نامه هویت، ۶(۶۷) ص ۱۸-۲۳.
- Bighch, N. (1996). "Angels don't play this Haarp's advances in tesla technology". *Earth pulse Press*, Vol. 2, pp. 13 – 16
- Claverie, Bernard. (2022). "What Is Cognition? And how to make it one of the Ways of the War?" *Science and Technology Organization*. Vol. 4, pp. 1 – 17
- Gloor P, Olivier A, Quesney LF, Andermann F, Horowitz S. (1982). 'The role of the limbic system in experiential phenomena of temporal lobe epilepsy". *Ann Neurol*. Vol. 12, pp. 29-44
- Je Cho, Yang, Keun Song, Sook, Hyun Jang, Sang, Woo Chang, Jin, In Lee, Byung, Heo, and Kyoung. (2011). 'Simple Partial Status of Forced Thinking Originated in the Mesial Temporal Region: Intracranial Foramen Ovale Electrode Recording and Ictal PET". *Journal of Epilepsy Research*. 1(2), pp. 76 – 80
- Pugh, Joye Jeffries. (2018). "The knowledge of Good and Evil". *Sacred word published*. Vol. 2, pp. 1 – 326

Reczkowski, Robert. Lis, Andrzej. (2022). "Cognitive Warfare: what is our actual knowledge and how to build state resilience". *Bezpieczenstwo security*. Vol. 3, pp. 51 – 61

Espin Leon, Aldrin Marcel, Morenilla, Antonio Jimeno, Pertegal-Felices, Maria Luisa, Azorin Lopez, Jorge (2020), "Cultural Identity Distance Computation through Artificial Intelligence as an Analysis Tool of the Amazon Indigenous People". *A Case Study in the Waorani Community*, MDPI, Sustainability, pp. 1 – 16

References

- Abbaspour, R. (2022). Normative components of civilization-building media based on the Second Step Statement of the Revolution. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(4). [In Persian]
- Akbari, A. (2020). Components of Iranian-Islamic identity in the ideological system. *National Studies*, 21(3), 45. [In Persian]
- Araqi, A., Bidgoli, M., & Rajabi Deh Borzouei, A. (2022). Exploring the goals of enemy's cognitive warfare and resilience strategies against it with an emphasis on Quranic teachings. *Scientific Quarterly of Sacred Defense Studies*, 8(41). [In Persian]
- Arsali, M., Omani, M., Bodaqi, Z., Mamishzadeh, M., & Ali Nasab, M. (2023). Pornography and its jurisprudential rulings. *The 4th National Conference on Cyber Defense*, Islamic Azad University, Maragheh Branch. [In Persian]
- Badri, A. (2023). Investigating the factors influencing students' academic decline. *The 2nd International and 3rd National Conference on New Findings in Management, Psychology, and Accounting*. Tehran. [In Persian]
- Beigi, J., Ahadi, F., Ehsanpour, S. R., & Omani, M. (2023). Aspects of social health violation through cognitive warfare and its criminalization in Iranian law. *Journal of Health Psychology and Social Behavior*, 3(3). [In Persian]
- Bighch, N. (1996). *Angels don't play this HAARP: Advances in Tesla technology* (Vol. 2, pp. 13–16). Earthpulse Press.
- Claverie, B. (2022). What is cognition? And how to make it one of the ways of the war? *Science and Technology Organization*, (4), pp. 1–17.
- Considine, D. (2000). *An introduction to media literacy* (I. Baligh, Trans.). Tehran: General Directorate of Research and Development of IRIB. [In Persian]
- Danesh Nahad, M., & Vakili, M. H. (2022). Explaining the media's perspectives, strategies, and solutions for realizing Islamic civilization in light of the Second Step of the Islamic Revolution. *Journal of Communication Studies and Research*, 3(33). [In Persian]

- Darabi, A. (2020). *An introduction to the sociology of communication*. Tehran: Jahad Daneshgahi Publications. [In Persian]
- Espin Leon, A. M., Morenilla, A. J., Pertegal-Felices, M. L., & Azorin Lopez, J. (2020). Cultural identity distance computation through artificial intelligence as an analysis tool of the Amazon indigenous people: A case study in the Waorani community. *Sustainability*, 12, pp. 1-16.
- Gerivani, M. (2019). Methods for deepening religious beliefs in children and adolescents. *Ofogh Tabligh*, 1(1). [In Persian]
- Ghaedi, F. (2023). Academic failure of students and strategies for addressing it. *5th National Conference on Professional Research in Psychology and Counseling with a Teacher's Perspective*, Tehran. [In Persian]
- Ghaffari Hashjin, Z., & Nikoonahad, A. (2021). A foresight analysis of the Second Step Statement of the Islamic Revolution. *Journal of Political Science*, 16(2). [In Persian]
- Gholami, A. (2019). The deficiency of youth's insight in preserving and continuing the lofty values of the Islamic Revolution. In *Proceedings of the National Conference on Youth and Insight*, Imam Hossein Comprehensive University. [In Persian]
- Gloor, P., Olivier, A., Quesney, L. F., Andermann, F., & Horowitz, S. (1982). The role of the limbic system in experiential phenomena of temporal lobe epilepsy. *Annals of Neurology*, 12, pp. 29-44.
- Gorji Azandariani, M., & Haji Abdolbaqi, M. (2021). Dimensions and methods of strategic infiltration of the enemy into the cognitive system of the religious order from the perspective of Quranic and narrative teachings. *Knowledge Studies in Islamic Azad University*, (87), pp. 515-540. [In Persian]
- Hassanpour, H., & Hosseini, K. (2020). Measuring the impact of cognitive warfare on the currency market using the herding behavior index. *Journal of Defense Economics*, 5(17). [In Persian]

- Hejazi, A. (2023). A phenomenological study on identifying key media literacy skills in the 10th-grade book *Thinking and Media Literacy*. *Journal of Education and Training*, 39(2). [In Persian]
- Heydarnajad, A., & Moghimi, M. (2022). Designing a model of Islamic-Iranian lifestyle based on the Second Step Statement with emphasis on soft power. *Soft Power Studies*, 12(28). [In Persian]
- Jafari, S. S., & Mahjouri, M. (2023). Strategies for promoting and deepening spirituality among the youth based on the Second Step Statement of the Revolution. *Cultural Protection and Social Capital Quarterly*, 3(1). [In Persian]
- Jamshidi Hasanabadi, J. (2021). A jurisprudential investigation of Jihad al-Tabyin (clarification jihad) against cognitive warfare. *Kosar Quranic Quarterly*, (68). [In Persian]
- Javani, M. (2023). *Cognitive sciences in cognitive warfare* (21st ed.). Tehran: Misagh Publications. [In Persian]
- Je Cho, Y., Keun Song, S., Hyun Jang, S., Woo Chang, J., In Lee, B., Heo, K. (2011). Simple partial status of forced thinking originated in the mesial temporal region: Intracranial foramen ovale electrode recording and ictal PET. *Journal of Epilepsy Research*, 1(2), pp. 76–80.
- Kavand, N., & Mohammadi Moghaddam, Y. (2022). A conceptual model of *Jihad al-Tabyin* from the viewpoint of the Supreme Leader. *Basij Strategic Studies*, 25(97), pp. 153–184. [In Persian]
- Khalifeh, M., Heydari Naqdali, S., Borumandi, L., & Karami Shirazi, Z. (2018). Using persuasion techniques in educational and training matters in the education system. *5th National Conference on New Research in Educational and Psychological Sciences in Iran (with a participatory culture approach)*. Tehran. [In Persian]
- Kord Firuzjaei, Y. A. (2020). Implications of the Second Step Statement of the Revolution regarding spirituality. *Transcendent Politics Research*, 8(31). [In Persian]

- Mahjoob Eshratabadi, H., & Shakouri Maghami, S. (2022). Modern cognitive warfare: From cognition in combat to the realm of cognitive warfare. *Human Resource Studies*, 12(2), pp. 156–180. [In Persian]
- Mahmoudi, H., Fattahi, R., Nokarizi, M., & Diani, M. H. (2017). Investigating the effect of socio-cognitive factors on knowledge-sharing behavior in the academic community. *Journal of Library and Information Science*, 20(78). [In Persian]
- Manzari Tavakoli, A., & Kahnouji, M. (2021). Explaining the educational goals of the Second Step Statement of the Revolution. *Journal of Research in Islamic Education Issues*, 29(53). [In Persian]
- Moallemzadeh Khorasgani, Z. (2022). Reasons for the attractiveness of cyberspace for adolescents and youth, with counseling solutions. *2nd National Conference on Practical Ideas in Educational Sciences, Psychology, and Cultural Studies*, Tehran. [In Persian]
- Mohajeri Iravani, M., Naqibi, F., & Motahari Nia, M. (2015). A weapon called PARP: A classic review study. *Journal of Nurse and Doctor in Combat*, 3(9). [In Persian]
- Mohammadzadeh Bani Tarafi, M., Zarei Rezaei, M. H., & Emdadi, A. (2022). Studying the indicators of spirituality in the thought system of the Supreme Leader with an emphasis on the Second Step Statement of the Revolution. *Biannual Journal of Cultural Protection of the Islamic Revolution*, 12(26). [In Persian]
- Mohammadzadeh Bani Tarafi, M., Zarei Rezaei, M. H., & Emdadi, A. (2022). Deepening spirituality in the Second Step Statement of the Revolution. *Journal of Islamic Revolution Research*, 1(4). [In Persian]
- Moqaddamfar, H. R., & Mohseni Ahuyi, E. (2021). *Cognitive warfare: The science of victory in the battle of minds* (1st ed.). Tehran: Tasnim Publications. [In Persian]

- Omani, M., Beigi, J., & Pour Gahramani, B. (2022). Clarification jihad as a preventive strategy against coercive thinking arising from HAARP technology. *New Approaches in Jihadi Management and Islamic Governance*, 2(1). [In Persian]
- Omani, M., Beigi, J., & Pour Gahramani, B. (2022). Coercive thinking from HAARP technology: From jurisprudential sanction to the necessity of legal criminalization. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4). [In Persian]
- Omani, M., Beigi, J., & Pour Gahramani, B. (2022). Criminalization of HAARP-related criminal activities in the framework of jurisprudential rules. *Journal of Jurisprudence and New Law*, 2(8). [In Persian]
- Omani, M., Beigi, J., & Pour Gahramani, B. (2022). HAARP technology and national cultural identity. *Modern Law and Studies*, 3(3). [In Persian]
- Omani, M., Isa Zadeh, A., Bodaqi Aleni, Z., & Mir Ahadi, S. S. (2023). Strategic mechanism of the cultural movement in preventing emerging social harms. *14th International Conference on Management and Humanities Research in Iran*, University of Tehran, pp. 2836–2849. [In Persian]
- Pugh, J. J. (2018). *The knowledge of good and evil* (Vol. 2, pp. 1–326). Sacred Word Publishing.
- Qiyamat, R., & Qiyamat, A. (2022). The role of teachers in increasing students' insight in political, social, and cultural critical moments. *1st National Conference on Education and the Islamic Awakening Movement (with Emphasis on Martyr Teachers)*, Tehran. [In Persian]
- Raghavi, J. (2023). Cognitive warfare and clarification jihad in the Quranic story of Prophet Moses (PBUH) and its implications in the contemporary era. *Biannual Scientific Journal of Literary Embellishments of the Quran*, 1(2). [In Persian]
- Raji, S. M. H., & Khatami, S. M. R. (2019). *The second step: The strategic statement of the Supreme Leader regarding the second step of the Islamic Revolution* (1st ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Propagation Department. [In Persian]

- Reczkowski, R., & Lis, A. (2022). Cognitive warfare: What is our actual knowledge and how to build state resilience. *Bezpieczenstwo Security*, 3, pp. 51–61.
- Reza Dust, K., Sharifi Fard, S., & Fazelipour, S. M. (2015). Investigating the factors influencing the formation of girls' socio-cultural identity. *International Conference on Humanities, Psychology, and Social Sciences*, International Conference Center of IRIB. [In Persian]
- Rezaei Nasab, Z., & Fotouhi, S. (2023). Investigating the factors influencing the academic decline of high school students in Ilam and proposing prevention strategies. *Journal of Teaching and Learning Research*, 18(75). [In Persian]
- Sadeqi, Z., Khodaparast, Z., Kazemi, M., & Sahraei, F. (2023). The impact of media literacy on the education of students. *11th National Conference on New Research in Education, Psychology, Jurisprudence and Law, and Social Sciences*, Tehran. [In Persian]
- Safari Shali, R., & Tavvafi, P. (2018). A study on hope for the future and its influencing factors among Tehran citizens. *Welfare and Social Development Planning*, 9(35). [In Persian]
- Salar Nasab, A., Rashidpour, M., Hassanzadeh, S., Shamseddini, T., Rostami, M., & Dehghani, M. (2023). Investigating the positive social impact of Iranian-Islamic culture and identity on cyberspace. *Strategic Humanities and Islamic Studies Research Journal*, 5(59). [In Persian]
- Shomuli, H., Rashid Hefzabad, M., & Yaghoubi, H. (2015). Insight-seeking and insight-promoting as key strategies in confronting soft war. *Basirat and Islamic Education Quarterly*, 12(35). [In Persian]
- Soheil Sarv, M., Hezarjaribi, J., & Alami, Sh. (2021). An analytical examination of the meaning of hope in the statements of Ayatollah Khamenei with an emphasis on the Second Step of the Islamic Revolution. *Scientific Quarterly of Islamic Revolution Research*, 10(4). [In Persian]
- Torabi, Q. (2021). Others' views, confronting cognitive warfare, awareness and resilience. *National Security Watch Monthly*, 6(14). [In Persian]

- Yari, M. (2021). Cognitive warfare and the challenge of identities. *Identity Letter Monthly*, 6(67), pp. 18–23. [In Persian]
- Zakeri, M., & Shirvani Shiri, A. (2022). Content analysis of the Second Step Statement based on the components of Iranian-Islamic identity formation. *Journal of National Studies*, 23(1). [In Persian]

The Role of Mosques as Public-Cultural Spaces in Promoting Social Sustainability in Islamic Cities Based on Thematic Analysis (Case Study: Khorramabad)¹



Kamran Dowlatyarian¹  Mohammad Hassan Yazdani² 
Ata Ghafari Gilandeh³  Hossein Nazmfar⁴ 

1. Ph.D. Candidate, Department of Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
kamrandowlatyari@gmail.com
2. Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author).
yazdani@uma.ac.ir
3. Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
a_ghafarigilandeh@uma.ac.ir
4. Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
nazmfar@uma.ac.ir

Abstract

The mosque, as a symbol of Islam and a manifestation of the identity of Iranian-Islamic cities, is not only a place of worship but also a stronghold for promoting Islam, defending religious beliefs, and fostering human development. The present study aims to explain the role of mosques in the

-
1. Dowlatyarian, K., Yazdani, M. H., Ghafari Gilandeh, A., & Nazmfar, H. (2025). The role of mosques as public-cultural spaces in promoting social sustainability in Islamic cities based on thematic analysis (Case study: Khorramabad). *Islam and Social Studies*, 13(48), pp. 218-266.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.69760.2100>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). * **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/08/27 • **Revised:** 2025/04/10 • **Accepted:** 2025/08/02 • **Published online:** 2025/08/07

© The Authors



social sustainability of Khorramabad. The research adopts a qualitative approach based on thematic analysis. The statistical population consists of religious scholars and urban planning experts. The sampling method was purposive (snowball sampling). The main tool for data collection was semi-structured interviews, and the ATLAS.ti software was used for data coding and processing. The results indicate that mosques, as central elements of Islamic cities, can foster social sustainability in Khorramabad if supported by comprehensive planning. The study also revealed challenges such as budget shortages, weak mosque boards, one-dimensional perspectives on mosques, traditional programming, and poor management, which have contributed to citizens' limited engagement with mosques.

Keywords

Public-cultural spaces, social sustainability, mosques, thematic analysis, Khorramabad.

نقش مساجد به عنوان فضاهای عمومی - فرهنگی در ارتقای پایداری

اجتماعی شهرهای اسلامی بر اساس روش تحلیل تم

(مطالعه موردی: خرم آباد)^۱

محمدحسن یزدانی ^۲id

کامران دولتیاریان ^۱id

حسین نظم‌فر ^۴id

عطا غفاری گیلانده ^۳id

۱. دانشجو دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

kamrandowlatyari@gmail.com

۲. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).

yazdani@uma.ac.ir

۳. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

a_ghafarigilandeh@uma.ac.ir

۴. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

nazmfar@uma.ac.ir

چکیده

مسجد به عنوان نماد دین مبین اسلام و تجلی گاه هویت شهر ایرانی - اسلامی نه تنها محلی برای عبادت بلکه سنگری برای ترویج اسلام و دفاع از حریم عقیده و بستری برای انسان سازی است. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش مساجد بر پایداری اجتماعی شهر خرم آباد است. رویکرد پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل تم است. جامعه آماری پژوهش را دین پژوهان و کارشناسان شهرسازی تشکیل داده‌اند. روش

۱. دولتیاریان، کامران؛ یزدانی، محمدحسن؛ غفاری گیلانده، عطا؛ نظم‌فر، حسین. (۱۴۰۳). نقش مساجد به عنوان فضاهای عمومی - فرهنگی در ارتقای پایداری اجتماعی شهرهای اسلامی بر اساس روش تحلیل تم (مطالعه موردی: خرم آباد). اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴۸)، صص ۲۱۸-۲۶۶.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2025.69760.2100>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶ ■ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ ■ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶



نمونه‌گیری به صورت هدفمند یا (گلوله برفی) است. ابزار اصلی گردآوری اطلاعات و داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای کدگذاری و پردازش داده‌ها از محیط نرم‌افزار ATLAS.ti بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مساجد به عنوان کانون شهرهای اسلامی در صورت داشتن یک برنامه‌ریزی منسجم می‌توانند زمینه پایداری اجتماعی شهر خرم‌آباد را فراهم کنند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که مسائلی مانند، کمبود بودجه، وجود هیئت‌امنای ضعیف، نگاه تک‌بعدی به مساجد، سنتی بودن برنامه‌ها و مدیریت ضعیف از مهم‌ترین چالش‌ها و دلایلی است که عدم استقبال کم شهروندان از مساجد را به دنبال داشته است.

کلیدواژه‌ها

فضاهای عمومی - فرهنگی، پایداری اجتماعی، مساجد، تحلیل تم، شهر خرم‌آباد.

۱. مقدمه

شهرها در طول تاریخ پر فراز و نشیب بشری، به عنوان مراکز قدرت و ثروت و خاستگاه تمدن همواره از جایگاه ویژه‌ای در نزد اندیشمندان علوم شهری برخوردار بوده و از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که تمامی این تلاش‌ها با هدف ایجاد مکانی مطلوب جهت زیست و رفاه انسان شهرنشین صورت پذیرفته است (Molina-Torres, 2021, p. 266). نیمی از جمعیت جهان امروزی در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود که ۷۰ درصد جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ در محیط‌های شهری زندگی کنند (Khomenko et al, 2020, p. 9). به‌طوری‌که بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد جمعیت شهری کره زمین در سال ۲۰۳۰ به ۵ میلیارد نفر خواهد رسید (Ma, 2020, p. 2). در حقیقت می‌توان گفت که سیاره زمین به سمت شهری شدن در حال پیش روی است (آقاجانی و تقوایی، ۱۳۹۸، ص ۲۴). با این توصیفات می‌توان گفت که شهرها به‌طور فزاینده‌ای تحت سلطه ساختمان‌ها قرار گرفته‌اند و به‌عنوان آزمایشگاه‌هایی برای عرضه جاه‌طلبی‌های انسان‌ها، در میان قلعه‌های از بتن، فولاد و شیشه قرار دارند (تردست و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۹)؛ بنابراین به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر تحقیقات حوزه برنامه‌ریزی شهری در حال بررسی چگونه زیست‌پذیر کردن شهرها با رویکرد فضاهای عمومی می‌باشند (Mouratidis, 2018, p. 31; Shekhar et al, 2019, p. 69; Tonne et al, 2021, p. 5).

در این راستا رابطه انسان با محیط و فضای اطرافش از مباحث مهم و اساسی است که در حوزه طراحی فضاهای شهری مطرح می‌شود. این که فرد چگونه و در چه سیستمی خود را در پیوند عاطفی با محیط اطرافش درمی‌یابد و به آن وابسته می‌شود، پرسشی است که پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علمی سعی در یافتن پاسخی مناسب برای آن هستند (Moore, 2021, p. 24). در پاسخ می‌توان گفت که شهر موجود و فضای زنده‌ای است که برای ادامه حیات به سرزندگی و شادی اجتماعی نیازمند است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۶). فضاهای شهری چیزی به مراتب بیشتر از بُعد کالبدی آن می‌باشند و دربرگیرنده همه ابعاد وجودی ما هستند (برزگر، ۱۴۰۰، ص ۴۴). این فضاها تسهیلگری برای هم‌زمانی حضور به شمار می‌آیند که توسعه و رونق زندگی اجتماعی در میان

شهروندان، به طور قابل توجهی به این فضاها وابسته است (Cheliotis, 2020, p. 9). سطح کیفیت فضاهای عمومی اغلب نشان دهنده کیفیت کلی زندگی در جوامع شهری است، به این دلیل در بیشتر تحقیقات حوزه شهر و برنامه ریزی شهری بر اهمیت فضاهای عمومی در شهرها تأکید می شود (De Magalhães & Carmona, 2008, p. 118; Madanipour, 1996, pp. 1-237).

راپوپورت^۱ فضای شهری را به عنوان یک محیط شهری که شامل مجموعه ای از ارتباطات و تعاملات است تعریف می کند (Rapoport, 1984). پذیرش و درک فضاهای عمومی شهری از یک سو به ارتقای تعاملات اجتماعی (Sennette, 1974, p. 211-212)، جذب افراد و گروه ها، دسترسی آسان، افزایش امنیت اجتماعی، جامعه پذیری، ایجاد تصویر ذهنی مناسب و خوانا، ایجاد فضایی سرزنده زنده و پویا، افزایش احساس تعلق، افزایش حمایت اجتماعی و تأمین آسایش فیزیولوژیکی کمک خواهد کرد و از سوی دیگر احساس مالکیت و عدالت اجتماعی را در فضا امکان پذیر می کند (Lynch, 1960, p. 215; Lang, 1987, p. 211; Alexander et al, 1977, p. 619).

درواقع افراد به دلایل و به طرق مختلف درگیر تعاملات می شوند و رفتار انسان در مکان های عمومی با حضور افراد دیگر در همان فضا معنا پیدا می کند (Borowski, 2014, p. 37). به عبارتی فعالیت های انسانی افراد را گرد هم می آورد و مشاهده این اشتیاق و فعالیت ها انگیزه ای برای فعالیت های دیگر را فراهم می کند (Alexander et al, 1977, p. 740). برای مثال فرصت دیدن، شنیدن و ملاقات با دیگران می تواند مهم ترین ویژگی یک فضای شهری جذاب باشد (Gehl, 1987, p. 115). بودن در میان دیگران یک تجربه هیجان انگیز غنی را ارائه می دهد و محیطی را برای شما فراهم می کند که کیفیت و لذت خاصی دارد؛ بنابراین جذابیت فضاهای عمومی صرفاً به ساختمان های آن بستگی ندارد بلکه به حضور شهروندان و رویدادهای انسانی که در آنجا رخ می دهد بستگی دارد (Gehl, 1987, p. 186). تعاملات و روابط اجتماعی برای افراد در همه فرهنگ ها و در تمام طول عمر انسان بسیار مهم می باشند (Moulay et al, 2017, p. 68; Lelévrier, 2013, p. 412). به سخن دیگر شهروندانی

1. Rapoport

که ارتباطات و روابط اجتماعی قوی‌تری دارند میزان مرگ‌ومیر، خودکشی و ترس از جرم و جنایت پایین‌تری دارند (Steinbach, 1992, p. 188; Durkheim, 1951, p. 250)؛ و درعین حال از سلامتی جسمانی بیشتری برخوردارند (Pilisuk, 1982, 28). علاوه بر این، افرادی که در مکان‌های عمومی حضور فعال‌تری دارند روابط اجتماعی قوی‌تری و از سطح بهزیستی روان‌شناختی و شادی بیشتری برخوردارند (Mullins & Dougan, 1990, p. 379; Pellman, 1992, p. 17). همچنین وجود فضاهای عمومی شهری، برای افزایش روابط اجتماعی و به‌طور کلی برای افراد حیاتی است تا آن‌ها احساسات، احساس تعلق و همبستگی اجتماعی خود را به اشتراک بگذارند (Kweon, et al, 1998, p. 837).

مساجد یکی از مهم‌ترین مکان‌های عمومی در ساختار شهرهای اسلامی هستند که از دیرباز دارای نقش‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مختلفی بوده‌اند. مسجد یک واژه عربی به معنای مکان سجده و عبادتگاه ویژه مسلمانان است (Firman, 2022, p. 105; Ilham, 2022, p. 91; Manouchehrifar & Forester, 2021, p. 281). طبق آموزه‌های دین مبین اسلام فضاهای عمومی مانند مساجد باید به‌آسانی برای همگان در دسترس و قابل‌رؤیت باشند، این مکان‌ها فقط برای عبادت نیستند بلکه مکانی برای «وحدت»، همکاری‌های فرهنگی، ترویج گفتگوی ادیان، شکل‌دهی هویت و جمع شدن افراد بدون تبعیض نژادی و هرگونه نابرابری هستند (Campdepadrós-Cullell et al, 2021, p. 60; Rosyid, 2017, p. 7). به عبارتی دیگر این مکان‌های عمومی از یک‌سو عامل تقویت تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری هستند (Cao & Kang, 2019, p. 191)؛ و از سوی دیگر امروزه از آن‌ها به‌عنوان فضایی برای امدادسانی، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای نوجوانان، امور خیریه، محلی برای عبادت و گپ‌گفت، مکانی برای آرامش روحی انسان و تقویت سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود که مجموع این عوامل زمینه‌پایداری اجتماعی و فرهنگی در شهرها را به وجود می‌آورد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مساجد معاصر در شهر خرم‌آباد به‌منظور تحلیل جایگاه مساجد در پایداری اجتماعی-فرهنگی این شهر است. با این مقدمه سؤال اصلی پژوهش بدین شرح است که چه

ارتباطی میان کارکردهای فرهنگی-اجتماعی مساجد و پایداری اجتماعی در جوامع شهری وجود دارد؟

۲. پیشینه

در ارتباط با نقش مساجد به عنوان یک فضاهاى عمومى- فرهنگى و اثرات آن بر جامعه تحقیقات زیادى صورت پذیرفته که در این بخش به چند مورد از آنها پرداخته مى شود. مساجد همواره بر اساس اهمیت، کاربرد، قدمت تاریخی، معماری - طراحی و گردشگری در ادوار مختلف بستر ساز موضوعات مختلف پژوهشی بوده اند (Daneshmir, Spiridonoff, 2012; Hillenbrand, 1988; Alice Sabrina et al, 2010; Wiryomartono, 2009; Verkaaik, 2012). همچنین در ارتباط با نقش مساجد در ارتباط با مباحث رفاهی- اجتماعی و آموزشی- دینی تحقیقات چندی صورت پذیرفته است (Ahmed, 2014; Avcioglu, 2007; Cesari, 2005)، در ارتباط با موضوع مورد بحث تحقیقات مختلفی نقش مساجد بر همبستگی و یکپارچگی جامعه (Ceylan, 2008; Yasar, 2012)، نقش مساجد در گفتگوی بین ادیان (Klinkhammer et al, 2011; Schmid et al, 2008)، رابطه بین مساجد و آموزش های دینی و اسلامى (Ceylan, 2014; Karakoç, 2019) نقش و عملکرد ائمه جماعت در مساجد (Ucar, 2011; Spielhaus, 2012)، نقش مساجد در محله های شهری (Kuppinger, 2015)، نقش مساجد بر وضعیت زنان (Gamper, 2011; Borchard & Ceylan, 2011)، نقش مساجد در شکل دهی شخصیت فردى (Siswanto, 2019) و نقش مساجد بر پرهیز از خشونت (Ammad-ul-Haque, 2021) را بررسی کرده اند.

همچنین در تحقیقات داخلی به این موضوع از رویکردهای مختلفی نگاه کرده اند به طوری که ابروش (۱۳۹۹) پیشران های فرهنگی مساجد در مدیریت آسیب های اجتماعى را مورد واکاوى قرار داده، حسینی جبلی (۱۴۰۰) نقش مساجد در پیشگیری از کاهش جمعیت را بررسی کرده است، رحیمی سجاسی (۱۴۰۰) آسیب های اجتماعى و شکاف بین مسجد و جامعه را تبیین نموده است، قبرى نیک (۱۴۰۰) کاهش کارکردهای اجتماعى مسجد را تحلیل کرده است و در نهایت حسامی و غلامی (۱۴۰۰)

بر روی نقش مسجد و پیشگیری از طلاق و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن کار کرده‌اند. نوآوری پژوهش پیش رو در روش‌شناسی و استفاده از نرم‌افزاری نوین تحقیقات کیفی است. همچنین در این پژوهش به صورت هم‌زمان از نظرات و اندیشه‌های دین‌پروهان و متخصصین شهرسازی بهره گرفته شد که در تحقیقات دیگر کم‌تر به این مسئله توجه شده است. علاوه بر این تحقیقی با این عنوان در ارتباط با فضاهای عمومی - فرهنگی و اثرات آن بر پایداری اجتماعی شهرها در شهر خرم‌آباد صورت پذیرفته است. به‌طور کلی پژوهش حاضر کمک می‌کند تا به بینشی عمیق و دیدگاهی انسانی و درون‌گرایانه بر اساس جهان‌بینی شرکت‌کننده درباره مساجد بپردازیم تا بتوانیم جایگاه آن را بهتر تبیین کنیم.

۳- مبانی نظری

۳-۱- فضاهای عمومی و اثرات آن بر جامعه

به‌طور کلی ادبیات گسترده‌ای در ارتباط با مکان‌های عمومی و تعامل افراد در این مکان‌ها با وقوع رفتارها، الگوها و فعالیت‌ها و رضایت جمعی از محیط زندگی وجود دارد (Steg & Vlek, 2009: 312). فضاهای عمومی عرصه‌هایی هستند که برای عموم شهروندان در دسترس باشند؛ فعالیت‌های متنوع و حضور اقشار گوناگون (افراد سالخورده، جوانان، کودکان، معلولان، اقلیت‌های قومی نژادی - زبانی و سفید و سیاه) را پوشش دهند؛ مالکیت آن در اختیار بخش خصوصی نباشد و یک نهاد عمومی آن را زیر نظر بگیرد و از آن مراقبت و پشتیبانی کند (Ercan, 2010, p. 30; Madanipour, 2003, p. 279). بنابراین فضاهای عمومی عرصه تحقق طیف وسیعی از نقش‌های اجتماعی شامل تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی - مذهبی و اعتراضات اجتماعی می‌باشند (Bodnar, 2015, p. 4; Harvey, 1973, p. 110; Kohn, 2016, p. 45; Lofland, 2007, p. 218) که زمینه دل‌بستگی به مکان و پیوند عاطفی با محیط و پایداری را به وجود می‌آورند (Giuliani, 2003, pp 137-170; Scannell & Gifford, 2010, p. 3). در این راستا نظریه‌ها و روش‌های کمی زیادی نیز برای درک و مدل‌سازی رابطه بین فضاهای عمومی و الگوهای رفتاری - فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده است (Lee et al, 2017, p. 435; Rezaei et al, 2020, p. 69).

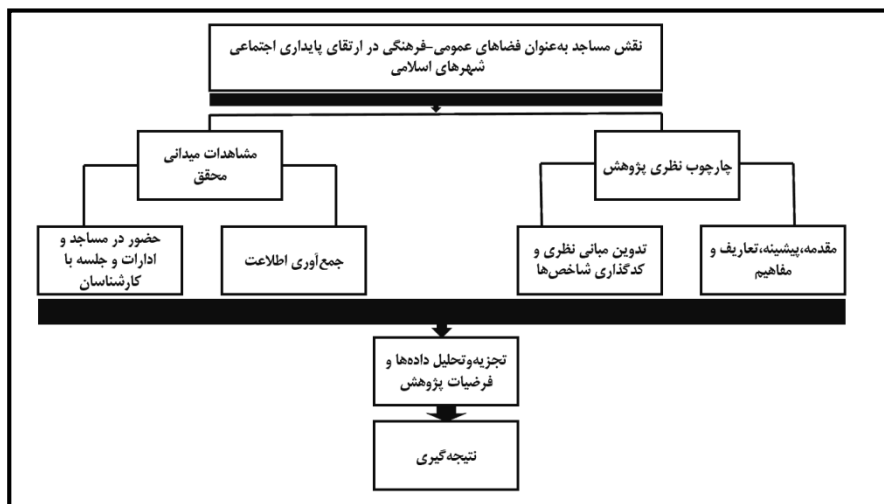
به طوری که تحقیقات نشان می دهد که دلبستگی و هویت مرتبط با محیط ها و مکان های خاص می تواند سلامت جسم- ذهن و روان را تقویت کند (Knez & Eliasson, 2017, p. 4; Hedblom et al, 2019, p. 7; Menatti et al, 2019, p. 39; Morton et al, 2017, p. 88). همچنین یافته های حاصل از تحقیقات مختلف در حوزه مکان سازی در ارتباط با فضاهاى عمومى نشان داده است که تقویت این بخش از فضاها نقش تعیین کننده ای بر سلامت اجتماعى، پیوند اجتماعى، افزایش مشارکت اجتماعى، کمک به دیگران، کاهش علائم افسردگی، افزایش رفاه عاطفی، افزایش مکالمات گاه به گاه، بهبود سلامت بارورى، کاهش استرس روانى، افزایش بهره وری، افزایش ارتباط با جامعه محلی، کاهش تروما^۱ (آسیب هایی که بر جسم و روان وارد می شود) و بهزیستی روانى جامعه دارند (Richaud & Amin, 2020, p. 99; Richaud & Amin, 2019, p. 8; Vitus, 2022, p. 409; Walther et al, 2021, p. 11; Rishbeth et al, 2019, p. 129; Dowling et al, 2020, p. 1542; Hess et al, 2019, p. 775; Daou et al, 2021, p. 60; Momartin et al, 2018, p. 158; Van der Boor et al, 2020, p. 720).

۳-۲- نقش مساجد بر پايدارى اجتماعى

مسجد به عنوان نهادى بى بدیل در حیات جامعه اسلامى، قرن ها است که نقشى چند کارکردى بر عهده گرفته است. اگرچه مساجد اغلب به عنوان عبادتگاه شناخته می شوند، اما در توسعه جوامع اسلامى دارای ابعاد آموزشى و اجتماعى قابل توجهی هستند (Cesari, 2005, p. 1019). مساجد نه تنها مکان های عبادت هستند، بلکه مراکز فرهنگى و معنوى نیز هستند که نقشى حیاتی در شکل گیرى هویت مذهبى، اجتماعى و فرهنگى مسلمانان دارند و همواره محل اصلى مطالعات دینى و انتشار معارف اسلامى بوده اند (Cheema et al, 2014, p. 2218; Hoelzchen, 2022, p. 370). خطبه های نماز جمعه، سخنرانى ها و تلاوت های منظم در مساجد منبع گران بهایی برای الهام و معرفت مسلمانان است که این امر مسجد را تبدیل به هسته اصلى فرآیند تربیت شخصیت در جامعه اسلامى می کند

1. Trauma

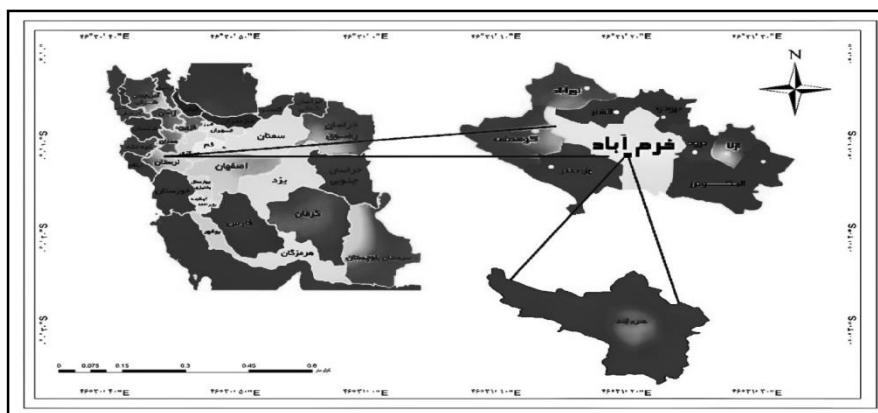
(Dana et al, 2011, p. 510). مسجد مکانی است که افراد، به ویژه نسل جوان، می توانند در مورد آموزه های اسلام، قرآن، حدیث و اعمال دینی بیاموزند (Abu-Ras et al, 2008, p. 160; Isnaini et al, 2019, p. 147). ابتکارات آموزشی و فعالیت های گفت و گوی ادیان در مساجد می تواند به درک شباهت ها و تفاوت های بین ادیان کمک کند و دریچه ای را برای درک متقابل و همکاری میان جوامع مذهبی باز کند (Everett, 2018, p. 443; Karimullah, 2023, pp. 40-56). مساجد علاوه بر نقش های اضطراری در هنگام وقوع حوادث و در ارائه خدمات اجتماعی در پایداری جوامع نیز نقش اساسی دارند. این برنامه شامل برنامه ریزی برای تغذیه افراد بی بضاعت و توزیع پوشاک است. مساجد اغلب با سازمان های خیریه و سایر آژانس های بشردوستانه برای کمک به نیازمندان همکاری می کنند. مساجد با این کار به کاهش فقر و نابرابری در جامعه کمک می کنند. همچنین مساجد نه تنها در تربیت اجتماعی جامعه نقش دارند بلکه آن ها برنامه های آموزشی را در مورد مسائل مختلف اجتماعی از جمله آموزش خانواده، بهداشت باروری و حقوق زنان سازمان دهی می کنند. این برنامه ها به افزایش آگاهی و درک عمومی از مشکلات مربوطه کمک می کند که می تواند منجر به تغییر رفتار مثبت و بهبود رفاه اجتماعی شود (Karimullah, 2023, pp. 40-56). مراقبت های بهداشتی یکی دیگر از حوزه هایی است که مساجد اغلب در آن سهم قابل توجهی دارند. برخی از مساجد دارای کلینیک یا مراکز بهداشتی هستند که خدمات پزشکی ضروری را به محرومان ارائه می دهند. مساجد همچنین می توانند کمپین های بهداشتی، مانند واکسیناسیون یا بررسی های بهداشتی رایگان را سازمان دهی کنند (Chaudhary et al, 2019, p. 1690; Tamura et al, 2022, pp. 1-16). در نهایت باید گفت که مساجد از طریق آموزه های اخلاقی و تربیت شخصیت، به آموزش و تربیت افراد مسئولیت پذیر، صادق و دلسوز نسبت به دیگران کمک می کنند. این امر تأثیر مثبتی بر جامعه اسلامی می گذارد، زیرا شخصیت مستحکم، اساس مدیریت خوب و مشارکت پایدار اجتماعی است، علاوه بر این وجود این مکان های فرهنگی - عمومی می تواند به جلوگیری از افراط گرایی کمک کند. این مکان ها می توانند درک صحیح از دین، تساهل و همکاری را در میان مؤمنان با ایمان آموزش دهند که کلید ایجاد یک جامعه صلح آمیز و هماهنگ است (Karimullah, 2023, pp. 40-56).



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

۴. محدوده مورد مطالعه

شهر خرم‌آباد مرکز استان لرستان است، جمعیت این شهر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران معادل ۳۷۳/۴۱۶ نفر بوده است شهرستان خرم‌آباد با موقعیت جغرافیایی به طول ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۲۹ دقیقه شمالی در ارتفاع ۱۱۷۱ متری از سطح دریا قرار دارد.



شکل (۲). موقعیت جغرافیایی شهر خرم‌آباد. منبع: نگارندگان. ۱۴۰۳

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر منطق اجرا از نوع قیاسی - استقرایی، از نظر رویکرد یک پژوهش کیفی و راهبرد تحقیق آن بر تحلیل تم یا که در اصطلاح لاتین به آن تحلیل تماتیک (Thematic Analysis) نیز اطلاق می‌شود، استوار است. استفاده از مطالعات کیفی به‌ویژه روش تحلیل تم زمانی ضرورت پیدا می‌کند که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد مطالعه وجود داشته باشد و یا اینکه در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، فقدان یک چارچوب نظری که به صورتی جامع به تبیین موضوع پردازد، مشهود باشد. (Thomas, 2003, pp. 237-146). داده‌های روش تحلیل تم می‌تواند متن‌ها یا مصاحبه باشد. به‌طور کلی هیچ رویکرد خاصی برای شروع مطالعه در تحلیل تم وجود ندارد، بلکه پژوهشگر ابتدا باید الگوهای معنی و موضوعات مدنظر خود را از درون داده‌ها انتخاب کند، سپس با کدگذاری در مرحله‌ی اولیه و تکرار چندین باره‌ی روند کار بین مجموعه‌ی داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده، الگوهای مدنظر را شناسایی و تحلیل کند. قرار گرفتن کدهای مشابه در کنار یکدیگر، به شکل‌گیری دسته‌های مفهومی منجر می‌شوند. دسته‌های مفهومی با یکدیگر تم‌های فرعی و تم‌های فرعی مشابه نیز تم‌های اصلی را می‌سازند. قضاوت پژوهشگر در انتخاب تم، جزء جدایی‌ناپذیر روش تحلیل تم است (Braun & Clarke, 2006, p. 100). دو روش برای رسیدن به تم‌ها وجود دارد، روش استقرایی و روش قیاسی. در روش استقرایی یا پایین به بالا تم‌های شناسایی شده ارتباط محکمی با خود داده‌ها دارند. در این شیوه داده‌های متنی یا غیر متنی کدگذاری شده و کدهای شبیه به هم در یک تم قرار می‌گیرند. پس به‌طور منطقی تم‌های از قبل تعریف‌شده وجود ندارد و الگوها در طول تحلیل آشکار می‌شوند؛ اما در روش قیاسی یا بالا به پایین، پژوهشگر پیش از کدگذاری تم‌هایی را تعریف می‌کند و سپس کدها را به تم‌های موجود نسبت می‌دهند، لذا می‌توان گفت که تحلیل تم استقرائی داده محور است و تحلیل تم قیاسی، پژوهشگر محور (حمیدی زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۵). در این پژوهش از روش تحلیل تم استقرایی شش

مرحله براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم و ضبط صدا استفاده شده است. در آغاز هر مصاحبه، از شرکت‌کنندگان خواسته شد مشخصات فردی خود را بیان کنند و بعد در مورد مصاحبه، پژوهش و هدف آن، برای آن‌ها توضیحاتی ارائه گردید. با توضیح در مورد سبب ضبط مصاحبه و اطمینان دادن به مصاحبه‌شوندگان که صحبت‌ها و نام آن‌ها محرمانه خواهد بود. در نهایت پس از انجام مصاحبه با ۱۶ تن از افراد، اشباع نظری حاصل شد. روش نمونه‌گیری پژوهش به صورت هدفمند است یعنی ابتدا از کارشناسان این حوزه (طلاب و دین‌پژوهان) و تعدادی از کارشناسان و مهندسين امور برنامه‌ریزی شهری مصاحبه به عمل آمده است. همچنین روش مورد استفاده در نمونه‌گیری این تحقیق گلوله برفی می‌باشد. روش نمونه‌گیری گلوله برفی، روشی است که بر اساس آن، واحدهای نمونه ضمن ارائه اطلاعات در مورد خود، درباره واحدهای دیگر جامعه نیز اطلاعاتی را در اختیار محقق قرار می‌دهند (Corbin & Strauss, 2015, p. 431). بازه زمانی مصاحبه‌ها بین ۳۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. در هر گروه از فعالیت‌ها به روش مصاحبه نیمه ساختاریافته، تعداد حجم نمونه تا زمانی ادامه پیدا کرد که نمونه جدید اطلاعاتی را بر اطلاعات پیشین محققین نیفزاید و اشباع نظری حاصل شود.

در نهایت گام‌بندی پژوهش در مرحله اول بدین صورت بود که در ابتدا صداهای ضبط‌شده برای مصاحبه و فایل‌های دست‌نویس، به صورت منسجم تایپ و دسته‌بندی شدند. در مرحله دوم پس از تحلیل و سازمان‌دهی داده‌ها در گروه‌های معنادار، کدهای اولیه ایجاد شدند و با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti 9 v9.0.20.0 تحلیل شد. این نرم‌افزار ضمن سهولت بخشیدن به امر کدگذاری داده‌های به دست آمده، نمودارهای بصری و ذهنی مختلفی از فراوانی و تکرار کدگذاری‌ها در گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را در

1. Braun & Clarke

اختیار قرار می‌دهد. تصاویر بصری کدها یا به اصطلاح ابر کدها در حقیقت نشان‌دهنده میزان تکرار یک مقوله از جانب افراد مصاحبه‌شونده است. شکل (۶). در مرحله سوم با تمرکز بر تحلیل در سطحی وسیع‌تر، پس از حصول اطمینان از اینکه تم‌ها غیر تکراری و در عین حال کلان و دربرگیرنده تمامی ایده‌های مطرح‌شده باشند؛ کدهای مختلف در قالب تم‌ها شناسایی و مرتب شدند. گام چهارم که شامل تجزیه و تحلیل تم‌ها است، تم‌های مشابه در گروه‌های منسجم (بر اساس محتوا) دسته‌بندی شدند و عناوین کوتاه و مناسب با قابلیت انتقال مفهوم به خواننده برای مضامین اصلی انتخاب گردیدند. در گام پنجم تم‌ها تعریف شدند و در گام ششم شبکه تم‌ها برای گزارش دهی علمی مورد بررسی قرار گرفت و به تحلیل نهایی اقدام گردید. جدول (۱). خلاصه‌ای از مراحل روش تحقیق و جدول (۲) مشخصات توصیفی افراد مصاحبه‌شونده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۱). خلاصه مراحل پژوهش

مراحل	هدف	جامعه آماری	روش نمونه‌گیری	حجم نمونه	ابزار گردآوری	روش تحلیل
۱	نقش مساجد بر پایداری اجتماعی شهر خرم‌آباد	دین پژوهان	گلوله برفی	دین پژوه (۱۰). کارشناس شهری (۶)	مصاحبه نیمه ساختاریافته	تحلیل تم
۲	شناسایی مؤلفه‌های کلیدی و چالش‌ها موجود	شهرسازان	گلوله برفی	اشباع نظری (۱۶ نمونه)	مصاحبه نیمه ساختاریافته	ATLAS.ti

(منبع: یافته‌های پژوهش. ۱۴۰۳)

جدول (۲). مشخصات توصیفی افراد مصاحبه‌شونده در پژوهش.

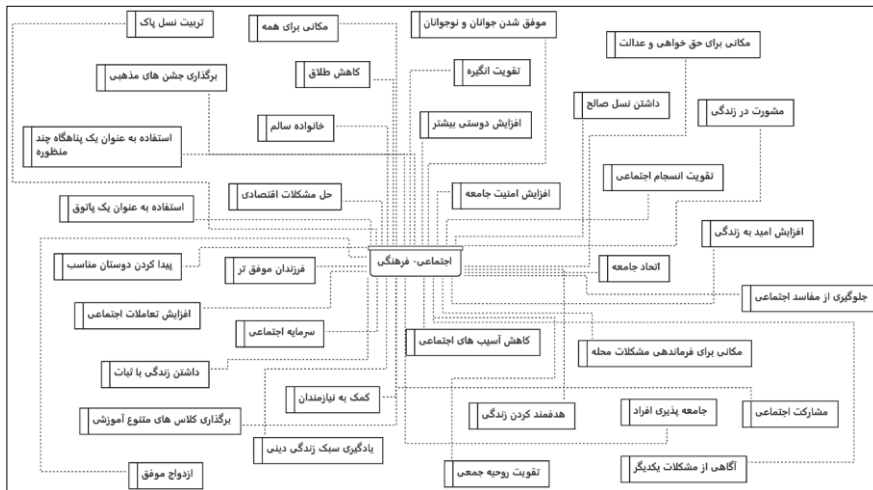
شماره	مصاحبه‌شونده	شغل	جنسیت	زمان مصاحبه‌ها
۱	کارشناس دینی	دکتری علوم اجتماعی	زن	۳۵
۲	کارشناس دینی	روحانی	مرد	۳۵
۳	کارشناس دینی	روحانی	مرد	۴۵
۴	کارشناس دینی	روحانی	مرد	۴۵
۵	کارشناس دینی	روحانی	مرد	۵۰
۶	کارشناس دینی	دکتری فلسفه اسلامی	زن	۴۵
۷	کارشناس دینی	دکتری ادیان	زن	۶۰
۸	کارشناس دینی	دکتری معارف	مرد	۴۰
۹	کارشناس دینی	روحانی	مرد	۵۰
۱۰	کارشناس دینی	روحانی	مرد	۳۵
۱۱	کارشناس امور شهری	مسئول زیباسازی	مرد	۴۰
۱۲	کارشناس امور شهری	مهندس نقشه‌بردار	مرد	۴۵
۱۳	کارشناس امور شهری	مهندس فضای سبز	مرد	۴۵
۱۴	کارشناس امور شهری	مهندس راه ساختمان	مرد	۴۵
۱۵	کارشناس امور شهری	مهندس شهرسازی	مرد	۴۰
۱۶	کارشناس امور شهری	کارشناس محیط‌زیست	مرد	۵۰

(منبع: یافته‌های پژوهش. ۱۴۰۳)

۶. بحث و یافته‌ها

۶-۱. تم اول: اثرات اجتماعی - فرهنگی مساجد بر پایداری اجتماعی

اغلب مصاحبه‌شوندگان، در اولین مواجهه با موضوع تحقیق پیرامون تبیین میزان اثرگذاری فضاهای عمومی - فرهنگی بر پایداری اجتماعی شهرها به ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی اشاره کردند که به صورتی عمده، تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدامات در پایداری اجتماعی شهر خرم‌آباد هستند.



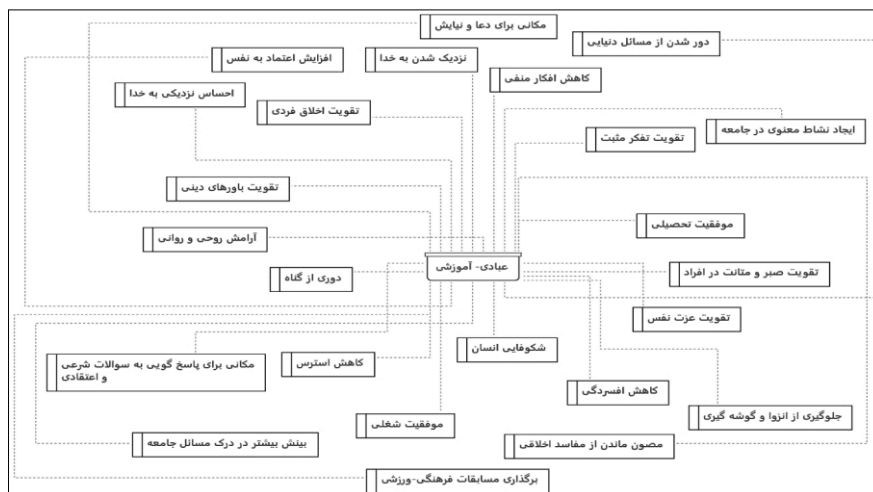
شکل (۳). نمودار کدهای اجتماعی- فرهنگی استخراج شده حاصل از مصاحبه. منبع یافته‌های پژوهش. ۱۴۰۳

در تفسیر شکل (۳) می‌توان گفت که مساجد علاوه بر نقش تربیتی، در ابعاد اجتماعی جامعه اسلامی نیز نقش اساسی دارند. مساجد از طریق فعالیت‌های اجتماعی مانند تهیه غذا و پوشاک برای فقرا و برنامه‌های کمک‌های اجتماعی شبکه‌ی اجتماعی قدرتمندی را ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، مسجد به عنوان مکانی برای گفتگو بین جوامع مذهبی و محلی برای بحث در مورد مسائل اجتماعی مرتبط با جامعه و محله عمل می‌کند. همچنین مساجد علاوه بر تعلیمات دینی، در انتقال ارزش‌های اجتماعی مهم جامعه اسلامی نیز نقش دارند. افراد می‌توانند در داخل مسجد با اخلاق اسلامی، صلح و دوستی و مسئولیت و مشارکت اجتماعی آشنا شوند؛ با این توصیفات، مساجد به جامعه‌پذیری افراد از نظر رفتار و تعامل اجتماعی کمک می‌کند که مجموع این عوامل پیامدهای مهمی در ساختن جامعه‌ای متمدن و عادلانه دارد.

۲-۶. تم دوم: اثرات عبادی- آموزشی مساجد بر پایداری اجتماعی

در ادامه نگارندگان به تفسیر شکل (۴) پرداخته‌اند و نتایج کار خود را بدین صورت شرح داده‌اند که کارکرد آموزشی در مساجد موضوعی است که علایق علمی و

اجتماعى قابل توجهى را در متن جوامع اسلامى بر مى انگيزد. مسجد به عنوان يك نهاد مركزى در زندگى مسلمانان، به عنوان يك عبادتگاه و يك مركز آموزشى است كه نقش مهمى در شكل دادن به فهم دينى، اخلاق و فرهنگ مسلمانان دارد. مسجد مكانى است كه افراد به ويژه نسل جوان، مى توانند در مورد آموزه هاى اسلام، قرآن، حديث و اعمال دينى كه در مساجد انجام مى شود مى توانند اصول اسلام را بهتر درك كنند، عبادات را به درسى انجام دهند و رابطه خود را با خدا تقويت كنند. شكل (۴). اثرات عبادى- آموزشى مساجد بر جامعه را به نمايش مى گذارد.

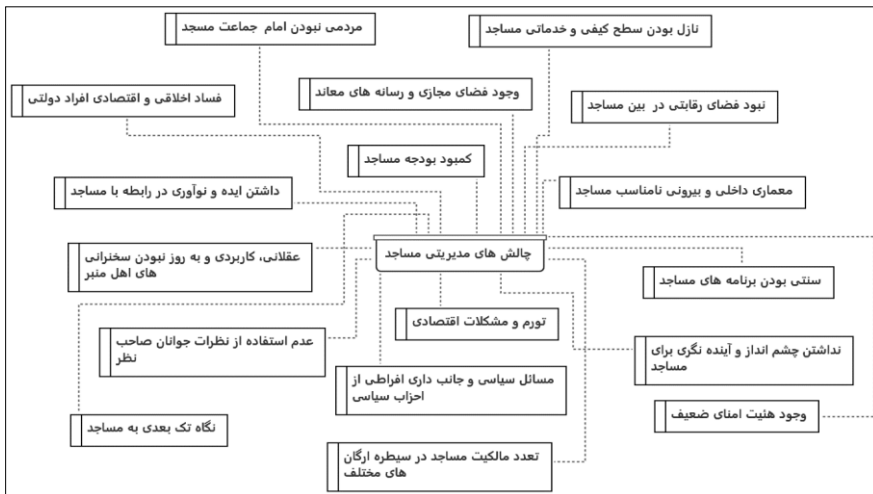


شكل (۴). نمودار كدهاى عبادى- آموزشى استخراج شده حاصل از مصاحبه. منبع يافته هاى پژوهش. ۱۴۰۳

۳-۶. تم سوم: چالش هاى مديرى مساجد معاصر

مصاحبه شوندگان، در بخش هاى مختلف از اظهاراتشان، به موانع و چالش هاى اشاره كردند كه بايد در مباحث مرتبط با خط مشى گذارى اثرات مساجد بر پايدارى اجتماعى شهرها مورد بررسى و نسبت به رفع آن ها اقدام گردد. از جمله موانع و محدوديت هاى مرتبط با مساجد مى توان عدم توجه به جوانان و نيروى انساني متخصص و تحصيل كرده، عدم سرمايه گذارى و بودجه كم (Ahyaruddin et al, 2017, p. 9 ; Anggraini, 2021, p. 112; Kotani et al, 2022, p. 10)

مشکلات اقتصادی شهروندان، فضای مجازی همه گیر، عدم وجود رقابت بین مساجد و سنتی بودن برنامه و نداشتن چشم انداز و آینده نگری برای مساجد می توان اشاره کرد. شکل (۵). چالش ها و موانع پیش روی مساجد را به نمایش می گذارد.



شکل (۵). نمودار چالش ها و محدودیت های مساجد را به نمایش می گذارد. منبع یافته های پژوهش. ۱۴۰۳



شکل (۶). ابر واژگان منتج شده حاصل از مصاحبه های تحقیق. منبع یافته های پژوهش. ۱۴۰۳

جدول (۳). تم اصلی، فرعی و کدهای باز

تم اصلی	تم فرعی	کدهای باز، عدد داخل پیرانتز نشان دهنده تکرار هر کد است
پایداری اجتماعی	فرهنگی - اجتماعی	کاهش طلاق (۳)، افزایش دوستی بیشتر (۵)، داشتن یک زندگی با ثبات (۴)، جامعه‌پذیری افراد (۵)، تربیت نسل پاک (۵)، برگزاری جشن‌های مذهبی (۸)، مشورت در مورد مسائل زندگی (۸)، تقویت انگیزه (۶)، استفاده به‌عنوان یک پناه گاه (۵)، مکانی عمومی برای همه (۹)، داشتن نسل صالح (۹)، داشتن یک خانواده سالم (۹)، استفاده به‌عنوان یک پاتوق (۹)، مکانی برای عدالت‌خواهی (۲)، افزایش امنیت جامعه (۸)، حل مشکلات اقتصادی (۶)، اتحاد جامعه (۸)، تقویت همبستگی اجتماعی (۸)، فرزندان موفق‌تر (۱۰)، تقویت سرمایه اجتماعی (۱۰)، کمک به نیازمندان (۷)، آگاهی از مشکلات یکدیگر (۷)، یادگیری سبک زندگی دینی (۱۲)، جلوگیری از مفاسد اجتماعی (۱۲)، مکانی برای فرماندهی مشکلات محله (۱۰)، افزایش مشارکت اجتماعی (۸)، ازدواج موفق‌تر (۱۳)، افزایش تعاملات اجتماعی (۱۵)، افزایش امید به زندگی (۱۰)، برگزاری کلاس‌های آموزشی (۱۱)،
پایداری اجتماعی	عبادی - آموزشی	تقویت صبر و متانت (۶)، دور شدن از مسائل دنیایی (۸)، جلوگیری از انزوا و گوشه‌گیری (۱۰)، تقویت اخلاق فردی (۱۵)، نشاط معنوی در جامعه (۱۱)، بینش بیشتر نسبت به درک مسائل جامعه (۱۵)، کاهش افسردگی (۱۵)، شکوفایی انسان (۱۵)، تقویت عزت‌نفس (۱۸)، برگزاری مسابقات فرهنگی - ورزشی (۴)، تقویت باورهای دینی (۱۸)، احساس نزدیکی به خدا (۱۹)، تقویت تفکر مثبت (۱۴)، موفقیت شغلی (۱۸)، مصون ماندن از مفاسد اخلاقی (۲۰)، کاهش استرس (۲۲)، آرامش روحی و روانی (۲۰)، کاهش افکار منفی (۱۷)، مکانی برای دعا و نیایش، افزایش اعتماد به نفس (۲۰)، مکانی برای پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و اعتقادی (۱۱)، دوری از گناه (۱۸)، آرامش روحی و روانی (۲۴).

تم اصلی	تم فرعی	کدهای باز، عدد داخل پرانتز نشان دهنده تکرار هر کد است
بیداری اجتماعی	۸۰۳۰۳۰۳	نازل بودن سطح کیفی و خدماتی مساجد (۵)، معماری داخلی و بیرونی نامناسب (۳)، مسائل سیاسی و جانب‌داری از احزاب سیاسی (۱۰)، تورم و مشکلات اقتصادی (۱۴)، نداشتن ایده و نوآوری در رابطه با مساجد (۱۰)، نداشتن چشم‌انداز و آینده‌نگری برای مساجد (۱۴)، عقلانی - کاربردی و به‌روز نبودن سخنرانی‌های اهل منبر (۱۳)، کمبود بودجه مساجد (۱۸)، تعدد مالکیت مساجد در سیطره ارگان‌های مختلف (۴)، عدم استفاده از جوانان صاحب‌نظر در مساجد (۱۴)، سنتی بودن برنامه‌ها و مدیریت (۱۵)، وجود هیئت‌امنای ضعیف (۱۷)، نبود فضای رقابتی بین مساجد (۱۴)، نگاه تک‌بعدی یا تک‌عملکردی به مساجد (۱۷)، فساد اخلاقی و اقتصادی افراد دولتی (۱۵)، وجود فضای مجازی و رسانه‌های معاند (۱۹)، مردمی نبودن ائمه جماعت مساجد (۶).

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳)

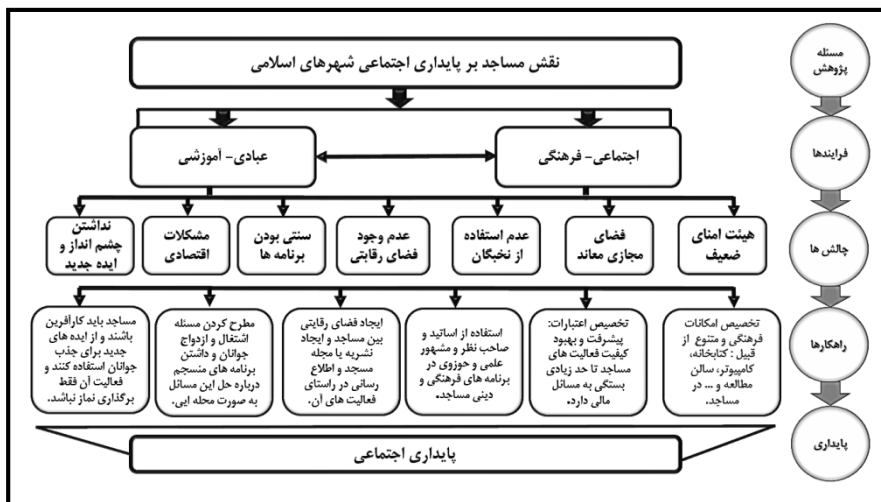
نتایج به‌دست آمده از جدول (۳) نشان می‌دهد که مساجد در صورتی که تقویت شوند در زمینه فرهنگی اجتماعی می‌توانند باعث افزایش تعاملات اجتماعی، کمک به ازدواج موفق، یادگیری سبک زندگی دینی، جلوگیری از مفاسد اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی شوند. علاوه بر این یافته‌ها نشان داد که این مکان مقدس می‌تواند در زمینه امور عبادی-آموزشی اثرات قابل قبولی بر جامعه داشته باشد به‌طوری‌که نتایج منتج شده نشان داد که آرامش روحی و روانی، افزایش اعتمادبه‌نفس، احساس نزدیکی به خدا، موفقیت شغلی، مصون ماندن از مفاسد اخلاقی، تقویت اخلاق فردی، تقویت باورهای دینی، تقویت اخلاق فردی، بینش بیشتر نسبت به درک مسائل جامعه، کاهش افسردگی، شکوفایی انسان، تقویت عزت‌نفس و نشاط معنوی در جامعه از مهم‌ترین اثرات بُعد عبادی و آموزشی مساجد می‌باشند. درنهایت نتایج نشان داد با توجه به تغییر سبک زندگی، وجود فضای مجازی، مدرنیته و شهرنشینی مساجد معاصر با چالش‌هایی

در زمینه عدم استقبال از سوی شهروندان مواجه هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مسائلی مانند کمبود بودجه، وجود هیئت‌امناي ضعیف، نگاه تک‌بُعدی به مساجد، سنتی بودن برنامه‌ها و مدیریت، فساد اقتصادی افراد دولتی و وجود فضای مجازی و رسانه‌های معاند اشاره کرد.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مفاهیم در خصوص تجربه مخاطبان نسبت به ادراک فضای شهری توجه به نمادهای هویتی و دینی است. اهمیت دادن به فضاهای فرهنگی - دینی نه تنها زمینه نشاط معنوی جامعه را به دنبال دارد بلکه نقش بسیار مهمی در زیست پذیری و جغرافیای اجتماعی شهرها بازی می‌کند.

مسجد به عنوان یک مرکز عبادی - آموزشی و اجتماعی همواره در توسعه هویت دینی و نشاط معنوی جامعه نقشی اساسی ایفا کرده است. کارکرد آموزشی مساجد باعث فهم دینی و اخلاقی، تسهیل رشد مهارت‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای رهبری و رشد شخصیت فردی افراد جامعه است. علاوه بر این، مساجد دارای نقش اجتماعی مهمی در جامعه هستند، مساجد افراد را برای مشارکت در راستای کمک به نیازمندان، ایجاد همبستگی اجتماعی و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه تشویق می‌کنند و افراد در آن هویت دینی خود را احساس می‌کنند و با جامعه بزرگ‌تر ارتباط برقرار می‌کنند و احساس مسئولیت اجتماعی و انسانیت خود را پرورش می‌دهند؛ به سخنی بهتر اهمیت دادن به فضاهای فرهنگی در جوامع شهری از یک سو به زیست انسانی کمک شایان می‌کند و از سوی دیگر از قطبی شدن جامعه و شهرها جلوگیری می‌کند و زمینه انسجام و توازن در شهرها را به وجود می‌آورد. با این تفاسیر می‌توان گفت که نقش مساجد به عنوان مراکز آموزشی و اجتماعی در جوامع اسلامی در صورت اهمیت دادن به آن می‌تواند در تقویت جامعه اسلامی و پایداری اجتماعی فرهنگی شهرها بسیار مهم باشد.



شکل (۷). مدل عملیاتی تحقیق. منبع نگارندگان. ۱۴۰۳

فهرست منابع

- آقاجانی، حسین، تقوایی، مسعود. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی شاخص‌های شهر پایدار در کلان‌شهر مشهد. فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۰(۳۷)، صص ۲۳-۳۹.
- ابروش، رضا. (۱۳۹۹). پیش‌ران‌های فرهنگی مساجد در مدیریت آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، صص ۵۶-۸۷.
- برزگر، سپیده. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی شهرهای خطه شمالی و کویر مرکزی ایران از منظر ضرباهنگ‌های تاریخی فضای شهری، مورد پژوهی: رشت و کاشان. فصلنامه مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی، ۲(۱)، صص ۴۳-۸۰.
- تردست، زهرا، رجبی، آریتا و مشکینی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). الگوی تحقق‌پذیری شاخص‌های بومی شهر بیوفیلیک، مطالعه موردی: مناطق ۹ و ۱۰ کلان‌شهر تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۱(۳)، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- حسامی، فاضل، غلامی، منصوره. (۱۴۰۰). مسجد و پیشگیری از طلاق و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، صص ۱۴۶-۱۲۰.
- حسینی جلی، سید میر صالح. (۱۴۰۰). نقش مساجد در پیشگیری از کاهش جمعیت. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، صص ۹۰-۱۱۸.
- حمیدی زاده، علی، پورعزت، علی‌اصغر و خواجه، شن‌آی. (۱۳۹۹). طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری توسعه صنعت ترانزیت بین‌المللی کالا در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۶(۴)، صص ۹-۲۱.
- رحیمی سجاسی، داود. (۱۴۰۰). آسیب‌های اجتماعی برآیند شکاف مسجد و جامعه. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، صص ۸-۲۶.
- سعیدی، مهدی، خیرالدین، رضا و بهزاد فر، مصطفی. (۱۳۹۹). تبیین عوامل مؤثر بر سرزندگی فضای عمومی مطالعه موردی: چهارراه ولیعصر شهر تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۲(۳)، صص ۱۰۵-۱۲۳.

- قنبری نیک، محسن. (۱۴۰۰). تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در جامعه کنونی. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، صص ۵۴-۲۸.
- Ahyaruddin, M., Marlina, E., Azmi, Z., Putri, A. A., Bidin, I., & Lawita, N. F. (2017). Akuntabilitas dan transparansi pengelolaan keuangan Mesjid di Kota Pekanbaru. *Jurnal Pengabdian UntukMu NegeRI*, 1(1), pp. 7-12. <https://doi.org/10.37859/jpumri.v1i1.27>
- Ammad-ul-Haque, M. (2021). The Role of Mosque to Avoid Violent Extremism: A Comparative Study of Eastern and Western Countries. *Journal of South Asian Studies*, 9(3), pp. 187-196. DOI: 10.33687/jsas.009.03.3847
- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A pattern language*. Berkeley (California): Center for Environmental Structure, Oxford University Press, New York.
- Abu-Ras, W., Gheith, A., & Cournos, F. (2008). The imam's role in mental health promotion: A study at 22 mosques in New York City's Muslim community. *Journal of Muslim Mental Health*, 3(2), pp. 155-176. DOI:10.1080/15564900802487576
- Anggraini, R. (2021). Rancang Bangun Sistem Informasi Administrasi Pengelolaan Dana Masjid Berbasis Web (Studi Kasus: Masjid Al-Muttaqin). *Jurnal Teknologi Dan Sistem Informasi*, 2(3), pp. 109-118. <https://doi.org/10.33365/jtsi.v2i3.884>
- Allen, G. L. (1999). Cognitive abilities in the service of wayfinding: A functional approach *The Professional Geographer*, 51(4), pp. 555-561. <https://doi.org/10.1111/0033-0124.00192>
- Avcioglu, Nebahat (2007). "Identity-as-form: the mosque in the West", *Cultural Analysis*. (6), pp. 91-112.
- Ahmed, Fiaz (2014). *Manchester Muslims: The developing role of mosques, imams and committees with particular reference to Barelwi Sunnis and UKIM* (Doctoral dissertation), Durham University. <http://etheses.dur.ac.uk/10724/>

- Alice Sabrina, I., Mohd, T., Mohd, R., (2010). Mosque architecture and political agenda in twentieth-century Malaysia. *J. Archit.* 15(2), pp. 137-152.
<https://doi.org/10.1080/13602361003791051>
- Borowski, A. (2014). Social interactions in the public space in the context of public confidence. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, (25), pp. 33-41. <https://doi.org/10.18052/www.scipress.com/ILSHS.25.33>
- Bodnar, J. (2015). Reclaiming public space. *Urban Studies*, 52(12), pp. 1-15.
 DOI:10.1177/0042098015583626
- Braun, V. and Clarke, V. (2006). *Using thematic analysis in psychology*. Qualitative research in psychology, 3(2), pp. 77-101. DOI:10.1191/1478088706qp063oa
- Borchard, M., & Rauf, C. (2011). Imame und Frauen in Moscheen im Integrationsprozess. *Gemeindepädagogische Perspektiven*, Göttingen.
- Cesari, Jocelyne. (2005). "Mosque Conflicts in European Cities: Introduction." *Journal of Ethnic and Migration Studies* 31(6): pp. 1015-1024.
<https://doi.org/10.1080/13691830500282626>
- Corbin, J and Strauss, A., 2015, *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (4rd Ed.) Thousand Oaks, pp. 431, published in Los Angeles by SAGE.
<https://lib.ugent.be/catalog/rug01:002495549>
- Carmody, M.-L., Schweitzer, R.D., Vromans, L., Luana La, M., (2021). Narratives of women-at-risk resettled in Australia: loss, renewal and connection. *Queensland University Technology, J. Loss Trauma*, (26), pp. 485-500.
<https://eprints.qut.edu.au/206461/>
- Cheema, A. R., Scheyvens, R., Glavovic, B., & Imran, M. (2014). Unnoticed but important: revealing the hidden contribution of community-based religious institution of the mosque in disasters. *Natural Hazards*. (71), pp. 2207-2229.
<https://doi.org/10.1007/s11069-013-1008-0>

- Carmody, M.-L., Schweitzer, R.D., Vromans, L., Luana La, M., (2021). Narratives of women-at-risk resettled in Australia: loss, renewal and connection. Queensland University Technology, *J. Loss Trauma* (26), pp. 485-500.
<https://eprints.qut.edu.au/206461/>
- Campdepadrós-Cullell, R., Pulido-Rodríguez, M. Á., Marauri, J., & Racionero Plaza, S. (2021). Interreligious Dialogue Groups Enabling Human Agency. *Religions*, 12(3), pp. 189.1-15 <https://doi.org/10.3390/rel12030189>
- Cao, J. & Kang, J. (2019). Social relationships and patterns of use in urban public spaces in China and the United Kingdom. *Cities*, 93, pp .188-196.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.05.003>
- Chaudhary, A., Dosto, N., Hill, R., Lehmijoki-Gardner, M., Sharp, P., Daniel Hale, W., & Galiatsatos, P. (2019). Community intervention for Syrian refugees in Baltimore City: The lay health educator program at a local mosque. *Journal of Religion and Health*, (58), pp. 1687-1697. <https://doi.org/10.1007/s10943-019-00893-9>
- Cheliotis, K. (2020). An Agent-Based Model of Public Space Use. *Computers, Environment and Urban Systems*, 81, pp. 101476.
<https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2020.101476>
- Ceylan, Rauf. (2014). Cultural Time lag. Moscheekatechese und Islamischer Religionsunterricht im Kontext von Säkularisierung. Wiesbaden: Springer.
- Ceylan, Rauf. (2008). Islamische Religionspädagogik in Moscheen und Schulen. Ein Sozialwissenschaftlicher Vergleich der Ausgangslage, Lehre und Ziele unter Besonderer Berücksichtigung der Auswirkungen auf den Integrationsprozess der Muslimischen Kinder und Jugendlichen in Deutschland. Hamburg: Kovač. DOI: 10.25656/01:18724
- Daneshmir, R., Spiridonoff, C., (2012). Vali-e Asr Mosque, Fluid Motion Architects, Accessed in 29 May 2012.

- De Magalhães, C., & Carmona, M. (2009). Dimensions and models of contemporary public space management in England. *Journal of Environmental Planning and Management*, 52(1), pp. 111-129.
- DOI:10.1080/09640560802504704
- Carmona, M., De Magalhães, C., & Hammond, L. (2008). *Public space: the management dimension*. Routledge.
- <https://doi.org/10.4324/9780203927229>
- Dowling, A., Kunin, M., Russell, G., (2020). The impact of migration upon the perceived health of adult refugees resettling in Australia: a phenomenological study. *J. Ethnic Migrat. Stud.* 48, 1536-1553.
- <https://doi.org/10.1080/1369183X.2020.1771173>
- Dana, K., Barreto, M. A., & Oskooii, K. A. R. (2011). Mosques as American institutions: Mosque attendance, religiosity and integration into the political system among American Muslims. *Religions*, 2(4), pp. 504-524.
- <https://doi.org/10.3390/rel2040504>
- Daou, K., Daou, L., Cousineau-Perusse, M., (2021). Story-telling as a tool: a family-based intervention for refugee children. *Int. J. Soc. Welfare* 31, 56-65.
- DOI:10.1111/ijsw.12476
- Durkheim, E. (1951). *Suicide*. New York: Free Press (Original Work Published in 1897).
- Everett, S. S. (2018). Interfaith dialogue and faith-based social activism in a state of emergency: Laïcité and the crisis of religion in France. *International Journal of Politics, Culture, and Society*, 31, pp. 437-454.
- <https://doi.org/10.1007/s10767-018-9291-0>
- Ercan, Muge Akkar. (2010). "less public than before? public space improvement in newcastle city centre." In *Whose Public Space? International case studies in urban design and development*, by Ali Madanipour, pp. 21-50. London: Rutledge.

- Firman, F., Alef, R., & Eric, M. (2022). Use of Zoom Meeting Applications to Memorize the Qur'an Online. *Journal International Inspire Education Technology*, 1(2), pp. 99–110. <https://doi.org/10.55849/jiiet.v1i2.92>
- Gehl, J. (1987). *Life between buildings*, translated by J. Koch, New York.
- Gehl, J. (2004). *Life between buildings: Using public space* (5th ed.). The Danish Architectural Press.
- Gamper, Markus. (2011). *Islamischer Feminismus in Deutschland? Religiosität, Identität und Gender in Muslimischen Frauenvereinen*. Bielefeld: Transcript.
- Giuliani, M. V. (2003). *Theory of attachment and place attachment*. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues* (pp. 137–170). Aldershot: Ashgate.
- Hedblom, M., Gunnarsson, B., Iravani, B., Knez, I., Schaefer, M., Thorsson, P., & Lundström, J. N. (2019). Reduction of physiological stress by urban green space in a multisensory virtual experiment. *Scientific reports*, 9(1), pp. 1-10. <https://doi.org/10.1038/s41598-019-46099-7>
- Harvey, D. (1973). *Social justice and the city*. London: Edward Arnold.
- Hillenbrand, R., (1988). Political symbolism in early Indo-Islamic mosque architecture: the case of Ajmīr. *J. Br. Inst. Persian Stud.* 26 (1), pp. 105–117.
- Hess, J.M., Isakson, B.L., Amer, S., Ndaheba, E., Baca, B., Goodkind, J.R., (2019). Refugee mental health and healing: understanding the impact of policies of rapid economic self-sufficiency and the importance of meaningful work. *J. Int. Migrat. Integrat.* 20, pp. 769–786. doi: 10.1007/s12134-018-0628-3
- Hoelzchen, Y. M. (2022). Mosques as religious infrastructure: Muslim selfhood, moral imaginaries and everyday sociality. *Central Asian Survey*, 41(2), pp. 368–384. <https://doi.org/10.1080/02634937.2021.1979468>
- Ilham, S., Adelir, D., & Delr, Q. (2022). The Benefits of Whatsapp as a Medium in Depositing Memorization of the Qur'an. *Journal International Inspire Education Technology*, 1(2), pp. 86–98. <https://doi.org/10.55849/jiiet.v1i2.90>

- Ismail, A. S., & Rasdi, M. T. M. (2010). Mosque architecture and political agenda in twentieth-century Malaysia. *The Journal of Architecture*, 15(2), <https://doi.org/10.1080/13602361003791051>
- Isnaini, U. K. N., Nyimasmukti, B. R., Rahawarin, Y., & Asrida, A. (2019). Revitalizing the Mosques Function as a Means of Forming Muslim Scholars and Students in Indonesia. *Khalifa: Journal of Islamic Education*, 3(2), pp. 142–153. <https://doi.org/10.24036/kjie.v3i2.29>
- Kotani, H., Tamura, M., & Nejima, S. (2022). Mosques in Japan responding to COVID-19 pandemic: Infection prevention and support provision. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 69. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102702>
- Kohn, M. (2016). *The death and life of the urban commonwealth*. Oxford University Press.
- Karimullah, S. S. (2023). For True Humanity: Harmonization of Islamic Law and Human Rights Towards Universal Justice. *Matan: Journal of Islam and Muslim Society*, 5(2), pp. 40–56. <https://doi.org/10.20884/1.matan.2023.5.2.9125>
- Klinkhammer, G., Frese, H. L., Satilmis, A., & Seibert, T. (2011). Interreligiöse und interkulturelle Dialoge mit MuslimInnen in Deutschland. *Eine quantitative und qualitative Studie*. Bremen: Universität Bremen.
- Karakoç, Betül. (2019). Der eine kann es, der andere nicht. Islam lehren zwischen Moschee und Schule. In *Islamische Religionspädagogik: Didaktische Ansätze für die Praxis*. Edited by Ya,sar Sarıkaya, Dorothea Ermert and Esma Öger-Tunç. Münster: Waxmann, pp. 107–24. <https://ixtheo.de/Record/1668081482>
- Khomenko, Sasha, Nieuwenhuijsen, Mark, Ambros, Albert, Wegener, Sandra, and Mueller, Natalie. (2020). "Is a liveable city a healthy city? Health impacts of urban and transport planning in Vienna, Austria." *Environmental research*, 183, pp. 1-14, 109238. <https://doi.org/10.1016/j.envres.2020.109238>

- Kweon, B.-S., Sullivan, W. C., & Wiley, A. R. (1998). Green Common Spaces and the Social Integration of Inner-City Older Adults. *Environment and Behavior*, 30(6), pp. 832–858. doi:10.1177/001391659803000605
- Knez, I., & Eliasson, I. (2017). Relationships between personal and collective place identity and well-being in mountain communities. *Frontiers in Psychology*, 8, 79. doi: 10.3389/fpsyg.2017.00079
- Kotani, H., Tamura, M., & Nejima, S. (2022). Mosques in Japan responding to COVID-19 pandemic: Infection prevention and support provision. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 69. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102702>
- Kuppinger, Petra. (2015). *Faithfully Urban*. Pious Muslims in a German City. New York: Berghahn
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Cambridge. Massachusetts: The M.I.T press.
- Lang, J. (1987). *Creating architectural theory, the role of behavioral science in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Leclerc, M., Y. Okubo, L. Frigoletto and J.F. Miquel, (1992), Scientific cooperation between Canada and the European Community, *Science and Public Policy*, 19, pp.15-24.
- Lofland, L. H. (2007). *The public realm*. Exploring the city's quintessential social territory. Aldine Transaction, a division of Transaction Publishers.
- Lee, J. H., Ostwald, M. J., & Lee, H. (2017). Measuring the spatial and social characteristics of the architectural plans of aged care facilities. *Frontiers of Architectural Research*, 6(4), pp. 431–441. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2017.09.003>
- Lelévrier, C. (2013). Social mix neighbourhood policies and social interaction: The experience of newcomers in three new renewal developments in France. *Cities*, 35, pp. 409–416. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2013.03.003>
- Moore, T. (2021). Planning for place: Place attachment and the founding of rural community land trusts, *Journal of Rural Studies*, Vol.83, pp. 21-29. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2021.02.007>

- Marans, R. W., & Rodgers, W. L. (1975). *Toward an understanding of community satisfaction* In A. H. Hawley, & V. P. Rock (Eds.). *Metropolitan American in contemporary perspective*. New York: Halstead.
- Madanipour, A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*. London: Routledge.
- Madanipour, A. (1996). "Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process". New York: Wiley Pub.
- Moulay, A., Ujang, N., & Said, I. (2017). Legibility of neighborhood parks as a predictor for enhanced social interaction towards social sustainability. *Cities*, 61, pp. 58-64. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.11.007>
- Mullins, L. C., & Dougan, E. (1990). The influence of depression, and family and friendship relations, on residents loneliness in congregate housing. *Gerontological Society of America*, 30(3), pp. 377-384. <http://psycnet.apa.org/doi/10.1093/geront/30.3.377>
- Ma., F. (2020). Spatial equity analysis of urban green space based on Spatial Design Network Analysis (sDNA): A case study of central Jinan, China *.Sustainable Cities and Society* .doi: <https://doi.org/10.1016/j.scs.2020.102256>
- Mouratidis, K., (2018). Rethinking how built environments influence subjective wellbeing: a new conceptual framework. *J. Urban.: Int. Res. Place. Urban. Sustain.* 11 (1), pp. 24-40. <https://doi.org/10.1080/17549175.2017.1310749>
- Menatti, L., Subiza-Pérez, M., Villalpando-Flores, A., Vozmediano, L., & San Juan, C. (2019). Place attachment and identification as predictors of expected landscape restorativeness. *Journal of environmental psychology*, 63, pp. 36-43. <http://www.uclan.ac.uk/research/>
- Molina-Torres, R., Nolasco-Jáuregui, O., Rodriguez-Torres, E. E., Itzá-Ortiz, B. A., & Quezada-Téllez, (2021). A comparative analysis of urban development, economi level, and COVID-19 cases in Mexico City, *Journal of Urban Management*, pp. 265-274. DOI:10.1016/j.jum.2021.06.007

- Momartin, S., Edielson da Silva, M., Aroche, J., Coello, M., (2018). Resilience building through alternative intervention: 'STARTTS "Project Bantu Capoeira Angola"'; on the road to recovery. *Intervention* 16, pp. 154-160. DOI:10.4103/INTV.INTV_6_18
- Morton, S., Pencheon, D., & Squires, N. (2017). Sustainable Development Goals (SDGs), and their implementation: A national global framework for health, development and equity needs a systems approach at every level. *British medical bulletin*, 124(1), pp. 81-90. doi: 10.1093/bmb/ldx031
- Manouchehrifar, B., & Forester, J. (2021). Rethinking Religion and Secularism in Urban Planning: Edited by Babak Manouchehrifar and John Forester. *Planning Theory and Practice*, 22(2), pp. 269-317. <https://doi.org/10.1080/14649357.2021.1908078>
- Nissen, Sylke. (2008) "Urban Transformation From Public and Private Space to Spaces of Hybrid Character." *Sociologický časopis/Czech Sociological Review* 44, (6), pp. 1129-1141. DOI:10.13060/00380288.2008.44.6.04
- Pellman, J. (1992). Widowhood in elderly women: Exploring its relationship to community integration, hassles, stress, social support, and social support seeking. *International Journal of Aging & Human Development*, 35(4), pp. 253-264. <https://doi.org/10.2190/L316-f>
- Pilisuk, M. (1982). Delivery of social support: The social inoculation. *American Journal of Ortho psychiatric*, 52(1), pp. 20-31. <http://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1939-0025.1982.tb02661.x>
- Rapoport, A. (1984). Culture & the urban order. The city in cultural context. Boston: Allen and Unwin.
- Rosyid, M. (2017). Peredam Konflik Agama: Studi Analisis Penyelesaian di Tolikara Papua 2015. Afkaruna: *Indonesian Interdisciplinary Journal of Islamic Studies*, 13(1), pp. 48-81. <https://doi.org/10.18196/afkaruna.v13i1.4203>
- R. Sennett (1974), *The Fall of Public Man*: New York, W Norton & Company.

- Richaud, L., Amin, A., (2020). Life amidst rubble: migrant mental health and the management of subjectivity in urban China. *Publ. Cult.* 32, pp. 77-106
DOI:10.1215/08992363-7816305
- Rishbeth, C., Blachnicka-Ciacek, D., Darling, J., (2019). Participation and wellbeing in urban greenspace: 'curating sociability' for refugees and asylum seekers. *Geoforum* 106, pp. 125-134.
<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>
- Richaud, L., Amin, A., (2019). Mental health, subjectivity and the city: an ethnography of migrant stress in Shanghai. *Int. Health* 11, S7-S13.
<https://doi.org/10.1093/inthealth/ihz029>
- Rezaei Liapae, S., Askarizad, R., & Alborzi, F. (2020). Investigation of physical factors affecting the wayfinding of educational spaces children aged 7-12 years old in Rasht, north of Iran. *International Journal Of Pediatrics*, 8(1), pp. 10689-10704. <https://doi.org/10.22038/ijp.2019.14063>
- Rosyid, M. (2017). Peredam Konflik Agama: Studi Analisis Penyelesaian di Tolikara Papua 2015. *Afkaruna: Indonesian Interdisciplinary Journal of Islamic Studies*, 13(1), pp. 48-81.
<https://doi.org/10.18196/afkaruna.v13i1.4203>
- Shekhar, H., Schmidt, A.J., Wehling, H.-W., (2019). Exploring wellbeing in human settlements - a spatial planning perspective. *Habitat Int.* 87, pp. 66-74.
<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.04.007>
- Serageldin, I., Steele, J., (1996). *Architecture of the Contemporary Mosque*. The University of Michigan: Academy Editions.
- Sennette, J. A. (1974). Low renin essential hypertension. *Journal of the Tennessee Medical Association*, 67(3), pp. 211-212.
- Steinbach, U. (1992). Social networks, institutionalization, and morality among elderly people in the United States. *Journal of Gerontology*, 47(4), pp. 183-190.
<https://doi.org/10.1093/geronj/47.4.S183>

- Steg, L., & Vlek, C. (2009). Encouraging pro-environmental behavior: An integrative review and research agenda. *Journal of Environmental Psychology*, 29(3), 309–317. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2008.10.004>
- Sheikhi, R. A., Seyedin, H., Qanizadeh, G., & Jahangiri, K. (2021). Role of religious institutions in disaster risk management: A systematic review. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 15(2), pp. 239–254. <https://doi.org/10.1017/dmp.2019.145>
- Spielhaus, Riem. (2012). Making Islam relevant: Female Authority and Representation of Islam in Germany. In *Women, Leadership, and Mosques: Changes in Contemporary Islamic Authority*. Edited by Masooda Bano and Hilary Kalmbach. Brill: Leiden, pp. 437–55. DOI:10.1163/9789004209367_023
- Schmid, Hansjörg, Ay,se Almila Akca, and Klaus Barwig. (2008). *Gesellschaft Gemeinsam Gestalten. Islamische Vereinigungen als Partner in Baden-Württemberg*. Nomos: Baden-Baden.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), pp. 1–10. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006>
- Siswanto, B. (2019). Peranan Masjid Dalam Membentuk Karakter Akhlak Muslim Mahasiswa Stsn. *Tadrib*, 5(1), pp. 21–33. <https://doi.org/10.19109/tadrib.v5i1.2588>
- Sennett, R. (1970). *Uses of disorder: Personal identity and city life*. Alfred A. Knopf.
- Thomas, D. (2003). *A general inductive approach for qualitative data analysis*. University of Auckland, NewZealand.
- Tamura, M., Kotani, H., Katsura, Y., & Okai, H. (2022). Mosque as a COVID-19 vaccination site in collaboration with a private clinic: A short report from Osaka, Japan. *Progress in Disaster Science*, 16. <https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2022.100263>

- Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M & Adli, M. (2021). Defining pathways to healthy sustainable urban development. *Environment international*, pp. 146, 106236.
<https://doi.org/10.1016/j.envint.2020.106236>
- Ucar, Bülent, ed. (2011). *Islamische Religionspädagogik Zwischen Authentischer Selbstverortung und Dialogischer Öffnung: Perspektiven aus der Wissenschaft und dem Schulalltag der Lehrkräfte*. Frankfurt and Main: Peter Lang.
- Vitus, K., (2022). Forming the capacity to aspire: young refugees' narratives of family migration and wellbeing. *J. Youth Stud.* 25, pp. 400-415.
<https://doi.org/10.1080/13676261.2021.1886263>
- Van der Boor, C.F., Dowrick, C., White, R.G. (2020). 'Good life is first of all security, not to live in fear': a qualitative exploration of female refugees' quality of life in the United Kingdom. *J. Ethnic Migrat. Stud.* 48, pp. 710-731.
 DOI:10.1080/1369183X.2020.1852074
- Verkaaik, O. (2012). Designing the 'anti-mosque': identity, religion and affect in contemporary European mosque design. *Social. Anthropol.* 20 (2), 161-176.
 DOI:10.1111/j.1469-8676.2012.00198.x
- Wiryomartono, B. (2009). A historical view of mosque architecture in Indonesia. *Asia Pac. J. Anthropol.* 10 (1), pp. 33-45.
<https://doi.org/10.1080/14442210902758715>
- Walther, L., Amann, J., Flick, U., Thi Minh Tam, T., Malek, B., Hahn, E., (2021). A qualitative study on resilience in adult refugees in Germany. *BMC Publ. Health* 21, pp. 1-17. <https://doi.org/10.1186/s12889-021-10817-6>

References

- Abarvash, R. (2020). Cultural drivers of mosques in managing social harms. *Islam and Social Studies*, 8(4), pp. 56–87. [In Persian]
- Abu-Ras, W., Gheith, A., & Cournos, F. (2008). The imam's role in mental health promotion: A study at 22 mosques in New York City's Muslim community. *Journal of Muslim Mental Health*, 3(2), pp. 155–176.
<https://doi.org/10.1080/15564900802487576>
- Aghajani, H., & Taghvai, M. (2019). Spatial analysis of sustainable city indicators in the metropolis of Mashhad. *Geographical Studies of Arid Regions*, 10(37), pp. 23–39. [In Persian]
- Ahmed, F. (2014). *Manchester Muslims: The developing role of mosques, imams and committees with particular reference to Barelwi Sunnis and UKIM* (Doctoral dissertation). Durham University. <http://etheses.dur.ac.uk/10724/>
- Ahyaruddin, M., Marlina, E., Azmi, Z., Putri, A. A., Bidin, I., & Lawita, N. F. (2017). Akuntabilitas dan transparansi pengelolaan keuangan Mesjid di Kota Pekanbaru. *Jurnal Pengabdian UntukMu NegeRI*, 1(1), pp. 7–12.
<https://doi.org/10.37859/jpumri.v1i1.27>
- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A pattern language*. Berkeley, CA: Center for Environmental Structure; New York, NY: Oxford University Press.
- Alice Sabrina, I., Mohd, T., & Mohd, R. (2010). Mosque architecture and political agenda in twentieth-century Malaysia. *Journal of Architecture*, 15(2), pp. 137–152. <https://doi.org/10.1080/13602361003791051>
- Allen, G. L. (1999). Cognitive abilities in the service of wayfinding: A functional approach. *The Professional Geographer*, 51(4), pp. 555–561.
<https://doi.org/10.1111/0033-0124.00192>
- Ammad-ul-Haque, M. (2021). The role of mosque to avoid violent extremism: A comparative study of eastern and western countries. *Journal of South Asian Studies*, 9(3), pp. 187–196. <https://doi.org/10.33687/jsas.009.03.3847>

- Anggraini, R. (2021). Rancang bangun sistem informasi administrasi pengelolaan dana masjid berbasis web (studi kasus: Masjid Al-Muttaqin). *Jurnal Teknologi Dan Sistem Informasi*, 2(3), pp. 109–118.
<https://doi.org/10.33365/jtsi.v2i3.884>
- Avcioglu, N. (2007). Identity-as-form: The mosque in the West. *Cultural Analysis*, (6), pp. 91–112.
- Barzegar, S. (2021). A comparative study of cities in the northern and central desert regions of Iran from the perspective of the historical rhythm of urban space: Case study of Rasht and Kashan. *Journal of Coastal Areas Geographic Studies*, 2(1), pp. 43–80. [In Persian]
- Bodnar, J. (2015). Reclaiming public space. *Urban Studies*, 52(12), pp. 1–15.
<https://doi.org/10.1177/0042098015583626>
- Borchard, M., & Rauf, C. (2011). *Imame und Frauen in Moscheen im Integrationsprozess. Gemeindepädagogische Perspektiven*. Göttingen.
- Borowski, A. (2014). Social interactions in the public space in the context of public confidence. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, (25), pp. 33–41. <https://doi.org/10.18052/www.scipress.com/ILSHS.25.33>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77–101.
<https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Campdepadrós-Cullell, R., Pulido-Rodríguez, M. Á., Marauri, J., & Racionero Plaza, S. (2021). Interreligious dialogue groups enabling human agency. *Religions*, 12(3), Article 189. <https://doi.org/10.3390/rel12030189>
- Cao, J., & Kang, J. (2019). Social relationships and patterns of use in urban public spaces in China and the United Kingdom. *Cities*, 93, pp. 188–196.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.05.003>
- Carmody, M.-L., Schweitzer, R. D., Vromans, L., & Luana La, M. (2021). Narratives of women-at-risk resettled in Australia: Loss, renewal and connection. *Journal of Loss and Trauma*, 26(5), pp. 485–500.
<https://eprints.qut.edu.au/206461/>

- Carmona, M., De Magalhães, C., & Hammond, L. (2008). *Public space: The management dimension*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203927229>
- Cesari, J. (2005). Mosque conflicts in European cities: Introduction. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 31(6), pp. 1015–1024. <https://doi.org/10.1080/13691830500282626>
- Ceylan, R. (2008). *Islamic religious education in mosques and schools: A social science comparison of the initial situation, teaching, and goals with special consideration of the effects on the integration process of Muslim children and youth in Germany*. Hamburg: Kovač. <https://doi.org/10.25656/01:18724>
- Ceylan, R. (2014). *Cultural time lag: Moscheekatechese und islamischer religionsunterricht im Kontext von säkularisierung*. Wiesbaden: Springer.
- Chaudhary, A., Dosto, N., Hill, R., Lehmijoki-Gardner, M., Sharp, P., Hale, W. D., & Galiatsatos, P. (2019). Community intervention for Syrian refugees in Baltimore City: The lay health educator program at a local mosque. *Journal of Religion and Health*, 58(5), pp. 1687–1697. <https://doi.org/10.1007/s10943-019-00893-9>
- Cheema, A. R., Scheyvens, R., Glavovic, B., & Imran, M. (2014). Unnoticed but important: Revealing the hidden contribution of community-based religious institution of the mosque in disasters. *Natural Hazards*, 71(3), pp. 2207–2229. <https://doi.org/10.1007/s11069-013-1008-0>
- Cheliotis, K. (2020). An agent-based model of public space use. *Computers, Environment and Urban Systems*, 81, Article 101476. <https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2020.101476>
- Corbin, J., & Strauss, A. (2015). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (4th ed.). Thousand Oaks, CA: SAGE.
- Dana, K., Barreto, M. A., & Oskooii, K. A. R. (2011). Mosques as American institutions: Mosque attendance, religiosity and integration into the political system among American Muslims. *Religions*, 2(4), pp. 504–524. <https://doi.org/10.3390/rel2040504>

- Daneshmir, R., & Spiridonoff, C. (2012). *Vali-e Asr Mosque, Fluid Motion Architects*. Accessed May 29, 2012. [In Persian]
- Daou, K., Daou, L., & Cousineau-Perusse, M. (2021). Story-telling as a tool: A family-based intervention for refugee children. *International Journal of Social Welfare*, 31, pp. 56-65. <https://doi.org/10.1111/ijsw.12476>
- De Magalhães, C., & Carmona, M. (2009). Dimensions and models of contemporary public space management in England. *Journal of Environmental Planning and Management*, 52(1), pp. 111-129. <https://doi.org/10.1080/09640560802504704>
- Dowling, A., Kunin, M., & Russell, G. (2020). The impact of migration upon the perceived health of adult refugees resettling in Australia: A phenomenological study. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 48, pp. 1536-1553. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2020.1771173>
- Durkheim, E. (1951). *Suicide* (Original work published 1897). New York: Free Press.
- Ercan, M. A. (2010). Less public than before? Public space improvement in Newcastle city centre. In A. Madanipour (Ed.), *Whose public space? International case studies in urban design and development* (pp. 21-50). London: Routledge.
- Everett, S. S. (2018). Interfaith dialogue and faith-based social activism in a state of emergency: Laïcité and the crisis of religion in France. *International Journal of Politics, Culture, and Society*, 31, pp. 437-454. <https://doi.org/10.1007/s10767-018-9291-0>
- Firman, F., Alef, R., & Eric, M. (2022). Use of Zoom meeting applications to memorize the Qur'an online. *Journal International Inspire Education Technology*, 1(2), pp. 99-110. <https://doi.org/10.55849/jiiet.v1i2.92>
- Gamper, M. (2011). *Islamic feminism in Germany? Religiosity, identity, and gender in Muslim women's associations*. Bielefeld: Transcript. [In German]
- Gehl, J. (1987). *Life between buildings* (J. Koch, Trans.). New York: Van Nostrand Reinhold.

- Gehl, J. (2004). *Life between buildings: Using public space* (5th ed.). Copenhagen: The Danish Architectural Press.
- Ghanbari Nik, M. (2021). An analysis of the causes of the changing position and declining social functions of mosques in contemporary society. *Islam and Social Studies*, 8(4), pp. 28–54. [In Persian]
- Giuliani, M. V. (2003). Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues* (pp. 137–170). Aldershot: Ashgate.
- Hamidizadeh, A., Pourezzat, A.-A., & Khajeh, S. A. (2020). Designing a policy-making model for the development of the international goods transit industry in Iran. *Public Policy*, 6(4), pp. 9–21. [In Persian]
- Harvey, D. (1973). *Social justice and the city*. London: Edward Arnold.
- Hedblom, M., Gunnarsson, B., Iravani, B., Knez, I., Schaefer, M., Thorsson, P., & Lundström, J. N. (2019). Reduction of physiological stress by urban green space in a multisensory virtual experiment. *Scientific Reports*, 9(1), pp. 1–10. <https://doi.org/10.1038/s41598-019-46099-7>
- Hess, J. M., Isakson, B. L., Amer, S., Ndaheba, E., Baca, B., & Goodkind, J. R. (2019). Refugee mental health and healing: Understanding the impact of policies of rapid economic self-sufficiency and the importance of meaningful work. *Journal of International Migration and Integration*, 20, pp. 769–786. <https://doi.org/10.1007/s12134-018-0628-3>
- Hessami, F., & Gholami, M. (2021). Mosque and prevention of divorce and reduction of related social harms. *Islam and Social Studies*, 8(4), pp. 120–146. [In Persian]
- Hillenbrand, R. (1988). Political symbolism in early Indo-Islamic mosque architecture: The case of Ajmīr. *Journal of the British Institute of Persian Studies*, 26(1), pp. 105–117.
- Hoelzchen, Y. M. (2022). Mosques as religious infrastructure: Muslim selfhood, moral imaginaries and everyday sociality. *Central Asian Survey*, 41(2), pp. 368–384. <https://doi.org/10.1080/02634937.2021.1979468>

- Hosseini Jabali, S. M. S. (2021). The role of mosques in preventing population decline. *Islam and Social Studies*, 8(4), pp. 90–118. [In Persian]
- Ilham, S., Adelir, D., & Delr, Q. (2022). The benefits of WhatsApp as a medium in depositing memorization of the Qur'an. *Journal International Inspire Education Technology*, 1(2), pp. 86–98. <https://doi.org/10.55849/jiiiet.v1i2.90>
- Ismail, A. S., & Rasdi, M. T. M. (2010). Mosque architecture and political agenda in twentieth-century Malaysia. *The Journal of Architecture*, 15(2). <https://doi.org/10.1080/13602361003791051>
- Isnaini, U. K. N., Nyimasmukti, B. R., Rahawarin, Y., & Asrida, A. (2019). Revitalizing the mosque's function as a means of forming Muslim scholars and students in Indonesia. *Khalifa: Journal of Islamic Education*, 3(2), pp. 142–153. <https://doi.org/10.24036/kjie.v3i2.29>
- Karakoç, B. (2019). Some can, some cannot: Teaching Islam between mosque and school. In Y. Sarıkaya, D. Ermert, & E. Öger-Tunç (Eds.), *Islamic religious pedagogy: Didactic approaches for practice* (pp. 107–124). Münster: Waxmann. <https://ixtheo.de/Record/1668081482> [In German]
- Karimullah, S. S. (2023). For true humanity: Harmonization of Islamic law and human rights towards universal justice. *Matan: Journal of Islam and Muslim Society*, 5(2), pp. 40–56. <https://doi.org/10.20884/1.matan.2023.5.2.9125>
- Khomenko, S., Nieuwenhuijsen, M., Ambros, A., Wegener, S., & Mueller, N. (2020). Is a liveable city a healthy city? Health impacts of urban and transport planning in Vienna, Austria. *Environmental Research*, 183, 109238. <https://doi.org/10.1016/j.envres.2020.109238>
- Klinkhammer, G., Frese, H. L., Satilmis, A., & Seibert, T. (2011). *Interreligious and intercultural dialogues with Muslims in Germany: A quantitative and qualitative study*. Bremen: Universität Bremen. [In German]
- Knez, I., & Eliasson, I. (2017). Relationships between personal and collective place identity and well-being in mountain communities. *Frontiers in Psychology*, 8, 79. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.00079>

- Kohn, M. (2016). *The death and life of the urban commonwealth*. Oxford University Press.
- Kotani, H., Tamura, M., & Nejima, S. (2022). Mosques in Japan responding to COVID-19 pandemic: Infection prevention and support provision. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 69. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102702>
- Kotani, H., Tamura, M., & Nejima, S. (2022). Mosques in Japan responding to COVID-19 pandemic: Infection prevention and support provision. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 69. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102702>
- Kuppinger, P. (2015). *Faithfully urban: Pious Muslims in a German city*. New York: Berghahn.
- Kweon, B.-S., Sullivan, W. C., & Wiley, A. R. (1998). Green common spaces and the social integration of inner-city older adults. *Environment and Behavior*, 30(6), pp. 832–858. <https://doi.org/10.1177/001391659803000605>
- Lang, J. (1987). *Creating architectural theory: The role of behavioral science in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Leclerc, M., Okubo, Y., Frigoletto, L., & Miquel, J. F. (1992). Scientific cooperation between Canada and the European Community. *Science and Public Policy*, 19, pp. 15–24.
- Lee, J. H., Ostwald, M. J., & Lee, H. (2017). Measuring the spatial and social characteristics of the architectural plans of aged care facilities. *Frontiers of Architectural Research*, 6(4), pp. 431–441. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2017.09.003>
- Lelévrier, C. (2013). Social mix neighbourhood policies and social interaction: The experience of newcomers in three new renewal developments in France. *Cities*, 35, pp. 409–416. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2013.03.003>
- Lofland, L. H. (2007). *The public realm: Exploring the city's quintessential social territory*. New Brunswick, NJ: Aldine Transaction.

- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Ma, F. (2020). Spatial equity analysis of urban green space based on Spatial Design Network Analysis (sDNA): A case study of central Jinan, China. *Sustainable Cities and Society*. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2020.102256>
- Madanipour, A. (1996). *Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process*. New York: Wiley.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. London: Routledge.
- Manouchehrifar, B., & Forester, J. (2021). Rethinking religion and secularism in urban planning: Edited by Babak Manouchehrifar and John Forester. *Planning Theory and Practice*, 22(2), pp. 269–317. <https://doi.org/10.1080/14649357.2021.1908078>
- Marans, R. W., & Rodgers, W. L. (1975). Toward an understanding of community satisfaction. In A. H. Hawley & V. P. Rock (Eds.), *Metropolitan America in contemporary perspective* (pp. xx–xx). New York: Halstead.
- Menatti, L., Subiza-Pérez, M., Villalpando-Flores, A., Vozmediano, L., & San Juan, C. (2019). Place attachment and identification as predictors of expected landscape restorativeness. *Journal of Environmental Psychology*, 63, pp. 36–43. <http://www.uclan.ac.uk/research/>
- Molina-Torres, R., Nolasco-Jáuregui, O., Rodriguez-Torres, E. E., Itzá-Ortiz, B. A., & Quezada-Téllez. (2021). A comparative analysis of urban development, economic level, and COVID-19 cases in Mexico City. *Journal of Urban Management*, pp. 265–274. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2021.06.007>
- Momartin, S., Edielson da Silva, M., Aroche, J., & Coello, M. (2018). Resilience building through alternative intervention: ‘STARTTS “Project Bantu Capoeira Angola”’; on the road to recovery. *Intervention*, 16, pp. 154–160. https://doi.org/10.4103/INTV.INTV_6_18
- Moore, T. (2021). Planning for place: Place attachment and the founding of rural community land trusts. *Journal of Rural Studies*, 83, pp. 21–29. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2021.02.007> [In English]

- Morton, S., Pencheon, D., & Squires, N. (2017). Sustainable Development Goals (SDGs), and their implementation: A national global framework for health, development and equity needs a systems approach at every level. *British Medical Bulletin*, 124(1), pp. 81–90. <https://doi.org/10.1093/bmb/ldx031>
- Moulay, A., Ujang, N., & Said, I. (2017). Legibility of neighborhood parks as a predictor for enhanced social interaction towards social sustainability. *Cities*, 61, pp. 58–64. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.11.007>
- Mouratidis, K. (2018). Rethinking how built environments influence subjective wellbeing: A new conceptual framework. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 11(1), pp. 24–40. <https://doi.org/10.1080/17549175.2017.1310749>
- Mullins, L. C., & Dougan, E. (1990). The influence of depression, and family and friendship relations, on residents loneliness in congregate housing. *Gerontologist*, 30(3), pp. 377–384. <http://psycnet.apa.org/doi/10.1093/geront/30.3.377>
- Nissen, S. (2008). Urban transformation from public and private space to spaces of hybrid character. *Sociologický časopis/Czech Sociological Review*, 44(6), pp. 1129–1141. <https://doi.org/10.13060/00380288.2008.44.6.04>
- Pellman, J. (1992). Widowhood in elderly women: Exploring its relationship to community integration, hassles, stress, social support, and social support seeking. *International Journal of Aging & Human Development*, 35(4), pp. 253–264. <https://doi.org/10.2190/L316-f>
- Pilisuk, M. (1982). Delivery of social support: The social inoculation. *American Journal of Orthopsychiatry*, 52(1), pp. 20–31. <http://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1939-0025.1982.tb02661.x>
- Rahimi Sajasi, D. (2021). Social harms as an outcome of the gap between mosque and society. *Islam and Social Studies*, 8(4), pp. 8–26. [In Persian]
- Rapoport, A. (1984). *Culture & the urban order: The city in cultural context*. Boston: Allen and Unwin.

- Rezaei Liapae, S., Askarizad, R., & Alborzi, F. (2020). Investigation of physical factors affecting the wayfinding of educational spaces children aged 7–12 years old in Rasht, north of Iran. *International Journal of Pediatrics*, 8(1), pp. 10689–10704. <https://doi.org/10.22038/ijp.2019.14063> [In Persian]
- Richaud, L., & Amin, A. (2019). Mental health, subjectivity and the city: An ethnography of migrant stress in Shanghai. *International Health*, 11, S7–S13. <https://doi.org/10.1093/inthealth/ihz029>
- Richaud, L., & Amin, A. (2020). Life amidst rubble: Migrant mental health and the management of subjectivity in urban China. *Public Culture*, 32, pp. 77–106. <https://doi.org/10.1215/08992363-7816305>
- Rishbeth, C., Blachnicka-Ciacek, D., & Darling, J. (2019). Participation and wellbeing in urban greenspace: ‘Curating sociability’ for refugees and asylum seekers. *Geoforum*, 106, pp. 125–134. <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>
- Rosyid, M. (2017). Peredam konflik agama: Studi analisis penyelesaian di Tolikara Papua 2015. *Afkaruna: Indonesian Interdisciplinary Journal of Islamic Studies*, 13(1), pp. 48–81. <https://doi.org/10.18196/afkaruna.v13i1.4203> [In Indonesian]
- Rosyid, M. (2017). Peredam konflik agama: Studi analisis penyelesaian di Tolikara Papua 2015. *Afkaruna: Indonesian Interdisciplinary Journal of Islamic Studies*, 13(1), pp. 48–81. <https://doi.org/10.18196/afkaruna.v13i1.4203> [In Indonesian]
- Saeedi, M., Kheiraldin, R., & Behzadefar, M. (2020). Explaining the factors affecting the vitality of public space: Case study of Vali-Asr Crossroads, Tehran. *Journal of Sustainable City*, 2(3), pp. 105–123. [In Persian]
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), pp. 1–10. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006>

- Schmid, H., Akca, A. A., & Barwig, K. (2008). *Gesellschaft gemeinsam gestalten: Islamische Vereinigungen als Partner in Baden-Württemberg*. Baden-Baden: Nomos. [In German]
- Sennett, R. (1970). *Uses of disorder: Personal identity and city life*. New York: Alfred A. Knopf.
- Sennett, R. (1974). *The fall of public man*. New York, NY: W. W. Norton & Company.
- Sennett, R. (1974). *The fall of public man*. New York: W. Norton & Company.
- Sennette, J. A. (1974). Low renin essential hypertension. *Journal of the Tennessee Medical Association*, 67(3), pp. 211-212.
- Serageldin, I., & Steele, J. (1996). *Architecture of the contemporary mosque*. University of Michigan: Academy Editions.
- Sheikhi, R. A., Seyedin, H., Qanizadeh, G., & Jahangiri, K. (2021). Role of religious institutions in disaster risk management: A systematic review. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 15(2), pp. 239-254.
<https://doi.org/10.1017/dmp.2019.145>
- Shekhar, H., Schmidt, A. J., & Wehling, H.-W. (2019). Exploring wellbeing in human settlements—a spatial planning perspective. *Habitat International*, 87, pp. 66-74. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.04.007>
- Siswanto, B. (2019). Peranan masjid dalam membentuk karakter akhlak Muslim mahasiswa STSN. *Tadrib*, 5(1), pp. 21-33.
<https://doi.org/10.19109/tadrib.v5i1.2588> [In Indonesian]
- Spielhaus, R. (2012). Making Islam relevant: Female authority and representation of Islam in Germany. In M. Bano & H. Kalmbach (Eds.), *Women, leadership, and mosques: Changes in contemporary Islamic authority* (pp. 437-455). Leiden: Brill.
https://doi.org/10.1163/9789004209367_023 [In German]
- Steg, L., & Vlek, C. (2009). Encouraging pro-environmental behavior: An integrative review and research agenda. *Journal of Environmental Psychology*, 29(3), pp. 309-317. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2008.10.004>

- Steinbach, U. (1992). Social networks, institutionalization, and morality among elderly people in the United States. *Journal of Gerontology*, 47(4), pp. 183–190. <https://doi.org/10.1093/geronj/47.4.S183>
- Tamura, M., Kotani, H., Katsura, Y., & Okai, H. (2022). Mosque as a COVID-19 vaccination site in collaboration with a private clinic: A short report from Osaka, Japan. *Progress in Disaster Science*, 16. <https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2022.100263>
- Tardast, Z., Rajabi, A., & Meshkini, A. (2020). Feasibility model of local biophilic city indicators: Case study of districts 9 and 10 of Tehran metropolis. *Journal of Sustainable City*, 1(3), pp. 123–146. [In Persian]
- Thomas, D. (2003). A general inductive approach for qualitative data analysis. University of Auckland, New Zealand.
- Tonne, C., Adair, L., Adlakha, D., Anguelovski, I., Belesova, K., Berger, M., & Adli, M. (2021). Defining pathways to healthy sustainable urban development. *Environment International*, 146, 106236. <https://doi.org/10.1016/j.envint.2020.106236>
- Ucar, B. (Ed.). (2011). *Islamische Religionspädagogik zwischen authentischer Selbstverortung und dialogischer Öffnung: Perspektiven aus der Wissenschaft und dem Schulalltag der Lehrkräfte*. Frankfurt am Main: Peter Lang. [In German]
- Van der Boor, C. F., Dowrick, C., & White, R. G. (2020). 'Good life is first of all security, not to live in fear': A qualitative exploration of female refugees' quality of life in the United Kingdom. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 48, pp. 710–731. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2020.1852074>
- Verkaaik, O. (2012). Designing the 'anti-mosque': Identity, religion and affect in contemporary European mosque design. *Social Anthropology*, 20(2), pp. 161–176. <https://doi.org/10.1111/j.1469-8676.2012.00198.x>
- Vitus, K. (2022). Forming the capacity to aspire: Young refugees' narratives of family migration and wellbeing. *Journal of Youth Studies*, 25, pp. 400–415. <https://doi.org/10.1080/13676261.2021.1886263>

- Walther, L., Amann, J., Flick, U., Thi Minh Tam, T., Malek, B., & Hahn, E. (2021). A qualitative study on resilience in adult refugees in Germany. *BMC Public Health*, 21, pp. 1–17. <https://doi.org/10.1186/s12889-021-10817-6>
- Wiryomartono, B. (2009). A historical view of mosque architecture in Indonesia. *Asia Pacific Journal of Anthropology*, 10(1), pp. 33–45. <https://doi.org/10.1080/14442210902758715>

Editorial Board

(Persian Alphabetical Order)

Nasrullah Aqajani

Assistant Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

Karim Khan Mohammadi

Associate professor and head of the Educational Department for Cultural Studies and Relations, Baqir al-Olum University.

Mahmud Rajabi

Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Sayyed Abbas Salehi

Assistant Professor, Research Center For Civilization Islam, Islamic Science And Culture Academy

Hassan Ghaffari.far

Assistant Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

Hossein Kachuyan

Associate Professor, School of Social Science, Tehran University

Nematollah Karamollahi

Associate Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

Shamsullah Mariji

Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

Reviewers of this Volume

Ghasem Ebrahimipour, Nasrollah Aghajani, Saeed Amirkaveh, Khalil Amirizadeh, Mohammad Hossein Pouriani, Seyed Abbas Hosseini, Davud Rahimi Sejasi, Mohammad Rafiq, Mohsen Ghanbari Nik, Mehdi Nasiri.



The Quarterly Journal of
Islam
and Social Studies

Vol. 13, No. 1, Spring 2025

48

Islamic Sciences and Culture Academy

www.isca.ac.ir

Manager in Charge:

Najaf Lakzaei

Editor in Chief:

Hamid Parsania

Executive Director:

Mohsen GHanbari Nik

Tel.: +98 25 31156909 • P.O. Box.: 37185/3688

Jiss.isca.ac.ir

www.jiss.isca.ac.ir

راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

فرم اشتراک

حوزه	فقه	نقد و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۲,۸۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	مطالعات علوم قرآنی	جامعه مهدوی	اخلاق
یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
نام پدر: میزان تحصیلات:		نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد:		نام: نهاد: شرکت:
کد اشتراک قبلی: پیش شماره: تلفن ثابت: تلفن همراه:		کد پستی: صندوق پستی: رایانامه:	استان: شهرستان: خیابان: کوچه: پلاک:	نشانی:

هزینه های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹
تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۲
شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰
رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیبایانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی